

کیمهان

۴۶۹

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۵ تا ۲۱ تیر ۱۴۰۳ خورشیدی
سال چهل و یکم - شماره ۱۹۳۵

دوقطبی اصلی پابرجاست:

مردم و حکومت!

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم
کیهان شماره ۱۹۳۵ (۴۶۹)

جمعه ۱۵ تا ۲۱ تیر ۱۴۰۳
۵ تا ۱۱ ژوئیه ۲۰۲۴



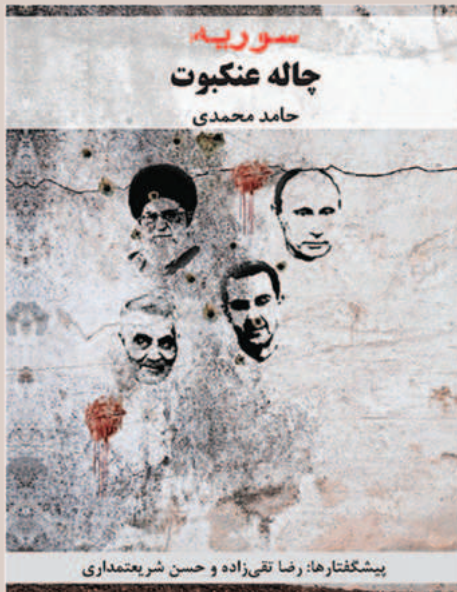
آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سر دبیری:
editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

- Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk
- Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
- Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
- Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
- UTOPIRAN, 89 Rue du Rousseau, 75018 Paris, FRANCE
- Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

کیمهان

فهرست مطالب

سر مقاله - صف‌های روشن و تنها خاکریز / ال‌ا‌هه بقراط ۴

تیترو هفته - دوقطبی اصلی پابرجاست: مردم و حکومت! / ۴-۵

شاهزاده رضا پهلوی: تحریر سیرک انتخابات «رفراندم» علیه نظام بود / ۶-۷

شاهزاده رضا پهلوی: پیروز شما مید که به کلیت رژیم با قاطعیت نه گفتید! / ۷

پیام شاهزاده رضا پهلوی به ملت بزرگ ایران: راه‌هایی شمانه از صندوق‌های رای قلابی / ۸

مناظره نامزدهای نهایی «دوبال نظام» در سیرک انتخابات با شرط «اعدام» / ۹-۱۰

جنجال انتخاباتی «کرسنت»؛ از فرافکنی بیژن زنگنه تا / ۱۰-۱۱

عاقبت به خیری! / اخیر اندیش (احمد احرار) / ۱۱

سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران - خاطرات علینقی عالیخانی (بخش ۲۲) / ۱۲-۱۳

خامنه‌ای می گوید تحریر کنندگان انتخابات «مخالف نظام» نیستند / ۱۴

بازارها پیام «عدم مشارکت حداکثری انتخابات» را دریافت کردند / ۱۵

واکنش یک مقام اسرائیلی به تهدیدات جمهوری اسلامی: اگر موجودیت ما تهدید / ۱۶

سرویس اقدام خارجی اروپا در خواست آلمان برای تروریستی خواندن سپاه / ۱۶-۱۷

پیروزی قاطع «حزب کارگر» در انتخابات بریتانیا / ۱۷

چراغ سبز حکومت به حضور پان ترک‌ها و تجزیه طلبان در ستاد انتخاباتی / ۱۸-۱۹

تحریر انتخابات حکومتی؛ آسوشیتد پرس: تصمیم گیرنده نهایی علی خامنه‌ای / ۱۹

بیش از پنجاه سال خبررسانی در آلمان درباره ایران (بخش ۶) / ال‌ا‌هه بقراط ۲۰-۲۱

نهادگرای بین الملل و جایگاه ایران آینده / محمود مسائلی ۲۲-۲۳

مردم عزیز ایران؛ بیایم! ما شرمندیم! / بهنام محمدی ۲۳

روند پرشتاب تحصیل دانش آموزان «اتباع» با امکانات رایگان آموزش و / ۲۴

چه پزشکیان و چه جلیلی، انزوای بیشتر جهانی در انتظار / احمد رافت ۲۵

مرگ مشروعیست جمهوری اسلامی؛ ابعاد تازه‌ای از آمارسازی در انتخابات / ۲۶

بانک امامیان: «برکسیت و ترمز بر مهاجرت شکست حزب محافظه کار / ۲۷

نخستین ضرب شست خامنه‌ای به پزشکیان؛ لغو نشست خبری با / ۲۷

هشدار نمایندگان جمهوری اسلامی در سازمان ملل به اسرائیل در مورد حمله به / ۲۸

گفتگوی تلفنی علی باقری کنی با وزیر خارجه ترکیه درباره لبنان / ۲۸-۲۹

کمال خرازی: اگر اسرائیل به حزب الله حمله کند با تمام امکانات وارد می شویم / ۲۹

«نه» دیگر مردم به جمهوری اسلامی / ۳۰

جمهوری اسلامی سر بازان و پرسنل ارتش را برای بالا بردن آمار مشارکت در / ۳۱

قرابانین عملیات تروریستی «هفت اکتبر» از جمهوری اسلامی، سوریه و کره شمالی / ۳۲

جلیلی هر اسی: نقشه‌ی لورفته رژیم در سیرک انتخابات / سیاوش پندار ۳۲-۳۳

آغاز روند اخراج «پنج مقام جمهوری اسلامی» از کانادا / ۳۳

انجمن تجارت الکترونیک ایران؛ جایگاه ایران در دسترس آزا ده اینترنت / ۳۴-۳۵

تهدید ایران از خارج کشور از سوی قوه قضاییه؛ اخلاک‌گرا در برگزاری انتخابات / ۳۵

مسعود پزشکیان مولوی عبدالحمید را نمی شناسد / ۳۶-۳۷

ادعای بی اساس تیم اقتصادی رئیسی درباره کاهش تورم / ۳۷-۳۸

از فقدان مشروعیست درونی تادشمنی استراتژیک با غرب / وحید وحدت حق ۳۸-۴۰

کمبود ۲۴۸ هزار آموزگار در سال جدید تحصیلی / ۴۰-۴۱

اخراج عامل جمهوری اسلامی از فرانسه؛ استقبال حمید نوری از بشری آزا در / ۴۲

اخراج باقر اردشیر لاریجانی از کانادا؛ وی در اوج خیزش ضد حکومتی ۱۴۰۱ / ۴۲-۴۳

پیام سفارت لهستان در تهران به پناهجویان: سرویس‌های امنیتی بلاروس و روسیه از / ۴۳

ادامه اعتصاب سراسری هزاران کارگر پیمانی صنعت نفت / ۴۴

سمینار بحران آب در ایران و راهکارهای برون رفت در لندن برگزار شد / ۴۵

اتحاد سرخ؛ اعلان جنگ به جهان؟! / ۴۵

معمای ناپدید شدن چینی هادر اکوادور / ۴۵

هشدار هادر باره افزایش ابتلا به تب دنگی در ایران / ۴۶

قطع سر بالی در ختان پایتخت به محدوده یک پادگان رسید / ۴۷

وضعیت بحرانی آبخوان‌های ایران / ۴۸-۴۹

پایگاه‌های نظامی آمریکا در اروپا به حالت «آماده باش» درآمدند / ۴۹

خبرهای کوتاه / ۵۰-۵۱

پشت جلد - عکس هفته / سیرک انتخابات با انتصاب رئیس دولت حکومت اقلیت به پایان رسید ۵۲



بازنشر
بازنشر

بازنشر

سرمقاله

صف‌های روشن و تنها خاکریز

سیرک انتخابات تیرماه ۱۴۰۳ در دو دور به پایان رسید. رفتار عمومی را که با عدم حضور مردم به نمایش درآمد با هیچ عدد و آمارسازی نه از چشم جامعه و نه از نگاه جهان نمی‌توان پنهان کرد: اقلیتی بین ده تا ۱۵ درصد که از همه امکانات از جمله ابزار رسانه و سرکوب برخوردار است در برابر اکثریت قاطع بین هشتاد تا نود درصد که امکانی جز تلاش‌های مدنی از جمله تحریم رژیم در اختیار ندارد.

اکنون صف‌بندی‌های سیاسی با جابجایی برخی نیروها از همیشه روشن‌تر است و تصویری را به نمایش می‌گذارد که سرانجام فعل و انفعالات اجتماعی را به سوی رویدادهای



تعیین‌کننده هدایت خواهد کرد.

جمهوری اسلامی همزمان با از دست دادن مردم و پایگاه اجتماعی خود و ریزش‌های درونی که تحمل می‌کند، هنوز از حلقه‌های وفادار در درون و بیرون خویش برخوردار است که تا آخرین لحظه مقاومت خواهند کرد. بخشی از این حلقه از نظر مذهبی و عقیدتی با رژیم خواهد ماند. بخشی دیگر اما از نظر سیاسی و در دفاع از انقلاب ۵۷ و نه الزاما برای جمهوری بلکه علیه پادشاهی و پهلوی تا آخر با این رژیم خواهد ماند. این وفاداری برای اینان علاوه بر منافع احتمالی اقتصادی، جنبه‌ی «ناموسی» و «حیثیتی» پیدا کرده است. اینان عبارتند از یک اقلیت متشکل از افراد مذهبی و ملی-مذهبی و چپ و قوم‌گرا و تجزیه‌طلب که با گرایش‌هایی مختلط از غربگرایی تا ضدغربی و طرفدار روسیه و چین، در عمل به دنبال حکومت فرقه‌ای مانند خود جمهوری اسلامی یا جمهوری‌های خلقی و یا مشابه جمهوری‌های عراق و لبنان هستند.

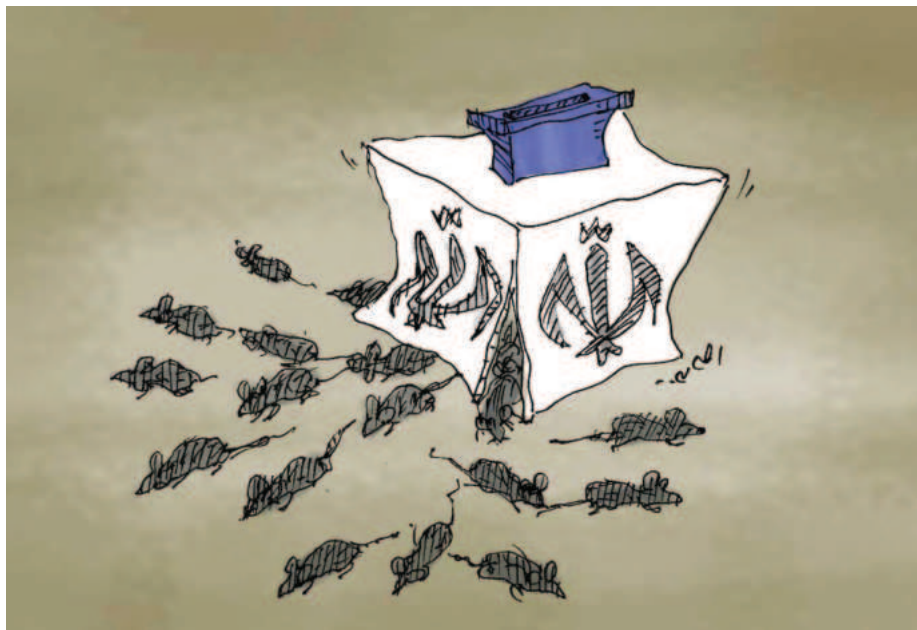
در آنسو اما اکثریتی متنوع از اقوام و مذاهب و عقاید سیاسی گوناگون قرار دارند که ممکن است مدافع پهلوی و یا مخالف پهلوی باشند؛ عمدتا غربگرا هستند اما ضدغربی نیز در میان آنها دیده می‌شود؛ ممکن است مخالف جمهوری یا مخالف پادشاهی باشند اما قاطعانه ضد جمهوری اسلامی هستند؛ به هیچ قیمتی اصلاح‌طلب نیستند و به دنبال براندازی و سپردن جمهوری اسلامی به زیاله‌دان تاریخ‌اند. این اکثریت به دنبال آزادی و امنیت و رفاه در یک میهن آباد و در صلح با همه کشورهای منطقه و جهان است. همبستگی ملی بین این اکثریت شکل گرفته و آلتزاتیو را نیز همین نیروی متکثر با رهبری شاخص ارائه می‌دهد.

تکلیف گروه اول که حامی جمهوری اسلامی است مشخص است؛ در میان گروه دوم که اکثریت مخالف جمهوری اسلامی هستند اما نیرویی نیز وجود دارد که پیشینه‌اش به دفاع از اصلاح‌طلبی رژیم می‌رسد و اگرچه از نظام عبور کرده اما همچنان به انقلاب ۵۷ وفادار است. به نظر می‌رسد واقعیت این نیرو را مجبور کرده که به این نتیجه برسد که نمی‌توان مدافعان پادشاهی و پهلوی را نادیده گرفت. اینها همان کسانی هستند که در نمایش انتخابات اخیر نیز شرکت نکردند. رأی ندادن آنها اگرچه در شمار واقعی آرا و همچنین عددسازی رژیم نقش‌بازی نمی‌کند، اما برای آینده و اعتمادی که به اعتبار این تحریم پیدا کرده‌اند، اهمیت دارد!

نکته مهم این است: تنها خاکریز بین مشروعه و مشروطه، بین «ایران اسلامی» و ایران نوین، بین گذشته و آینده، نه جمهوری اسلامی بلکه انقلاب ۵۷ است و همه شواهد نشان از عبور جامعه از این خاکریز دارد که رژیم اسلامی معلول آن است. وفاداری به آن انقلاب ارتجاعی راهگشا نیست!

تیر هفته

دوقطبی اصلی پابرجاست:
مردم و حکومت!



● دو قطبی اصلی میان مردم و جمهوری اسلامی همچنان پابرجاست و چه با پزشک‌یان و چه با هر «منصوب» دیگری تشدید خواهد شد و تا فروپاشی جمهوری اسلامی پیش خواهد رفت.

سخنان جسته و گریخته‌ی برخی چهره‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا نیز نشان می‌داد که هدف حکومت، اعلام مشارکت ۵۰ درصدی است. با اینهمه در دور نخست که هشتم تیر برگزار شد، با وجود همه تلاش‌های حکومت از جمله در آمارسازی و تقلب در ارقام، نتوانست مدعی مشارکت ۵۰ درصدی شود و رقم مشارکت را ۳۹ درصد و ۹ دهم درصد اعلام کرد.

با اعلام نتیجه آرای چهار نامزدی که در رقابت دور نخست در هشتم تیرماه شرکت کرده بودند، موضوع مشکوک ضریب سه بودن آرای آنها، احتمال سه برابر کردن آرای همگی آنان را بالا برد چرا که از نظر محاسبات علم آمار احتمال تصادفی بودن اینکه آرای هر چهار نامزد، همگی ضریبی از سه باشند تقریبا نزدیک به صفر است.

با اینهمه، حتی آرای اعلام شده از سوی جمهوری اسلامی نیز بیانگر یک واقعیت بود: شکست خامنه‌ای و جناحین‌اش در داغ کردن تنور انتخابات و «نه» بیش از ۶۰ درصد از مردم ایران به جمهوری اسلامی!

شوک این شکست به حدی جدی بود که علی خامنه‌ای در اقدامی بی‌سابقه بیش از چهار روز بعد از اعلام نتایج انتخابات نتوانست درباره افتضاح انتخاباتی پیامی بدهد. او پس از چند روز سکوت تنها توانست خود را دلداری بدهد که آنها که مشارکت نکردند لزوما مخالف نظام و در جرگه براندازان نیستند!

اصلاح‌طلبان هم در اقدامی زیرکانه «نه» مردم به جمهوری اسلامی را به «قهر» تنزل دادند تا این تصور را جا بیندازند که شهروندانی که پای صندوق نرفتند فقط دلخوری و نارضایتی جزئی از حکومت، و احتمالا جناح رقیب، دارند و این قهر و دلخوری قابل حل و آشتی‌کنان است!

موتور تبلیغات و پروپاگاندای حکومت در داخل و خارج طی یک هفته گذشته و در فاصله دور اول تا دوم

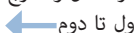
سرانجام در نیمه تیرماه ۱۴۰۳ روند تعیین جانشینی ابراهیم رئیسی برای ریاست دولت چهاردهم جمهوری اسلامی با اعلام نام مسعود پزشکیان پایان یافت. علی خامنه‌ای به شدت به افزایش مشارکت انتخابات نیاز داشت اما با وجود نمایش گسترده و دو مرحله‌ای کردن انتخابات و با نقش‌آفرینی اکثر مقامات حکومتی و گروهی از هواداران حکومت در داخل و خارج، نتیجه‌ای حاصل نشد جز اثبات این واقعیت که جمهوری اسلامی در برابر اکثریت قاطع ملت ایران در اقلیت قرار دارد.

انتخابات نمایشی ۱۴۰۳ را می‌توان یکی از نقاط عطف در حیات جمهوری اسلامی و یکی از آخرین تلاش‌های رهبر ۸۵ ساله جمهوری اسلامی برای نجات حکومت‌اش در برابر بحران سقوط ارزیابی کرد؛ انتخاباتی زود هنگام که در پی مرگ مشکوک ابراهیم رئیسی در حادثه سقوط هلی‌کوپتر (۳۰ اردیبهشت)، یک سال زودتر از موعد برگزار شد.

آخرین تلاش‌های رهبر سالخورده

علی خامنه‌ای تمام امکانات خود را به کار گرفت تا مشارکت در نمایش انتخابات را بالا برد و مشروعیت از دست رفته‌ی نظام را تا حدی ترمیم کند. آرایش نامزدها از ابتدا گویای تصمیم علی خامنه‌ای برای ایجاد یک دوقطبی بود. ترکیب یک اصلاح‌طلب با پنج اصولگرا در میان شش نامزد نهایی از میان ۸۰ «خودی» حکومت که داوطلب جانشینی «قاضی مرگ» بودند از جمله بیانگر سیاست نخ‌ما و تکراری «انتخاب میان بد و بدتر» بود.

این سیاست به حدی تکراری بود که از همان ابتدا بیشتر شهروندان می‌دانستند دو نامزد اصولگرا برای داغ کردن تنور انتخابات مأموریت دارند و در آخرین ذقایق انصراف می‌دهند و رقابت نهایی مانند آنچه در چند دوره اخیر مرسوم بوده میان چهار نامزد پیش خواهد رفت.



دو جناح برای حفظ قدرت سیاسی و اقتصادی، فساد فزاینده و درگیری‌های علنی شده میان مقامات حکومت و سرانجام بحران دانشجویی خامنه‌ای روبروست. اینهمه با میدان گرفتن دوباره اصلاح‌طلبان در قدرت تشدید خواهد شد.

دوقطبی اصلی پابرجاست

در این میان تحریم گسترده انتخابات از سوی شهروندان درون ایران که حتی توانست جمهوری اسلامی را در آمارسازی و اعلام ارقام بالای مشارکت خلع سلاح کند موضوعی نیست که با آمدن مسعود پزشکیان در دولت حل شود و یا حتی التیام پیدا کند.

اکنون می‌توان گفت که نقش‌آفرین اصلی در دولت مسعود پزشکیان نیز محمد جواد ظریف خواهد بود که در نقش نامزد نیابتی نیز بزرگترین خدمت را برای گرم کردن تنور نمایش انتخابات انجام داد. جمهوری اسلامی محمدجواد ظریف را به جلوی صحنه فرستاده چون فکر می‌کند برای پیش بردن مذاکره با غرب به وی و شبکه‌ی لابیگرانش نیاز دارد.

از سوی دیگر مسعود پزشکیان از سوی شخصیت‌های امنیتی حکومت از جمله محمود علوی وزیر سابق اطلاعات، علی یونسی وزیر اطلاعات دولت محمد خاتمی و علی ربیعی مشهور به «بازجو عباد» کارمند سابق وزارت اطلاعات حمایت می‌شود.

مسعود پزشکیان نگاه اسلامی تندرو دارد، از موافقان شدید حجاب اجباری است و در انتخابات حتی مطرح کرد که باید از مهدکودک‌ها درباره حجاب اجباری «فرهنگ‌سازی» یا همان شستشوی مغزی انجام شود. او از تدوین‌کنندگان طرح «تقویت جایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در برابر آمریکا» در مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۸ و پس از قرار گرفتن سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی از سوی آمریکا است.

از سوی دیگر پزشکیان نگاه و موضعی به شدت قومگرا دارد. او با الگوبرداری از «نهج‌البلاغه» طرح راه‌اندازی ساختار سیاسی ولایتی- ایالتی را سال‌هاست پیگیری می‌کند و در انتخابات اخیر نیز او و همکارانش از جمله محمدجواد ظریف، سرمایه‌گذار گسترده‌ای روی تحریک تبارها و اقوام ایرانی انجام دادند. نتیجه این رویکرد نیز حمایت قومگراهای درون کشور و حضور پان‌ترک‌ها در مراسم تبلیغاتی مسعود پزشکیان بود.

چنین نگاهی در شرایط شکننده سیاسی ایران و در حالی که قوم‌گرایی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل بروز تنش‌ها و درگیری‌های مسلحانه داخلی شناخته می‌شود، همانطور که شاهزاده رضا پهلوی نیز پیشتر تأکید کرده، سبب تهدیدی جدی علیه یکپارچگی ملی و تمامیت ارضی به شمار می‌رود. در این شرایط، بدون شک مسعود پزشکیان نخواهد توانست سیاست مورد نظر خامنه‌ای را در کشور، یعنی جلب اعتماد مردم به نظام و تبدیل تحریم‌کنندگان انتخابات به حامیان را پیش ببرد.

مردم ایران سال‌هاست از جمهوری اسلامی و جناحین و ترفندهای نخ‌نمای آنها بریده‌اند و حتی بارها جان خود را در خیابان کف دست گرفتند تا دفتر جمهوری اسلامی را برای همیشه ببندند و به آزادی و آبادی و رفاه برسند.

اکنون هرچند «سیرک انتخابات» پایان یافته و علی خامنه‌ای تصور می‌کند یک پیچ خطرناک دیگر را پشت سر گذاشته، اما او و دستگاه امنیتی‌اش نیز می‌دانند که دو قطبی اصلی میان مردم و جمهوری اسلامی همچنان پابرجاست و چه با پزشکیان و چه با هر «منصوب» دیگری تشدید خواهد شد و تا فروپاشی جمهوری اسلامی پیش خواهد رفت.

به هر حال، علی خامنه‌ای در انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم نیز مطیع‌ترین اصلاح‌طلب را وارد صحنه کرد. مسعود پزشکیان از پشتیبانی بسیاری از نزدیکان خامنه‌ای از جمله علی‌اکبر ولایتی و علیرضا مرندی رئیس تیم پزشکی خامنه‌ای برخوردار است. او اگرچه با حمایت جناح



اصلاح‌طلب به ریاست دولت رسید اما یکی از اصولگراترین و حتی در مواردی افراطی‌ترین عوامل جمهوری اسلامی در نگاه ایدئولوژیک و اعتقاد به نقش رهبری و خامنه‌ای در حکومت به شمار می‌رود.

علی خامنه‌ای ناگزیر بود انتخاب کند دولت چهاردهم را با در نظر گرفتن شرایط سیاسی داخلی و بین‌المللی، با یک مهره اصلاح‌طلب ببنند یا اصولگرا؛ و چه کسی بهتر از پزشکیان در واقع اصولگرا که از سوی اصلاح‌طلبان حمایت می‌شود! شرایط اقتصادی و انزوای شدید جمهوری اسلامی، به نتیجه رساندن مذاکرات را برای رهبر نظام ضروری ساخته است. او از ماه‌ها پیش از کشته شدن ابراهیم رئیسی نیز مذاکرات پنهان را همراه با شاخ و شانه‌کشیدن‌های ظاهری و قلدری در منطقه پیش برده بود. همچنین در پیش بودن انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده و احتمال بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید نیز وی را وادار می‌کرد تا سریع‌تر مذاکرات را به جایی برساند که اگر بایند در کاخ سفید مانند، دولت چهاردهم چندان چهره‌ی تندرو و بنیادگرا نداشته باشد.

در داخل کشور هم شکاف میان مردم و حکومت به اوج خود در دوران رژیم رسیده است. خامنه‌ای که علاقه‌ای ندارد در آخرین سال‌های عمر و یا پس از مرگش، کشور دچار تنش‌های شدید داخلی شود و در تاریخ ثبت شود که مرگ او با آزادی مردم ایران همراه شد، با انتخاب پزشکیان به دنبال تداوم بازی با افکار عمومی و رویا فروشی و وعده‌فروشی بوده است.

هرچند به لحاظ نگاه و همسویی، سعید جلیلی گزینه مطلوب‌تری برای علی خامنه‌ای به شمار می‌رود اما بحران‌های خارجی و داخلی و قفل بزرگ اقتصاد کشور، او را ناچار کرد مهره‌چینی در دولت چهاردهم را با اصلاح‌طلبان پیش ببرد. نظام البته با چالش‌های جدی دیگر مانند اختلافات گسترده میان اصولگرایان، تنش میان اصولگرایان و اصلاح‌طلبان، ریزش اصلاح‌طلبان، تلاش گروه‌های مافیایی هر

انتخابات، به شکل شبانه‌روزی و با به کار گرفتن شماری از عوامل و هواداران و مزدوران نظام در حرکت بود. جمهوری اسلامی حتی راه‌های دیگری، از به زور کشیدن سربازان پای صندوق رأی تا تهدید افسار تنگدست با قطع حمایت‌های مالی و پارانه‌ها، به کار گرفت. ولی باز هم با

وجود اینهمه تلاش و تقلب، رژیم نتوانست آمارسازی کرده و میزان مشارکت را ۵۰ درصد اعلام کند.

پزشکیان، محصول پاسکاری خامنه‌ای و اصلاح‌طلبان!

اصلاح‌طلبان بیش از ربع قرن است تلاش دارند نشان دهند یک دوگانه جدی و پررنگ میان آنها با «بیت خامنه‌ای» وجود دارد. این تظاهر به ویژه در دوره‌های انتخابات شدت پیدا می‌کرد. یکی از اهداف آنها گردن نگرفتن هر ناکارآمدی و تباهکاری در حکومت است تا با این ترفند بتوانند همچنان پایگاه اجتماعی خود را حفظ کنند. آنها از این طریق وانمود می‌کردند صدای واقعی مردمی هستند که علی خامنه‌ای و اطرافیانش با آنها فاصله‌ای عمیق دارند.

از سوی دیگر در بنبوخته انتخابات می‌توانستند دوگانه «بد و بدتر» را ترویج و بخشی از جمعیت اندک مردم را با ترساندن از رقیب به پای صندوق رأی بکشانند؛ همان ترفند معروف و پرکاربرد اسلامی «النصر بالرب» یا پیروزی با هراس‌آفرینی!

در واقعیت اما هر آنکسی که از فیلتر شورای نگهبان عبور می‌کند، جدا از آنچه خود را می‌نامد، بدون شک فردی مطیع و فرمانبردار علی خامنه‌ای است. به ویژه آنکه خامنه‌ای در دولت‌های پیش از دولت رئیسی با اختلاف نظر ریاست‌های دولت با برخی سیاست‌گذاری‌های روبرو شده بود و از سال ۱۴۰۰ که نام ابراهیم رئیسی از صندوق رأی بیرون آمد، رئیس دولت با او کمترین تنش را داشت.

رهبر جمهوری اسلامی که هم‌اکنون آخرین سال‌های عمر را سپری می‌کند با دولت رئیسی توانسته بود رابطه مورد نظر رهبر- دولت را بسازد. هرچند خبرهایی غیررسمی از اختلاف نظرهای مجتبی خامنه‌ای فرزند ارشد وی با ابراهیم رئیسی حکایت داشت؛ یکی از این اختلافات دیدارهای ابراهیم رئیسی با علما و مراجع در سفرهای استانی پرتراژیک‌اش بود که بیم زمینه‌سازی رئیسی برای رهبری آینده جمهوری اسلامی را در مجتبی خامنه‌ای و اطرافیانش فزایش داده بود.

شاهزاده رضا پهلوی: تحریم سیرک انتخابات «رفراندوم» علیه نظام بود؛ نامزدها همه نوکران علی خامنه‌ای هستند



● شاهزاده رضا پهلوی در گفتگوی اختصاصی با سیامک دهقانپور در بخش فارسی «صدای آمریکا» با اشاره به تحریم گسترده انتخابات هشتم تیرماه در ایران گفت، «مردم با عدم حضور پای صندوق‌های رأی هم به رژیم و هم به جهان پیام دادند که ما دیگر تن به سیرک انتخابات نمی‌دهیم».

● محور این مصاحبه که چهارشنبه ۱۳ تیرماه پخش شد دستاوردهای تحریم نمایش انتخابات برای مردم و پیامدهای آن برای حکومت بود.

● «کاربرد انتخابات برای جمهوری اسلامی بیان خواسته‌های مردم نیست بلکه با این انتخابات می‌خواهد به دنیا نشان دهد ما مشروعیت داریم... حضور حداقلی در انتخابات دو اهمیت داشت: یکی نه به خود رژیم و دیگری پیام رساندن به دنیا که ما از جمهوری اسلامی گذر کردیم. این شکل‌گرفتن بلوغ سیاسی است».

● «من هیچوقت نگفتم که اگر مثلاً آقای ترامپ رئیس جمهور شود مشکل همه ما حل می‌شود، باز برمی‌گردیم به میزان مشارکت مردم در انتخابات داخل ایران؛ فردا هر کسی در کاخ سفید بنشیند می‌بیند که نظام چقدر در داخل ضعیف است».

شاهزاده رضا پهلوی در یک گفتگوی اختصاصی با سیامک دهقانپور در بخش فارسی «صدای آمریکا» با اشاره به تحریم گسترده انتخابات نمایشی هشتم تیرماه در ایران گفت، «مردم با عدم حضور پای صندوق‌های رأی هم به رژیم و هم به جهان پیام دادند که ما دیگر تن به سیرک انتخابات نمی‌دهیم».

محور این مصاحبه که چهارشنبه سوم ژوئن (۱۳ تیرماه) پخش شد دستاوردهای تحریم برای مردم و پیامدهای آن برای حکومت بود. شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد، «در ایران انتخاباتی وجود ندارد؛ خامنه‌ای می‌گوید از بین نوکران من یکی را انتخاب کنید».

وی در مقدمه صحبت‌هایش گفت عدم شرکت در انتخابات یک «نه» بزرگ به کلیت جمهوری اسلامی بود و نشان داد جامعه به سطحی از بلوغ و درک رسیده که دیگر نمی‌شود آنها را بازی داد. وی توضیح داد، «سیرک انتخابات از بدو شکل‌گیری رژیم وجود داشت اما چیزی که برای آنها هرگز مهم نیست رأی مردم است. کاربرد انتخابات برای جمهوری اسلامی بیان خواسته‌های مردم نیست بلکه با این انتخابات می‌خواهد به دنیا نشان دهد ما مشروعیت داریم... حضور حداقلی در انتخابات دو اهمیت داشت: یکی نه به خود رژیم و دیگری پیام رساندن به دنیا که ما از جمهوری اسلامی گذر کردیم. این شکل‌گرفتن بلوغ سیاسی است».

این چهره‌ی شاخص مخالفان دموکراسی خواه رژیم با اشاره به رابطه «نرخ فقر و فلاکت بر میزان مشارکت در انتخابات» بیان کرد: «اگر مسئولان نظام کسانی بودند که به وعده‌های خودشان عمل می‌کردند نباید ۶۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می‌کردند و تورم ۴۰ تا ۵۰ درصدی وجود داشت یا ارزش ریال تا این حد سقوط می‌کرد، این نتیجه عملکرد تمام دولت‌هایی است که در جمهوری اسلامی آمدند. وضعیت معیشتی چیزی نیست

سرکوب داخلی تا تروریسم منطقه‌ای و تحرکاتی در خاک اروپا»

نامزدهای انتخابات نوکران خامنه‌ای هستند

دهقانپور در ادامه به همین موضوع اشاره کرد که «هر دو نامزد نهایی انتخابات از سپاه حمایت می‌کنند» که شاهزاده در تکمیل صحبت‌هایش گفت: «سپاه پاسداران و علی خامنه‌ای خط قرمز نامزدهای این انتخابات چه اصلاح‌طلب، چه اصولگرا هستند. هر کدام از اینها بیایند فرقی نمی‌کند. در واقع خامنه‌ای می‌گوید اینها نوکرهای من هستند یکی را انتخاب کنید رئیس جمهور شود؛ انتخابات برای جمهوری اسلامی یعنی ادامه سرکوب مردم و برخورد با غرب و ادامه همان سیاست‌ها، مردم ایران به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود این رژیم هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود؛ دنیا را هم باید به این نتیجه رساند».

دامن زدن به مباحث قومی

یکی دیگر از پرسش‌ها در این مصاحبه سخنانی‌های مسعود پزشکیان و دامن زدن وی به بحث‌های قومی بود. شاهزاده پهلوی در اینباره گفت: «نباید تعجب کنیم که نظام از هر نوع ترغیبی استفاده می‌کند تا دوباره مردم را پای صندوق بیاورد، وعده‌های دروغین می‌دهند، مردم را سر مسائل مختلف تحریک می‌کنند، به نظرم مردم ایران به این بلوغ فکری و سیاسی رسیده‌اند که گول این مانورها را نخورند».

دهقانپور در ادامه‌ی این موضوع پرسید آیا می‌توانند با ترساندن مردم از سعید جلیلی آنها را پای صندوق بیاورند؟ شاهزاده پاسخ داد: «می‌دانم کدام لولویی از این نظام مانده که آنها را الان رو نکرده باشند. از این مرحله گذر کردیم؛ الان مردم متوجه هستند گرفتاری آنها وقتی حل می‌شود

که با یک انتخابات و یا رئیس جمهور تغییر کند، کلیت نظام به ورشکستگی رسیده است».

انتخابات، رفراندوم بود

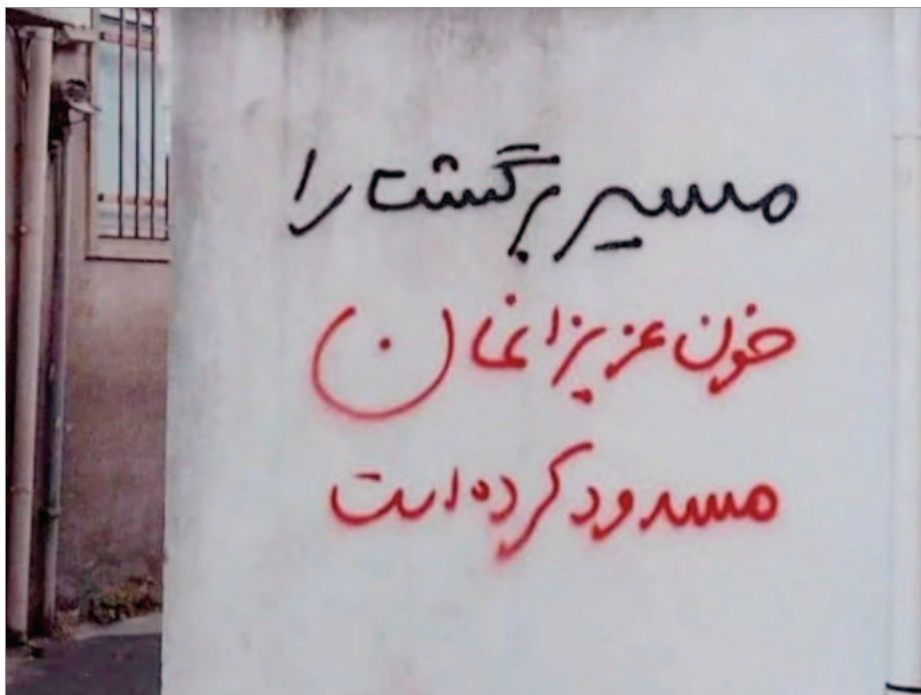
وی در ادامه با اشاره به اینکه «انتخابات در واقع یک رفراندوم بود» توضیح داد، «تحریم یکی از ابزار نافرمانی مدنی است، حرکتی است که زمینه‌ساز حرکات اجتماعی بعدی خواهد شد، اما برای رساندن آن به نتیجه نهایی یعنی پایان بخشیدن به رژیم، می‌تواند شامل کمپین‌های مختلف باشد، فکر کنم فراتر از [تحریم] این انتصابات، خیلی پروژه‌های مشترک در داخل و خارج از ایران را می‌شود به اجرا گذاشت تا از مرحله امیدواری به کنار رفتن نظام، به این باور برسیم که می‌توانیم نظام را کنار بزنیم. یکی از کارها شناسایی نیروهایی است که فردا بتوانند جایگزین این نظام شوند بدون اینکه به شکل زودرس این افراد علنی شوند، زیرا اگر زود این اتفاق بیفتند رژیم آنها را از بین خواهد برد».

انتخابات در اروپا، احتمال تروریستی اعلام شدن سپاه

یکی از پرسش‌های سیامک دهقانپور از شاهزاده رضا پهلوی درباره تأثیر قدرت‌گیری احزاب راست میانه در انتخابات اروپا و افزایش احتمال قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی بود که وی در پاسخ گفت: «دولت کانادا به این نتیجه رسید که بایستی سپاه را در فهرست تروریستی قرار دهد، این با تلاش بسیار زیاد جامعه ایرانی‌تبار کانادا بود، تردید در اروپا برای قرار دادن یا ندادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی یک بحث عمده است، بخشی از کمپین من این است که بتوانیم به عنوان جامعه مدنی روی دولت‌های اروپایی تأثیرگذار باشیم و آنها را وادار کنیم با فشار حداکثری به حکومت فشار بیاورند. سپاه در همه چیز دخالت دارد، از



شاهزاده رضا پهلوی: پیروز شماست که به کلیت رژیم با قاطعیت نه گفتید!



فریب و ترس رژیم برای رونق بخشیدن به صندوق‌های قلابی رایش را به شکست کشانید، و از سوی دیگر، کارزار عدلسازی و جعل آمار آن را نیز بی‌اثر کردید. فارغ از اینکه خامنه‌ای چه نتیجه‌ای را با اعمال چه ضریبی اعلام کند و نام کدام‌یک از دو غلام حلقه‌به‌گوش خود را از زیر عبایش بیرون بیاورد، پیروز این صحنه شماست که به او و کلیت رژیم‌اش با قاطعیت نه گفتید. این پیروزی برآمده از همبستگی ملی، مبارکتان باد! مبارزه ما تا پیروزی نهایی و رهایی ایران ادامه دارد. پاینده ایران، رضا پهلوی»

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی که عصر ۱۵ تیرماه ۱۴۰۳ منتشر شد بار دیگر «نه» ملت ایران به جمهوری اسلامی را ستود و این همبستگی را به همه کسانی که در این کارزار بزرگ و مهم شرکت کردند شادباش گفت.

متن پیام به این شرح است: «به شما ملت بزرگ ایران که در دور دوم #سیرک_انتخابات، در مقیاسی گسترده‌تر از قبل به جمهوری اسلامی و همه جناح‌ها و شعبه‌هایش «نه» گفتید و در این نمایش مضحک مشارکت نکردید، شادباش می‌گویم. ارزش و بزرگی کار شما در آن است که از یکسو، کمپین

وقتی ببینند مردم ایران از نظام عاصی شده‌اند، هزینه اینکه بخواهند به بقای نظام کمک کنند را درک می‌کنند، از بین رفتن نظام حکم تاریخ است، در تاریخ ثابت شده این نوع حکومت‌ها دوام نمی‌آورند، اما سؤال اینجاست که آیا مردم ایران فراموش می‌کنند کدام دولت‌ها به آنها کمک خواهند کرد یا به آنها پشت کردند.»

شاهزاده رضا پهلوی در بخش پایانی این مصاحبه با اشاره به نقش جمهوری اسلامی در درگیری‌ها میان اسرائیل و حزب‌الله گفت: «از نگاه حکومت شیطان بزرگ آمریکا و شیطان کوچک اسرائیل است، حکومت از روز اول اسرائیل‌ستیز و یهودستیز بوده، حتی زمان جنگ ایران و عراق وقتی ارتش ایران خاک اشغال شده را دوباره پس گرفت خمینی تصمیم گرفت جنگ را ادامه بدهد و فتح قدس برای آنها هدف اصلی بود. تا زمانی که این نظام سر کار است این بحران‌ها ادامه خواهد داشت، علت وجودی جمهوری اسلامی همین است، رای ندادن مردم به این نظام یعنی نفی سیاست‌های نظام.»

بلکه به حماس، حزب‌الله و حوثی‌ها داد، نتیجه شد درگیری با اسرائیل. میزان تأثیرگذاری کشوری ابرقدرت مثل آمریکا قطعاً می‌تواند زیاد باشد و مردم این را درک کرده‌اند. آنها دیدند چقدر فرق است میان دولت فعلی آمریکا که در مقابل رژیم کوتاه آمد و گروگان‌ها را معامله کرد و امتیازات بیخود داد و تا دولت دیگری که قاطع‌تر جلوی حکومت بایستد. مدارا با نظام به افزایش سرکوب مردم ایران منجر شده است.»

سپامک دهقانپور در ادامه پرسید برخی نگران‌اند اگر دولت ترامپ یا جمهوریخواهان سر کار بیایند ممکن است وارد مذاکره مستقیم با جمهوری اسلامی شوند. شاهزاده رضا پهلوی پاسخ داد، «من هیچ وقت نگفتم که اگر مثلاً آقای ترامپ رئیس‌جمهور شود مشکل همه ما حل می‌شود، باز برمی‌گردیم به میزان مشارکت مردم در انتخابات داخل ایران، فردا هر کسی در کاخ سفید بنشیند می‌بیند که نظام چقدر در داخل ضعیف است، نه فقط ترامپ بلکه سایر دولت‌ها

→ که حکومت از بین برود، مردم می‌دانند تا رژیم هست اینترنت ضعیف خواهد بود، می‌دانند تا رژیم هست تبعیض جنسیتی هست و زنان و اقلیت‌های جنسی در تبعیض هستند.»

رضا پهلوی با اشاره به تحول عمیق در جامعه ایران گفت، «با جوانانی صحبت کردم که قبلاً به اصلاح‌طلبان امید داشتند، یا کسانی که خانواده متدین داشتند و طرفدار خامنه‌ای بودند، نسل جوان امروز از جمهوری اسلامی گذر کرده و خانواده‌ها دچار دگرگونی شدند، ما با نسلی سر و کار داریم که کمتر از نظام فریب می‌خورد.»

آزادی بیان و اینترنت

تمام نامزدهای انتخابات از بسته شدن اینترنت در مواقع خاص از جمله در زمان تظاهرات حمایت کردند. محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی که کلیدی‌ترین چهره ستاد تبلیغاتی پزشکیان است حتا ادعا کرد این پروتکلی است که در همه دنیا کشورها در مواقع خاص این کار را می‌کنند. دهقانپور با شرح این مسائل از شاهزاده پرسید، «شما برای آینده‌ای که برای ایران تصور دارید آیا موافق این هستید که نهادهای امنیتی در مواقع خاص می‌توانند اینترنت را مسدود کنند؟ آیا می‌شود صدا را قطع کرد و مردم را خفه کرد؟» وی پاسخ داد: «به نظر گردش آزاد اطلاعات از اولین ابزار قدرت دادن به یک ملت است، تمام حکومت‌های دیکتاتوری از گردش آزاد اطلاعات می‌ترسند. معتقدم اگر باور داریم مردم حق تصمیم‌گیری دارند، نباید از مردم، عقیده و رأی آنها ترسید، هر سانسور شروع دوباره دیکتاتوری است، هر چیزی باید بر اساس قانون باشد، در قالب یک حکومت قانون آزادی‌ها مشخص و تعریف شده است، اما این را که جامعه دسترسی به ابزاری دسترسی داشته باشد که هیچ دولت یا قدرتی روی آن انحصار نداشته باشد باید تضمین کرد.»

سپامک دهقانپور در بخش دیگری از این مصاحبه به کارزار ایرانیان در مقابل سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی و حوزه‌های رأی‌گیری رژیم در خارج کشور اشاره کرد و اینکه برخی رفتارها با آنها بی‌پای صندوق رفتند تند بود. شاهزاده در اینباره گفت: «جزو خطوط قرمز اخلاقی و رفتاری است که به آن اعتقاد دارم، وقتی تأکید می‌کنیم نافرمانی مدنی و [مبارزه] خشونت‌پرهیز، یعنی هر نوع خشونت و تهدید جانی یا عملکرد زشت از نوع هتاک‌ها درست نیست، پس فرق ما با آنها چیست؟ کسانی که دست به این کار می‌زنند شخصاً محکوم است. اینجور برخوردها رفتار یک جامعه مدرن و متمدن نیست، فکر کنم اکثریت جامعه ما این رفتارها را نشان نمی‌دهند، فقط بعضی تندروها هستند، البته نباید تعجب کرد این مسئله را خود رژیم راه‌اندازی می‌کنند که در ظاهر می‌گویند طرفدار این و آن هستیم اما در واقع بحران‌سازی می‌کنند یا بین مخالفان نظام تفرقه می‌اندازند. کمپین‌ها باید به صورت غیرتهدیدآمیز و به دور از فحاشی یا حرکت‌های غیرزنده باشد. باز هم تأکید می‌کنم این رفتار محکوم است.»

انتخابات آمریکا

بخش دیگری از این مصاحبه در مورد انتخابات ریاست جمهوری ماه نوامبر ۲۰۲۴ در آمریکا بود که رضا پهلوی گفت: «اصلاً تعجب نمی‌کنم که اغلب مردم ایران انتخابات آمریکا را مهم‌تر از انتخابات حکومت می‌دانند، زیرا مثلاً وقتی به برجام نگاه می‌کنیم، زمانی بود که جنبش سبز اتفاق افتاد و اوپاما جور دیگری رفتار کرد، آقای بایدن هم همینطور، با رژیم کنار آمدند، فشار روی آنها را کم کردند، تحریم‌های نفتی را نادیده گرفتند، در نتیجه رژیم صدها میلیون تومان پول به دست آورد که خرج مردم ایران نشد

همان هفته‌ها و ماه‌های نخست پس از بهمن شوم ۵۷ را دارد و به این کارنامه‌ی تاریک، افتخار هم می‌کند. فردی که در دو دهه‌ی گذشته و در مقام عضو چندین دوره‌ی مجلس رژیم، امضای خود را پای طرح‌های ضد‌مردمی و ضدملی چون «امر به معروف و نهی از منکر»، برخورد دولت با زنانی که به پوشش اجباری حکومت تن نمی‌دهند، و تقویت سپاه سرکوبگر و تروریستی با هدف غرب‌ستیزی و اسرائیل‌ستیزی گذاشته است و همین امروز، با صراحت می‌گوید که مجری بی‌چون و چرای دستورات و سیاست‌های خامنه‌ای خواهد بود.

هم‌میهنانم،

اطمینان دارم که شما به آن درجه از بلوغ و آگاهی رسیده‌اید که دیگر فریب وعده‌های پوشالی را نخواهید خورد. به خوبی می‌دانید که رانت و فساد، دزدی و خویشتاوندسالاری در همه دولت‌های جمهوری اسلامی بوده است؛ تورم ۴۰ و ۵۰ درصدی، بیکاری، سقوط ارزش پول ملی، کاهش قدرت خرید، کوچک‌تر شدن سفره‌ها، و افزایش مداوم جمعیت زیر خط فقر، دستاورد همه دولت‌های جمهوری اسلامی، اصلاح‌طلب و اصولگرا بوده است. قطع اینترنت و فیلترینگ، گشت ارشاد، و بگیر و ببند زنان و جوانان به جرم اینکه می‌خواهند آزاد باشند و زندگی کنند، در همه دولت‌های جمهوری اسلامی ادامه داشته و بیشتر شده است.

هدف هر دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا در رژیم جمهوری اسلامی، چپاول بیشتر منابع و ثروت مردم، و برداشتن سهم بیشتر از «سفره انقلاب» است. در این میان، «چو دزدی با چراغ آید، گزیده‌تر بَرَد کالا».

در پایان، خطاب به آنهایی است که با هر دلیل و توجیهی، چه از روی ترس و استیصال، چه از روی امید، در دور نخست این #سیرک_انتخابات شرکت کردند:

ترس و امید واهی را کنار بگذارید، و به اکثریت قاطعی ببینید که روز هشتم تیرماه امسال، آگاهانه و شجاعانه، به جمهوری اسلامی نه گفتند و آن همبستگی ملی شکوهمند را به نمایش گذاشتند.

به خانواده‌های جاویدنامان انقلاب ملی ایران از دی ۹۶ تا آبان ۹۸ تا خیزش مهسا ببینید.

در کنار زندانیان سیاسی از طیف‌های مختلف بایستید. نگذارید به نام شما و به پشتوانه‌ی رای شما، جوانان و کودکان‌مان را به قتل برسانند.

نگذارید به نام شما و به پشتوانه‌ی رای شما، ثروت ملی ما را خرج تروریست‌ها و جنایتکاران در غزه و لبنان و سوریه و عراق و یمن کنند و منطقه و دنیا را به جنگ و آشوب بکشانند.

نگذارید به نام شما و به پشتوانه‌ی رای شما، قیمت آب و نان و بنزین را افزایش دهند.

گرگ‌ها را به حال خود رها کنید. بگذارید همدیگر را بَدَرند.

در این سیرک مضحک مشارکت نکنید.

جمعه پیش رو، با خانواده و دوستان به پارک‌ها و گردشگاه‌ها، به سواحل یا ارتفاعات بروید و این پیروزی ملی را با هم جشن بگیرید.

راه رهایی شما نه از صندوق‌های رای قلابی رژیم که از تداوم ایستادگی و مقاومت مدنی می‌گذرد. در این خصوص، و درباره نقشه راه پیروزی، بیشتر با شما سخن خواهیم گفت.

پاینده ایران

رضا پهلوی



در چنین شرایطی، رژیم درمانده، همه‌ی نیروها و ابزارهایش را به خدمت گرفته است و با برپایی کارزاری مبتنی بر فریب و ترس، تلاش می‌کند مردم را به پای صندوق‌های قلابی رای در دور دوم سیرک انتخابات خود بکشاند، و از این طریق، دست‌کم بخشی از شکست بزرگی را که متحمل شده، جبران سازد. بنیان این کارزار فریب و ترس، همان دروغ تکراری بد و بدتر است. اما آیا بعد از چهار دهه آزمون و خطا، برای مردم ایران، اساسا بد و بدتری هم وجود دارد؟

هزاران هزار اعدام طی ۴۵ سال گذشته، کشتار مردم معترض در مشهد، قزوین و اسلامشهر در آغاز دهه هفتاد خورشیدی، قتل‌های زنجیره‌ای مخالفان در داخل و خارج کشور، جنایت حمله به کوی دانشگاه و سرکوب اعتراضات دانشجویی، کشتار معترضان در جنبش سبز و خیزش‌های سراسری دی ۹۶ و آبان ۹۸، سرنگون کردن هوایم‌ای اوکراینی، و سرکوب وحشیانه خیزش مهسا، همه و همه در دوره‌هایی رخ داده که جناح‌های مختلف رژیم زیر عناوین «خط امامی»، «اصلاح‌طلب»، «اعتدالی» و «اصولگرا» در قدرت بوده‌اند. سهم این جناح‌ها در تداوم جنگ ایران و عراق با هدف «فتح قدس»، قتل عام دوره کرونا با دستور مستقیم خامنه‌ای، و فجایعی چون پلاسکو و متروپل و نفتکش سانچی نیز کم و بیش برابر است.

به همین یک دهه گذشته نگاه کنید: نتیجه و دستاورد رای‌دادن‌ها چه بوده: خروج موقت جمهوری اسلامی و خامنه‌ای از بن‌بست بعد از بحران عدم مشروعیت در جنبش سبز، پس از آن، فساد و دزدی و تورم و بیکاری بیشتر، و اعدام و کشتار و سرکوب و زندان فزون‌تر. در این میان نقش «اصلاح‌طلبان» و «اعتدالی‌ها»، آنها که به اعتراف خودشان «سوپا اطمینان» و «خندق» نظام هستند، این بوده که مردم معترض در دی ۹۶ و آبان ۹۸ را «گرگس و آشوبگر و اغتشاشگر و فرصت‌طلب» بخوانند؛ با وقاحت بگویند که هم به سر معترضان شلیک کردیم هم به پای‌شان؛ جنایات جمهوری اسلامی را نزد خارجی‌ها «علاج» کنند؛ افتخار کنند که ایران را به خاطر حمایت از حماس و حزب‌الله و حوثی‌ها و بشار اسد، زیر فشار و تحریم قرار داده‌اند؛ و در نهایت مدعی شوند که «مردم ایران خودشان انتخاب کرده‌اند که اینگونه زندگی کنند».

همین امروز، فردی کاندیدای به اصطلاح «اصلاح‌طلبان» و «اعتدالی‌ها» است که در کارنامه‌اش، پاکسازی‌ها و اعمال غیرقانونی حجاب اجباری در بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها، در

پیام شاهزاده رضا پهلوی به

ملت بزرگ ایران:

راه رهایی شما نه از صندوق‌های رای قلابی رژیم که از تداوم ایستادگی و مقاومت مدنی می‌گذرد

● ملت بزرگ ایران، نه قاطع و آگاهانه‌ی شما به جمهوری اسلامی و مضحکه‌ی انتخاباتش، ضربه‌ای سنگین به این رژیم اهریمنی و نامشروع وارد کرده، صفوف میهن‌پرستان و آزادیخواهان را متحدتر، و اختلافات درونی رژیم را بیشتر کرده است. در چنین شرایطی، رژیم درمانده، همه‌ی نیروها و ابزارهایش را به خدمت گرفته است و با برپایی کارزاری مبتنی بر فریب و ترس، تلاش می‌کند مردم را به پای صندوق‌های قلابی رای در دور دوم سیرک انتخابات خود بکشاند، و از این طریق، دست‌کم بخشی از شکست بزرگی را که متحمل شده، جبران سازد.

● نه قاطع و آگاهانه‌ی شما به جمهوری اسلامی و مضحکه‌ی انتخاباتش، ضربه‌ای سنگین به این رژیم اهریمنی و نامشروع وارد کرده، صفوف میهن‌پرستان و آزادیخواهان را متحدتر، و اختلافات درونی رژیم را بیشتر کرده است. در چنین شرایطی، رژیم درمانده، همه‌ی نیروها و ابزارهایش را به خدمت گرفته است و با برپایی کارزاری مبتنی بر فریب و ترس، تلاش می‌کند مردم را به پای صندوق‌های قلابی رای در دور دوم سیرک انتخابات خود بکشاند، و از این طریق، دست‌کم بخشی از شکست بزرگی را که متحمل شده، جبران سازد.

● هدف هر دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا در رژیم جمهوری اسلامی، چپاول بیشتر منابع و ثروت مردم، و برداشتن سهم بیشتر از «سفره انقلاب» است. در این میان، «چو دزدی با چراغ آید، گزیده‌تر بَرَد کالا».

● در پایان، خطاب به آنهایی است که با هر دلیل و توجیهی، چه از روی ترس و استیصال، چه از روی امید، در دور نخست این سیرک انتخابات شرکت کردند: ترس و امید واهی را کنار بگذارید، و به اکثریت قاطعی ببینید که روز هشتم تیرماه امسال، آگاهانه و شجاعانه، به جمهوری اسلامی نه گفتند و آن همبستگی ملی شکوهمند را به نمایش گذاشتند. به خانواده‌های جاویدنامان انقلاب ملی ایران از دی ۹۶ تا آبان ۹۸ تا خیزش مهسا ببینید. در کنار زندانیان سیاسی از طیف‌های مختلف بایستید...

ملت بزرگ ایران،

نه قاطع و آگاهانه‌ی شما به جمهوری اسلامی و مضحکه‌ی انتخاباتش، ضربه‌ای سنگین به این رژیم اهریمنی و نامشروع وارد کرده، صفوف میهن‌پرستان و آزادیخواهان را متحدتر، و اختلافات درونی رژیم را بیشتر کرده است.

مناظره نامزدهای نهایی «دو بال نظام» در سیرک انتخابات با شرط «اعدام»!



سعید جلیلی و مسعود پزشکیان در مناظره دوشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۳

آنها را «پیدا» کرد و «موقعیت» آنها مشخص نیست کجا هستند و اگر فیلترشکن نباشد می‌توان نظارت و کنترل کرد! مشارکت پایین در انتخابات از مواردی بود که در مناظره شب گذشته مورد بحث دو نامزد انتخابات قرار گرفت. مسعود پزشکیان گفت «مشارکتی که صورت گرفت نگرانکننده است؛ قابل قبول نیست که ۶۰ درصد مردم پای صندوق نیایند.»

مسعود پزشکیان علت نیامدن مردم پای صندوق رای را «بازی» ندادن آنها از سوی حکومت ارزیابی کرد و گفت «وقتی حقوق انسان‌ها را نادیده بگیریم، نخواهیم صدای شان را بشنویم، خیلی از خواسته‌های آنها را خودمان برایش تصمیم بگیریم و لغو کنیم، طبیعی است که نباید انتظار داشته باشیم که بیایند پای صندوق و به ما رای بدهند.» این در حالیست که خود وی از همان اول گفت که ذوب در «رهبر» است و هر چه او گفت انجام خواهد داد! سعید جلیلی در این ارتباط گفت: «یکی از مشارکت‌هایی که در انتخابات اخیر و دو سه سال اخیر انجام شده، کاهش داشته است. باید دید چرا کم شده است» و «یکی از برنامه‌های مهم دولت من حتما این خواهد بود که مشارکت مردم حتما و حتما روز به روز بتواند در عرصه‌های مختلف جدی‌تر و مؤثرتر در اداره کشور باشد.»

مسعود پزشکیان در مناظره شب گذشته جملاتی نیز برای خوشایند مردم آماده کرده بود تا مطرح کند. بسیاری از مواردی که مسعود پزشکیان مطرح کرد، مسائلی نبود که سعید جلیلی به عنوان نامزد انتخاباتی بخواهد پاسخگو باشد بلکه مسائلی درباره ماهیت و سیاست‌های کلی حکومت بود که رهبر جمهوری اسلامی و همه مقامات اصلاح‌طلب و اصولگرا در همه آنها شریک جرم خامنه‌ای هستند چرا که او می‌گوید و آنها اجرا می‌کنند!

پزشکیان در بخشی از مناظره گفت: «قرار بود ما

وقتی نوبت به رقیب‌اش رسید که همین نکات را تکرار کند، در مناظره شب گذشته گفت «رسیدن به رشد ۸ درصد غیرممکن است!» وی وقتی با اصرار جلیلی در الزام به برنامه هفتم توسعه روبرو شد خطاب به مجری مناظره گفت: «من همین حالا انصراف می‌دهم اما اگر این (جلیلی) نتوانست رشد ۸ درصد را محقق کند اعدامش کنید!»

شگفت‌آور آنکه گذاشتن شرط «اعدام» بجای آوردن استدلال درباره چرایی امکان‌پذیر نبودن رسیدن به رشد اقتصادی هشت درصد با حمایت گسترده افراد و رسانه‌های حامی مسعود پزشکیان روبرو شده و بدون اشاره به اینکه «اعدام» در نظام جمهوری اسلامی چنان عادی و پیش پا افتاده است که حتی در مناظره انتخاباتی نیز تهدید به آن، آنهم به صورت کنایه و مزه‌پراکنی، بیان می‌شود، آن را «جمله طلایی» پزشکیان در مناظره ارزیابی کرده‌اند!

نامزد اصلاح‌طلبان همچنین شهروندان معترضی را که در سال‌های گذشته با دست خالی به خیابان آمدند و پاسخ آنها از سوی دولت‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا گلوله و کشتار بود، مانند دیگر هم‌کیشان خود «اغتشاشگر» خطاب کرد و گفت: «اگر با مردم درست حرف بزنیم دیوانه نیستند که اغتشاش کنند. من وزیر بودم، کارمندان اعتراض کردند. در بین معترضان رفتم و گفتم مقصر من هستم. اگر راه حرف زدن را درست کنیم، مگر دیوانه هستند که اغتشاش کنند؟ باید دانشجو را قانع کنیم، نه اینکه اخراج کنیم.»

حامیان مسعود پزشکیان در حالی با راه انداختن تبلیغات «جلیلی‌هراسی» به دنبال نشان دادن چهره‌ای «میان‌رو» از مسعود پزشکیان هستند که او شب گذشته درباره فیلترینگ گفت باید فیلترینگ برداشته شود اما استدلال او نه حق آزادی جامعه در دسترسی به اینترنت و گردش آزاد اطلاعات، بلکه برای راحت‌تر کنترل و رصد کردن شهروندان است! او گفته وقتی مردم از فیلترشکن استفاده می‌کنند نمی‌توان

● گذاشتن شرط «اعدام» از سوی پزشکیان برای جلیلی در صورت عدم تحقق رشد هشت درصدی با حمایت گسترده افراد و رسانه‌های حامی مسعود پزشکیان روبرو شده و حتی آن را «جمله طلایی» پزشکیان در مناظره ارزیابی کردند! بدون آنکه به این نکته توجه کنند که «اعدام» در نظام جمهوری اسلامی چنان عادی و پیش پا افتاده شده که حتی در مناظره انتخاباتی نیز ولو به عنوان کنایه و مزه‌پراکنی بیان می‌شود!

● نامزد اصلاح‌طلبان شهروندان معترضی را که در سال‌های گذشته با دست خالی به خیابان آمدند و پاسخ آنها از سوی دولت‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا گلوله و کشتار بود، مانند هم‌کیشان خود «اغتشاشگر» خطاب کرد. ● مسعود پزشکیان معتقد است باید فیلترینگ برداشته شود اما استدلال او نه حق آزادی جامعه در دسترسی به اینترنت و گردش اطلاعات آزاد، بلکه برای راحت‌تر کنترل و رصد کردن شهروندان است!

● سعید جلیلی درباره مسئله هسته‌ای گفت: آژانس ۱۵ بار گزارش نوشت که ایران همه تعهدات‌اش را انجام داده، پس مانعی نداشته است. نتیجه‌اش چه شد؟ طرف مقابل کلا خارج شد.

● پس از آنکه مسعود پزشکیان برای جلب رأی زنان، به برخورد با آنان به دلیل حجاب در خیابان اشاره کرد، سعید جلیلی این موارد را «مباحث حاشیه‌ای» خواند.

دو نامزد نهایی مرحله دوم انتخابات نمایشی ریاست جمهوری چهاردهم شب گذشته در مناظره‌ای تلویزیونی حاضر شدند و بار دیگر تصویری از عمق نگاه سرکوبگر نهفته در سلول‌های مقامات حکومت را به نمایش گذاشتند. مسعود پزشکیان نامزد اصلاح‌طلبان که تلاش می‌شود چهره میانه‌رو و غیرتندرو از او به نمایش گذشته شود به رقیب خود، سعید جلیلی گفت حاضر است از انتخابات کنار برود اما اگر جلیلی نتوانست رشد ۸ درصدی را تحقق ببخشد اعدامش کنید!

مسعود پزشکیان و سعید جلیلی دو نامزد دور دوم انتخابات نمایشی ریاست جمهوری چهاردهم شامگاه دوشنبه یازدهم تیرماه ۱۴۰۳ در مناظره تلویزیونی حضور یافتند. این مناظره دو نفره که پس از چند نوبت مناظره دور اول انتخابات با شش نامزد و سپس چهار نامزد باقیمانده برگزار شده بود، صحنه‌های دیگری از سطح و نگاه عالی‌رتبه‌ترین مقامات جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت.

یکی از مهمترین بخش‌های این مناظره جمله‌ای بود که مسعود پزشکیان درباره ادعای اقتصادی سعید جلیلی مطرح کرد و برای او «شرط اعدام» گذاشت.

رسیدن به رشد اقتصادی ۸ درصدی از جمله محورهای تأکید شده در برنامه هفتم توسعه است. مسعود پزشکیان در کارزار تبلیغات انتخاباتی خود بارها از پایبندی و اجرای برنامه هفتم توسعه سخن گفته و حتی تأکید کرده سیاست‌گذاری‌های کشور و نقشه راه از سوی علی‌خامنه‌ای تعیین شده و او نیز حتما مجری همان سیاست‌ها بدون ایجاد تغییری در آنها است.

او در حوزه اقتصاد نیز بر ادامه سیاست‌های علی‌خامنه‌ای و آنچه در برنامه هفتم توسعه آمده تأکید کرده است اما

جنجال انتخاباتی «کرسنت»؛ از فرافکنی بیژن زنگنه تا مشخص بودن دلالت‌ها و جوه‌ر شوه برای حکومت!



و بدل شده برای قراردادی که هیچوقت اجرایی نشد منتشر شده، ناقص و غیرشفاف بوده است.

در انتخابات اخیر ریاست جمهوری اسلامی که جمعه گذشته، هشتم تیرماه، برگزار شد قرارداد «کرسنت» نیز به یکی از ابزارهای نامزدها علیه یکدیگر بود و بار دیگر این پرونده و فسادهای صورت گرفته در آن مطرح شد. «پایگاه داده‌های باز ایران» به ارزیابی زبان‌های ناشی از قرارداد «کرسنت پترولیوم» پرداخته و نشان داده که در مجموع ضررهای ناشی از قرارداد «کرسنت پترولیوم» به ۷ میلیارد و ۲۴۵ میلیون دلار می‌رسد.

در این گزارش به محکومیت شرکت ملی نفت ایران در آخرین دادگاه برگزار شده در لندن اشاره شده و آمده که بر اساس رأی دادگاه و به دستور دادگاه عالی انگلیس، ملکی با ارزش تقریبی ۱۰۰ میلیون پوند، متعلق به شرکت ملی نفت ایران در لندن، به عنوان جبران بخشی از خسارت ۲/۴ میلیارد دلاری ایران در قرارداد یاد شده، به شرکت کرسنت منتقل می‌شود.

در نتیجه ایران ساختمان «NIOC House» که در بهترین قسمت منطقه تجاری لندن قرار دارد را از دست خواهد داد. شرکت ملی نفت ایران در چند سال گذشته میلیون‌ها پوند برای بازسازی این ساختمان هزینه کرده بود.

«داده‌های باز ایران» نوشته یک سوال اساسی برای شرکت ملی نفت ایران این است که اگر قرارداد با کرسنت را به دلیل پایین بودن قیمت گاز لغو کرده باشد با گاز میدان سلمان چه کرده است؟ شواهد نشان می‌دهد شرکت ملی نفت، با وجود کمبود گاز و برق در ایران، در ۲۰ سال گذشته بدون هیچ سودی این گاز را شعله‌ور کرده و سوزانده است.

«داده‌های باز ایران» نوشته از دست دادن درآمد گاز از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۳۰: پانصد میلیون فوت مکعب (حدود ۱۴ میلیون متر مکعب) در روز گاز تصفیه نشده، که قرار بود برای شیرین‌سازی و تصفیه بیشتر به شارجه منتقل شود. این حجم در سال‌های بعد به ۸۰۰ میلیون فوت مکعب (۲۳ میلیون متر مکعب) در روز افزایش می‌یافت. مجموع ضرر از فروش گاز در طول این مدت ۴/۸۲ میلیارد دلار ←

● «پایگاه داده‌های باز ایران» به ارزیابی زبان‌های ناشی از قرارداد «کرسنت پترولیوم» پرداخته و نشان داده که در مجموع ضررهای ناشی از قرارداد «کرسنت پترولیوم» به ۷ میلیارد و ۲۴۵ میلیون دلار می‌رسد.

● به دستور دادگاه عالی انگلیس، ملکی با ارزش تقریبی ۱۰۰ میلیون پوند، متعلق به شرکت ملی نفت ایران در لندن، به عنوان جبران بخشی از خسارت ۲/۴ میلیارد دلاری ایران در قرارداد یاد شده، به شرکت کرسنت منتقل می‌شود.

● مسعود میرکامپی: این قرارداد با ۲ دلال و افراد زیادی که وجوهی دریافت کردند، بسته شده و سازمان‌های نظارتی کاملا به این موضوع اشراف دارند و حتی می‌دانند چه افرادی و در کجا پول دریافت و هزینه کرده‌اند.

فساد صورت گرفته در قرارداد «کرسنت پترولیوم» معروف به «کرسنت» به یکی از محورهای رویارویی نامزدهای انتخاباتی نمایشی در روزهای گذشته تبدیل شد. جدیدترین محاسبات میزان زیان این قرارداد را که در دولت محمد خاتمی بسته شده، ۷ میلیارد و ۲۴۵ میلیون دلار برآورد کرده است. قرارداد «کرسنت پترولیوم» قراردادی است که در سال ۲۰۰۱ در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی میان شرکت ملی نفت ایران شرکت کرسنت پترولیوم شارجه امضا شد.

این قرارداد ۲۵ ساله بود و قرار بود پس از چهار سال تنفس، ایران در ابتدا باید ۵۰۰ میلیون فوت مکعب گاز در روز (حدود ۱۴ میلیون مترمکعب) برای تصفیه و شیرین‌سازی به شارجه صادر می‌کرد. قرار بود این حجم فروش در سال‌های بعد به ۸۰۰ میلیون فوت مکعب در روز افزایش پیدا کند. قیمت گاز در ابتدا ۱۸ دلار برای هر ۱۰۰۰ متر مکعب (معادل ۵۰ سنت آمریکا در هر ۱۰۰۰ فوت مکعب) تعیین شد. این قیمت نیز قرار بود در سال‌های بعد افزایش پیدا کند.

فساد، سوء مدیریت و درگیری‌های درونی در جمهوری اسلامی مانع اجرای کامل این قرارداد شد و میلیون‌ها دلار هزینه حقوقی به بار آورد. همچنین مدت کوتاهی پس از امضای قرارداد کرسنت، این ادعا مطرح شد که این شرکت به برخی از واسطه‌های ایرانی رشوه داده است. اطلاعاتی که تا کنون از ابعاد و حجم فساد و رشوه‌های رد

→ ۱۴۰۴ اول بشویم در منطقه. مگر غیر از این است. خب چه شد؟ شدیم؟ خب بگویم آن دولت‌ها مقصرند. دولت فلانی مقصر است. دولت این یکی چه؟ آیا دولت‌ها طبق برنامه‌ای که خودشان نوشته‌اند عمل می‌کنند؟ نامزد اصلاح‌طلبان در ادعایی مخدوش افزود «تمام دنیا در مواقع خاص محدودیت برای اینترنت دارند اما نه برای ایام عادی. الان مردم بیش از اینترنت، پول فیلترشکن می‌دهند و در این فیلترشکن تازه آن محدودیت و کنترل هم دیگر نیست. تمام خدمات و آموزش به اینترنت متصل است. نمی‌توانید بگویید در یک قفس می‌خواهیم زندگی کنیم و اینترنت نداشته باشیم.»

او در ادامه جملات تبلیغاتی خود گفت: اگر فضای بازار را باز کنیم که یک رقابتی به وجود می‌آید، آنوقت می‌توانیم بگویم که ما هم می‌آییم کار می‌کنیم و تولید کنیم. نه اینکه قفسی دور خودمان درست کنیم و بعد بگویم شما باید همین که ما تولید می‌کنیم را بپذیرید.» مسعود پزشکیان که تا کنون هیچ برنامه مشخصی در حوزه اقتصاد نداده، در نقش معترض ظاهر شد و در ادامه فریبکاری‌های خود گفت: «چه بلایی سر مردم آوردیم با این خودروهایی که تولید کردیم؟ مردم مجبورند از خودروهایی استفاده کنند که از کارخانه به خانه نرسیده دچار مشکل می‌شود.»

سعید جلیلی هم در جریان مناظره تلاش کرد اتهاماتی را که مسعود پزشکیان و هوادارانش به او می‌زنند زیر سوال برد. او در انتقاد از کارزار انتخاباتی پزشکیان که هوادارانش او را به «طالبان» تشبیه می‌کنند و گفت: «غی شود انتخابات تمام نشده به چند میلیون بگویم که شما طالبانید.»

او همچنین به سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف از اینترنت تا برجام پرداخت و در بخشی از سخنانش پس از آنکه مسعود پزشکیان برای جلب رأی زنان به برخورد با آنها به دلیل حجاب در خیابان اشاره کرد، این موارد را «مباحث حاشیه‌ای» خواند.

جلیلی در بخشی از سخنانش به مسئله هسته‌ای نیز اشاره کرد و گفت: «آژانس ۱۵ بار گزارش نوشت که ایران همه تعهداتش را انجام داده، پس مانعی نداشته است. نتیجه‌اش چه شد؟ طرف مقابل کلا خارج شد.»

مسعود پزشکیان پرسید «در داخل چه کسی برجام را پاره کرد؟» و جلیلی پاسخ داد «بعد از اینکه آنها خارج شدند. می‌خواهم این را بگویم که کسی مانع اجرای آن نشد، در فضای سیاسی شما ممکن است نظرات مختلفی مطرح شود.»

سعید جلیلی در بخش دیگری از سخنانش به FATF پرداخت و گفت: «در FATF توافق کردید و ۴۱ بند را امضاء کردند که ما این همکاری‌ها را با شما داریم. کشورهای دیگر هم امضاء کردند. اکثر کشورهایی که این توافق همکاری را با FATF امضاء کردند اینطور نیست که همه‌اش را انجام داده باشند. ما بررسی کردیم یک کشور اروپایی نصفش را هم هنوز انجام نداده. شما شروع کردی و تکتک اینها را انجام می‌دهی. او هنوز می‌گوید من اینها را قبول ندارم تازه اگر همه را انجام بدهی من می‌گویم گام بعدی که باید برداری چیست.»

او همچنین مدعی شد: «نگاه ما این است که ما محدود و بسته به یک گعده و محفل نیستیم و همه ایران سرای من است و همه مردم باید مشارکت کنند!»

در پایان مناظره هم سعید جلیلی دو نامزد نهایی «سیرک انتخابات» در شرایطی که یکدیگر را به «خیانت، دروغ‌گویی، بی‌سوادی و بی‌عرضگی» متهم می‌کردند، همدیگر را در آغوش کشیدند و «حلالیت» طلبیدند!

برآورد شده است.

از دیگر موارد زیان ناشی از این پرونده، هزینه‌های دادگاه برای دفاع در چندین پرونده حدود ۲۰ میلیون دلار تخمین زده شده است. همچنین هزینه استخدام کارشناسان فنی و بازرگانی برای کمک در دعاوی حقوقی حدود ۴ میلیون دلار تخمین زده شده است.

هزینه‌های سفرهای تیم و نمایندگان شرکت ملی نفت ایران برای حضور در پرونده‌های بین‌المللی و ملاقات با وکلا و کارشناسان فنی حدود ۳ میلیون دلار تخمین زده شده است. و در نهایت محکومیت شرکت ملی نفت ایران به پرداخت ۲/۴ میلیارد دلار خسارت.

به این ترتیب مجموع ضررها به ۷ میلیارد و ۲۴۵ میلیون دلار می‌رسد. براساس اظهارات مدیران آموزش و پرورش ساخت یک مدرسه شش کلاسه حدود ۱۰ میلیارد تومان هزینه خواهد داشت.

همچنین برآوردهای تخصصی برای احداث یک درمانگاه تخصصی نیز مستلزم هزینه مشابه است. در صورتی که نرخ دلار را ۶۰ هزار تومان در نظر بگیریم، ساخت هر مدرسه یا درمانگاه نیازمند سرمایه‌ای حدود ۱۶۶ هزار دلار است. بنابراین با مجموع زیان وارده از قرارداد کرسنت می‌شد حدود ۴۴ هزار مدرسه شش کلاسه یا درمانگاه تخصصی شبانه‌روزی تأسیس کرد.

پس از اظهاراتی که نامزدهای انتخاباتی از جمله علی‌رضا زاکانی و سعید جلیلی در جریان مناظره‌های انتخاباتی علیه اصلاح‌طلبان به دلیل تخلفات و فساد صورت گرفته در پرونده کرسنت و زیان گسترده‌ای که به کشور وارد کرده داشتند، بار دیگر بحث بر سر کرسنت بالا گرفت.

بیژن نامدار زنگنه وزیر وقت نفت و از افرادی که نام او با فساد «کرسنت» پیوند خورده در پاسخ به جلیلی و زاکانی گفت: «جلیلی و نوچه‌اش در کوچه خلوت راجع به کرسنت حرف می‌زنند. سه سال است آمادگی برای مناظره را اعلام کردم. خسارتی که به کشور زدید جبران‌ناپذیر است. به مناظره بیاید تا ببینم بعد از آن می‌توانید در خیابان راحت راه بروید؟»

حسن روحانی در آذر ۱۳۸۱ و از جایگاه دبیر شورای عالی امنیت ملی، با ارسال نامه‌ای خطاب به سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت، به عملکرد بیژن زنگنه وزیر نفت کابینه اصلاحات اعتراض کرد و اقدام وی در انعقاد قرارداد کرسنت با شرکت کرسنت پترولیوم را غیرقانونی و از طریق واسطه دانست و این قرارداد را دارای آثار منفی فراوان برای جمهوری اسلامی ایران دانسته بود.

جالب اینکه در پی باندبازی اصلاح‌طلبان پس از تشکیل دولت حسن روحانی در سال ۱۳۹۲، بیژن نامدار زنگنه به عنوان وزیر نفت معرفی و حسن روحانی برای گرفتن رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی برای زنگنه سنگ تمام گذاشت!

محمد‌رضا رحیمی رئیس وقت دیوان محاسبات کشور در سال ۱۳۸۵ در یک کنفرانس خبری در تهران اعلام کرد که مقام‌های وزارت نفت دولت خاتمی قیمت گاز در این قرارداد را بسیار پایین‌تر از قیمت واقعی به شرکت کرسنت واگذار کرده‌اند و به همین دلیل باید اجرای قرارداد متوقف شود.

اکنون بیژن نامدار زنگنه نه تنها به اظهارات علی‌رضا زاکانی و سعید جلیلی واکنش نشان داده بلکه در اقدامی نمایی و برای دستکاری افکار عمومی به نفع مسعود پزشکیان، رقیب سعید جلیلی در دور دوم انتخابات نمایی، اعلام کرده که از جلیلی و زاکانی شکایت کرده است.

در مقابل اما مسعود میرکامپی یکی دیگر از وزرای پیشین نفت جمهوری اسلامی درباره جزئیات قرارداد فساد پرونده

عاقبت به خیری!

خبراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۸۰) آبان ماه ۱۳۸۴

با نشر



باب تمدن و فرهنگ بشری ایراد می‌کرد و سخنانش بر تالو چلچراغها می‌افزود و با کف زندهای متمدن خودی و بیگانه استقبال می‌شد.

کجا رفت آن که در تحلیل اوضاع قرن بیستم و ترسیم افق قرن بیست و یکم می‌فرمود: «پارادایم ارتباط در قرن بیستم عبارت بود از ستیز، یا به یک معنا نفی همه تمدنها و تفکرها جز تمدن و تفکر غرب. با تسامح می‌توان گفت که اساس و چارچوب رابطه در دنیای قرن بیستم ستیز تمدنها و فرهنگها بود و در این ستیز دست بالا با غرب بود. اما در پایان قرن بیستم به این وفاق جهانی رسیدیم که آنچه در قرن بیستم بر بشر گذشته است، شایسته این بشر نبوده است. باید طراحی نو درافکنند. خدای را سپاسگزاریم که این افتخار را نصیب جهان اسلام کرد که این طرح نو از میان مسلمانان و از دنیای اسلام برخیزد و برای قرن بیست و یکم پارادایم ارتباط، به‌جای ستیز تمدنها، گفتگوی تمدنها باشد.»

خیلی خوب، بفرمایید! طرح نو را جانشین بر حق سرکار، آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد از دنیای اسلام با خود به اجلاس رهبران جهان در سازمان ملل متحد برد و با جهانیان در میان گذاشت که همه با هم دست به‌دعا بردارند و از حضرت صاحب‌الامر درخواست کنند در ظهورش شتاب فرماید و کار جهان را سامان بخشد. دیگر چه می‌خواهید؟! مایعی که مصرف می‌کردیم حدود ۵۴ میلیارد دلار عدم و نفی در ۲۵ سال دارد.»

به گفته او «با اجرای این قرارداد ترکیه حق داشت که بیاید و ۸۰ درصد از ما تخفیف بگیرد، پاکستان و عراق هم همینطور و به این ترتیب صدها میلیارد دلار خسارت در طول ۲۰ تا ۳۰ سال به کشور وارد می‌شد.»

مسعود میرکامپی همچنین گفته «سازمان بازرسی کل کشور، وزارت اطلاعات و وزارت امور خارجه و حتی اطلاعات سپاه همه تأکید کردند این قرارداد قیال اجرا نیست.» اینهمه در حالیست که همچنان ابعاد پنهانی درباره فساد صورت گرفته در این پرونده وجود دارد که هیچیک از جناحین جمهوری اسلامی حاضر به ارائه توضیحات شفاف در اینباره نیستند.

دیروز چنان بُدی که کس چون تو نبود

امروز چنان شدی که کس چون تو مباد

غرض عرضم حجت‌الاسلام والمسلمین آقا سید محمد خاتمی اردکانی است که هشت سال و چند ماه پیش با چه احتشام و احترامی از دروازه بزرگ تاریخ وارد شد و امسال، با چه افتضاحی از دروازه کوچک تاریخ بیرون رفت.

قافله‌سالار جنبش اصلاح‌طلبی. در حالی که سپاهی شکست‌خورده را در میدان منازعات داخلی بر جای نهاده بود، عمامه کریستین دیور و قبای دوفورساک و عبای ایو سن‌لوران را بر قامت مبارک و عینک پئسی را بر قوزک بینی راست کرده عزم آن داشت رخت بر بسته از زندان سکندر به ملک سلیمان بکوپد و سر فرصت، فارغ از مزاحمت حسودان و عنودان، رسالت تاریخی خود را در راستای آشتی دادن تمدنها تحقق بخشد.

در پاریس، نزدیکی کاخ یونسکو، یک آپارتمان شیک مفروش به قالیهای بافت کاشان و قالیچه‌های بافت اردستان و مزین به مبلمان استیل لوئی پانزدهم و مجهز به سرویسهای غذاخوری ساخت لیموز، انتظار جناب ایشان را می‌کشید که به میمنت و مبارکی تشریف‌فرما و مشغول کار شوند.

و البته همه اینها با هزینه مؤسسه بین‌المللی گفتگوی فرهنگها و تمدنها که در آخرین روزهای ریاست جمهوری حجت‌الاسلام خاتمی و در یکی از آخرین جلسات هیأت دولت تحت ریاست ایشان، به‌موجب تصویب‌نامه‌ای به مؤسسات موضوع بند «ب» ماده ۱۱ قانون استخدام کشوری ملحق شد. اما دولت جدید، که ظاهراً خطوط اصلی سیاستهای خود را از چاه جمکران دریافت می‌کند، با لغو تصویب‌نامه مورخ ۹ مرداد ۱۳۸۴ چنین خدمتی را از این خادم بشریت دریغ داشت.

بدتر از این، مدعیان حتی «سید نجیب محترم» سابق را مستحق داشتن یک صندلی شکسته در مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی‌دانند و بابت حکمی که برای عضویت آقای خاتمی در شورای تحقیقات استراتژیک مجمع صادر شده است به‌سختی بر شیخ رفسنجانی تاخته‌اند. قبلا هم به رئیس مجلس خبرگان خرده گرفته بودند که این آقا را چرا به‌مراسم گشایش اجلاس به خبرگان دعوت کرده است.

های‌های، ای چرخ بازیگر! چه کردی با آن بکب خوشخرام و چه کرد با خودش آن طوطی خوش سخن که در سالنهای مجلل تأسیسات بین‌المللی چرخ می‌زد و خطابه‌های غرّا در

کرسنت گفته «این قرارداد با ۲ دلال و افراد زیادی که وجوهی دریافت کردند، بسته شده که مستندات آن موجود و اثبات شده است. این مستندات هم به لاهه و هم دستگاه‌های قضایی ارسال شده است و سازمان‌های نظارتی کاملا به این موضوع اشراف دارند و حتی می‌دانند چه افرادی و در کجا پول دریافت و هزینه کرده‌اند، اینکه در پرونده کرسنت دلالها نقش داشته و فساد اتفاق افتاده است و این یک امر مسجل است و کسی نمی‌تواند آن را رد کند.»

مسعود میرکامپی تأکید کرده که «کرسنت پروژه غیراقتصادی بود. حتی در هفت سال اول ۵۰ درصد سرمایه‌گذاری ایران را باز نمی‌گرداند. در ۱۸ سال بعد هم حداکثر ۲ تا چهار میلیارد دلار برگشت داشت. در واقع این گازی که ما نمی‌توانستیم به داخل کشور بیاوریم و سوخت

هویدا در حال گریه، مرگ منصور و نخست وزیری خود را به وزرا اعلام کرد

در اوایل امر هیچکس هویدا را جدی نمی‌گرفت و باور نمی‌شد که او در مقام نخست‌وزیری دوام کند

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از بهمن‌ماه ۱۳۸۰ تا مهرماه ۱۳۸۱ - از شماره ۸۹۲ تا ۹۲۳)

مقدمه

«بنیاد مطالعات ایران» هفتمین مجلد از مجموعه «توسعه و عمران ایران» را چاپ و منتشر کرد. این مجلد به خاطرات و ملاحظات دکتر علینقی عالیخانی وزیر بازرگانی و رئیس دانشگاه تهران در دوران قبل از انقلاب اختصاص دارد. ازین مجموعه، قبلاً گفتگو با عبدالرضا انصاری (آب و برق خوزستان) گفتگو با اکبر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران) گفتگو با پرویز مینا (تحول صنعت نفت ایران) گفتگو با منوچهر گودرزی و خداداد فرمانفرمائیان و عبدالمجید مجیدی (برنامه ریزی عمرانی و تصمیم گیری سیاسی) گفتگو با محسن شیرازی (صنعت گاز ایران) گفتگو با باقر مستوفی (صنعت پتروشیمی ایران) انتشار یافته که گزیده‌هایی از هرکدام را خوانندگان ما در صفحه «خاطرات و تاریخ» ملاحظه کرده‌اند. غلامرضا افخمی که آرشو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات زیر نظر او قرار دارد در مقدمه‌ای بر «سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» می‌نویسد:

«علینقی عالیخانی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ یعنی بیشترین سالهای دهه چهل شمسی، مسئولیت سیاستگذاری و اجرای سیاستهای اقتصادی کشور را به عهده داشته است. رابطه او با علم صمیمی، با منصور رسمی و با هویدا، اقلاد در سالهای اول، دوستانه بود... شاه همواره پشتیبان عالیخانی و نظرات او بود اما در همان حال، شاه و هویدا هر دو معتقد به اولویت رسالت دولت در توسعه اقتصادی بودند... تضاد میان نیاهای اقتصاد آزاد و الزامات سیاسی حکومت، تنش می‌آفرید و بر جو سیاسی اثر می‌گذاشت. این تنشها متدرجاً رابطه عالیخانی و هویدا را مشکل کرد و در نهایت منجر به استعفا عالیخانی شد.»

ازین کتاب بخشهایی را برگزیده‌ایم که به تدریج می‌خوانید. طبق معمول کوشیده‌ایم مطالب را طوری تنظیم و تقسیم بندی کنیم که هر شماره تا حدود امکان مطلب مستقلی باشد.

ساعت ۱۰ صبح روز اول بهمن ماه ۱۳۴۳ حسنعلی منصور نخست وزیر در مقابل مجلس شورای ملی هدف گلوله یکی از اعضای فدائیان اسلام (محمد بخارایی) قرار گرفت و شش روز بعد، درگذشت.

متعاقباً امیرعباس هویدا، وزیر دارایی و دوست نزدیک حسنعلی منصور، به نخست‌وزیری منصوب شد.

علینقی عالیخانی، وزیر اقتصاد وقت، چگونگی تشکیل دولت جدید را در گفتگو با غلامرضا افخمی حکایت می‌کند.

ع.ع - در چنین شرایطی بود که روزی من در پشت میزم بودم و خاطر من می‌آید که مرحوم کیانپور، که معاون گمرکی من بود، به من تلفن کرد و گفت دکتر احمد ضیایی، معاون پارلمانی وزارت اقتصاد و در ضمن معاون بازرگانی، که به مجلس رفته بود در آنجا از تیر خوردن منصور آگاه شده و گویا چون تلفن من اشغال بوده به او خبر داده که به من بگوید. من تماس گرفتم و معلوم شد که منصور را تیر زده‌اند و برده‌اند به بیمارستان پارس. عصر آن روز، شاه که به آبعلی به اسکی رفته بود، به تهران بازگشت و جلسه هیأت وزیران در حضور او تشکیل شد و قرار شد امیرعباس هویدا در مدتی که منصور در بیمارستان است کارهای دولت را اداره بکند. پس از یکی دو روز روشن شد منصور متأسفانه نمی‌تواند نجات پیدا بکند. به‌هرحال، نخست وزیر نمی‌تواند باشد، حتی اگر زنده بماند. بنابراین، هویدا سر کار خواهد آمد.

● غلامرضا افخمی - چه احساسی داشتید وقتی خبر تیر خوردن منصور را شنیدید؟ یعنی هم خودتان شخصاً و هم گروه وزرایی که با منصور آمده بودند؟ از هویدا تا دیگران؟

ع.ع - خیلی دردناک بود. برای اینکه به هرحال شما با شخصی همکاری داشتید، او را از نزدیک می‌شناختید. می‌دانستید برای خودش آرزوهایی دارد. شب پیش من



سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران
(بخش ۲۲)
خاطرات علینقی عالیخانی
ویراستار - دکتر غلامرضا افخمی

آموزگار که آن موقع وزیر بهداری بود و عباس آرام که وزیر خارجه بود وزیران ارشد دولت بودند.

● خود شما از نظر ارشدیت در چه رده‌ای قرار داشتید؟
- پس از آنها و پس از خسروانی. خسروانی هم از من

او را در هتل هیلتون دیدم. مهمانی بود و او به مناسبتی با لباس فرآک آمده بود. نشانهایش را زده بود. خیلی هم قیافه زیبایی داشت. همیشه آن منظره جلو چشمم است که این مرد با این حالت یکمرتبه فردای آن روز به این صورت مورد حمله قرار می‌گیرد. خیلی غم انگیز و دردناک بود. همه



امیرعباس هویدا بر سر جنازه حسنعلی منصور

بالاتر بود. ولی در میان وزیران تازه، هویدا ارشد بود. ولی شاه به هیچوجه به مسأله ارشدیت توجهی نکرد و بسیار تصمیم صحیحی گرفت. به این معنی که از نقطه نظر شاه می‌بایست کسی را بیاورد که از وزیران دیگر به منصور نزدیکتر بود و همه او را با منصور در واقع همتا و یکسان می‌دانستند. صرفنظر از اینکه حالا این شخصی که دارای این مشخصات است کفایت اداره دولت را دارد یا ندارد،

صمیمانه متأسف بودند. البته هیچ تردید نیست، روزهای غم‌انگیزی بود. اینکه هویدا قرار شد که سرپرستی را به عهده بگیرد و بعد از دو سه روز، تصور می‌کنم که روشن بود او نخست وزیر خواهد شد، به نظر گروه وزیران طبیعی بود؟ یا اینکه شما فکر می‌کردید اتفاق دیگری خواهد افتاد؟

- از هویدا چندین وزیر ارشد بودند. یعنی جمشید

در آن شرایط باید کار را به او سپرد. حتی اگر لازم بشود، بعداً او را تغییر بدهند. همچنانکه وقتی عبدالناصر مرد، انورسادات را آوردند و همه او را صرفاً به عنوان محلل می‌دانستند. هویدا را هم هیچ کسی خیلی جدی نگرفت. ولی به همان صورتی که انورسادات بعد نشان داد که اگر از شخص دوم تبدیل به شخص اول بشود، آدم دیگری خواهد بود، هویدا هم درست آدم دیگری شد و کاملاً هم موفق شد. آن ۶ روزی که منصور زنده بود هویدا کارها را اداره می‌کرد. تا اینکه یک روزی برای همه ما روشن بود که منصور در حال مرگ است. گمان می‌کنم ۶ بهمن بود.

● بله، ۶ بهمن بود که منصور فوت کرد.

– در نیمه‌های شب بود که به منزل رفته بودم و به من از نخست وزیری تلفن شد که پیام نخست وزیری و در جلسه هیأت وزیران شرکت کنم. من به آنجا رفتم و هویدا آمد و گریان اعلام کرد چند ساعت پیش منصور درگذشت و اعلیحضرت همایونی او را مسئول تشکیل دولت جدید کرده‌اند و فردای آن روز، صبح، همین هیأت وزیران به عنوان دولت معرفی شد. تنها تغییر این بود که اعلیحضرت برای اظهار لطف به خانواده منصور، جواد منصور را وزیر کردند، که پیش از آن گمان می‌کنم یا معاون نخست‌وزیر بود یا اصلاً نبود در دستگاه، خوب خاطرم نیست. او شد وزیر اطلاعات یا وزیر مشاور، به‌رحال وزیر شد. به این ترتیب از روز ۷ بهمن ۱۳۴۳ امیرعباس هویدا شروع به کار کرد و یک دوران بکلی دیگری آغاز شد.

● می‌گویید هویدا آمد و گریان این مطلب را گفت. شما احساس می‌کردید فوق‌العاده ناراحت و متأثر از این جریان است؟

– هویدا صمیمی ترین دوست منصور بود، بدون هیچ گونه بحثی. اینها از زمانی که با هم آشنا شدند همیشه با هم بودند، بعد هم به عنوان دو عضو جوان وزارت خارجه در آلمان زیر دست عبدالله انتظام کار کردند. چندی بعد برادر هویدا، فریدون، با خواهر منصور ازدواج کرد. به‌رحال، اینها فوق‌العاده به هم نزدیک بودند. ولی از این گذشته این دو یک رابطه دوستی استثنایی با هم داشتند. از یک طرف منصور برای دانش گسترده هویدا و قدرت ذهنی او خیلی احترام داشت. از آن طرف هم هویدا شیفته رفتار منصور بود که همیشه به صورت کسی رفتار می‌کرد که در آینده باید نخست وزیر بشود و بالا برود و بلد بود چطور در یک جمعی خودش را نشان بدهد و این شم سیاسی را داشت خودش را بالا برد و عده‌ای را دورش جمع بکند. این چیزهایی بود که منصور داشت و به عقیده من در تاریخ اداری ایران منصور اسمی از خود گذاشته، برای اینکه اولین کسی بود که وقتی سر کار آمد توانست یک گروه جوان را به همراه خود در رأس کارهای مهم بگمارد. زمان رضاشاه شاگرد به فرنگ فرستادند، بعد شاگرد در داخل ایران تربیت کردند، و حالا یک طبقه تحصیلکرده به‌وجود آمد و حال نوبت منصور بود که به قدیمی‌ها بگوید دیگر نوبت کسانی است که حرفه‌شان را کم و بیش بلد هستند. به‌رحال، به نسبت پیشینیان خودشان خیلی بهتر می‌دانند که دارند چه کار می‌کنند. این کاری بود که منصور کرد. می‌بایست پذیرفت. به‌هر صورت بین این دو یک رابطه دوستی استثنایی وجود داشت.

● هویدا زمام کار را در دست می‌گیرد

هویدا به تمام معنی تحت تأثیر این واقعه ناگوار قرار گرفته بود، ولی در ضمن، با همان هوش همیشگی خودش،

متوجه بود که منصور در ماههای آخر یک کمی زیاده روی کرده و با حالت غرورآمیز و تبختر خودش واکنش منفی در بسیاری از نمایندگان مجلس و کسان دیگری که با او سر و کار داشتند ایجاد کرده، به همین دلیل در روزهای اولی که آمده بود درست واروی منصور رفتار می‌کرد. در جلسه‌هایی که در مجلس شورای ملی و در سنا داشتیم، همه اظهار تأسف می‌کردند و سخنرانیهای خیلی مؤثر حتی از طرف مخالفهای منصور می‌شد. هویدا که بلند می‌شد صحبت بکند، خودش را خیلی فروتن نشان می‌داد. خیلی کوچک می‌گرفت. می‌گفت من که نمی‌خواستم به این مقام برسم، آمادگی این کار را نداشتم، مگر اینکه شما به من یاد بدهید، مگر اینکه شما به من نصیحت بکنید. خوب، حالا یکی دو روز اولش خیلی بد نبود که بخواهد بگوید من رفتار منصور را ندارم. ولی پس از چند روز دیدم که او همچنان این رفتار را ادامه می‌دهد و واقعاً فکر می‌کند چون روزهای اول اثر خوبی گذاشته باید ادامه بدهد. خاطرم می‌آید یک روز خصوصی رفتم پهلوی، چون با هم خیلی دوست بودیم، و گفتم آقا، شما نخست وزیر مملکت هستید. این چی هست هی بلند می‌شوید می‌گویید باید یاد بگیرم. خودت می‌دانی، من هم می‌دانم، و از بقیه هم شاید بعضیها بدانند که خیلی از دیگران بهتر می‌دانی داری چه کار می‌کنی. این طرز حرف زدن نیست. خود من هم در حضور دیگران خیلی رسمی با او رفتار می‌کردم، به‌ویژه در هیأت وزیران. او هم پوزخندی به من می‌زد. علت این رفتار من این بود که فکر می‌کردم که همه می‌دانند که با هویدا دوست هستم. باید من مخصوصاً به او احترام بگذارم تا بقیه وزیران حساب کارشان را بکنند. چون چند نفر از آنها کمی با بی‌اعتنایی با او رفتار می‌کردند که بسیار زنده بود و اصلاً معنی نداشت. رئیس دولت بود. به او گفتم ببین، ممکن است که ما با هم دوست باشیم و اینجا دو نفره نشستیم و تو به هم می‌گوییم، اما تو نخست وزیر کشوری. از اینجا که می‌روی بیرون نخست وزیر باش. به فکر فرو رفت و خیلی تشکر کرد. گفت این کار را خواهم کرد. و از روز بعد شد نخست وزیر. پس از مدتی همه با تعجب متوجه شدند که با یک نخست وزیری روبرو شده‌اند که حرفش را بلد است بزند، آنالیزهای خوب می‌تواند بکند، برداشتهای صحیح دارد، و کسی نیست که به‌عنوان نخست وزیر که اینجا نشسته و شما به عنوان وزیر کاری دارید و مسأله‌ای را مطرح می‌کنید، عاجز ماند و نتواند از شما سؤال درست بکند یا احیاناً نتواند به شما بفهماند که بروید کارتان را بهتر بکنید.

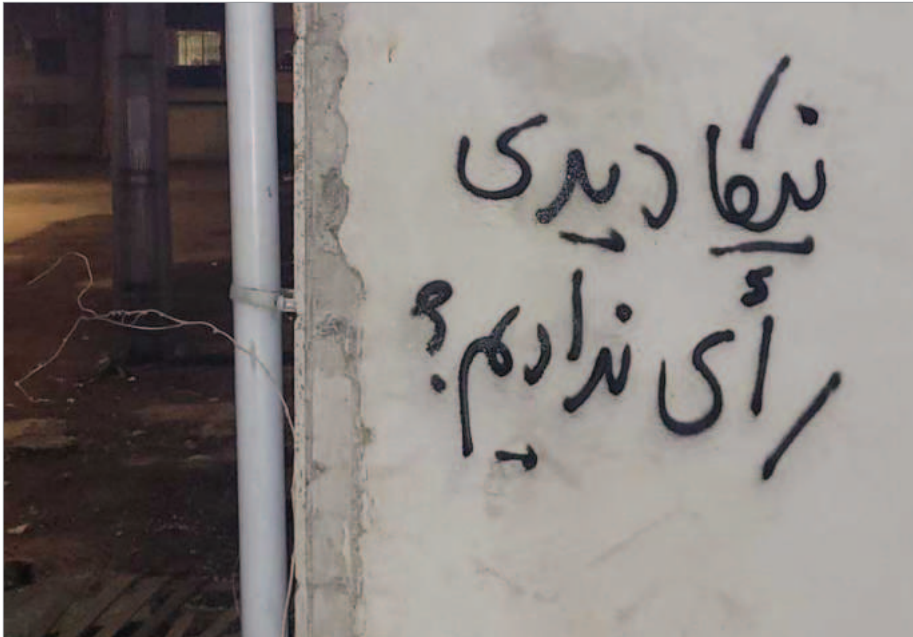
هویدا یکمرتبه سطح کار دولت را بالا برد، بی آنکه بخواهد تظاهری بکند، اتومبیل توی خیابان راه بیندازد، و یا تا نصف شب جلسه داشته باشد. کارش را خیلی خوب بلد بود و پس از مدتی به همه نشان داد که نخست وزیر و سر کار هست. خاطرم می‌آید یک بار چون هنوز وزیر دارایی معین نکرده بود و وزارت دارایی را هم شخص خودش به عهده داشت، از او دعوت شد به عنوان سرپرست وزارت دارایی در مجمع عمومی نفت شرکت بکند. به شرکت نفت که می‌رفتیم در اتومبیل با هم بودیم. گفت که این دعوتنامه را برای من دکتر اقبال امضا کرده و فرستاده بی اینکه با من قبلاً چک بکنند که من وقت دارم یا نه. برداشته‌اند نوشته‌اند که جلسه مجمع عمومی شرکت نفت در فلان تاریخ خواهد بود، خواهش می‌کنم که بیایید. امروز می‌خواهم اینها را ادیشان بکنم. یعنی در واقع دکتر اقبال را. به جلسه مجمع عمومی که رفتیم، او به عنوان مسئول وزارت دارایی و در نتیجه رئیس مجمع عمومی شرکت نفت جلسه را آغاز کرد. گفت که پیش از اینکه وارد دستور بشویم به شما آقای شبیانی باید

حد آشنایی شاه با هویدا

● به نظر می‌رسد وقتی که شاه هویدا را برای نخست وزیری بعد از منصور انتخاب کرد، آشنایی خاصی با هویدا نداشت؟ به عبارت دیگر، افراد دیگری بودند که شاه آنها را بهتر می‌شناخت و این در طی زمان هست که رابطه بین هویدا و شاه شروع کرد به شکل گرفتن؟

– نه. شاه پیش از وزارت دارایی هویدا آشنایی خاصی با او نداشت، او را کمی می‌شناخت، اما قدرت اداری او را نمی‌دانست. هویدا به عنوان مدیر شرکت نفت شخص شناخته شده‌ای بود. حدس می‌زنم نه فقط در سلامها، بلکه به دلایل دیگر هم شاید چند بار توانسته بود با انتظام یا فرد دیگری شرفیاب بشود. آن را من دقیقاً نمی‌دانم. اما حتماً شاه او را در آن زمان دیده بود. بعد، در همان جلساتی که داشتیم که در آن برنامه دولت آینده روشن می‌شد، هویدا و درست منصور بود. جلسات جداگانه‌ای هم هویدا و منصور با شاه داشتند که ما نبودیم. او را به این ترتیب نسبتاً خوب می‌شناخت. از آن گذشته وقتی که وزیر دارایی شد، سنت این بود که وزیر دارایی باید هفته‌ای یک بار حضور شاه شرفیاب بشود و گزارش بدهد. پس آن هم باعث می‌شد که در آن یک سال گذشته شاه مرتب هر هفته تنها او را می‌دید. بنابراین کاملاً او را می‌شناخت و چیز تازه‌ای برایش نبود، اما به تحقیق نمی‌دانست که تا چه اندازه کفایت اداری دارد. چون در وزارت دارایی، که کار خیلی سختی بود، او می‌توانست خودش را نشان بدهد، اما هنوز حدود ده ماه بیشتر نگذشته بود و کار خاصی پیش نیامده بود که او را مشخص بکنند. این است که در آغاز امر، به‌عنوان نخست وزیر، همه و به احتمال قوی خود شاه هم منتظر بود ببیند این شخص چطور از آب درمی‌آید. اما حضورتان عرض کردم، برای من هیچ تردیدی نیست که علت انتخاب او این بود که از همه به منصور نزدیکتر بود. (ادامه دارد)

خامنه‌ای می‌گوید تحریم‌کنندگان انتخابات «مخالف نظام» نیستند او خواستار رأی برای «آبروی نظام» شد



تصویری از یک دیوارنوشته از تحریم انتخابات هشتم تیرماه با یادآوری نام نیکیا شاکرمی

بر اساس آمارهای اعلام شده از سوی وزارت کشور، میزان مشارکت ۳۹/۹ درصد بوده است. این رقم پایین‌ترین سطح مشارکت مردم در انتخابات پس از انقلاب ۵۷ تاکنون بوده است. عدم مشارکت بیش از ۶۰ درصد از واجدین شرایط که برابر با جمعیت حدود ۴۰ میلیون نفری از شهروندان بالای ۱۸ سال کشور و حدود نیمی از جمعیت کل ایران است به معنای وجود ظرفیت اعتراضی ویران‌کننده مخالفان برای جمهوری اسلامی است.

این رقم در حالیست که برای دور نخست انتخابات نمایشی، جمهوری اسلامی همه توان خود را به کار بست و به همین منظور خامنه‌ای بار دیگر کارت اصلاح‌طلبان را با نامزدی مسعود پزشکیان وارد بازی کرد.

او همچنین از محمدجواد ظریف به عنوان نامزد نیابتی بهره برد و محمد خاتمی و مهدی کروبی را که در سال‌های گذشته ژست منتقد گرفته بودند نیز وارد صحنه کرد تا مردم را به شرکت در انتخابات دعوت کنند.

شوک ناشی از عدم مشارکت در دور اول انتخابات سبب شد جناحین جمهوری اسلامی همه باقیمانده‌ی توان خود را نیز در روزهای گذشته به کار بگیرند تا شاید بتوانند مردم را برای شرکت در دور دوم به میدان بیاورند. اصلاح‌طلبان بطور مشخص پروژه «جلیلی‌هراسی» را در دستور کار قرار داده‌اند.

در حالی که دولت‌های اصلاح‌طلب کارنامه‌هایی سیاه در سرکوب و قتل‌های زنجیره‌ای و کشتار معترضان دارند اما با ادعای «شرایط طالبانی» در صورت روی کار آمدن سعید جلیلی به دنبال کشاندن مردم به پای صندوق رأی به سود مسعود پزشکیان هستند. این در حالیست که جمهوری اسلامی پدرخوانده طالبان و همه گروه‌های تروریستی منطقه از سال ۱۹۷۹ به بعد و روی کار آمدن حکومت ولایت فقیه در ایران است.

کسی رأی نداد را ملحق به اینها بکنیم این خیلی خطای بزرگی است. این خطا را نباید کسانی مرتکب بشوند. نه، مشکل دارد، گرفتاری دارد، کار دارد، حوصله ندارد، وقت نمی‌کند، انواع و اقسام موانع برای این کار وجود دارد.»

رهبر جمهوری اسلامی آنگاه خواستار حضور مردم پای صندوق رأی دومین مرحله انتخابات برای «آبروی نظام» شده است: «انشاءالله این مرحله‌ی دوم، اجتماع مردم شوق‌انگیز باشد و مایه‌ی آبرو برای نظام اسلامی باشد. مشارکت مردم برای نظام جمهوری اسلامی، پشتوانه است، مایه‌ی آبرو است، مایه‌ی سربلندی است. اگر چنانچه مردم مشارکت واضح‌تر و بهتر و روشن‌تری داشته باشند، نظام جمهوری اسلامی این توانایی را پیدا خواهد کرد که حرف خودش و نیات خودش و مقاصد خودش را چه در داخل کشور، چه در مجموعه‌ی امتداد راهبردی کشور تحقق ببخشد و این فرصت خیلی بزرگی است برای کشور.»

با اینکه انتخاب رئیس دولت در انتخاباتی نمایشی و با اراده و نظر شخص علی خامنه‌ای انجام می‌شود اما او گفته که «امیدواریم انشاءالله خداوند متعال دل‌های همه ما را هدایت کند به آنچه که مورد رضای اوست و همه‌ی کسانی که اسلام را دوست دارند، جمهوری اسلامی را دوست دارند، پیشرفت کشور را دوست دارند و بهبود اوضاع کشور و پر کردن خلأها را دوست دارند، به وسیله‌ی آرای‌شان این را در روز جمعه‌ای که پس‌فردا باشد، ارائه کنند و نشان دهند و خداوند توفیق بدهد بتوانند بهترین را انتخاب کنند؛ کسی که بتواند این اهداف را تحقق ببخشد در کشور.»

تحریم گسترده انتخابات از سوی شهروندان در دور نخست انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری که جمعه گذشته هشتم تیرماه برگزار شد سبب شد جمهوری اسلامی با همه تقلب‌ها و آمارسازی‌ها نتواند میزان مشارکت را بیش از ۴۰ درصد اعلام کند.

● خامنه‌ای گفته «در مرحله اول انتخابات مشارکت مردم کمتر از آن مقداری بود که توقع داشتیم و حدس زده می‌شد. افراد مختلفی حدس‌هایی درباره مشارکت می‌زدند، حدس‌ها همه‌اش بیشتر از آن چیزی بود که درواقع اتفاق افتاد.»

● رهبر جمهوری اسلامی مدعی شد کسانی که رأی ندادند مخالف نظام نیستند: «آنچه که مسلم است این است اگر کسی تصور کند که این عده‌ای که رأی ندادند به خاطر این بود که با نظام مخالف بودند، سخت در اشتباه است. این برداشت، این فهم صد درصد اشتباه است!»

● خامنه‌ای خواستار حضور مردم پای صندوق رأی دومین مرحله انتخابات برای «آبروی نظام» شده و گفته «مشارکت مردم برای نظام جمهوری اسلامی، پشتوانه است، مایه‌ی آبرو است، مایه‌ی سربلندی است.»

رهبر جمهوری اسلامی پس از چند روز سکوت معنادار درباره دور نخست چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری که با عدم مشارکت بی‌سابقه شهروندان و تحریم گسترده انتخابات روبرو شد، در اظهاراتی مدعی شد آنها که رأی ندادند مخالف نظام نیستند! وی خواستار آن شد که مردم برای «آبروی نظام» در دور دوم سیرک انتخابات شرکت کنند.

بر اساس ویدئوی کوتاهی که در رسانه‌های داخلی و به نقل از دفتر حفظ و نشر آثار علی خامنه‌ای منتشر شده، رهبر جمهوری اسلامی پس از تأخیری چند روزه نسبت به دور نخست انتخابات ریاست جمهوری واکنش نشان داد.

علی خامنه‌ای با اعتراف از مشارکت پایین مردم در انتخابات نمایشی گفت: «در مرحله اول انتخابات مشارکت مردم کمتر از آن مقداری بود که توقع داشتیم و حدس زده می‌شد. افراد مختلفی حدس‌هایی درباره مشارکت می‌زدند، حدس‌ها همه‌اش بیشتر از آن چیزی بود که درواقع اتفاق افتاد.»

رهبر جمهوری اسلامی در ادامه با توجیه عدم مشارکت مدعی شد کسانی که رأی ندادند مخالف نظام نیستند: «آنچه که مسلم است این است اگر کسی تصور کند که این عده‌ای که رأی ندادند به خاطر این بود که با نظام مخالف بودند، سخت در اشتباه است. این برداشت، این فهم صد درصد اشتباه است.»

علی خامنه‌ای که سال‌ها با توهم توطئه همه ناراضی‌ها و اعتراضات را کار «دشمن» می‌دانست، اکنون پس از شکست سنگین حکومت از مردم در انتخابات نمایشی، وجود شهروندان معترض و مخالف با نظام را به رسمیت شناخته اما گفته آنها آزادانه حرف می‌زنند: «ممکن است یک تعدادی باشند که از یک مسئول خوش‌شان نباید یا یک تعداد افراد باشند از اصل نظام خوش‌شان نباید؛ نه اینکه ما چنین کسانی نداریم، چرا هستند در کشور، آزادانه حرف هم می‌زنند، حرف‌هایشان هم می‌شنویم، می‌دانیم هم چه می‌گویند، یعنی اینطور نیست که پنهان باشند از چشم‌ها و دیده نشوند.»

او همچنین با اشاره به فعالان سیاسی مخالف نظام و انقلاب ۵۷ عدم شرکت مردم را کار و گرفتاری روزانه آنها دانسته و گفته «می‌دانیم کسانی هستند، می‌شناسیم، با اصل این نظام و اصل تشکیلات اسلامی حکومت خیلی موافقتی ندارند، خب بله اینها هستند لکن اینکه ما هر

بازارها پیام «عدم مشارکت حداکثری انتخابات» را دریافت کردند افزایش قیمت‌ها در بازار طلا و ارز و خروج پول از بازار سرمایه



● قیمت دلار از ۶۲ هزار تومان عبور کرده و قیمت هر سکه کامل طلا به ۴۳ میلیون تومان رسیده است.

● دو روز پس از اعلام نتیجه نمایش انتخابات ۸۰۱ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شده است. این رقم بیشترین مقدار خروج پول در ۴۹ روز معاملاتی گذشته است.

● هیچک از نامزدهای انتخابات، چه آنها که در دور نخست حذف شدند و چه مسعود پزشکیان و سعید جلیلی، برنامه مشخصی برای اداره امور اقتصادی کشور نداشته‌اند.

● روند منفی بازار بورس و افزایش قیمت‌ها در بازارهایی مانند بازار طلا از سوی برخی رسانه‌ها و تحلیلگران حامی مسعود پزشکیان به عنوان هراس بازارها از روی کار آمدن سعید جلیلی تحلیل می‌شود؛ این در حالیست که چنین وضعیتی واکنش بازار به عدم مشارکت اکثریت مردم در نمایش انتخابات و بی‌ثباتی وضعیت است.

پس از اعلام نتایج انتخابات هشتم تیرماه قیمت‌ها در بازار طلا و بورس افزایش یافت و شاخص بورس ریزش کرد. تحریم انتخابات از سوی اکثریت مردم ایران این پیام را به بازارها داده که نمایش‌های جمهوری اسلامی توان زدودن ریسک‌های اقتصادی را ندارد و همچنان وضعیت ناپایدار سیاست داخلی و خارجی تداوم خواهد داشت.

قیمت دلار در بازار آزاد ایران طی روزهای گذشته روند افزایشی داشته و از مرز ۶۲ هزار تومان عبور کرده است. در بازار ارز ایران صبح دوشنبه ۱۱ تیرماه هر دلار ۶۲ هزار و ۵۰۰، هر یورو ۶۶ هزار و ۵۲۰ تومان، هر پوند بریتانیا ۷۸ هزار و ۵۱۰ تومان و هر درهم امارات ۱۷ هزار و ۱۰۰ تومان معامله شد.

قیمت‌ها در بازار طلا نیز روند افزایشی داشته و هر سکه کامل طلا به ۴۳ میلیون تومان رسیده است. هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۳ میلیون و ۵۲۵ هزار تومان قیمت‌گذاری شده است.

بازار بورس نیز طی سه روز گذشته با ریزش روبرو بوده بطوری که روز شنبه با نهایی شدن نتیجه دور اول انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم ۸۳ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شد. شاخص کل بورس تهران بیش از ۲۳ هزار واحد کاهش یافت و به مرز ۲ میلیون و ۷۳ هزار واحد رسید. در روز یکشنبه اما جریان خروجی پول حقیقی با افزایش ۸۶۵ درصدی روبرو شد. بر اساس برآوردها روز گذشته ۸۰۱ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شد. این رقم بیشترین مقدار خروج پول در ۴۹ روز معاملاتی گذشته است.

بیشترین خروج پول حقیقی در معاملات سهامی روز یکشنبه، به سهام «ایران خودرو» و «فولاد مبارکه» اصفهان با ۴۸/۳ میلیارد تومان و ۴۵ میلیارد تومان تعلق داشت. این دو نماد به تنهایی بیش از ۱۱/۶ درصد خروج سرمایه حقیقی از کل بازار سهام را بر عهده داشتند.

روند منفی بازار بورس و افزایش قیمت‌ها در بازارهایی مانند بازار طلا از سوی برخی رسانه‌ها و تحلیلگران حامی

قرار بود در بازار انجام شود و معلق مانده است. این مطلب افزوده یکی دیگر از علت‌های ریزش بازار سرمایه «افزایش ابهامات افزایش‌یافته بازار، ناشی از موکول شدن نتایج نهایی انتخابات در دور دوم است که در جمعه پیش رو برگزار خواهد شد».

به نوشته «دنیای اقتصاد» این اتفاق و نامشخص بودن رئیس دولت آینده در کنار این مسئله که برنامه روشن و دقیقی نیز از سوی این کاندیداها جهت برون‌رفت بازار سرمایه از مشکلاتی که مدت‌ها است با آن درگیر است، ارائه‌نشده، همگی سبب شده‌اند تا معاملات در این روز با احتیاط بیشتری انجام شده و فشار عرضه افزایش یابد.

همانطور که «دنیای اقتصاد» اشاره کرده هیچک از نامزدهای انتخابات، چه آنها که در دور نخست حذف شدند و چه مسعود پزشکیان و سعید جلیلی، برنامه مشخصی برای اداره امور اقتصادی کشور نداشته‌اند.

در مورد مسعود پزشکیان که حتی مشخص نیست کدام تئوری و شیوه سیاست‌گذاری اقتصادی را برای عبور اقتصاد کشور از بحران‌های پیچیده در نظر دارد. اینهمه سبب عدم اطمینان در سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی شده است.

از سوی دیگر تحریم گسترده انتخابات از سوی اکثریت مردم ایران یک پیام روشن به بازارهای مهم می‌دهد؛ اینکه چه نامزد اصلاح‌طلبان و چه نامزد اصولگرایان در دور دوم انتخابات به عنوان رئیس دولت انتخابات شود، شکاف عمیق مردمی که معتقد به براندازی هستند با حکومت و دولت چهاردهم باقی خواهد ماند. این پیام به معنای تداوم ریسک در اقتصاد کشور و بی‌ثباتی در وضعیت سیاسی جمهوری اسلامی است.

مسعود پزشکیان به عنوان هراس بازارها از روی کار آمدن سعید جلیلی تحلیل می‌شود؛ این در حالیست که چنین وضعیتی واکنش بازار به عدم مشارکت اکثریت مردم در نمایش انتخابات و بی‌ثباتی وضعیت است.

سعید درخشانی تحلیلگر بازار سرمایه در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته «تفکرات اقتصادی آقای جلیلی و مخصوصاً همراهانش نشان داده که تا حد زیادی با تفکرات اقتصادی مرسوم فاصله دارند و این مسئله، بخش اقتصاد کشور را نگران می‌کند. تفکر کسانی که کاهو و خیار را هم می‌خواهند برنامه‌ریزی کنند و در دخالت‌گری دولت تا آنجا پیش بروند، اصلاً سیگنال خوبی برای فعالان اقتصادی جامعه و بورس نیست.»

به گفته او «دولت باید در اقتصاد، بیشتر نقش تنظیم‌گری و رگولاتوری داشته باشد، این در حالی است که سیاست‌های تیم اقتصادی جلیلی می‌تواند اقتصاد ایران و در مجموع بازار سهام به عنوان دامسج اقتصاد را نگران بکند. به خاطر همین واکنش منفی روز یکشنبه بورس طبیعی است و باید ببینیم که در آینده چه چیزی پیش خواهد آمد.»

این کارشناسان اما درباره کارنامه دولت حسن روحانی در بازار بورس توضیح می‌دهند که چگونه از سال ۱۳۹۹ با هدف جبران کسری بودجه سرمایه مردم را به بازار بورس جذب و جیب آنها را خالی کرد. آنها همچنین درباره ریسک پیروزی مسعود پزشکیان در دور دوم انتخابات که بسیاری آن را «دولت سوم روحانی» می‌نامند بر بازارهایی مانند بازار بورس سخن می‌گویند!

روزنامه «دنیای اقتصاد» نوشته یکی از دلایل ریزش بازار می‌تواند مرتبط با اصلاحاتی باشد که طی سه هفته گذشته

سرویس اقدام خارجی اروپا درخواست آلمان برای تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را پذیرفت



گردان‌های امنیتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که محور سرکوب مردم در اعتراضات اند

● روزنامه «زوددویچه تسایتونگ» روز پنجشنبه چهارم ژوئیه گزارش داد، بخش حقوقی سرویس اقدام خارجی اتحادیه اروپا درخواست آلمان را برای تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را پذیرفته و روند رسمی بررسی قرار دادن این نهاد در فهرست گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی در این اتحادیه آغاز شده است.

● گفته می‌شود، وزارت خارجه آلمان با حمایت چند کشور عضو اتحادیه اروپا، درخواست تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران را ارائه داده است.

● مجله آلمانی «فوکوس» (Focus) دوشنبه ۲۷ ماه مه گزارش داده بود آلمان و چندین کشور اتحادیه اروپا بر اساس حکم دادگاه عالی ایالتی دوسلدورف خواسته‌اند که سپاه به عنوان یک سازمان تروریستی طبقه‌بندی شود.

● تلاش‌های گسترده‌ای در اروپا از سوی احزاب و ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی برای تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انجام شده است. به عنوان مثال اعضای فراکسیون اتحادیه دموکرات مسیحی / سوسیال مسیحی در پارلمان آلمان خواهان تغییر اساسی در سیاست دولت این کشور در قبال جمهوری اسلامی با هدف «تضعیف و منزوی کردن» حکومت ایران شدند.

روزنامه «زوددویچه تسایتونگ» روز پنجشنبه چهارم ژوئیه (۱۴ تیرماه) گزارش داد، بخش حقوقی سرویس اقدام خارجی اتحادیه اروپا درخواست آلمان را برای تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را پذیرفته و روند رسمی بررسی قرار دادن این نهاد در فهرست گروه‌ها



یائیر کاتز رئیس شورای کارکنان صنعت هوانوردی اسرائیل

چند هفته برای این سناریو آماده شدند. این اظهارات پس از آن بیان شد که نمایندگی جمهوری اسلامی روز شنبه ۲۹ ژوئن (نهم تیرماه) طی پیامی هشدار داد، «اگرچه ایران تبلیغات رژیم صهیونیستی مبنی بر قصد حمله به لبنان را جنگ روانی می‌داند اما در صورت دست زدن به یک تهاجم نظامی تمام‌عیار، جنگی نابودکننده رخ خواهد داد. تمام گزینه‌ها، از جمله مشارکت کامل همه جبهه‌های مقاومت روی میز است.»

در این پیام ادعا شد، «قطعاً این جنگ یک بازنده نهایی خواهد داشت و آن رژیم صهیونیستی است. جنبش مقاومت حزب‌الله توان دفاع از خود و کشورش لبنان را دارد؛ شاید زمان نابودی این رژیم نامشروع به دست خودش فرا رسیده باشد.» در همین ارتباط اسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل نیز «ایکس» نوشت: «رژیمی که تهدید به نابودی می‌کند، مستحق نابودی است.»

به گفته این مقام اسرائیلی، «جمهوری اسلامی ایران تهدید می‌کند که در صورت پاسخ کامل اسرائیل به حملات حزب‌الله لبنان، این کشور را نابود خواهد کرد.» وی افزود: «پاسخ من به جمهوری اسلامی روشن است و آن این است که اگر حزب‌الله حملاتش را متوقف نکند و از جنوب لبنان عقب‌نشینی نکند، تا زمانی که امنیت برقرار شود و ساکنان بتوانند به خانه‌های خود بازگردند، با تمام قدرت علیه آن اقدام خواهیم کرد.»

کمال خرازی مشاور علی خامنه‌ای و رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، در مصاحبه با شبکه «الجزیره» که چهارشنبه هشتم ماه مه (۱۹ اردیبهشت) منتشر شد تهدید کرد، «در صورت تهدید موجودیت [جمهوری اسلامی] ایران دکترین هسته‌ای خود را تغییر می‌دهیم.»

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بعد از عملیات تروریستی حماس علیه اسرائیل در «هفت اکتبر» ارسال تسلیحات به کرانه باختری را افزایش داده است.

تحلیلگران معتقدند افزایش فشارهای داخلی و بین‌المللی، جمهوری اسلامی را در شرایطی قرار داده که بیش از هر زمان دیگری موجودیت خود را در خطر می‌بیند و اتکاء به ابزاری مثل افزایش غنی‌سازی اورانیوم و رفتن به سمت بمب اتم، تشدید جنگ در منطقه، گروگانگیری و گسترش تروریسم در سایر نقاط گزینه‌های محدودی است که از آن بهره می‌برد.

رجزخوانی‌ها و تهدیدات شدید در مقابل تهدیدات جمهوری اسلامی در شرایطی است که رهبران و مخالفان آزادیخواه و میهن‌دوست جمهوری اسلامی مدام به دولت‌های خارجی می‌گویند برای خلاص شدن از شر حکومت از مردم ایران حمایت کنند.

واکنش یک مقام اسرائیلی به تهدیدات جمهوری اسلامی: اگر موجودیت ما تهدید شود با «سلاح روز قیامت» معادلات را تغییر می‌دهیم!

● در شرایطی که جمهوری اسلامی با افزایش تعداد سانتریفیوژها غنی‌سازی در تأسیسات اتمی فُردو و نطنز را افزایش داده است یک مقام اسرائیلی گفته اسرائیل این توانایی را دارد که در صورت قرار گرفتن در معرض تهدید موجودیتی از سوی کشورهای منطقه، با استفاده از «سلاح روز قیامت» معادلات را بشکند.

● روزنامه «اورشلیم پست» ۲۹ ژوئن (نهم تیرماه) به نقل از یائیر کاتز رئیس شورای کارکنان صنعت هوانوردی اسرائیل نوشت، «اگر [رژیم] ایران، یمن، سوریه، عراق و کشورهای خاورمیانه تصمیم به تسویه حساب با اسرائیل بگیرند، ما این معادله را خواهیم شکست، و توانایی استفاده از سلاح روز رستاخیز را داریم.»

● اسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل نیز «ایکس» نوشت: «رژیمی که تهدید به نابودی می‌کند، مستحق نابودی است.»

● رجزخوانی‌ها و تهدیدات شدید در مقابل تهدیدات جمهوری اسلامی در شرایطی است که رهبران و مخالفان آزادیخواه و میهن‌دوست جمهوری اسلامی مدام به دولت‌های خارجی می‌گویند برای خلاص شدن از شر حکومت از مردم ایران حمایت کنند.

در شرایطی که جمهوری اسلامی با افزایش تعداد سانتریفیوژها غنی‌سازی در تأسیسات اتمی فُردو و نطنز را افزایش داده است یک مقام اسرائیلی گفته اسرائیل این توانایی را دارد که در صورت قرار گرفتن در معرض تهدید موجودیت خود از سوی کشورهای منطقه، با استفاده از «سلاح روز قیامت» معادلات را بشکند.

عبارت «doomsday weapons» (سلاح آخرالزمان، قیامت یا سلاح رستاخیز) در مورد تسلیحات قدرتمندی به کار می‌رود که مانند بمب اتمی یا هیدروژنی قدرت تخریب بالایی دارند. روزنامه «اورشلیم پست» ۲۹ ژوئن (نهم تیرماه) به نقل از یائیر کاتز رئیس شورای کارکنان صنعت هوانوردی اسرائیل نوشت، «اگر [رژیم] ایران، یمن، سوریه، عراق و کشورهای خاورمیانه تصمیم به تسویه حساب با اسرائیل بگیرند، ما این معادله را خواهیم شکست، و توانایی استفاده از سلاح روز رستاخیز را داریم.»

کاتز با اشاره به اینکه نقش متحدانی که به اسرائیل کمک می‌کنند، «مهم» است، گفت: «آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و آلمانی‌ها در بخش اطلاعاتی به ما کمک می‌کنند، آنها می‌دانند چگونه ما را در مورد تحرکاتی که می‌تواند ما را در معرض خطر قرار دهد، آگاه کند حتی زمانی که ما در فضا ابزاری برای شناسایی این تهدیدات داریم، کمک آنها مهم است.»

رئیس شورای کارکنان صنعت هوانوردی اسرائیل با اشاره به نقش متحدان در کمک به مقابله با حمله جمهوری اسلامی به اسرائیل، خاطرنشان کرد: «مهندسان و کارگران اسرائیلی

و سازمان‌های تروریستی در این اتحادیه آغاز شده است.

گفته می‌شود، وزارت خارجه آلمان با حمایت چند کشور عضو اتحادیه اروپا، درخواست تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران را ارائه داده است.

مجله آلمانی «فوکوس» (Focus) دوشنبه ۲۷ ماه مه (هفتم خرداد) گزارش داده بود که آلمان و چندین کشور اتحادیه اروپا بر اساس حکم دادگاه عالی ایالتی دوسلدورف خواسته‌اند که سپاه به عنوان یک سازمان تروریستی طبقه‌بندی شود.

حکم صادر شده در دادگاه دوسلدورف در ماه دسامبر ۲۰۲۳ صادر شد که مربوط به تلاش عوامل جمهوری اسلامی برای آتش زدن یک کینسه بود.

آنالنا بروک وزیر خارجه آلمان بارها در گذشته تاکید کرده بود که از تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران حمایت خواهد کرد اما جوزپ بولر مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اوایل بهمن‌ماه سال ۱۴۰۲ اعلام کرد که اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان گروه تروریستی نیاز به پیگیری حقوقی توسط کشورهای عضو اتحادیه و «حکم دادگاه‌های اروپایی» دارد.

بولر گفته بود، «تروریستی اعلام کردن سپاه مسئله‌ای است که ابتدا به تصمیم دادگاه نیاز دارد. نمی‌توانید بگویید من شما را یک تروریست می‌دانم به این دلیل که از شما خوشم نمی‌آید. حداقل دادگاه در یکی از اعضای اتحادیه اروپا قبل از اینکه اتحادیه اروپا بتواند اقدام کند باید یک محکومیت حقوقی مشخص برای سپاه صادر کند.»

درخواست آلمان برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران مدتی پس از آن پذیرفته شده که دولت کانادا این تشکیلات نامتعارف و موازی را در فهرست گروه‌های تروریستی خود قرار داد. تلاش‌های گسترده‌ای در اروپا از سوی احزاب و ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی برای تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انجام شده است. به عنوان مثال اعضای فراکسیون اتحادیه دموکرات مسیحی/ سوسیال مسیحی در پارلمان آلمان خواهان تغییر اساسی در سیاست دولت این کشور در قبال جمهوری اسلامی با هدف «تضعیف و منزوی کردن» حکومت ایران شدند.

شماری از نمایندگان پارلمان اروپا، جوزپ بولر رئیس سیاست خارجی این اتحادیه را که به زودی تغییر خواهد کرد، متهم به حمایت از سپاه پاسداران می‌کنند که یکی از آنها جمله چارلی وایمرز نماینده سوئد در پارلمان اروپاست. جوزپ بولر بیش از یک سال است که ادعا کرده برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران، به یک حکم قانونی از دادگاهی در کشورهای عضو این اتحادیه نیاز است اما وایمرز پنج اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ در نطق خود در پارلمان اروپا خطاب به وی گفت، «آقای بولر شما دروغ می‌گویید؛ یک سال است که ادعا کردید برای اینکه اتحادیه اروپا سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد یک نهاد حقوقی در اتحادیه اروپا باید مجاب شده باشد که سپاه در فعالیت‌های تروریستی دست داشته... این حرف مزخرف است در اینجا من ارزیابی محرمانه حقوقی شورا را دارم، در هیچ کجای این سند گفته نشده که باید این مرجع در اتحادیه اروپا باشد.»

وی در ادامه افزود، «درواقع اصطلاح مرجع صالح شامل مقامات کشورهای ثالث نیز می‌شود... شما این سند را داشتید، می‌دانید که حقیقت را می‌دانستید. شما بی‌شرمانه برای حفاظت از سپاه دروغ گفتید. دل ما برای شما تنگ نخواهد شد آقای بولر، ولی مطمئنم دل ملاها برای شما تنگ می‌شود.»

پیروزی قاطع «حزب کارگر» در انتخابات بریتانیا مخالفان تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از قدرت کنار رفتند



سر کی‌یر استارمر رهبر حزب کارگر / عکس: رویترز

می‌گویند این نتایج بزرگترین شکست «حزب محافظه‌کار» از بدو تأسیس تا کنون بوده است. این حزب در قرن نوزدهم میلادی تأسیس شده است. بر اساس آمار، این حزب حدود دو سوم ۳۶۵ کرسی را که در دور قبلی انتخابات در سال ۲۰۱۹ کسب کرده بود، از دست داده است.

استارمر در جمع هوادارانش در واکنش به پیروزی در انتخابات گفت، «باری از روی دوش کشور برداشته شده» و «تغییر از حالا آغاز می‌شود.»

انتخابات در بریتانیا برای ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی اهمیت ویژه‌ای داشت زیرا ریشی سوناک و اغلب اعضای کابینه وی مخالف قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی بریتانیا بودند اما دو سه روز پیش از انتخابات اخیر روزنامه «تلگراف» گزارش داد حزب کارگر بریتانیا در صورت پیروزی در انتخابات سپاه پاسداران را تروریستی اعلام می‌کند.

پیشتر ریشی از ۱۰۰ نماینده مجلس بریتانیا از ریشی سوناک نخست وزیر این کشور خواسته‌اند تا در مقابل «جنگ‌طلبی» رژیم ایران با قراردادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اقدام متناسب انجام دهند. این نمایندگان به نخست وزیر محافظه‌کار بریتانیا هشدار دادند: «ما در قبال رژیم ایران به یک استراتژی جدید نیاز داریم.»

با وجود این درخواست‌ها و همچنین گزارش نهادهای امنیتی بریتانیا در مورد دخالت عوامل جمهوری اسلامی در تحریک آشوب‌های ضداسرائیلی در بریتانیا اما دولت سوناک برای «حفظ روابط با جمهوری اسلامی» از تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران خودداری کرد.

حال باید دید این اقدام توسط حزب کارگر و دولت جدید بریتانیا واقعا انجام می‌شود یا نه.

● با پایان شمارش آراء «حزب کارگر» با کسب بیش از ۴۰۰ کرسی از ۶۵۰ کرسی، اکثریت مجلس عوام به دست آورد و کی‌یر استارمر رهبر این حزب جانشین ریشی سوناک نخست‌وزیر این کشور خواهد شد.

● با این نتایج پس از ۱۴ سال «حزب کارگر» موفق شد قدرت را از «حزب محافظه‌کار» بگیرد. منابع بریتانیایی می‌گویند این نتایج بزرگترین شکست «حزب محافظه‌کار» از بدو تأسیس تا کنون بوده است. بر اساس آمار، این حزب حدود دو سوم کرسی ۳۶۵ کرسی را که در دور قبلی انتخابات در سال ۲۰۱۹ کسب کرده بود، از دست داده است.

● انتخابات در بریتانیا برای ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی اهمیت ویژه‌ای داشت زیرا ریشی سوناک و اغلب اعضای کابینه وی مخالف قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی بریتانیا بودند اما دو سه روز پیش از انتخابات اخیر روزنامه «تلگراف» گزارش داد حزب کارگر بریتانیا در صورت پیروزی در انتخابات سپاه پاسداران را تروریستی اعلام می‌کند. حال باید دید این اقدام توسط «حزب کارگر» و دولت جدید بریتانیا واقعا انجام می‌شود یا نه.

«حزب کارگر» در انتخابات پارلمان بریتانیا که پنجشنبه ۴ ژوئیه (۱۴ تیرماه) برگزار شد با اکثریت قاطع آراء حزب محافظه‌کار را شکست داد.

با پایان شمارش آراء «حزب کارگر» با کسب بیش از ۴۰۰ کرسی از ۶۵۰ کرسی، اکثریت مجلس عوام را به دست آورد و کی‌یر استارمر رهبر حزب کارگر جانشین ریشی سوناک نخست‌وزیر این کشور خواهد شد.

با این نتایج پس از ۱۴ سال «حزب کارگر» موفق شد قدرت را از «حزب محافظه‌کار» بگیرد. منابع بریتانیایی

چراغ سبز حکومت به حضور پان‌ترک‌ها و تجزیه‌طلبان در ستاد انتخاباتی فردی که حالا رئیس دولت شده است



مسعود پزشکیان در «قلعه حسن‌خان» تهران رای خود را به صندوق انداخت؛ همانجایی که لیلی واثقی فرماندارش در آبان ۹۸ دستور شلیک به مردم را داد

ترکیه و آلمان کشیده شد و دو طرف سفرای یکدیگر در آنکارا و برلین را احضار کردند. آنهم در حالی که بازی تیم ترکیه در برابر تیم هلند قرار است امروز ۶ ژوئیه در برلین پایتخت آلمان برگزار شود و رجب طیب اردوغان نیز قرار است در استادیوم حضور پیدا کند.

نانسی فزر وزیر کشور دولت آلمان در واکنش به شادی پس از گل دمیال، در صفحه «ایکس» خود نوشته بود، «نمادهای راستگرای افراطی ترکیه در استادیوم‌های ما جایی ندارند» و «سوء استفاده از مسابقات فوتبال جام ملت‌های اروپا به عنوان بستری برای نژادپرستی، کاملاً غیرقابل قبول است.» پارلمان اروپا در ماه مه ۲۰۲۱ از کشورهای عضو اتحادیه اروپا خواست تا گرگ‌های خاکستری را به عنوان یک گروه تروریستی معرفی کنند.

این گروه پس از تأسیس در دهه ۱۹۶۰ متهم به مشارکت در خشونت‌های سیاسی شده که عمدتاً علیه گروه‌های چپ‌گرا و اقلیت‌هایی مانند کردها و ارمنه صورت می‌گرفت. گروه «گرگ‌های خاکستری» به عنوان یک سازمان شبه‌نظامی نژادپرست و نفوذاشیت معروف است و فعالیت آن در برخی کشورها همچون فرانسه ممنوع اعلام شده. برخی کشورهای اروپایی مثل اتریش نیز استفاده از سلام سه انگشتی را که نماد سر گرگ است ممنوع کرده‌اند. به کلی نماد گرگ توسط پان‌ترک‌ها استفاده می‌شود.

اما مسئله افراط‌گرایی در میان ترک‌تبارها محدود به مسابقات فوتبال جام ملت‌های اروپا نشد و آلپرن بربر کشتی‌گیر تیم ملی زیر ۲۰ سال ترکیه نیز در بازی‌های قهرمانی اروپا بعد از پیروزی در فینال این مسابقات به نشانه حمایت از مریح دمیال باز هم سلام گرگ‌های خاکستری را تکرار کرد. از آنطرف طی روزهای منتهی به رأی‌گیری در جمهوری اسلامی حتی شماری از فعالان سیاسی و رسانه‌ای نزدیک به سعید جلیلی نسبت به حضور عناصر تجزیه‌طلب و رفتارهای قوم‌گرایانه در ستادهای انتخاباتی پزشکیان اعتراض کردند. بعد از اعلام پیروزی پزشکیان در انتخابات حکومتی،

بامداد شنبه ۱۶ تیرماه شماری از طرفداران وی در ←

برخی سید رای پزشکیان را در رقابت با سعید جلیلی سنگین کرد و درصد همان مشارکت ناچیز را در استان‌های شمال غربی و غربی اندکی افزایش داد اما اقدامی نیست که به سود ایران تمام شود.

در جریان کمپین‌های تبلیغاتی پزشکیان در برخی شهرها کسانی فرصت عرض اندام پیدا کردند که امتدادشان به جریان‌های پان‌ترکیست و تجزیه‌طلب می‌رسد. در یکی از همین کمپین‌ها تعدادی از حامیان پزشکیان علامت «گرگ‌های خاکستری» را نشان دادند که به افراطیون پان‌ترک مربوط است.

اگر تا پیش از برگزاری انتخابات حکومتی، بیشترین تحركات سازماندهی شده تجزیه‌طلبان یا پان‌ترک‌ها محدود به شعارهایی در استادیوم فوتبال تبریز بود اما حکومت برای رسیدن به منافع خودش فضا را برای آنان باز کرد و برخی ستادهای مسعود پزشکیان که به ظاهر با شعار «برای ایران» فعال بودند به محل رفت و آمد کسانی تبدیل شد که «علیه ایران» هستند.

گرگ‌های خاکستری (Bozkurtlar) یک سازمان پان‌ترک افراطی است که پیرو ایدئولوژی «تورانیسم» و معتقد به «برتری نژاد ترک» هستند. گروه «گرگ‌های خاکستری» با حزب افراطی «حرکت ملی ترکیه» (MHP) به رهبری دولت باغچه‌لی و حزب عدالت و توسعه (AKP) به رهبری رجب طیب اردوغان روابط بسیار نزدیک دارد.

حضور پان‌ترک‌ها و قوم‌گرایان افراطی در کمپین مسعود پزشکیان با حساسیت‌های دولت‌های اروپایی روی گروه «گرگ‌های خاکستری» همزمان شد. در جریان رقابت‌های جام ملت‌های اروپا که در آلمان برگزار شد مریح دمیال بازیکن تیم ملی فوتبال ترکیه شادی خود را در به ثمر رسیدن گل به تیم فوتبال هلند با سلام «گرگ‌های خاکستری» نشان داد. این اقدام با واکنش شدید «یوفا» روبرو شد و این بازیکن را از شرکت در بازی‌های بعدی این تیم در جام اروپا محروم کرد.

محرومیت مریح دمیال به جدال لفظی میان مقامات

● شماری از تحلیلگران سیاسی بر این باورند که تأیید صلاحیت مسعود پزشکیان توسط شورای نگهبان و وارد کردن وی به عرصه انتخابات، در واقع ترغیب نهاد‌های امنیتی جمهوری اسلامی با چراغ سبز علی‌خامنه‌ای برای «دوقطبی کردن» فضای سیاسی کشور بود که به صورت هدفمند و با تحریک احساسات قومی برای افزایش مشارکت در «سیرک انتخابات» انجام شد.

● در جریان کمپین‌های تبلیغاتی پزشکیان در برخی شهرها کسانی فرصت عرض اندام پیدا کردند که امتدادشان به جریان‌های پان‌ترکیست و تجزیه‌طلب می‌رسد. در یکی از همین کمپین‌ها تعدادی از حامیان پزشکیان علامت «گرگ‌های خاکستری» را نشان دادند که به افراطیون پان‌ترک مربوط است.

● قسیم عثمانی نماینده بوکان در مجلس شورای اسلامی گفته بود شماری از نمایندگان به پزشکیان توصیه کرده بودند «از اینکه ستاد وی [یک] ستاد قومی شود پرهیز شود».

● حضور پان‌ترک‌ها و قوم‌گرایان افراطی در کمپین مسعود پزشکیان با حساسیت‌های دولت‌های اروپایی روی گروه «گرگ‌های خاکستری» همزمان شد. در جریان رقابت‌های جام ملت‌های اروپا که در آلمان برگزار شد مریح دمیال بازیکن تیم ملی فوتبال ترکیه شادی خود را در به ثمر رسیدن گل به تیم فوتبال هلند با سلام «گرگ‌های خاکستری» نشان داد. این اقدام با واکنش شدید «یوفا» روبرو شد و این بازیکن را از شرکت در بازی‌های بعدی این تیم در جام اروپا محروم کرد.

● محرومیت مریح دمیال به جدال لفظی میان مقامات ترکیه و آلمان کشیده شد و دو طرف سفرای یکدیگر در آنکارا و برلین را احضار کردند. آنهم در حالی که بازی تیم ترکیه در برابر تیم هلند قرار است امروز ۶ ژوئیه در برلین پایتخت آلمان برگزار شود و رجب طیب اردوغان نیز قرار است در استادیوم حضور پیدا کند.

● بسیاری از ناظران در مورد پیامدهای منفی و خطرات ناشی از قوم‌گرایی در ایران بارها به حکومت هشدار دادند اما سرازیر کردن آنها به ستادهای انتخاباتی پزشکیان نشان داد، آنچه برای حکومت مهم است صرفاً در منافع کوتاه مدت رژیم خلاصه می‌شود و نه منافع ایران. حال باید دید جمهوری اسلامی، تازه اگر بخواهد، تا کجا می‌تواند موضوع قوم‌گرایی را با فردی که در ریاست دولت روی کار آورده و جابجایی‌هایی که در ساختار فربه‌ی حکومت تا سطح شهرداری‌ها و پایین‌تر انجام خواهد شد، مهار کند.

شماری از تحلیلگران سیاسی بر این باورند که تأیید صلاحیت مسعود پزشکیان توسط شورای نگهبان و وارد کردن وی به عرصه انتخابات، در واقع ترغیب نهاد‌های امنیتی جمهوری اسلامی با چراغ سبز علی‌خامنه‌ای برای «دوقطبی کردن» فضای سیاسی کشور بود که به صورت هدفمند و با تحریک احساسات قومی برای افزایش مشارکت در «سیرک انتخابات» انجام شد.

اگرچه واقعیت و رویدادهایی که در پیش است مشخص خواهد کرد که مسعود پزشکیان گزینه‌ی مطلوب حکومت برای ریاست دولت چهاردهم است یا نه اما کاملاً روشن است اولویت نظام افزایش میزان مشارکت و حضور مردم بود. به همین دلیل نیز سوء استفاده از قوم‌گرایی و تحریک

تحریم انتخابات حکومتی

آسوشیتدپرس: تصمیم گیرنده نهایی علی خامنه‌ای است



علی خامنه‌ای روز ۱۵ تیرماه (مرحله دوم انتخابات) به خبرنگاران گفت: «شنیدم که شوق و علاقه‌ی مردم بیشتر از قبل است؛ خدا کند این جور باشد»

اورانیوم در سطوح نزدیک به درجه تسلیحاتی ادامه می‌دهد و ذخایر کافی برای ساخت چندین سلاح هسته‌ای در اختیار دارد. در حالی که خامنه‌ای تصمیم‌گیرنده نهایی در مورد مسائل کشور است، هر کسی که به ریاست جمهوری برسد، می‌تواند سیاست خارجی حکومت را [بنا به تصمیم او] به سمت رویارویی یا همکاری با غرب متمایل کند.

در همین ارتباط سی‌اس نیوز گزارش داد، مسعود پزشکیان در کارزار انتخاباتی خود وعده هیچ تغییر بنیادی در حکومت دینی شیعی ایران نداد و تأکید کرد، «مجرى سیاست‌های علی خامنه‌ای» است، اما حتا آن بخش از مواضع ملایم‌تر پزشکیان، توسط حکومت ایران با جنگ میان اسرائیل و حماس، ترس غرب از غنی‌سازی اورانیوم تا سطوح نزدیک به تسلیحات، به چالش کشیده خواهد شد.

ودانت پاتل معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا روز دوشنبه به وقت محلی در نشست با خبرنگاران در پاسخ به سوال خبرنگاری درباره نظر وزارت خارجه آمریکا درباره انتخابات ریاست جمهوری ایران و میزان مشارکت مردم در این انتخابات گفت: «ما در موقعیتی نیستیم که هرگونه سطح مشارکت در انتخابات ایران را تخمین بزنیم».

معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در عین حال افزود: «اما باید بگوییم که آمار اعلام شده از سوی حکومت ایران مانند تمام اعداد و ارقام اعلام شده از سوی آنها قابل اعتماد نیست».

این مقام وزارت خارجه آمریکا در ادامه تأکید کرد: «نظر ما این است که انتخابات در ایران آزاد و عادلانه نیست و ما هیچ انتظاری نداریم و هرگونه نتیجه این انتخابات منجر به تغییر اساسی در مسیر ایران یا احترام حکومت ایران به حقوق بشر و حقوق مردم خود نخواهد شد».

به نظر می‌رسد دوقطبی «اصلاح‌طلب- اصولگرا» (میان‌رو- تندرو) که نیرو محرکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی است و آن را بر مبنای مشارکت در «سیرک انتخابات» و تغییر رؤسای جمهوری‌اش مدیریت می‌کرد اثرگذاری خود را در غرب نیز از دست داده است.

از میان بیش از ۶۱ میلیون واجد شرایط در مرحله اول رأی‌گیری (هشتم تیرماه) حدود ۲۴ میلیون نفر و در مرحله دوم حدود ۳۰ میلیون نفر در این انتخابات شرکت کردند، هرچند که مخالفان حکومت می‌گویند این آمار و ارقام مهندسی شده است به ویژه آنکه علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی از عدم مشارکت مردم در دور اول ابراز نارضایتی کرده بود.

حتا با فرض اینکه انتخابات حکومتی در سلامت برگزار شده باشد، پزشکیان به عنوان نامزد پیروز فقط ۱۶ میلیون رأی جمع کرد که این عدد نشان می‌دهد پشتوانه اجتماعی او فقط ۲۶ درصد است و رئیس دولتی در اقلیت خواهد بود. در ساعات پایانی رأی‌گیری منابع غیررسمی حامی مسعود پزشکیان و سعید جلیلی، اصرار به افزایش مشارکت را محور کارشان قرار دادند. حتا بعضی منابع غیررسمی صحبت از حضور ۵۳ درصدی کردند هرچند که طبق اعلام ستاد انتخابات وزارت کشور حدود ۴۹ درصد از واجدین شرایط پای صندوق رأی رفتند. تحریم انتخابات و عدم مشارکت توسط اکثریت مردم مورد توجه تحلیلگران خارجی و رسانه‌های بین‌المللی نیز قرار گرفت.

آسوشیتدپرس در گزارشی نوشت: «در حالی که تلویزیون دولتی از حضور مردم در صف رأی‌گیری گزارش می‌دهد، ویدیوهایی که در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شده نشان می‌دهد اغلب شعب اخذ رأی خالی است.» بر اساس مشاهدات خبرنگار این شبکه از وضعیت تهران، همراه با حضور شدید نیروهای امنیتی خیابان‌ها خلوت بود. به گزارش آسوشیتدپرس، «این رأی‌گیری در حالی صورت گرفت که تنش‌های گسترده‌تری خاورمیانه را بر سر جنگ اسرائیل و حماس در غزه فرا گرفته است. جمهوری اسلامی که در ماه آوریل (فروردین) برای اولین بار به اسرائیل حمله مستقیم کرد در حال مسلح کردن گروه‌های شبه‌نظامی از جمله حزب‌الله لبنان و شورشیان حوثی یمن است و آنها را درگیر جنگ کرده و آنها نیز حملات خود را تشدید کرده‌اند.» در ادامه این گزارش آمده، «ایران همچنان به غنی‌سازی

از میان بیش از ۶۱ میلیون واجد شرایط طبق آمار حکومتی در مرحله اول رأی‌گیری (هشتم تیرماه) حدود ۲۴ میلیون نفر و در مرحله دوم حدود ۳۰ میلیون نفر در این انتخابات شرکت کردند، هرچند که مخالفان حکومت می‌گویند این آمار و ارقام دستکاری شده است به ویژه آنکه علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی از عدم مشارکت مردم در دور اول ابراز نارضایتی کرده بود.

آسوشیتدپرس در گزارشی با اشاره به عدم مشارکت اکثریت مردم در رأی‌گیری نوشت: «ایران همچنین به غنی‌سازی اورانیوم در سطوح نزدیک به درجه تسلیحاتی ادامه می‌دهد و ذخایر کافی برای ساخت چندین سلاح هسته‌ای در اختیار دارد. در حالی که خامنه‌ای تصمیم‌گیرنده نهایی در مورد مسائل کشور است، هر کسی که به ریاست جمهوری برسد، می‌تواند سیاست خارجی حکومت را به سمت رویارویی یا همکاری با غرب متمایل کند».

سی‌اس نیوز با اشاره به افزایش بحران‌های منطقه‌ای گزارش داد، مسعود پزشکیان در کارزار انتخاباتی خود وعده هیچ تغییر بنیادی در حکومت دینی شیعی ایران نداد و تأکید کرد که «مجرى سیاست‌های علی خامنه‌ای» است، اما حتا آن بخش از مواضع ملایم‌تر پزشکیان، توسط حکومت ایران با جنگ میان اسرائیل و حماس، ترس غرب از غنی‌سازی اورانیوم تا سطوح نزدیک به تسلیحات، به چالش کشیده خواهد شد.

نتایج نهایی مرحله دوم رأی‌گیری برای تعیین «رئیس‌جمهور» در ایران، روز شنبه ۱۶ تیرماه بطور رسمی اعلام شد که بر اساس آن مسعود پزشکیان با حدود ۱۶ میلیون رأی پیروز اعلام شد.

تبریز به خیابان‌ها رفتند. منابع غیررسمی می‌گویند در میان آنهایی که در ماشین‌های خود پوستر پزشکیان را در دست داشتند و بوق می‌زدند کسانی هم بودند که علامت «گرگ‌های خاکستری» را نشان می‌دادند.

این در حالیست که شماری از مقامات سیاسی جمهوری اسلامی در مورد تحریک قوم‌گرایی به پزشکیان هشدار داده بودند. یکی از آنها قسیم عثمانی نماینده بوکان در مجلس شورای اسلامی بود که عنوان کرد «تعدادی از نمایندگان مقداری از وضعیت ستاد وی [پزشکیان] گلایه کردند که باید ستادشان سر و سامان بهتری پیدا کند که قرار شد که یک سازمان بهتری بدهند و از ظرفیت نمایندگان و چهره‌های شاخص در ستادشان استفاده کنند».

بر اساس اظهارات عثمانی، نمایندگان به پزشکیان توصیه کرده بودند «از اینکه ستاد وی [یک] ستاد قومی شود پرهیز شود.» بسیاری از ناظران در مورد پیامدهای منفی و خطرات ناشی از قوم‌گرایی در ایران بارها به حکومت هشدار دادند اما سرازیر کردن آنها به ستادهای انتخاباتی پزشکیان نشان داد، آنچه برای حکومت مهم است صرفاً در منافع کوتاه مدت رژیم خلاصه می‌شود و نه منافع ایران.

حال باید دید جمهوری اسلامی، تازه اگر بخواهد، تا کجا می‌تواند موضوع قوم‌گرایی را با فردی که در ریاست دولت روی کار آورده و جایجایی‌هایی که در ساختار فربه‌ی حکومت تا سطح شهرداری‌ها و پایین‌تر انجام خواهد شد، مهار کند.

بیش از پنجاه سال خبررسانی در آلمان درباره ایران با استناد به مجله «اشپیگل» - (بخش ۶)

بازنشر



الاهه بقرط

ویژه اروپا در ارتباط با ایران باشد، علاوه بر منابع دیگر از آرشیو مستندات و مطالب خود «اشپیگل» از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۶ (دوران اصلاحات و دولت اول احمدی نژاد) استفاده شده است.
این گزارش مفصل اکنون پس از ۱۶ سال به مناسبت مصاحبه اخیر «اشپیگل» با شاهزاده رضا پهلوی که با عنوان «بله، من خواهان یک انقلاب هستم» منتشر شد، در چند شماره کیهان هفته بازنشر می‌شود.

این گزارش تحقیقی در پاییز ۲۰۰۸/۱۳۸۷ منتشر شد. روی جلد مجله «اشپیگل» با عکس شاه جوان که در این گزارش آمده مربوط به شماره ۳۴ این هفته‌نامه آلمانی به تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۵۲ درست یکسال پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که یکی از خوانندگان کیهان لندن سال‌ها پیش از آن از کتابخانه شخصی خود به نویسنده هدیه کرده بود.
در تهیه این گزارش که می‌تواند نمونه‌ای از برخورد رسانه‌های غرب به

بخش ششم

جنگ قدرت ادامه یافت، در حالی که دهه هشتاد میلادی پایان می‌گرفت.

قراردادهای اقتصادی شادمان است. اشپیگل در همان گزارش می‌نویسد: «کارشناسان غربی حجم کل معاملات را در سال آینده بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار تخمین می‌زنند».

پیش به سوی تمامیت قدرت

در سال ۱۹۹۰ رژیم ایران برای ساختن تأسیسات اتمی تلاش می‌کند. ملایان می‌خواهند آلمان ساختن تأسیسات اتمی بوشهر در جنوب ایران را ادامه بدهد. مؤسسه اتمی آلمان پیش از انقلاب اسلامی چهار میلیارد دلار برای این پروژه دریافت کرده بود. لیکن اینک ایران برای دولت آلمان جزو «مناطق جنگی» به شمار می‌رفت (اشپیگل؛ راکتور اتمی برای ایران؛ ۱۲ نوامبر ۱۹۹۰). به این ترتیب یک بار دیگر سیاست سنتی ایران که از آن به عنوان سیاست نوسان نام بردیم، وارد بازی شد. رژیم ملایان پس از امتناع آلمان، برای پیشبرد برنامه اتمی خود بلافاصله با شوروی که خود در آستانه فروپاشی قرار داشت، تماس گرفت.

در کنار سوریه و لیبی، ایران نیز آغاز به تجهیز خود به سلاح‌های کشتار همگانی کرد. اشپیگل در این مورد گزارش می‌دهد شرکت‌های آلمانی نیز مواد لازم را به ایران صادر می‌کنند. بر اساس گزارشی از سازمان اطلاعات آلمان، اشپیگل چنین می‌نویسد: «به ویژه کار بر روی تکنولوژی غنی سازی به شدت مسئله ساز است. ایران در سال ۱۹۸۷ از چین تأسیساتی را تهیه نمود که توسط آن بتواند جداسازی الکترو مغناطیسی ایزوتوپ‌ها را عملی سازد. ایران در حال حاضر تلاش می‌کند برنامه سانترفیوهای گازی خود را تا جایی که ممکن است از طریق کمک آلمانی‌ها پیش ببرد. بر اساس گزارش سازمان اطلاعات آلمان، این نشانه‌ها بیانگر آن هستند که ایران راه «ورود» به برنامه‌های سلاح کشتار همگانی را هم به شکل تولید پلوتونیوم و هم در شکل ساختن یک بمب اتمی، باز نگاه داشته است» (حق داشتن بمب؛ ۱۸ نوامبر ۱۹۹۱).

پس از مرگ خمینی و آغاز ریاست جمهوری رفسنجانی، آلمان حساب اقتصادی ویژه‌ای را در دوران رفسنجانی باز کرد. آلمان قصد داشت برنامه‌های اقتصادی را که در دهه هفتاد میلادی ناکام مانده بودند، جبران کند و دهه نود را سال‌های خوبی برای معاملات بزرگ می‌شمرد. سطح و حجم معاملات بازرگانی آلمان با جمهوری اسلامی شامل همه بخش‌ها می‌شود. در این سال‌ها، ایران، بدون آنکه کسی متوجه شود و بدون آنکه چیزی در این کشور تغییر کرده باشد، دیگر برای آلمان «منطقه جنگی» به شمار نمی‌رود. بازرگانان ایرانی و آلمانی از فرا رسیدن دورانی بهتر ابراز شادمانی می‌کنند (امید برای دوران بهتر؛ ۰۲ آوریل ۱۹۹۲). همزمان کارشناسان اتمی اتحاد شوروی پیشین که دیگر بیکار شده بودند، از اسرائیل و هم چنین از جمهوری‌های فدراتیو روسیه به ایران انتقال داده می‌شوند.



در این میان، فتوای قتل سلمان رشدی که همان زمان توسط آیت الله خمینی صادر شده بود، تصاویر خشنی را از زندگی روزانه در ایران به رسانه‌ها سرازیر می‌کند. مخالفانی که اعدام می‌شوند، فواره‌های خون در تهران، و رهبری که قصد دارد «پرچم پیامبر را در سراسر جهان به اهتزاز در آورد». بنا به گزارش اشپیگل در مقاله «من می‌ترسم همه ما به جهنم برویم» (۲۷ فوریه ۱۹۸۹) جمهوری اسلامی خود را برای رسیدن به این هدف تجهیز می‌کند و از تمام جهان اسلحه می‌خرد.

چند ماه بعد اشپیگل از موقعیت ایران پس از مرگ خمینی گزارش می‌دهد. این مجله درباره جنگ قدرت میان روحانیان از زبان پسر خمینی که پنج سال بعد در سن ۴۹ سالگی به طرزی «مرموز» درگذشت، چنین می‌نویسد: «احمد، پسر آیت الله، با اطمینان به یاد می‌آورد که پدرش در ماه ژوئن ۱۹۸۱ به چند تن از معتمدان خود، از جمله خود احمد، هدف را چنین توضیح می‌دهد: دعوی ما بر سر الله نیست. این را از سرتان بیرون کنید. مسئله بر سر اسلام هم نیست. این مسخره است. مسئله بر سر قدرت است. همه ما به دنبال قدرت هستیم، تمامیت قدرت!». عنوان این مقاله اشپیگل چنین است: «چه بر سر ایران پس از مرگ آیت الله خمینی خواهد آمد؟ همه ما به دنبال تمامیت قدرت هستیم» (۱۲ ژوئن ۱۹۸۹).

اشپیگل کمی پیش از پایان جنگ درباره «احساسات توده مردم» گزارش می‌دهد و می‌نویسد: «ایرانیان پس از ناکامی در جبهه‌ها، برای نخستین بار خستگی خود را از جنگ نشان می‌دهند. برخی از آیت الله‌ها بطور علنی علیه ادامه جنگ سخن می‌گویند» (۱۳ ژوئن ۱۹۸۸).

در واقعیت اما توده مردم از مدت‌ها پیش خستگی خود را از جنگ نشان می‌دادند. شش سال پیش از این، هنگامی که ایرانیان توانستند خرمشهر را در جنوب ایران از اشغال عراقی‌ها به در آورند، مردم پایان جنگ را در خیابان‌ها جشن گرفتند! لیکن رژیم قصد نداشت از تصور خود در مورد حکومت الله در خاورمیانه و سپس در تمامی جهان چشم ببوشد. خمینی در نظر داشت عراقی‌ها را از صدام حسین و فلسطینی‌ها را از «صهیونیست‌ها» برهاند. شادی مردم ایران بسی زودرس بود. با این همه احساسات مردم علیه جنگ روز به روز شدت یافت. در پایان، دیگر کسی حاضر نبود داوطلبانه به جبهه‌های جنگ برود. رژیم اسلامی مجبور شد قوانینی را جهت حضور اجباری کارمندان، کارگران، آموزگاران و دانش آموزان در جبهه‌ها مقرر دارد. آنها اما هر بار با حيله‌ای از اجرای این مقررات فرار می‌کردند. پدران و مادران نمی‌خواستند فرزندان خود را به جنگ بفرستند. نه تنها فرسودگی نظامی، بلکه توده مردم که دیگر حاضر نبود خود را برای رژیم قربانی کند، سرانجام به قبول آتش بس انجامید.

تقریباً دو ماه پس از گزارش اشپیگل درباره «احساسات توده مردم» زمامداران ایران به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد پاسخ مثبت دادند. آیت الله خمینی پایان جنگ و پذیرش این قطعنامه را در نامه‌ای، نوشیدن «جام زهر» نامید. او دلیل نوشیدن این جام زهر را آماده نبودن عمومی نیروهای نظامی ایران برای فتح و پیروزی کامل عنوان کرد. وی در این نامه یادآور شد برای پیروزی، به ابزار جنگی و تسلیحات دیگری نیاز هست که جمهوری اسلامی باید برای به دست آوردن آنها تلاش کند.

با اینکه آیت الله خمینی تا یک سال پس از پایان جنگ زنده بود، و سید علی خامنه‌ای (رهبر کنونی جمهوری اسلامی) در آن دوران رئیس جمهوری اسلامی بود، ولی از همان زمان دوران رفسنجانی که در آن تاریخ رئیس مجلس و فرمانده کل قوا بود، آغاز گشته بود. وی نیز یک روحانی بود که خیلی زود جای خود را به عنوان مرد شماره دو در هیراتی (پایگان) حکومت الله تثبیت کرده بود. اشپیگل با شادی، گفتاری از او را درباره صلح در گزارشی زیر عنوان «میوه خرد» چنین نقل می‌کند: «ما هر دستی را که برای صلح دراز شود می‌فشاریم. ما کاملاً برای صلح آماده‌ایم» (۰۷ نوامبر ۱۹۸۸). غرب از برقراری صلح و آغاز انعقاد



میلیون رأی در دست دارند، لیکن نمی‌توانند قانونی در جهت منافع رأی دهندگان خود به تصویب نهایی برسانند. «شورای نگهبان» تمامی قوانینی را که در مجلس «اصلاح طلبان» به تصویب می‌رسد، رد می‌کند. نهادهای سیاسی در حکومت الله در ایران تا زمانی که آنچه را تأیید و تصویب نکنند، که نهادهای رهبری از جمله خود «رهبر» و «شورای نگهبان» می‌پسندند، هیچ قدرتی ندارند. این عملکرد و این ساختار جمهوری اسلامی یا برای غرب شناخته شده نیست (که بسیار بعید به نظر می‌رسد) و یا غرب مایل نیست آن را ببیند. این موضوع ظاهراً حتی برای ژورنالیست‌هایی که درباره رویدادهای ایران گزارش می‌دهند، نیز چندان مهم نیست. آنها به گونه‌ای گزارش می‌دهند که گویا از یک کشور با یک ساختار دموکراتیک می‌نویسند. آنها نیز مانند سیاستمداران از اینکه پس از مدتی واقعیت و روند رویدادها با نظرات و تفسیرهای آنها همخوانی نمی‌یابد، ناگهان به تعجب می‌افتند!



با یازده سپتامبر ۲۰۰۱ دو چهارچوب (فریم) دیگر در کنار چهارچوب اصلاح طلبی ظاهر می‌شوند: تروریسم و برنامه اتمی. تا به امروز نیز این دو چهارچوب جدید در خبررسانی آلمانی درباره ایران دست بالا را دارند. و این در حالیست که چهارچوب اصلاح طلبی همراه با حمایت از «اصلاح طلبان» از تابستان ۲۰۰۵ یعنی از زمانی که محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری اسلامی رسید، دیگر چندان به کار گرفته نمی‌شود. دو قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم‌های همه جانبه علیه رژیم ایران، جایی برای فریب‌های اصلاح طلبانه در خبررسانی‌های غربی باقی نگذاشت.

از همین زمان، مرتب درباره احتمال جنگ ایران گزارش داده می‌شود اگرچه ظاهراً نه کسی آن را می‌خواهد و نه کسی چیز دقیقی درباره آن می‌داند. آریل شارون، نخست وزیر پیشین اسرائیل، مدتها بود که برای «روز پس از حادثه» نقشه می‌کشید. او در گفتگویی با مجله «تایمز» گفته بود پس از آنکه عملیات نظامی علیه عراق به پایان رسید، باید فشار بیشتر و همه جانبه تری بر ایران وارد آورد (۰۵ نوامبر ۲۰۰۲) و این پیش بینی قاطعانه زمانی ابراز شده بود که هنوز تقریباً چهار ماه به جنگ عراق در ماه مارس ۲۰۰۳ باقی مانده بود!

(ادامه دارد)

طلبان» حساب باز می‌کند. غرب خود را مکلف می‌بیند از تغییر و تحول سیاسی ای حمایت کند که در حقیقت دست به دست کردن قدرت در میان کسانی بود که به ضرورت وجود یک حکومت الله و رهبری مذهبی آن (ولی فقیه) اعتقاد راسخ دارند. ولی آنچه در جمهوری اسلامی زیر عنوان «اصلاح طلب» و «محافظه کار» فهمیده می‌شود با آنچه در غرب از این دو مفهوم درک می‌گردد، کاملاً از هم متفاوت هستند. در یک ساختار دموکراتیک، «محافظه کاران» ایرانی به دلیل عقاید بنیادگرایانه و اعمال خشونت آمیز خود، ممنوع گشته و به زندان انداخته خواهند شد. و از «اصلاح طلبان» نیز در بهترین حالت به عنوان مرتجع نام برده می‌شود. این دو گروه، هر دو نسبت به نقش فعال اسلام (و آن هم فقط شیعه اثنی عشری) و دخالت آن در سیاست و حکومت کاملاً متقاعد هستند. تنها تفاوت در این است که هر کدام از آنها درست مانند کمونیست‌های معقد، بر این باورند که

حکومت الله عملاً موجود آن گونه که باید اداره نمی‌شود و هر یک از این دو خود را بهترین مدیران این حکومت الله می‌پندارند.

به این ترتیب، گزارش‌های رسانه‌های آلمان از سال ۱۹۹۷ تا سپتامبر ۲۰۰۱ چهارچوب جدیدی می‌یابند: جمهوری اسلامی لیبرالیزه می‌شود و غرب خود را موظف می‌داند از این روند سیاسی و اقتصادی پشتیبانی کند. این پشتیبانی هم چنین سوده‌های میلیاردری برای آلمان به همراه می‌آورد. مشکل اما اینجاست که اصلاح طلبان اسلامی نمی‌خواهند و قادر نیستند مرزهای جمهوری اسلامی، یعنی دایره قدرت رهبر سیاسی و مذهبی و هم چنین نهادهای خودکامه وی را که در قانون اساسی این رژیم تثبیت و تحکیم شده‌اند، زیر پا بکنند. محمد خاتمی، رییس جمهوری اصلاح طلب، حتی هرگونه سخن درباره تغییر قانون اساسی را «خیانت» نامید.

اعتراضات زنان و دانشجویان دوباره به شکلی خشن سرکوب می‌شوند. فعالان سیاسی، نویسندگان و روزنامه نگاران زیر نظر و هدایت وزارت اطلاعات به قتل می‌رسند. حتی گزارش‌های مربوط به این سرکوب‌ها و قتل‌های زنجیره‌ای در اشپیگل به گونه‌ای تنظیم و تفسیر می‌شوند، که پشت «اصلاح طلبان» را گرم کنند. با اینکه «اصلاح طلبان» دو قوه مجریه و مقننه را به پشتوانه بیست

→ روس‌ها آماده سازی تأسیسات اتمی بوشهر را بر عهده می‌گیرند. آیا این گام دیگری به سوی به دست آوردن بمب است؟ به نظر اشپیگل همکاری روس‌ها با رژیم ایران معنای دیگری جز این ندارد (به سوی بمب؛ ۰۶ فوریه ۱۹۹۵).

«ترور میکونوس» در سپتامبر ۱۹۹۲ و هم چنین «محاکمه میکونوس» در سال‌های بعد، در سایه تلاش‌های تسلیحاتی رژیم ایران قرار می‌گیرد. چهار مخالف کرد ایرانی در رستورانی در برلین به طرز فجیعی به قتل می‌رسند. رژیم ملیان تلاش می‌کند دولت بن را به معامله بکشاند. اشپیگل در این مورد گزارش می‌دهد چگونه سبزه‌ها در پارلمان آلمان، مسئول هماهنگی امنیتی و وزیر وقت، برند اشمیت باوئر را درباره اینکه درباره گفتگوهایش با علی فلاحیان وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در ماه اکتبر در پارلمان دروغ گفته است، ملامت می‌کنند (گفتگوهای اسرارآمیز؛ ۲۵ آوریل ۱۹۹۴).

دادگاه برلین اما دستور بازداشت علی فلاحیان وزیر اطلاعات رژیم ایران را صادر می‌کند. تهران به دنبال راه حل می‌گردد. اشپیگل درباره ملاقات نویسنده‌اش با رفسنجانی چنین می‌نویسد: «اشتفان آتوست در این دیدار می‌گوید ما خیلی مایل بودیم با علی فلاحیان وزیر اطلاعات نیز ملاقات کنیم. ما حکم بازداشت ایشان را در جیب نداریم و وی لازم نیست از اینکه ممکن است دستگیر شود، بترسد... رفسنجانی در حالی که می‌خندد این بازی با کلمات درباره وزیر اطلاعات اش را به نویسندگان اشپیگل باز می‌گرداند و می‌گوید که وی مخالفتی با چنین ملاقاتی ندارد اما «فکر می‌کنم آقای فلاحیان خیلی راحت تر می‌تواند شما را دستگیر کند، تا شما او را!» (آوریل ۱۹۹۶).

لیکن آنچه به مثابه شوخی و مزاح این ملای ایرانی سبب خنداندن اعضای تحریری اشپیگل می‌شود، چیزی جز زندگی روزانه ایرانی‌ها از سی سال پیش به اینسو نیست. رژیم اسلامی به آسانی می‌تواند همه را دستگیر کرده و به زندان بپندازد. خود رفسنجانی نیز کاری جز این با مخالفان خود نکرد.

به هر روی، دادگاه برلین در مورد ترور میکونوس کوتاه نیامد و حاضر نشد به معامله بر سر آن تن دهد. در تمام این مدت کمتر چیزی درباره اعتراضات ایرانیان تبعیدی و وابستگان خانوادگی مخالفانی که در این ترور به قتل رسیده بودند، گزارش داده شد.

ظهور و افول «اصلاح طلبان»

از سال ۱۹۹۷ به بعد چرخشی در خبررسانی آلمان صورت می‌گیرد. اشپیگل نیز از «اصلاح طلبان» در ایران که برای کسب قدرت بیشتر در حکومت الله تلاش می‌کنند (و نه برای «اصلاح» آنگونه که در فرهنگ غرب درک می‌شود) حمایت می‌کند.

در پایان دوران ریاست جمهوری رفسنجانی، ایران در برابر فروپاشی و گسترش نا آرامی‌هایی قرار گرفته است که حکومت باید با آنها مبارزه کند. جوانان و زنان آزادی می‌خواهند. طبقه متوسط و لایه‌های فرودست جامعه خواهان بازسازی کشور هستند که از پایان جنگ به اینسو به کندی پیش می‌رفت. بر اساس ناراضی‌های عمومی است که «اصلاح طلبان» می‌توانند در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شوند و چند ماه بعد در انتخابات مجلس اسلامی، اکثریت کرسی‌های آن را به خود اختصاص دهند. این جنگ قدرت در میان گروه‌های حاکم (خودی‌ها) سبب امیدواری غرب می‌شود. حتی ایالات متحده آمریکا نیز بر روی «اصلاح

نهادگرایی بین‌الملل و جایگاه ایران آینده



فرضیه اصلی او این است که حقوق بشر به عنوان زیربنای فلسفه اجتماعی و سیاسی لیبرال این قابلیت را دارد تا مانع از شکل‌گیری نظام‌های سرکوبگر و اشکال مختلف استبداد و بی‌عدالتی شود. در عین حال شکل‌گیری نوعی اتحاد صلح‌آمیز و همکاریانه (که پیشتر به اختصار توضیح داده شد) میان مردمان لیبرال این استعداد را دارد تا الگو و انگیزه‌ای برای جوامع غیرلیبرال به وجود بیاورد تا یاد بگیرند که ارزش‌های لیبرال شامل آزادیخواهی و حقوق بشر، مزایایی به مراتب بیشتر و بالاتر از آن چیزی دارد که از طریق نظام‌های سرکوبگر به دست می‌آید.

استدلال‌های راولز در کتاب «قانون مردمان» در واقع ادامه و بسط همان نظریه لیبرال برای انجام همکاری میان مردمان خردمند است که به حوزه روابط و حقوق بین‌الملل توسعه داده شده تا از طریق آن بتواند مشکلات نظام بین‌المللی دولت‌مدار و بر مبنای حاکمیت ملی و بیماری‌های ناشی از آن شامل بی‌عدالتی و سرکوب حقوق و آزادی‌های اساسی افراد به وسیله حاکمان را پاسخ گوید. این پاسخگویی به رفتار خردمندانه مردمان (ملت‌ها) یکی تکیه می‌کند که رفتارشان مبتنی بر احترام به حقوق بشر، آزادی و عدالت قرار دارد. حکومت‌های ناظر بر اینگونه جوامع انسانی ماهیتی دموکراتیک دارند. از آنجا که اینگونه حکومت‌ها مشروع و برحق هستند، یعنی از سوی مردم نمایندگی می‌شوند، ذاتاً حافظ منافع مردم خود بوده و از این بابت به باورها و آیین‌های اعتقادی مختلف احترام می‌گذارند. اینان نسبت به همه مردم هم‌دلی عمومی و اخلاقی دارند و می‌توانند جوامع غیرلیبرال را تشویق کنند که داوطلبانه به نظام همکاری‌های بین‌المللی بپیوندند. این امر باعث می‌شود که بتوانند موضوعات خود را از طریق گفتگو و احترام به قواعدی که وضع شده تا حافظ حقوق بشر و عدالت باشند، حل و فصل کنند. حاصل اینگونه همکاری که ذاتاً از فلسفه لیبرال نشأت می‌گیرد، نظم هنجاری بین‌المللی مردم‌محوری است که بر پایه حقوق بشر، آزادیخواهی و عدالت قرار دارد.

می‌آوردند. انگیزه اصلی نهفته در این دگرگونی این است که آفریدگان خردمند فرمان «ناظر بی‌طرفی» را که همان وجدان فعال و مسئول انسانی است، از درون دریافت می‌کنند و بر آن اساس اهداف خود در زندگی را به گونه‌ای دنبال می‌کنند که در تعارض با خیر همگانی قرار نگیرد. در نتیجه اینگونه تعهدات اخلاقی نوعی «سرمایه‌داری اخلاقی» تعریف می‌شود که ضمن پذیرش اصل رقابت‌پذیری در تأمین اهداف شخصی مردم، که در طبیعت ذاتی آنان قرار دارد، ظرفیت جامعه را نیز در تعادلی موزون با خیر همگانی قرار می‌دهد. گویی که به دنبال فرمان «ناظر بی‌طرف» که توسط وجدان فعال دریافت می‌شود، «دستی نامرئی» جامعه را به سوی سعادت رهنمون می‌سازد.

در این شرایط است که توسعه اقتصادی با ابعاد سیاسی، اجتماعی، و انسانی پیوند عمیق برقرار می‌کند. بر اساس اینگونه استدلال است که تلاش مردم برای تأمین اهداف شخصی خود، موجبات سعادت مردم در جامعه را نیز باعث می‌شود. در این شرایط، این مردم خردمند هستند که خود را از همه خودشیفتگی‌ها رها ساخته و مواضع شخصی خود را با نیازهای بنیادین زندگی اجتماعی در توازن قرار می‌دهند. در این نگرش، فلسفه لیبرال یعنی رها ساختن خود از همه موانعی که بر سر راه خردمندی قرار می‌گیرند. بنابراین مردمان لیبرال آن آفریدگان خردمندی هستند که به خردمندی روی آورده و عقلانیت شخصی خود را با خرد اجتماعی هماهنگ و هم‌پیوند ساخته‌اند.

در اینجا این پرسش به میان می‌آید که آیا می‌توان این نگرش را در حیطه بین‌المللی نیز بسط و توسعه داد؟ پاسخ مثبت جان راولز به این پرسش، یکی از بدیع‌ترین نظریه‌های حقوقی بین‌الملل را ارائه می‌دهد. در مقدمه کتاب «قانون مردمان» راولز توضیح می‌دهد که قصد دارد رابطه میان مردم لیبرال و جوامع غیرلیبرال را بر پایه همان عقیده خردمند بودن توضیح دهد تا از طریق آن بتواند تکثر و گوناگونی در جامعه بین‌المللی را در مرکز موضوعات مربوط به حیات بین‌المللی صلح‌آمیز و عادلانه قرار دهد. (۱۹۹۹)

● نظریه‌های سیاسی و اخلاقی لیبرال توصیه می‌کنند که اساساً کنشگران اجتماعی بازیگران عقلانی هستند که می‌دانند همکاری و تعاون با یکدیگر همیشه این استعداد را دارد تا علاوه بر رسیدن به اهداف فردگرایانه، خیر همگانی را نیز برای جامعه تأمین کند. این عقلانیت به این معنی است که آنها منافع شخصی خود را با منافع اجتماعی و خیر همگانی هماهنگ می‌سازند، به این معنی که هویت انسانی خود را به آفریدگانی «خردمند» دگرگون می‌سازند که ذهنیت و نگرش روشنگرانه داشته و به عقلانیت عمومی که جامعه آنرا با هدف همکاری تأسیس کرده است، روی می‌آورند. انگیزه اصلی نهفته در این دگرگونی این است که آفریدگان خردمند فرمان «ناظر بی‌طرفی» را که همان وجدان فعال و مسئول انسانی است، از درون دریافت می‌کنند و بر آن اساس اهداف خود در زندگی را به گونه‌ای دنبال می‌کنند که در تعارض با خیر همگانی قرار نگیرد. در این شرایط، این مردم خردمند هستند که خود را از همه خودشیفتگی‌ها رها ساخته و مواضع شخصی خود را با نیازهای بنیادین زندگی اجتماعی در توازن قرار می‌دهند.

● ویژگی حقوق و روابط بین‌الملل درباره کشورهای غیرلیبرال، این واقعیت را نمایان می‌سازد که تفاوت‌های فرهنگی- هویتی و نظام‌های اجتماعی- سیاسی ملل مختلف، ضرورتاً با فرهنگ‌های دیگر تضاد ندارد مگر اینکه آنان بخواهند دیدگاه‌ها و ارزش‌های فرهنگی و یا مذهبی خود را به دیگران تحمیل کنند. به عبارت روشن‌تر، تفاوت بودن و یا غیرلیبرال بودن دلیل اصلی مشکلات جامعه بین‌المللی نیست، بلکه نادیده گرفتن اصول مورد توافق جامعه بین‌المللی و در مرکز آن احترام به حقوق بشر و قواعد دموکراتیک علت اصلی بسیاری از منازعات و معضلات است.

● نقطه عزیمت در ترسیم و دستیابی به صلح پایدار و عادلانه، این مردم لیبرال هستند که نه تنها متعهد به پیشبرد حقوق بشرند، بلکه می‌خواهند حق خواهی را به گونه‌ای معقول در مسیر گسترش عدالت‌جویی در صحنه جهانی قرار دهند. به سخن دیگر، مردم لیبرال آت‌هایی هستند که نه فقط خود آزادند، بلکه آزادیخواه هستند و موهبت والای آزادی، برابری و حقوق بشر را برای ملل دیگر نیز می‌خواهند و بر اساس آن می‌کوشند قانون مردمان با‌تذات‌دهنده این خصیصه اندیشه‌های لیبرال باشد.

دکتر محمود مسائلی (و. ف. یاد) - هرگاه پیش‌فرض‌های فلسفه سیاسی و اخلاقی لیبرال در مورد خردمندی، تفاهم و همکاری و خیر همگانی در حیطه بین‌المللی قرار گیرند، چشم‌انداز بدیعی ترسیم می‌شود که بهتر می‌تواند اهمیت لیبرال دموکراسی را به عنوان نگرشی هنجار برای حیات بین‌المللی و صلح‌جویی توضیح دهد. [۱]

نظریه‌های سیاسی و اخلاقی لیبرال توصیه می‌کنند که اساساً کنشگران اجتماعی بازیگران عقلانی هستند که می‌دانند همکاری و تعاون با یکدیگر همیشه این استعداد را دارد تا علاوه بر رسیدن به اهداف فردگرایانه، خیر همگانی را نیز برای جامعه تأمین کند. این عقلانیت به این معنی است که آنها منافع شخصی خود را با منافع اجتماعی و خیر همگانی هماهنگ می‌سازند، به این معنی که هویت انسانی خود را به آفریدگانی «خردمند» دگرگون می‌سازند که ذهنیت و نگرش روشنگرانه داشته و به عقلانیت عمومی که جامعه آنرا با هدف همکاری تأسیس کرده است، روی

صلح‌دوستی است که در ابتدا به حقوق مردم خود احترام گذاشته، و بر این اساس در عرصه بین‌المللی نیز فعالانه و با حسن نیت با دیگران همکاری می‌کند. بنابراین صرف نظر از اینکه نظام سیاسی حاکم بر کشوری پادشاهی مشروطه و یا از نوع جمهوری باشد، شرط اول برای حضوری فعال در حوزه بین‌المللی، پذیرش معاهدات و مقاله‌نامه‌هایی است که برای دفاع از حقوق بشر ذاتی مردم و تأمین خیر همگانی شکل گرفته‌اند. معاهداتی مانند مقاله‌نامه رم (اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی)، مقاله‌نامه بین‌المللی علیه شکنجه و یا مقاله‌نامه بین‌المللی علیه هر نوع تبعیض علیه زنان از جمله اسناد حقوقی مهمی هستند که به عنوان معیارهایی برای مشروعیت نظام‌های سیاسی به کار می‌روند. پذیرش اینگونه معاهدات به نوبه خود، راه را برای همکاری‌های بین‌المللی برای ایجاد جهانی عاری از خشونت، صلح‌جو و عادلانه هموار می‌سازد. کشورهایی که ویژگی لیبرال دموکراسی را برای خود بر می‌گزینند، پذیرش و تصویب اینگونه معاهدات را باید به عنوان اولویتی ضروری در رفتارهای بین‌المللی خود نشان دهند.

*دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نژدمل متحد
*منبع:

Rawls, J. (1993). *The Law of Peoples: With the Idea of Public Reason Revisited*.
Harvard University Press

[۱] نگاه کنید به دو نوشتار که در دو هفته گذشته در کیهان لندن انتشار یافتند.

راولز در ترسیم این سیمای آرمان‌گرایانه جامعه بین‌المللی و همکاری‌های مسالمت‌آمیز، همواره بر واژه مردم تکیه می‌کند تا اینکه واژه‌های کشور و یا دولت را به کار بگیرد. منظور او این نیست که جامعه بین‌المللی کنونی ساختار مبتنی بر دولت و حاکمیت ملی را با مردم جایگزین کند، بلکه می‌خواهد این آرمان‌گرایی امکان‌پذیر را مورد توجه قرار دهد که جامعه بین‌المللی آرمانی مردم‌بنیاد است. این جامعه بر اساس آیین لیبرال و با عزم و انگیزش اخلاقی بر مبنای حقوق اساسی انسان‌ها، آزادی‌های بنیادین، انصاف، سعادت‌خواهی و عدالت‌جویی شکل می‌گیرد.

بنابراین نقطه عزیمت در ترسیم و دستیابی به صلحی پایدار و عادلانه، این مردم لیبرال هستند که نه تنها متعهد به پیشبرد حقوق بشرند، بلکه می‌خواهند حق‌خواهی را به گونه‌ای معقول در مسیر گسترش عدالت‌جویی در صحنه جهانی قرار دهند. به سخن دیگر، مردم لیبرال آنهایی هستند که نه فقط خود آزادند، بلکه آزادخواه هستند و موهبت والای آزادی، برابری و حقوق بشر را برای ملل دیگر نیز می‌خواهند و بر اساس آن می‌کوشند قانون مردمان‌بازتاب‌دهنده این خصیصه اندیشه‌های لیبرال باشد. بنابراین هدف اصلی آنان تلاش برای نشان دادن این واقعیت است که «مردمان منطقی و معقول می‌خواهند در یک جهان عادلانه به گونه‌ای صلح‌آمیز زندگی کنند». اینان می‌کوشند مردم غیرلیبرال را به اتحادی صلح‌آمیز فراخوانند تا ثبات سیاسی بین‌الملل تثبیت و در مرکز آن حمایت از حقوق بشر را به عنوان ابزار عدالت برجسته شود. نظر به اینکه اینگونه همکاری‌ها بر مبنای تعهد به معاهدات و قراردادهای انجام می‌شود، صلح و ثبات بین‌المللی را نیز پایدارتر می‌کند. تعهدات بین‌المللی شروط اولیه و بنیادین جامعه

→ به نظر راولز، مبنای این همکاری‌های بین‌المللی همان حقوق بین‌الملل موجود است که در آن عناصری پویا وجود دارد که می‌تواند برای توسعه روابط صلح‌آمیز مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین نیازی به وضع حقوق و قواعد جدید نیست. در اینگونه قوانین حقوقی بین‌المللی، حداقل شش اصل بنیادین برای توسعه همکاری‌های میان کشورها وضوح و روشنی دارند:

۱. مردم آزاد و مستقل‌اند. این آزادی و استقلال باید از سوی مردمان دیگر مورد احترام باشد (توجه داشته باشیم که منظور او از مردم همان ملل/ ملت‌ها است).
۲. آنها باید به معاهداتی که بر عهده گرفته و به موجب آن خود را ملتزم نموده‌اند. وفادار مانند (یعنی قانون وفای به عهد که مبنای اصلی همکاری‌های بین‌المللی است باید مورد احترام ملل مختلف باشد).
۳. آنها برابرند و به موجب قراردادهایی که الزام‌آور است، با یکدیگر پیوند دارند.
۴. آنها باید به اصل خدشه‌ناپذیر مداخله نکردن در امور یکدیگر احترام بگذارند.
۵. باید به حقوق و قوانین ناظر بر جنگ‌ها متعهد و وفادار باقی بمانند.

۶. آنها موظف هستند به مردمی که به دلیل شرایط نامطلوب نمی‌توانند نظام سیاسی- اجتماعی شایسته‌ای داشته باشند، یاری رسانند.

اصول شش گانه بالا یادآوری می‌کنند که مردمان لیبرال به نظریه‌های جامع، آرا و نظام‌های فرهنگی دیگر و نیز نهادهای سیاسی- اجتماعی آنها احترام می‌گذارند، تا وقتی که آنها نیز راه‌های مبتنی بر همکاری را برای تفاهم و توافقات بین‌المللی در پیش گیرند. در این شرایط است که بسیاری از معضلات جامعه بین‌المللی از جمله بروز جنگ‌های ناعادلانه پیشگیری خواهد شد.

اینگونه نگرش به ویژگی حقوق و روابط بین‌الملل درباره کشورهای غیرلیبرال، این واقعیت را نمایان می‌سازد که تفاوت‌های فرهنگی- هویتی و نظام‌های اجتماعی- سیاسی ملل مختلف، ضرورتاً با فرهنگ‌های دیگر تضادی ندارد مگر اینکه آنان بخواهند دیدگاه‌ها و ارزش‌های فرهنگی و یا مذهبی خود را به دیگران تحمیل کنند. به عبارت روشن‌تر، متفاوت بودن و یا غیرلیبرال بودن دلیل اصلی مشکلات جامعه بین‌المللی نیست، بلکه نادیده گرفتن اصول مورد توافق جامعه بین‌المللی و در مرکز آن احترام به حقوق بشر و قواعد دموکراتیک علت اصلی بسیاری از منازعات و معضلات است.

بی‌تردید در پشت اینگونه رفتارهای غیرمنطقی اعتقاد به نظریه‌های جامع جزمی (مانند نظریه‌های مذهبی) مانع اصلی بر سر راه همکاری برای دستیابی به عدالت است. برای برون‌رفت از این مشکلات، کشورهای لیبرال می‌بایست به جوامع غیرلیبرال محاسن و مزایای همکاری‌های بین‌المللی مسالمت‌آمیز را یادآوری کنند. بی‌تردید در صورت ناکارآمد بودن روش‌های همکارانه و در شرایطی که طی آن کشورهای غیرلیبرال بطور پیوسته حقوق بشر مردمان خود را نقض کنند و رفتاری تعرضی نسبت به دیگران نیز در پی گیرند، با اعمال فشار، تحریم و در حادترین شرایط ممکن، با مداخله نظامی بشردوستانه روبرو می‌شوند.

با این حال، ماهیت آزادخواهی و عدالت‌جویی در فلسفه سیاسی لیبرال نباید مانع از این وظیفه و تعهد مردمان لیبرال به رعایت حقوق بشر و عدالت در برخورد با دولت‌های سرکشی شود که همه معیارهای انسانی را زیر پا گذاشته و با بی‌رحمی و شقاوت مرتکب جنایات هولناک علیه مردم خود می‌شوند. یکبار دیگر در نظر داشته باشیم که

مردم عزیز ایران؛ بیا پایین! ما شرمنده‌ایم!

جواد ظریف گفته: «مردم ما شرمنده‌ایم! اشتباه کردیم!»... و تا رأی مردم را که در دور اول از اصلاح‌طلب و اصولگرا دریغ شده، در دور دوم سیرک انتخابات شکار کند.



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

روند پرشتاب تحصیل دانش آموزان «اتباع» با امکانات رایگان آموزش و پرورش



● رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش روز یکشنبه ۱۰ تیرماه در صحن علنی مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: «تراکم در کلاس‌های درس به دو علت است؛ اول غفلت در مدرسه‌سازی و دوم حضور اتباع.»

● در همین ارتباط رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی نیز از سنجش ۲۰ هزار دانش‌آموز اتباع خبر داده بود. حجت‌الله الماسی ۹ خردادماه گفته بود: «آمار دقیقی از تعداد همه نوآموزان اتباع نیست ولی پیش‌بینی می‌شود حدود ۷۰ هزار نوآموز اتباع شامل سنجش هستند.»

در حالی که تعداد دانش‌آموزان «اتباع» در برخی شهرهای ایران بیشتر از دانش‌آموزان ایرانی شده، وزیر آموزش و پرورش نیز علت تراکم در کلاس‌های درس را به دو دلیل غفلت در مدرسه‌سازی و همچنین حضور «اتباع» دانست. وی هشدار داد: «برخی از شهرهای ما تعداد دانش‌آموزان اتباع در کلاس از دانش‌آموزان عادی بیشتر شده است.»

رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش روز یکشنبه ۱۰ تیرماه در صحن علنی مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: «تراکم در کلاس‌های درس به دو علت است؛ اول غفلت در مدرسه‌سازی و دوم حضور اتباع.»

وی افزود: «قریب به ۶۰۰ هزار کلاس درس در کشور داریم که چیزی کمتر از ۳۰ هزار کلاس درس تراکم بالای ۴۰ نفر دارد. این تراکم ناشی از دو مسئله است یک غفلت ما در مدرسه‌سازی که از قضا مسئله اصلی نیست مسئله دوم که مسئله اصلی است مهاجرت و اتباع است.»

صحرایی اضافه کرد: «ما درباره اتباع باید یک فکر جدی بکنیم؛ برخی از شهرهای ما تعداد دانش‌آموزان اتباع در کلاس از دانش‌آموزان عادی بیشتر شده است و ما این موضوع را به وزارت کشور گفته‌ایم و بطور جدی آن را دنبال می‌کنیم.» در همین ارتباط رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی نیز از سنجش ۲۰ هزار دانش‌آموز اتباع خبر داده بود.

حجت‌الله الماسی ۹ خردادماه گفته بود: «آمار دقیقی از تعداد همه نوآموزان اتباع نیست ولی پیش‌بینی می‌شود حدود ۷۰ هزار نوآموز اتباع شامل سنجش هستند.»

به گفته الماسی، «فقط نوآموزان اتباعی که دارای کد یکتا هستند را می‌توانیم سنجش کنیم؛ متأسفانه تعداد زیادی از این نوآموزان کد یکتا ندارند و امکان ورود اطلاعات نوآموز در سامانه آموزش و پرورش بدلیل نداشتن این کد نیست.»

به گفته مسئولان وزارت آموزش و پرورش با وجود کمبود معلم و منابع مالی آموزش و پرورش، از سال ۱۳۸۵ جمعیت دانش‌آموزان اتباع در کشور هر سال رو به افزایش بوده است

در شرایطی که حضور و تحصیل دانش‌آموزان اتباع، حتی دانش‌آموزان اتباعی که فاقد مدارک اقامتی و هویتی هستند در مدارس دولتی رایگان اعلام شده است. خیرگزاری تسنیم در ۲۹ خرداد ۱۴۰۲ به نقل از مسئول کمیته مدارس اتباع خارجی و بین‌المللی شورای عالی آموزش و پرورش نوشته بود: «از سال ۸۵ رشد جمعیت دانش‌آموزان اتباع را شاهد بودیم.»

اطهر مقیمی که در نشست «بررسی و تحلیل چالش‌های تحصیلی دانش‌آموزان اتباع» صحبت می‌کرد اضافه کرده بود: «پس از انتشار فرمان رهبر انقلاب مبنی بر اینکه هیچ کودک افغانستانی نباید از تحصیل باز بماند، سه اتفاق در این حوزه رخ داد؛ نخست، رایگان شدن حضور دانش‌آموزان اتباع در مدارس دولتی، دوم؛ تحصیل تمام دانش‌آموزان اتباع حتی افرادی که فاقد مدارک اقامتی و هویتی هستند و سوم؛ تعیین تکلیف مدارس خودگردان.»

به روش‌های علمی و شیوه‌های برآورد و تحلیل آماری، اینها را احصا کردیم که به برآورد تقریبی بین ۵۰۰ تا نهایتاً یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر رسیدیم.»

سال گذشته نیز ۲۵۰ هزار دانش‌آموز جدید افغانستانی به ایران وارد شدند. به گفته سرپرست مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور «حدود ۲۲ مدرسه ویژه اتباع داریم که به سرعت در حال افزایش هستند.» برخی آمارها از تحصیل ۷۰۰ هزار دانش‌آموز افغانستانی در مدارس ایران حکایت دارند. با اینهمه معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور در ۸ دی‌ماه ۱۴۰۱ از تحصیل ۷۰۰ هزار دانش‌آموز اتباع خارجی در مدارس ایران خبر داده و گفته بود: «بیشتر این دانش‌آموزان تبعه کشور افغانستان هستند و در مدارس استان‌های خراسان رضوی، قم، سمنان، فارس و سیستان بلوچستان به تحصیل اشتغال دارند.»

در حالی که مقامات آموزش و پرورش در مورد مزایا و امکانات مختلف آموزش رایگان برای دانش‌آموزان افغان در بوق و کرنا می‌دمند که سردار پاسدار احمد وحیدی که چند ماه پیش حتی نمی‌دانست چند مهاجر افغانستانی در ایران هستند، در اردیبهشت ماه گفته بود «دیگر قادر به پذیرش بیشتر اتباع نیستیم!»

جمهوری اسلامی نه تنها کنترلی بر مرزها و ورود مهاجران انجام نداده بلکه حتی برآوردی از ظرفیت بخش‌های مختلف کشور برای پذیرش این مهاجران و یا بررسی آثار منفی و یا احیاناً مثبت حضور نیروی کار افغانستانی در کشور، و همچنین چگونگی روند تحصیل و آموزش فرزندان پرتعداد خانوارهای مهاجر نداشته است.

سامانه‌ی کارآمدی نیز برای ثبت داده‌های مربوط به مهاجران قانونی و غیرقانونی وجود ندارد و با توجه به اظهارات ضد و نقیض مسئولان حتی مشخص نیست چه تعداد افغانستانی مهاجر در ایران حضور دارند!

حضور قابل توجه افغانستانی‌ها در تجمعات و تظاهرات حکومتی و انتشار تصاویری از حضور افغانستانی‌ها در میان نیروهای سرکوب حکومت نشان‌دهنده بهره‌برداری جمهوری اسلامی از مهاجران به سود اهداف ایدئولوژیک است.

همچنین معاون آموزش ابتدایی شهر تهران در آن نشست با اشاره به اینکه منطقه ۱۵ بالاترین دانش‌آموزان اتباع را در پایتخت دارد، گفته بود: «در بحث سوادآموزی برای اتباع برنامه داریم.» به گفته معصومه معصومیان، «در برخی موارد، اکثر دانش‌آموزان اتباع در یک مدرسه حضور می‌یابند و در شهر تهران حتی بدون حضور دانش‌آموزان اتباع با مشکل فضای آموزشی مواجه هستیم، هم‌اکنون ۵۵ هزار اتباع در مدارس شهر تهران داریم بنابراین چاره‌ای وجود ندارد تا تعدادی از مدارس را به شیفت عصر منتقل کنیم.»

خیرگزاری برنا نیز در ۳ دی ماه ۱۴۰۲ به نقل از ناصر امانی که در دویست و دومین جلسه شورای اسلامی شهر تهران در مورد گزارش محله‌گردی محله هاشم‌آباد در منطقه ۱۵ توضیح می‌داد نوشت: «۱۰ هزار اتباع در محله هاشم‌آباد از جمعیت ۲۵ هزار نفری هاشم‌آباد زندگی می‌کنند که در یکی از مدارس از ۷۰۰ نفر دانش‌آموز ۳۵۰ نفر دانش‌آموز اتباع هستند و در بازدیدی که داشتیم در یک کلاس مقطع ابتدایی از ۳۹ نفر دانش‌آموز ۳۶ نفر اتباع بودند. با زمینه خوبی که ایجاد شده است، شاهد هستیم که این تعداد از اتباع در این مدارس تحصیل می‌کنند.»

با اینکه مقامات آموزش و پرورش تعداد دانش‌آموزان اتباع در کشور را ۶۰۰ هزار تن اعلام کرده‌اند اما آنها آماری از دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل اتباع را اعلام نکرده‌اند که شامل کودکان کار نیز می‌شوند. رئیس سازمان مهاجرت ۱۸ آذر ۱۴۰۲ از حضور بیش از ۴ میلیون اتباع خارجی مجاز در کشور خبر داده و ادعا کرده بود: «نهایتاً ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار اتباع غیرمجاز داریم.» رئیس سازمان ملی مهاجرت در آن تاریخ شمار اتباع خارجی مجاز در کشور را حدود ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر برآورد کرده و ادعا کرده بود: «کسانی به بزرگنمایی آمار اتباع غیرمجاز می‌پردازند و آمار اتباع را تا ۱۵ یا ۱۸ میلیون بالا می‌برند که این اقدام با اهداف و اغراض سیاسی دنبال می‌شود.»

عبدالله مبینی با بیان اینکه نزدیک به ۶۷۰ هزار نفر از مجموع ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار اتباع خارجی مجاز، دانش‌آموز و حدود ۳۵ درصد یعنی تقریباً ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر، زن هستند توضیح داده بود: «در موضوع آمار اتباع غیرمجاز،

چه پزشک‌ها و چه جلیلی، انزوای بیشتر جهانی در انتظار جمهوری اسلامی است



تهران / ۳۰ ژوئن ۲۰۲۴ / رویترز

بالتیک را عهده‌دار است از حامیان اوکراین و منتقدین سرسخت روسیه ولادیمیر پوتین است. مخالفت کایا کالاس با روسیه در حدی است که رژیم ولادیمیر پوتین ۱۳ فوریه سال جاری میلادی برای این سیاستمدار استونی حکم بازداشت بین‌المللی صادر کرد. دلیل رسمی صدور این حکم برداشتن مجسمه بزرگداشت ارتش شوروی در تالین، پایتخت استونی، است. البته دلیل واقعی این حکم بازداشت بین‌المللی حمایت تسلیحاتی و مالی دولت کایا کالاس از اوکراین است.

استونی که کشو کوچکی در حاشیه دریای بالتیک با کمتر از یک و نیم میلیون نفر جمعیت است، در دو سال گذشته بیش از ۵۰۰ میلیون یورو (برابر با ۱/۳۵ درصد از درآمد ناخالص ملی) کمک مالی و تسلیحاتی به اوکراین ارسال داشته و ۱۳۰۰ نفر از نیروی نظامی این کشور را در خاک خود آموزش داده است. کایا کالاس بارها همکاری تسلیحاتی جمهوری اسلامی با روسیه در جنگ اوکراین را مورد انتقاد قرار داده و معتقد است که نه تنها روسیه بلکه باید متحدان ولادیمیر پوتین در تجاوز نظامی به یک کشور اروپایی را نیز به شدت محکوم کرد.

مقام ارشد سیاست خارجی و امنیت اتحادیه اروپا در حقیقت وزیر خارجه مشترک ۲۷ کشور عضو این اتحادیه است. در سال‌های گذشته تمام کسانی که این مسئولیت را بر عهده داشتند، سیاست مماشات با تهران و حمایت از جمهوری اسلامی را پیش بردند. از خاویر سولانا اولین مقام ارشد سیاست خارجی و امنیت اروپا، تا کاترین اشتون بریتانیایی و فدریکا موگرینی ایتالیایی و یا جوزپ بورل اسپانیایی، سیاست مشترک همه آنها کنار آمدن با جمهوری اسلامی و نادیده گرفتن وضعیت حقوق بشر و سرکوب در ایران بوده است. حالا انتخاب کایا کالاس به عنوان جانشین جوزپ بورل می‌تواند مسیر سیاست خارجی اتحادیه اروپا را در قبال جمهوری اسلامی تغییر دهد. البته باید توجه داشت که سیاست خارجی اتحادیه اروپا تنها توسط مقام ارشد این نهاد در دیپلماسی تدوین نمی‌شود و شورای اروپا که متشکل از رؤسای دولت ۲۷ کشور عضو این اتحادیه است در تدوین آن سهم مهمی دارد.

هفت» نیز در نشست خود که در نیمه ماه ژوئن در جنوب ایتالیا برگزار شد قطعنامه‌ای در محکومیت برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و همکاری‌اش با روسیه در جنگ اوکراین به تصویب رساند. همکاری تسلیحاتی جمهوری اسلامی با روسیه در جنگ اوکراین مسئله‌ای است که در هفته‌های آینده به صورت گسترده‌تر از گذشته در دستور کار اتحادیه اروپا و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) قرار خواهد گرفت. انتخاب مارک روتبه به عنوان دبیرکل جدید ناتو و کایا کالاس در مقام ارشد سیاست خارجی و امنیت اتحادیه اروپا دقیقاً در راستای مقابله با روسیه و متحدینش در تجاوز نظامی علیه اوکراین است. نخست‌وزیر کنونی هلند و دبیرکل جدید ناتو از منتقدان سرسخت روسیه و حامیان اوکراین در این جنگ است. انتخاب او را در این سمت جدید با توجه به اینکه دبیرکل ناتو با توافق هر ۳۲ کشور عضو این پیمان انتخاب می‌شود می‌توان به نوعی اعلان جنگ ناتو به روسیه تلقی کرد. البته جمهوری اسلامی نیز که در تجاوز روسیه به خاک اوکراین نقش داشته و دارد، در با واکنش‌های سخت کشورهای عضو این پیمان نظامی مواجه خواهد شد. جنگ اوکراین در موقعیت کنونی از سوی کشورهای عضو پیمان ناتو تهدیدی جدی برای امنیت اروپا تلقی می‌شود.

مارک روتبه ۵۷ ساله اگرچه ریاست حزب راست میانه «آزادی برای مردم و دموکراسی» را عهده دارد، ولی در ۱۴ سال گذشته توانسته است ۴ دولت ائتلافی مختلف را تشکیل دهد و رکورددار طولانی‌ترین رئیس دولت در کشور هلند است و در بین کشورهای اروپایی نیز از این نظر در مقام دوم پس از ویکتور اوربان نخست‌وزیر مجارستان قرار دارد. مارک روتبه که شخصیتی کاریزماتیک به حساب می‌آید، به گفته بسیاری اهل مماشات نیست و با قاطعیت عمل می‌کند. او بارها تا کنون از نقش جمهوری اسلامی در حمایت از روسیه در تجاوز به خاک اوکراین انتقاد کرده است. مارک روتبه در این مقام جدید می‌تواند به مشکلی جدی برای جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی تبدیل شود. کایا کالاس رهبر «حزب اصلاحات» استونی نیز که از سال ۲۰۲۱ میلادی ریاست دولت این جمهوری در حاشیه دریای

● در صحنه بین‌المللی روزهای سختی در انتظار جمهوری اسلامی است. نتیجه دور دوم انتخابات هم نخواهد توانست تغییر محسوسی در این رابطه ایجاد کند. ● مارک روتبه نخست‌وزیر هلند و دبیرکل جدید پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و کایا کالاس نخست‌وزیر استونی تنها کاندیدای مقام ارشد سیاست خارجی و امنیت اتحادیه اروپا، هر دو از مخالفان سرسخت روسیه و منتقدین حمایت از جمهوری اسلامی از جنگ در اوکراین هستند. احمد رأفت - در صحنه بین‌المللی روزهای سختی در انتظار جمهوری اسلامی است. نتیجه دور دوم انتخابات هم نخواهد توانست تغییر محسوسی در این رابطه ایجاد کند. پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو روز ششم تیر ۱۴۰۳ اعلام کرد که از اول ماه اکتبر سال جاری میلادی (۱۰ مهر) مهلت دبیرکلی بنس استولتنبرگ به پایان خواهد رسید و مارک روتبه نخست‌وزیر کنونی هلند جانشین او خواهد شد. اتحادیه اروپا نیز کایا کالاس را به عنوان جانشین جوزپ بورل در مقام ارشد سیاست خارجی و امنیت خود انتخاب کرده است، اگرچه نخست‌وزیر کنونی استونی باید از سوی پارلمان اروپا، در نشستی که در روزهای آینده برگزار خواهد شد، مورد تأیید قرار گیرد.

تروئیکای اروپایی در مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی نیز که کشورهای بریتانیا، آلمان و فرانسه را در بر می‌گیرد، در هفته‌های گذشته مواضع سخت‌تری در قبال جمهوری اسلامی اتخاذ کرده است.

سه کشور اروپایی در آخرین نشست ادواری شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطعنامه‌ای را در رابطه با برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی به تصویب رساندند، که این پرونده را بار دیگر روی میز شورای امنیت سازمان ملل متحد گذاشت.

شورای امنیت نیز بلافاصله پرونده اتمی جمهوری اسلامی را در دستور کار قرار داد. در این نشست نمایندگان تروئیکای اروپایی جمهوری اسلامی را تهدید کردند که در صورت ادامه فعالیت‌های هسته‌ای با شتاب کنونی، خواهان فعال شدن «مکانیسم ماشه» خواهند شد. مدت‌ها بود که هیچ‌کدام از کشورهای که امضای خود را زیر توافق هسته‌ای گذاشته‌اند، اشاره‌ای به «مکانیسم ماشه» نمی‌کردند.

بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام به کشورهای امضاکننده‌ی توافق اتمی این حق را می‌دهند که در صورت مشاهده عدم اجرای برجام، هر یک از طرفین قرار توافق بتوانند به کمیسیون مشترک شکایت کنند. این کمیسیون برای حل و فصل موضوع مورد مناقشه پانزده روز فرصت دارد. در صورتی که کمیسیون برای مشکل یا مشکلات مطرح شده راه حلی پیدا نکند، پرونده به وزرای خارجه کشورهای عضو برجام ارجاع داده می‌شود. آنها نیز پانزده روز دیگر برای حل و فصل مشکلات فرصت دارند. کمیسیون مشترک هم پنج روز دیگر فرصت دارد تا موارد اختلاف را بررسی کرده و راه حلی ارائه دهد. اگر پس از این روند ۳۵ روزه، طرف شاکمی هنوز راضی نباشد، می‌تواند موضوع را به عنوان تخطی چشمگیر از توافق، به شورای امنیت بفرستد، و این شورا باید ظرف ۳۰ روز به قطعنامه‌ای برای ادامه یا لغو تعلیق تحریم‌ها رای بدهد و به این ترتیب، تحریم‌هایی که در سال ۲۰۱۵ به تعلیق درآمدند می‌توانند برگشته و دوباره اعمال شوند. هیچ‌یک از کشورهای عضو نیز حق وتوی آن را نخواهد داشت.

البته هفت کشور صنعتی جهان موسوی به گروه «جی

مرگ مشروعیت جمهوری اسلامی؛ ابعاد تازه‌ای از آمارسازی در انتخابات هشتم تیرماه



تحریم انتخابات ریاست جمهوری از سوی مردم و شعبه خلوت اخذ رأی در تبریز / جمعه هشتم تیرماه ۱۴۰۳

نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی با اشاره به همین موضوع گفت: «ما در این دوره تصور می‌کردیم مشارکت به بالای ۵۰ درصد برسد، اما به ۴۰ درصد هم نرسیدیم.» حسین نقوی حسینی افزوده «قبلاً مردم به اصلاح طلبان و اصولگرایان رأی دادند اما الان از جریانات سیاسی مرسوم عبور کرده‌اند.»

اصلاح طلبان که پیشتر از «قهر» مردم با صندوق رأی سخن می‌گفتند تا نشان دهند همچنان پیوندی میان مردم و حکومت است و مردم دوباره به «آغوش» نظام باز می‌گردند، حالا ناچار شده‌اند به شکاف عمیق جامعه با حکومت و پدیدار شدن جمعیتی موثر در کشور به عنوان «براندازان» که اساساً این رژیم را نمی‌خواهند اعتراف کنند. محمد قوچانی روزنامه‌نگار اصلاح طلب و از عوامل اجرایی پروژه‌ی حکومتی کردن ملی‌گرایی در ایران، پس از انتخابات و عدم موفقیت در فرستادن نامزد مورد نظر اصلاح طلبان به پاستور، در ادعایی بی‌پایه نوشته «ما الان سه اقلیت داریم: اصلاح طلب، اصولگرا، برانداز... هیچ اکثریتی وجود ندارد.» با وجود این افتضاح بازار تبلیغات توهمات حکومت درباره حضور مردم پای صندوق رأی نیز ادامه دارد. محمد مخبر دزفولی کفیل ریاست جمهوری اسلامی مشارکت کمتر از ۴۰ درصدی مردم در انتخابات را «حضور آگاهانه ملت بصیر» خوانده و افزوده است: «تداوم این مشارکت در دور دوم انتخابات، موجب ناامیدی بیشتر بدخواهان کشور و نظام و تقویت امید دوستداران آرمان‌های جمهوری اسلامی جهان خواهد شد.»

محمدتقی نقدعلی نماینده «خمینی‌شهر» در مجلس شورای اسلامی نیز بدون اشاره به مشارکت زیر ۴۰ درصدی مردم در انتخابات با کلمات عجیب و غریب گفت: «نظام اسلامی در هر دوره شگفتانه‌های زیادی داشته، انتخابات این دوره نیز یکی از شگفتانه‌های انقلاب اسلامی بود که مختص نظام است و در هیچ کجای دنیا چنین شگفتانه‌های نداریم.»

رأی از نخستین ساعات آغاز رأی‌گیری در هشتم تیرماه نمایان شد. شعبه‌های اخذ رأی در شهرهای مختلف خلوت بودند و حکومت نتوانسته بود مشارکت بالایی را رقم بزند. با اعلام نتایج انتخابات مشخص شد حتی آمارهای مورد ادعای حکومت نیز بیانگر پایین‌ترین نرخ مشارکت مردم در انتخابات طی چهارده دوره انتخابات ریاست جمهوری بعد از انقلاب ۵۷ است.

اینهمه در حالیست که انتشار آرای نامزدها توجه افکار عمومی را به این جلب کرد که همه ارقام اعلام شده مضرری از عدد سه هستند.

کاربران در شبکه‌های اجتماعی این موضوع را مورد بررسی قرار دادند که چقدر احتمال دارد در یک انتخابات نتایج آرای چهار نامزد، همگی مضرری از سه شوند. آنها که با علم آمار آشنایی بیشتری دارند مطرح کرده‌اند که تصادفی بودن این موضوع تقریباً بعید به نظر می‌رسد. بر اساس توضیحات احتمال اینکه بطور تصادفی همه شش عدد داده شده مضرری از ۳ باشند حدود ۰.۰۰۱۳۷ یا به عبارت دیگر حدود ۰.۱۳۷٪ است.

اکنون بسیاری به این باور رسیده‌اند که جمهوری اسلامی نتیجه واقعی انتخابات را در سه ضرب کرده تا میزان مشارکت را بالاتر نشان دهد.

در اینصورت مشارکت در انتخابات این دوره حدود ۱۳ درصد باضافه آرای باطله و همه کسانی بوده که به نحوی مجبور به شرکت در آن شده‌اند. آرای پزشک‌ها به عنوان بالاترین رأی، به چهار میلیون هم نمی‌رسد و آرای سعید جلیلی، محمدباقر قالیباف و مصطفی پورمحمدی به ترتیب حدود سه میلیون، یک میلیون و هفتصد هزار رأی خواهد بود. این ارقام با ویدئوهای حضور مردم پای صندوق رأی در شهرهای مختلف نیز بیشتر همخوانی دارد!

به مشارکت پایین در انتخابات از سوی برخی مقامات حکومتی نیز اعتراف شده است. حسین نقوی حسینی

● در انتخابات ۱۴۰۰ ابراهیم رئیسی به عنوان نفر نخست انتخابات طبق آمار حکومتی بیش از ۱۸ میلیون رأی داشت اما نفر نخست انتخابات امسال، مسعود پزشکیان، با وجود تعلق به جریان اصلاح طلب طبق آمار رسمی حدود ۱۰ میلیون رأی کسب کرد.

● مجموع آرای رسمی اعلام شده نامزدهای اصولگرا در انتخابات این دوره به ۱۵ میلیون هم نمی‌رسد در حالی که در انتخابات سال ۱۴۰۰ نامزدهای اصولگرا بیش از ۲۴ میلیون رأی کسب کردند.

● همه ارقام اعلام شده از آرای نمایندگان مضرری از عدد سه هستند. کاربران در شبکه‌های اجتماعی این موضوع را مورد بررسی قرار داده و مشخص کردند احتمال چنین چیزی در حال طبیعی نزدیک به صفر است!

آمارهای حکومتی درباره نتایج انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری حاکی از مشارکت ۳۹/۹ درصدی است. با توجه به اینکه ارقام اعلام شده از آرای چهار نامزد انتخابات مضرری از سه است، بسیاری معتقدند جمهوری اسلامی دست به آمارسازی زده و میزان مشارکت واقعی یک سوم رقم اعلام شده است.

بر اساس اعلام ستاد انتخابات کشور تعدا کل آرای اخذ شده ۲۴.۵۳۵.۱۸۵ بوده است. آرای نامزدهای انتخابات به ترتیب مسعود پزشکیان با ۱۰.۴۱۵.۹۹۱ رأی، سعید جلیلی با ۹.۴۷۳.۲۹۸ رأی، محمدباقر قالیباف ۳.۳۸۳.۳۴۰ رأی و مصطفی پورمحمدی با ۲۰۶.۳۹۷ رأی اعلام شد.

این آرای رسمی در مقایسه با آرای دوره‌های قبل انتخابات ریاست جمهوری نیز بسیار پایین بوده است. برای نمونه در انتخابات ۱۴۰۰ ابراهیم رئیسی به عنوان نفر نخست انتخابات طبق آمار حکومتی بیش از ۱۸ میلیون رأی داشت اما نفر نخست انتخابات امسال، مسعود پزشکیان، با وجود تعلق به جریان اصلاح طلب طبق آمار رسمی حدود ۱۰ میلیون رأی کسب کرد.

از سوی دیگر مجموع آرای نامزدهای اصولگرا در انتخابات این دوره به ۱۵ میلیون هم نمی‌رسد در حالی که در انتخابات سال ۱۴۰۰ نامزدهای اصولگرا بیش از ۲۴ میلیون رأی کسب کردند.

این ارقام نشان‌دهنده سقوط «مشروعیت» جمهوری اسلامی حتی در میان شهروندانی است که سال‌های گذشته در انتخابات شرکت می‌کردند. به ویژه آنکه در انتخابات هشتم تیرماه، اصلاح طلبان با چراغ سبز علی خامنه‌ای همه امکانات و ظرفیت خود را برای کشاندن مردم پای صندوق رأی به کار گرفتند.

غالب چهره‌های اصلاح طلب در کارزار انتخاباتی مسعود پزشکیان فعال بودند. همچنین شماری از چهره‌های ظاهراً منتقد در جریان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱، مانند محسن برهانی وکیل دادگستری یا محمد فاضلی جامعه‌شناس و علی شریفی زارچی استاد دانشگاه، در ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان فعال شدند و در آنسو بسیاری از حامیان جمهوری اسلامی در خارج کشور از طریق رسانه‌های فارسی‌زبان و شبکه‌های اجتماعی بطور مستقیم و غیرمستقیم از پزشک‌ها و شرکت در انتخابات حمایت کردند.

شکست جمهوری اسلامی در کشاندن مردم پای صندوق

نخستین ضرب شست خامنه‌ای به پزشکيان لغو نشست خبری با خبرنگاران داخلی و خارجی!

بود. در چنین شرایطی علی خامنه‌ای از یکسو می‌کوشد فضا را آرام نشان دهد و از سوی دیگر نگذارد اصلاح‌طلبان و نامزد پیروشان در انتخابات چارچوب‌های او را در سیاست داخلی و خارجی جابجا کنند.

اینهمه در حالیست که پس از اعلام نتایج نهایی انتخابات حامیان جلیلی و حامیان قالیباف در فضای مجازی به جان هم افتادند که اگر یکی به سود دیگری انصراف می‌داد و فقط یک نامزد اصولگرا در رقابت با پزشکيان باقی می‌ماند و مجموع آرای اصولگرایان به نام او به صندوق ریخته می‌شد، اصلاح‌طلبان پیروز انتخابات نمی‌شدند! گویی آنها واقعا باور ندارند که آنکه از صندوق بیرون می‌آید پیشاپیش منصوب شده است.

اکنون به نظر می‌رسد بخشی از تنش میان حامیان جلیلی و قالیباف به مجلس شورای اسلامی کشیده شده است. در همین رابطه محمدجواد جمالی نوبندگانی فعال سیاسی اصولگرا گفته «در سال‌های اخیر اصولگرایان به شاخه‌های مختلفی تقسیم شدند و آخرین بار که با هم توافق کردند سال ۱۴۰۰ بود که از آیت‌الله ریسی حمایت کردند و بعد از آن دیگر نتوانستند کنار هم قرار بگیرند.»

این فعال اصولگرا افزوده که «مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم پیام روشنی به جریان اصولگرا داشت و آن اینکه با تفرقه و انشقاق حتما شکست می‌خورند و قافیه را می‌بازند.»

او با بیان اینکه «این اتهام‌زنی‌ها و بقه‌گیری‌ها برای چند روز می‌تواند دعوایی را در مملکت ایجاد کند و نهایتاً هم هیچ نتیجه‌ای برایشان رقم نخواهد خورد» گفته «در مجلس نمایندگان طرفدار آقای قالیباف و نمایندگان طرفدار آقای جلیلی هستند؛ این از بلوغ سیاسی به دور است که آن‌ها بعد از انتخابات بخواهند دعوا کنند.»

این تنش‌ها با توجه به اینکه هنوز مدتی به مراسم تحلیف مسعود پزشکيان مانده برجسته است. خبرگزاری دولتی «ایرنا» روز شنبه به نقل از علیرضا سلیمی سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی خبر داد که مراسم تحلیف مسعود پزشکيان حدود دو هفته دیگر و در نیمه اول مرداد برگزار می‌شود.

به گفته علیرضا سلیمی با توجه به اینکه مسعود پزشکيان هنوز نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی است، جلسه دیگری در مجلس برای رسیدگی به استعفا او پیش از برگزاری مراسم تحلیف و تنفیذ ریاست جمهوری وی توسط خامنه‌ای برگزار خواهد شد.

محمود صادقی تحصیلکرده رشته حقوق و از نمایندگان پیشین مجلس شورای اسلامی درباره استعفا پزشکيان به «دیده‌بان ایران» گفته «موضوع تقدیم و پذیرش استعفا برای حضور در یک پست دیگر مانند ریاست جمهوری بیشتر جنبه نمادین دارد و حتی در صورت مخالفت نمایندگان هیچ مانعی برای حضور پزشکيان در پاستور ایجاد نخواهد شد.»

او افزوده «در صورت عدم پذیرش استعفا مسعود پزشکيان توسط نمایندگان مجلس، راه‌های مختلفی برای حضور پزشکيان در ریاست جمهوری وجود دارد. به عنوان نمونه غیبت متوالی نماینده عملاً به معنای استعفا خواهد بود و نماینده پس از عدم شرکت در چند جلسه متوالی مستعفی شناخته می‌شود.»

● نشست مسعود پزشکيان با خبرنگاران در ابتدا قرار بود امروز شنبه ۱۶ تیرماه ساعت ۳ بعد از ظهر در سالن آمفی تئاتر ۳۰۰ نفره مرکز اجلاس سران برگزار شود اما بعد به خبرنگاران اعلام شد این نشست در محل قبر خمینی خواهد بود.

● علی خامنه‌ای در پیامی که پس از اعلام نتیجه نهایی انتخابات داد به مسعود پزشکيان تأکید کرده بود که باید در «ادامه راه شهید رئیسی» گام بردارد.

● با توجه به اختلافاتی که میان سه نامزد اصلی انتخابات، مسعود پزشکيان، سعید جلیلی و محمدباقر قالیباف، وجود داشت ممکن است روزهای آینده روزهای پرتنشی در درون نهادهای حکومتی و به ویژه مجلس شورای اسلامی باشد.

مسعود پزشکيان رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی در حالی ساعاتی پس از بیرون آمدن نام وی از صندوق رأی قرار بود در نشستی با خبرنگاران داخلی و خارجی به گفتگو بپردازد که این نشست لغو شد.

خبرگزاری «مهر» نوشته اعلام خبر لغو این نشست از سوی ستاد مسعود پزشکيان منتشر و علت آن دیدار او با علی خامنه‌ای عنوان شده است.

نشست مسعود پزشکيان با خبرنگاران در ابتدا قرار بود امروز شنبه ۱۶ تیرماه ساعت ۳ بعد از ظهر در سالن آمفی تئاتر ۳۰۰ نفره مرکز اجلاس سران برگزار شود اما بعد به خبرنگاران اعلام شد این نشست در محل قبر خمینی خواهد بود. پیش از اعلام خبر لغو این نشست «باشگاه خبرنگاران» نوشته بود «به نظر می‌رسد که آقای پزشکيان و تیم ستادی ایشان در صدد بیعت با امام هستند که اولین فعالیت رسمی خود را در چنین مکانی برگزار کرده‌اند اما بهتر بود برای نشست خبری، مکانی در مرکز شهر در نظر گرفته می‌شد. زیرا با توجه به طول مدت نشست و ترافیک خیابان‌ها و بزرگراه‌های تهران، روزنامه‌نگاران و خبرنگارانی که به حرم امام می‌روند، زودتر از ۸ شب به رسانه‌ی خود نمی‌رسند.»

لغو نشست مسعود پزشکيان با خبرنگاران به بهانه دیدار با رهبر جمهوری اسلامی را می‌توان نخستین ضرب شست علی خامنه‌ای به مسعود پزشکيان و اصلاح‌طلبان ارزیابی کرد. علی خامنه‌ای در پیامی که پس از اعلام نتیجه نهایی انتخابات داد به مسعود پزشکيان تأکید کرده بود که باید در «ادامه راه شهید رئیسی» گام بردارد. او همچنین تأکید کرده بود که باید رفتارهای رقابتی دوران انتخابات به هنجارهای رفاقتی تبدیل شود.

این موارد در حالی در پیام علی خامنه‌ای پررنگ بود که اعضای ستاد مسعود پزشکيان و هواداران او ساعاتی پس از اعلام نتایج انتخابات خواستار عزل علیرضا زاکانی شهردار کنونی تهران شدند و مردم را به امضای کارزاری هدایت کردند که از فروردین امسال برای عزل زاکانی راه‌اندازی شده بود. این تلاش به حدی گسترده و سازمان‌یافته بود که صبح شنبه ۱۶ تیرماه هشتگ #زاکانی به تیزترین شبکه «ایکس» در ایران تبدیل شد.

با توجه به اختلافاتی که میان سه نامزد اصلی انتخابات، مسعود پزشکيان، سعید جلیلی و محمدباقر قالیباف، وجود داشت، احتمالاً روزهای آینده روزهای پرتنشی در درون نهادهای حکومتی و به ویژه مجلس شورای اسلامی خواهد

بابک امامیان: «برکسیت و تمرکز بر مهاجرت شکست حزب محافظه‌کار را رقم زد»



پنجشنبه ۱۴ تیر شهروندان بریتانیایی برای انتخابات پارلمانی به پای صندوق رای خواهند رفت. بر مبنای تمام نظرسنجی‌ها حزب محافظه‌کار که از ۱۴ سال پیش دولت را در دست دارد، در این انتخابات شکست خواهد خورد و دولت را به حزب کارگر واگذار خواهد کرد. حزب محافظه‌کار در انتخابات پیش رو، بنا بر نظرسنجی‌ها در بهترین حالت ۲۵ درصد آرا را به دست خواهد آورد، در حالی که در آخرین انتخابات که در سال ۲۰۱۹ میلادی برگزار شد با ۴۳/۶ درصد به پارلمان راه یافته بود. حزب کارگر هم بر پایه همین نظرسنجی‌ها بین ۳۴ تا ۴۵ درصد رای خواهد آورد. عملکرد دولت ریشی سوناک، نخست‌وزیر کنونی، در زمینه اقتصادی دلیل اصلی این شکست فاحش است.

در این انتخابات، باز هم بر پایه نظرسنجی‌ها، حزب تازه تاسیس Reform UK به حدود ۱۵ درصد آرا به پارلمان راه خواهد یافت. برنامه سیاسی این حزب و بنیانگذارش نایجل فراژ بر محور مهاجرت و پناهجویی متمرکز است. این رهبر راست‌گرای بریتانیایی که پشتیبان سرسخت خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بود، گناه بحران اقتصادی کنونی را به گردن مهاجرین و پناهجویان می‌اندازد.

حزب کارگر که دولت آینده بریتانیا را تشکیل خواهد داد، بر مبنای آنچه روزنامه بریتانیایی «تلگراف» می‌نویسد قرار است سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه‌های تروریستی این کشور قرار دهد. دولت کنونی بریتانیا تا کنون با وجود تصویب تحریم‌هایی علیه جمهوری اسلامی از تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سر باز زده است. احمد رأفت با بابک امامیان کارشناس اقتصادی و از اعضای حزب محافظه‌کار بریتانیا گفتگو کرده است.

هشدار نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل به اسرائیل در مورد حمله به حزب الله؛ «همه گزینه‌ها روی میز است!»



شبه نظامیان طرفدار جمهوری اسلامی
در لبنان

● در شرایطی که تنش‌ها میان اسرائیل و حزب‌الله لبنان به اوج خود رسیده و احتمال جنگ میان آنها زیاد است، نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل تهدید اسرائیل برای حمله به حزب‌الله را «جنگ روانی» توصیف و همزمان تهدید کرد که این اقدام به یک «جنگ تمام‌عیار» تبدیل خواهد شد.

● نمایندگی جمهوری اسلامی روز شنبه ۲۹ ژوئن (نهم تیرماه) طی پیامی هشدار داد، «اگرچه ایران تبلیغات رژیم صهیونیستی مبنی بر قصد حمله به لبنان را جنگ روانی می‌داند اما در صورت دست زدن به یک تهاجم نظامی تمام‌عیار، جنگی نابودکننده رخ خواهد داد. تمام گزینه‌ها، از جمله مشارکت کامل همه جبهه‌های مقاومت روی میز است.» در شرایطی که تنش‌ها میان اسرائیل و حزب‌الله لبنان به اوج خود رسیده و احتمال جنگ میان آنها زیاد است، نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل تهدید اسرائیل برای حمله به حزب‌الله را «جنگ روانی» توصیف و همزمان تهدید کرد که این اقدام به یک «جنگ تمام‌عیار» تبدیل خواهد شد.

نمایندگی جمهوری اسلامی روز شنبه ۲۹ ژوئن (نهم تیرماه) طی پیامی هشدار داد، «اگرچه ایران تبلیغات رژیم صهیونیستی مبنی بر قصد حمله به لبنان را جنگ روانی

می‌داند اما در صورت دست زدن به یک تهاجم نظامی تمام‌عیار، جنگی نابودکننده رخ خواهد داد. تمام گزینه‌ها، از جمله مشارکت کامل همه جبهه‌های مقاومت روی میز است.» در این پیام ادعا شد، «قطعاً این جنگ یک بازنده نهایی خواهد داشت و آن رژیم صهیونیستی است. جنبش مقاومت حزب‌الله توان دفاع از خود و کشورش لبنان را دارد؛ شاید زمان نابودی این رژیم نامشروع به دست خودش فرا رسیده باشد.» روزنامه «تایمز اسرائیل» در همین ارتباط نوشت تلاش‌های دیپلماتیک به رهبری ایالات متحده تا کنون نتوانسته است گروه تروریستی حزب‌الله را به آسوی رودخانه «لیطانی» (در حدود ۳۰ کیلومتری) مرز شمالی اسرائیل عقب براند.

بر اساس قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد که به جنگ اسرائیل در سال ۲۰۰۶ پایان داد حزب‌الله باید تا اراضی پشت این روخانه عقب‌نشینی کند.

تنش‌ها بین اسرائیل و حزب‌الله بطور پیوسته در حال افزایش است و تحلیلگران می‌گویند، خطر جنگ بیشتر از هفته‌های قبل است. کوچک‌ترین تحرک یا خطا می‌تواند بنزین روی شعله‌های آتش بپاشد.

حسن نصرالله تهدید کرده در صورت وقوع جنگ تمام خاک اسرائیل هدف حملات موشکی حزب‌الله قرار خواهد گرفت. همزمان کارزار شکار فرماندهان ارشد حزب‌الله در خاک لبنان توسط ارتش اسرائیل به شدت ادامه دارد.

برخی منابع داخل ایران این پیام را «اتمام حجت» رژیم ایران با اسرائیل دانسته‌اند. این در حالیست که تهدیدات جمهوری اسلامی علیه اسرائیل در دفاع از حزب‌الله و دیگر گروه‌های تروریستی تازگی ندارد. چنانکه پیش از آغاز عملیات اسرائیل علیه حماس در غزه نیز مقامات تهران به صورت رسمی و غیررسمی تهدید به تلافی کردند اما در عمل حرکت خاصی از آنها سر نزد تا اینکه پس از کشته شدن هفت سپاهی در حمله اسرائیل به ساختمان مجاور کنسولگری جمهوری اسلامی در دمشق برای حفظ آبروی نظام تحت فشار حزب‌اللهی‌ها ۲۵ فروردین ۱۴۰۳ ده‌ها فرزند موشک و پهپاد از خاک ایران به اسرائیل پرتاب شد. این عملیات در شرایطی انجام شد که ساعت‌ها پیش از حمله منابع وابسته به جمهوری اسلامی بدون «رعایت اصل غافلگیری» اطلاع دادند که قرار است چنین حمله‌ای انجام شود.

نتیجه آنکه، به گفته منابع اسرائیلی بیش از ۹۵ درصد موشک‌ها و پهپادها توسط پدافند اسرائیل و شرکاء در آسمان رهگیری و منهدم شدند.

جمهوری اسلامی اصلی‌ترین تأمین‌کننده پول و سلاح برای حزب‌الله لبنان و گروه‌های تروریستی فلسطینی است. سعید ایروانی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل در مصاحبه با تلویزیون «ان‌بی‌سی» که بخش‌هایی از آن سه‌شنبه ششم فوریه (۱۷ بهمن‌ماه) منتشر شد گفت جمهوری اسلامی با گروه‌های فلسطینی «پیمان دفاعی» دارد و با ارسال سلاح و آموزش این گروه‌ها را تقویت می‌کند اما در اقدامات آنها نقشی ندارد.

زیاد زیناله دبیرکل «جهاد اسلامی» در مصاحبه با روزنامه «الوفاق» که دهم تیرماه ۱۴۰۲ (دو ماه بعد از دیدار با خامنه‌ای در تهران) منتشر شد با اشاره به نقش جمهوری اسلامی در ارسال سلاح و مهمات برای «حماس» و «جهاد اسلامی» گفته بود، «پس از توافقنامه اسلو، فلسطینیان دریافته‌اند که گفتگو با صهیونیست‌ها فایده‌ای ندارد و گروه‌های مقاومت، تقویت شدند و پیشرفت کردند که مرهون آغوش باز جمهوری اسلامی است که توانمندی‌های خود را در اختیار مقاومت قرار داد. به لطف انتقال توانمندی‌ها نیروهای مقاومت توانایی ساخت موشک، سلاح‌های ضد زره‌پوش و بمب را دارند.»

گفتگوی تلفنی علی باقری کنی با وزیر خارجہ ترکیه درباره لبنان؛ «شرایط منطقه به ضرر اسرائیل خواهد بود»



تجمع هواداران نظام در «میدان امام حسین» تهران در
حمایت از «مقاومت»

● علی باقری کنی سرپرست وزارت خارجہ جمهوری اسلامی، روز دوشنبه ۱۱ تیرماه در گفتگوی تلفنی با هاگان فیدان وزیر خارجہ ترکیه تهدید کرد، هرگونه خطای جدید اسرائیل در لبنان، «جران‌ناپذیر» است و «شرایط جدید در سطح منطقه را به ضرر صهیونیست‌ها رقم خواهد زد».

● وی همچنین تأکید کرد: «مقاومت در لبنان آمادگی کامل برای مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی را داراست و قدرت بی‌بدیل مقاومت در لبنان، هرگونه سرکشی اشغالگران متجاوز برای آنها هزینه‌مند خواهد کرد».

● رهبران جمهوری اسلامی ایران و ترکیه هر دو خود را مدافعان سرسخت «آرمان‌های فلسطین» می‌دانند و به شدت علیه اسرائیل موضع می‌گیرند و روابط بسیار نزدیکی با رهبران حماس دارند اما ترکیه به دلیل سطح روابطی که با غرب دارد، با احتیاط بیشتری دشمنی خود را با اسرائیل ابراز می‌کند.

با افزایش احتمال اقدام نظامی اسرائیل علیه حزب‌الله لبنان، مقامات جمهوری اسلامی در ایران به تهدیدات خود علیه اسرائیل در صورت حمله به لبنان ادامه می‌دهند.

علی باقری کنی سرپرست وزارت خارجہ جمهوری اسلامی، روز دوشنبه ۱۱ تیرماه در گفتگوی تلفنی با هاگان فیدان وزیر خارجہ ترکیه با اشاره به عملیات تروریستی

روزنامه «فایننشال تایمز» که دوم ژوئن (۱۲ تیرماه) منتشر شد، تأکید کرد که جمهوری اسلامی علاقه‌ای به یک جنگ منطقه‌ای ندارد و از آمریکا خواست برای جلوگیری از تشدید بیشتر تنش، اسرائیل را تحت فشار قرار دهد.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا جمهوری اسلامی ایران در صورت یک درگیری تمام‌عیار، از حزب‌الله - مهم‌ترین و قدرتمندترین متحد منطقه‌ای خود - حمایت نظامی خواهد کرد، گفت: «همه مردم لبنان، کشورهای عربی و اعضای محور مقاومت از لبنان در برابر اسرائیل حمایت خواهند کرد.»

خرازی افزود، «احتمال گسترش جنگ به کل منطقه وجود خواهد داشت که همه کشورها از جمله ایران درگیر آن شوند. در این شرایط، ما چاره‌ای جز حمایت از حزب‌الله نداریم.»

او همچنین افزود، «گسترش جنگ به نفع هیچکس نیست، نه ایران و نه آمریکا.»

وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی درباره تأثیر «انتخابات» در ایران با توجه به شرایط منطقه گفت: «بسته به اینکه چه کسی برنده شود، تفاوت‌هایی در رویکرد دولت ایران وجود خواهد داشت، اما استراتژی کلی سیاست خارجی ایران توسط مقام رهبری تعیین می‌شود و از این نظر ثابت است.»

با اینهمه او مدعی شد، «انتخابات فرصتی برای گشایش‌های جدید بین ایران و غرب ایجاد می‌کند اما برای دستیابی به آن، کشورهای غربی باید از سیاست‌های کنونی عقب‌نشینی کرده و بر اساس شرایط برابر و احترام متقابل با ایران وارد مذاکره شوند.» خرازی افزود: «اگر آنها تصمیم به همکاری بگیرند، ما آماده همکاری هستیم.»

وی در بخش دیگری توضیح داد: «جمهوری اسلامی مایل به انجام مذاکرات غیرمستقیم با واشنگتن در مورد برنامه هسته‌ای تهران در یک دولت جدید است، اگر این امر منجر به پیوستن مجدد ایالات متحده به برجام شود.»

خرازی با استناد به فتوای علی خامنه‌ای در مورد «حرام بودن سلاح اتمی» بار دیگر تکرار کرد: «ما طرفدار ساخت سلاح هسته‌ای نیستیم اما اگر ایران با یک تهدید وجودی مواجه شود، طبیعتاً ما [باید] دکترین خود را تغییر دهیم.» او در این ارتباط توضیح داد، «اگر غرب اقدام به استفاده از مکانیسم ماشه برای اعمال مجدد تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران کند، این امر با واکنش شدیدی از سوی ایران در زمینه تغییر استراتژی هسته‌ای مواجه خواهد شد.»

بر اساس آخرین گزارش سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، بعد از صدور قطعنامه تویخی علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام، در سایت‌های اتمی فردو و نطنز سانتریفیوژهای جدید نصب شده است. در همین ارتباط خرازی گفت: «تا کنون تصمیمی برای فراتر رفتن از غنی‌سازی ۶۰ درصد نداریم اما ما سعی کرده‌ایم تجربه و دانش هسته‌ای خود را با استفاده از ماشین‌ها و تنظیمات مختلف گسترش دهیم.»

خرازی درباره جنگ اوکراین نیز مدعی شد که جمهوری اسلامی در این درگیری بی‌طرف است و گفت که پهنادهای ایرانی مورد استفاده روسیه قبل از جنگ اوکراین فروخته شده است. وی در پاسخ به پرسشی درباره نگرانی‌های غرب مبنی بر احتمال فروش موشک‌های بالستیک از سوی ایران به روسیه نیز گفت: «چنین اتهاماتی وجود داشته است، اما صحت ندارد.»

وی با بیان اینکه «هیچ مانعی بین ایران و روسیه برای معاملات تسلیحاتی وجود ندارد»، عنوان کرد: «تهران در حال مذاکره برای خرید جنگنده‌های روسی است... قرار است در آینده نزدیک یک توافق راهبردی جامع با آنها امضاء کنیم.»

کمال خرازی در مصاحبه با «فایننشال تایمز»: اگر اسرائیل به حزب‌الله حمله کند با تمام امکانات وارد می‌شویم



کمال خرازی

● کمال خرازی مشاور سیاست بین‌الملل علی خامنه‌ای در مصاحبه با روزنامه «فایننشال تایمز» هشدار داد که اگر اسرائیل یک حمله همه‌جانبه علیه حزب‌الله انجام دهد، خطر آغاز یک جنگ منطقه‌ای را در پی خواهد داشت که در آن جمهوری اسلامی و «محور مقاومت» با تمام امکانات از حزب‌الله حمایت خواهند کرد.

● وی با استناد به فتوای علی خامنه‌ای در مورد «حرام بودن سلاح اتمی» بار دیگر تکرار کرد: «ما طرفدار ساخت سلاح هسته‌ای نیستیم اما اگر ایران با یک تهدید وجودی مواجه شود، طبیعتاً ما [باید] دکترین خود را تغییر دهیم.»

● بر اساس آخرین گزارش سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، بعد از صدور قطعنامه تویخی علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام، در سایت‌های اتمی فردو و نطنز سانتریفیوژهای جدید نصب شده است. در همین ارتباط خرازی گفت: «تا کنون تصمیمی برای فراتر رفتن از غنی‌سازی ۶۰ درصد نداریم اما ما سعی کرده‌ایم تجربه و دانش هسته‌ای خود را با استفاده از ماشین‌ها و تنظیمات مختلف گسترش دهیم.»

کمال خرازی مشاور سیاست بین‌الملل علی خامنه‌ای هشدار داد که اگر اسرائیل یک حمله همه‌جانبه علیه حزب‌الله انجام دهد، خطر آغاز یک جنگ منطقه‌ای را در پی خواهد داشت که در آن جمهوری اسلامی و «محور مقاومت» با تمام امکانات از حزب‌الله حمایت خواهند کرد. رئیس شورای راهبردی روابط خارجی در مصاحبه با

«هفت اکتبر» حماس علیه اسرائیل عنوان کرد، «هرگونه خطای جدید صهیونیست‌ها در لبنان، شرایط جدید در سطح منطقه را به ضرر صهیونیست‌ها رقم خواهد زد که با کشتار و جنایت نیز نخواهند توانست شکست راهبردی خود را جبران کنند.»

وی تهدید کرد، «مقاومت در لبنان آمادگی کامل برای مقابله با تهدیدات رژیم صهیونیستی را داراست و قدرت بی‌بدیل مقاومت در لبنان، هرگونه سرکشی اشغالگران متجاوز برای آنها هزینه‌مند خواهد کرد.»

رهبران جمهوری اسلامی ایران و ترکیه هر دو خود را مدافعان سرسخت «آرمان‌های فلسطین» می‌دانند و به شدت علیه اسرائیل موضع می‌گیرند و روابط بسیار نزدیکی با رهبران حماس دارند اما ترکیه به دلیل سطح روابطی که با غرب دارد، با احتیاط بیشتری دشمنی خود را با اسرائیل ابراز می‌کند.

باقری کنی بعد از مرگ حسین امیرعبداللهیان در سانحه سقوط هلی‌کوپتر در ورزقان (۳۰ اردیبهشت) بطور موقت و تا تشکیل دولت چهاردهم سرپرست وزارت خارجه جمهوری اسلامی شد. حامیان حکومت از امیرعبداللهیان به عنوان «بازوی دیپلماتیک جبهه مقاومت» یاد می‌کنند و باقری کنی تلاش می‌کند دست کم در مصاحبه‌ها و اظهار نظرها در حد و اندازه‌ی امیرعبداللهیان علیه اسرائیل رجزخوانی کند.

پیش از این نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل، ۲۹ ژوئن (نهم تیرماه) طی پیامی هشدار داده بود، «اگرچه ایران تبلیغات رژیم صهیونیستی مبنی بر قصد حمله به لبنان را جنگ روانی می‌داند اما در صورت دست زدن به یک تهاجم نظامی تمام‌عیار، جنگی نابودکننده رخ خواهد داد. تمام گزینه‌ها، از جمله مشارکت کامل همه جبهه‌های مقاومت روی میز است.»

در واکنش به این تهدیدات اسرائیل کاتز، وزیر خارجه اسرائیل گفته بود «در صورت وقوع جنگ تمام‌عیار حزب‌الله نابود می‌شود.»

پیشتر سعید ایروانی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل در مصاحبه با تلویزیون «ان‌بی‌سی» که بخش‌هایی از آن سه‌شنبه ششم فوریه (۱۷ بهمن‌ماه) منتشر شد گفته بود جمهوری اسلامی با گروه‌های فلسطینی «بیمان دفاعی» دارد و با ارسال سلاح و آموزش این گروه‌ها را تقویت می‌کند اما در اقدامات آنها نقشی ندارد.

زیاد نخاله دبیرکل «جهاد اسلامی» در مصاحبه با روزنامه «الوفاق» که دهم تیرماه ۱۴۰۲ (دو ماه بعد از دیدار با خامنه‌ای در تهران) منتشر شد با اشاره به نقش جمهوری اسلامی در ارسال سلاح و مهمات برای «حماس» و «جهاد اسلامی» گفت، «پس از توافقنامه اسلو، فلسطینیان دریافتند که گفتگو با صهیونیست‌ها فایده‌ای ندارد و گروه‌های مقاومت تقویت شدند و پیشرفت کردند که مروهون آغوش باز جمهوری اسلامی است که توانمندی‌های خود را در اختیار مقاومت قرار داد. به لطف انتقال توانمندی‌ها نیروهای مقاومت توانایی ساخت موشک، سلاح‌های ضد زره‌پوش و بمب را دارند.»

جمهوری اسلامی از زمان روی کار آمدن به مانع اصلی حل دشمنی و مشکلات بین فلسطین و اسرائیل تبدیل شده و به هر شکلی که بتواند در راه صلح اعراب و اسرائیل در کل منطقه و همچنین در خود فلسطین سنگ‌اندازی می‌کند. هدف از تأمین مالی و تسلیحاتی گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامی نیز در خدمت همین هدف است که مقصود نهایی آن صدور انقلاب اسلامی و محو کشور اسرائیل است که بنیان دکترین حکومتی را تشکیل می‌دهد که خمینی در ایران روی کار آورد.

«نه» دیگر مردم به جمهوری اسلامی نظر خامنه‌ای به مسعود پزشکیان نزدیک بود!

دولت ابراهیم رئیسی که اصلا همان صبح جمعه مدعی شد که «تا این لحظه نسبت به هفته گذشته حضور مردم در پای صندوق رای بهتر بوده است». اصلاح‌طلبان تا آخرین دقایق رای گیری تلاش می‌کردند مردم را پای صندوق رای بکشاند. عباس عبدی روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب در شبکه «ایکس» نوشت: «تا ساعت ۱۳:۳۰ بیش از ۱۰/۴ میلیون رای داده شده. طبعا تا ساعت ۱۷ سرعت افزایش کاهش خواهد یافت. سپس افزایش اصلی آغاز و تا ساعت ۲۱ شتاب می‌گیرد. در ادامه، روند رای دادن بصورت متعارف تا ۲۴ کاهشی ادامه خواهد یافت. بهتره زودتر رای داد و ریسک نکرد.»

با اینهمه برخی چهره‌های اصلاح‌طلب در داخل و خارج از کشور اعلام کردند در انتخابات شرکت نمی‌کنند. شماری از زندانیان سیاسی اصلاح‌طلب یا نزدیک به این جریان نیز اعلام کردند در انتخابات شرکت نخواهند کرد.

بر اساس آنچه مهدی محمودیان روزنامه‌نگار و زندانی سابق روز جمعه در شبکه «ایکس» نوشت مصطفی تاجزاده، عبدالله مومنی، محمد نجفی، علیرضا بهشتی شیرازی، بهزاد قربانیان‌نژاد، امیرسالار داوودی، نرگس محمدی و فائزه هاشمی در انتخابات شرکت نکردند. نام مصطفی تاجزاده از رهبران اصلاح‌طلب در حالی جزو زندانیان تحریم‌کننده اعلام شده که تصاویر فخرالسادات محتشمی‌پور همسر مصطفی تاجزاده در حال انداختن رای در صندوق منتشر شده است. رضا شهابی، رسول بداقی، عزیز قاسم‌زاده و اسماعیل عبدی نیز از جمله فعالان صنفی کارگری و آموزگاران زندانی بودند که در انتخابات شرکت نکردند.

در مقابل بسیاری از افرادی که به ظاهر منتقد سیاست‌های جمهوری اسلامی هستند در انتخابات شرکت کردند. برای مثال صادق زیباکلام استاد دانشگاه که ادعا شده بود مدتی پیش برای اجرای حکم حبس راهی زندان شده و حتی در زندان به بیماری سرطان مبتلا شده و وضعیت جسمی مناسبی ندارد، در مرحله دوم انتخابات شرکت کرد. او کاملا آزاد در حسینیه ارشاد تهران حاضر شد و پس از انداختن رای به صندوق با حمید نوری از جانبان سروکوبگر دخیل در اعدام زندانیان سیاسی دهه شصت عکس یادگاری گرفت.

حامیان جمهوری اسلامی در خارج کشور هم پای صندوق رای در سفارتخانه‌های حکومت رفتند. فرخ نگهدار از رهبران سازمان چریک‌های فدایی خلق و اتحاد جمهوریخواهان و الهه هیکس فعال حقوق بشر از جمله افرادی بودند که مثل همیشه پای صندوق رای نظام حاضر شدند.

ایرانیان ساکن کشورهای مختلف هم مانند هفته گذشته با تجمع در مقابل سفارتخانه‌ها و همچنین حوزه‌های رای گیری علیه افرادی که در کشورهای آزاد ساکن هستند اما با شرکت در انتخابات به حکومت ضدآزادی مشروعیت می‌دهند انتقاد کردند و علیه آنها شعار دادند. در انتخاباتی که به نظر می‌رسد پایان سناریوی آن برای بسیاری از «خودی‌ها» آشکار بود، اصلاح‌طلبان خود را پیشاپیش برای جشن پیروزی مسعود پزشکیان آماده کرده بودند.

روزنامه اصلاح‌طلب «سازندگی» ساعاتی مانده به پایان رای گیری، نسخه شماره روز شنبه ۱۶ تیرماه خود را با عکس مشترکی از مسعود پزشکیان و محمدجواد ظریف و با تیتراژ «بیم و امید» منتشر کرد که نشان از ارزیابی پیروزی مسعود پزشکیان دارد. شعار دولت حسن روحانی «تدبیر و امید» بود!



تغییری در سفره و معیشت خود احساس خواهند کرد.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز در حالیکه در نخستین ساعات رای‌گیری برای انداختن رای پای صندوق حاضر شد، اما در سخنانی از مشارکت بالاتر مردم در این دور خبر داد و گفت: «شنیدم که شوق و علاقه مردم بیشتر از قبل است، خداکند اینجور باشد. اگر اینجور باشد خرسندکننده است.» مولوی عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت زاهدان، روز گذشته در پاسخ خامنه‌ای گفت دور نخست انتخابات ریاست‌جمهوری در روز هشتم تیرماه، پیام بزرگی برای مسئولان کشور داشت و شرکت نکردن ۶۰ درصد مردم را نشانه «نارضایتی» آنها دانست.

مولوی عبدالحمید گفته بود: «این هفته خدا می‌داند انتخابات چگونه خواهد شد، اما انتخابات هفته گذشته نشان داد که بر اساس گزارش وزارت کشور تنها ۴۰ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت کرده‌اند و ناظران دیگر میزان مشارکت‌کنندگان را کمتر اعلام کرده‌اند.»

رسانه‌های حکومتی نیز همزمان با برگزاری انتخابات مشارکت ۵۰ درصدی را تبلیغ می‌کردند. خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آخرین دقایق مانده به پایان مدت رای‌گیری در خبری ادعا کرد که مشارکت مردم در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری در کشور از ۳۰ میلیون نفر عبور کرده است. روزنامه «جام‌جم» وابسته به صداوسیما جمهوری اسلامی نیز حدود دو ساعت مانده به پایان زمان رای‌گیری نوشته بود که تاکنون حدود ۲۹ میلیون نفر در دور دوم انتخابات شرکت کردند و درصد مشارکت در دور دوم انتخابات از مرز ۴۷ درصد عبور کرد.

همچنین علیرضا محمودی مسئول ستاد انتخابات خارج از کشور مستقر در وزارت امور خارجه هم مدعی شد که «در دور دوم حدود ۲۰ درصد افزایش حضور» اتفاق افتاده است! حسن اسلامی سخنگوی ستاد انتخابات کشور هم پس از شش ساعت از آغاز رای‌گیری از افزایش مشارکت انتخاباتی نسبت به دور نخست خبر داد. محمد مخبر دزفولی کفیل

● مشارکت نهایی در انتخابات ۴۹/۸ درصد اعلام شد. جمهوری اسلامی مسعود پزشکیان را با ۱۶ میلیون و ۳۸۴ هزار و ۴۰۳ رأی پیروز انتخابات معرفی کرد و آرای سعید جلیلی نیز ۱۳/۵ میلیون رأی حساب شد.

● جمهوری اسلامی در حالی که تمام ظرفیت‌های تبلیغاتی خود برای دوقطبی کردن فضای انتخابات به کار گرفته بود اما در نهایت نتوانست بر عموم مردم اثرگذار و آنها را پای صندوق رای بکشاند.

● هدف‌گذاری اصلی در دور دوم اعلام مشارکت بالای ۵۰ درصد یا به بیان دیگر شرکت بیش از ۳۱ میلیون نفر از شهردان در انتخابات بود که آنهم با آمارسازی امکانپذیر نشد.

دور دوم چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در حالی روز جمعه پانزدهم تیرماه برگزار شد که با وجود یک هفته تلاش بی‌وقفه و همه‌جانبه‌ی جناحین نظام و همه‌مزدوران‌شان، بار دیگر مردم ایران به جمهوری اسلامی «نه» گفتند. ساعاتی پس از پایان مهلت رای‌گیری ستاد انتخابات کشور مسعود پزشکیان را به عنوان پیروز «سیرک انتخابات» معرفی کرد. دومین دور انتخابات چهاردهم ریاست‌جمهوری روز جمعه ۱۵ تیرماه میان مسعود پزشکیان نامزد مورد نظر اصلاح‌طلبان و سعید جلیلی فعال اصولگرا برگزار شد.

بر اساس اعلام وزارت کشور از نتایج نهایی انتخابات، ۳۰ میلیون و ۵۳۰ هزار نفر معادل ۴۹/۸ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت کردند. جمهوری اسلامی مسعود پزشکیان را با ۱۶ میلیون و ۳۸۴ هزار و ۴۰۳ رأی پیروز انتخابات معرفی کرد و آرای سعید جلیلی نیز ۱۳/۵ میلیون رأی حساب شد.

جمهوری اسلامی همچنین مدعی شده که تعداد آرای باطله ۶۰۷ هزار و ۵۷۵ رأی معادل ۲ درصد بوده است. جمهوری اسلامی در حالیکه تمام ظرفیت‌های تبلیغاتی خود برای دوقطبی کردن فضای انتخابات را به کار گرفته بود اما در نهایت نتوانست بر عموم مردم اثرگذار و آنها را پای صندوق رای بکشاند.

گزارش‌های شهروند خبرنگاران از شهرهای مختلف که اطلاعات دقیق، مستند و دستکاری نشده از وضعیت شعب اخذ رای را به نمایش می‌گذاشت نشان می‌داد در دومین دور انتخابات نیز مردم حاضر به شرکت در «سیرک انتخابات» نشدند. در مقابل اما جمهوری اسلامی موتور تبلیغاتی خود را در ساعات اخذ رای که به مدت ۱۶ ساعت کش پیدا کرد به کار بسته بود تا مردم را با «خبرسازی» پای صندوق رای بکشاند. از جمله این اقدامات تلاش حامیان مسعود پزشکیان بود که در ادامه پروژه تبلیغاتی «جلیلی‌هراسی» در ساعات مختلف رای‌گیری در شبکه‌های اجتماعی اعلام می‌کردند جلیلی احتمالا پیشتاز است و اگر مردم دیر بجنبند، چهار سال سیاه را با ریاست‌جمهوری جلیلی تجربه خواهند کرد. اظهارات برخی مقامات جمهوری اسلامی نشان می‌داد مشارکت زیر ۵۰ درصد در دور نخست انتخابات برای حکومت قابل قبول نبوده و هدف‌گذاری اصلی در دور دوم اعلام مشارکت بالای ۵۰ درصد یا به بیان دیگر شرکت بیش از ۳۱ میلیون نفر از شهردان در انتخابات بوده است.

رضا صالحی امیری نماینده مسعود پزشکیان گفته «اگر میزان مشارکت به بالای ۵۰ درصد برسد، نظام برنده است و قدرت ملی ایران افزایش می‌یابد، مهمتر اینکه مردم برنده هستند و

جمهوری اسلامی سربازان و پرسنل ارتش را برای بالا بردن آمار مشارکت در «سیرک انتخابات» به خط کرده است



حضور اجباری افسران نیروی زمینی در پادگان‌ها در روز رأی‌گیری



صف سربازان وظیفه برای حضور اجباری در انتخابات / تیرماه ۱۴۰۳

سنگینی کرده است. همین مسئله سبب شد تا سازمان عقیدتی سیاسی برای تقویت کارزار تبلیغاتی سعید جلیلی به سراغ خانواده سید محمدعلی آل‌هاشم امام جمعه سابق تبریز برود. او همراه ابراهیم رئیسی در سقوط هلی‌کوپتر در کوه‌های ورزقان (۳۰ اردیبهشت) کشته شد. آل‌هاشم سال‌ها رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش بود. وی علاوه بر نفوذ زیادی که در بین نظامیان داشت در بین عوامل حکومتی و حتی طرفداران نظام تبریز نیز نفوذ قابل توجهی داشت. منابع غیررسمی می‌گویند تعدادی از نوه‌های آل‌هاشم ستاد انتخاباتی پزشکیان را تقویت می‌کردند و شمار دیگری از اطرافیان وی از جلیلی حمایت می‌کنند.

عباس محمدحسینی رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی، روز ۱۱ تیرماه با بیان اینکه «رای ندادن کمکی به حل مشکلات موجود نمی‌کند»، گفته بود، «اگر ایران، اسلام، شهدا، خامنه‌ای و سرنوشت خود را دوست داریم، باید برای دستیابی به آنها در انتخابات مشارکت قوی داشته باشیم و همه باید رأی بدهیم.»

یک منبع آگاه دیگر نیز به کیهان لندن می‌گوید: «پایین بودن مشارکت در دور اول انتخابات و ترس از ریزش آراء باعث شد فشار به پرسنل برای حضور بیشتر شود. روحانیون عقیدتی سیاسی حتا شب در پادگان‌ها می‌مانند، به سربازانی که نگاهبان بودند سر می‌زدند و با آنها خوش و بش می‌کردند.» شواهد برای بالا بردن شمار مشارکت و تقلب در آرا کم نیست ولی برای انجام این کار به حدی از حضور مردم نیاز است که رژیم نتوانسته آنها را جلب حوزه‌ها کند. یکی از پرسنل هوانیروز در جنوب غرب کشور که مأموریت انتقال صندوق‌های سیار به مناطق صعب‌العبور با هلی‌کوپتر را بر عهده داشته می‌گوید، «در دور دوم تعرفه‌های بیشتری نسبت به دور اول به نمایندگان استاندارد تحویل دادند، در صورتی که در همان دور اول هم اغلب تعرفه‌ها زیاد آمده بود!»

به دستور سلسه مراتب در چهار نیرو موظف بودند با «حفظ ظاهر» تا جایی که «اجباری بودن شرکت در انتخابات تابلو نشود» پرسنل و خانواده آنها را پای صندوق بکشاند.

در برخی مجتمع‌های سازمانی ارتش، از جمله «کوی کاشان» (جنوب میدان قزوین در تهران) شایعه شده بود که اگر پرسنل و خانواده‌های آنها در انتخابات شرکت نکنند در روند اعزام افسران به مناطق دو یا سه (پادگان‌های دور از مرکز در شهرهای دورافتاده) تأثیر مستقیم خواهد داشت.

همین منبع می‌گوید، درست شب انتخابات برای تشویق پرسنل به حضور پای صندوق‌های رای به «حکمت کارت» آنها به ازای هر نفر در خانواده ۴۰۰ هزار تومان واریز شد. نمایندگان سازمان عقیدتی سیاسی ارتش برای سرکشی از وضعیت رأی‌گیری به پادگان‌هایی که مسجد یا تالار آنها محل اخذ رأی هستند می‌روند. در سربازخانه‌ها چند نفر مأمور شده‌اند که از صف سربازان و پرسنل عکس و فیلم تهیه کنند و در شبکه‌های اجتماعی که سازمان عقیدتی سیاسی ارتش بطور غیرمستقیم آنها را اداره می‌کند به نمایش بگذارند.

چند حوزه اخذ رأی در مناطق مسکونی نظامی از جمله در تهران، شیراز و اصفهان و همچنین چابهار به عنوان حوزه‌هایی انتخاب شده‌اند که صدواسیمای رژیم به آنجا خبرنگار اعزام می‌کند. سربازان در نقش سپاهی لشکر در صف معطل نگه داشته می‌شوند تا خبرنگار تلویزیون در مراکز استانی با دوربین و فیلمبرداری به این حوزه‌ها برسند و از صف به زور ساخته شده فیلم تهیه کنند.

به گفته منابع مطلع، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش پیدا و پنهان تلاش کرد پرسنل را ترغیب کند تا به سعید جلیلی رأی دهند. روحانیون و مبلغانی که به پادگان‌ها اعزام شدند مشخصاتی را برای پرسنل شرح دادند که در آن جلیلی به عنوان «فرد اصلاح» برجسته شده است. با اینهمه در استان‌های غربی کشور به ویژه آذربایجان و کردستان طبق آنچه اعلام شده آرای پادگانی در دور اول به نفع پزشکیان

● یک منبع آگاه به کیهان لندن می‌گوید فرماندهان پادگان‌ها به دستور سلسه مراتب در چهار نیرو موظف بودند با «حفظ ظاهر» تا جایی که «اجباری بودن شرکت در انتخابات تابلو نشود» پرسنل و خانواده آنها را پای صندوق بکشاند.

● درست شب انتخابات برای تشویق پرسنل به حضور پای صندوق‌های رای به «حکمت کارت» آنها به ازای هر نفر در خانواده ۴۰۰ هزار تومان واریز شد.

● یک منبع آگاه دیگر نیز به کیهان لندن می‌گوید: «پایین بودن مشارکت در دور اول انتخابات و ترس از ریزش آراء باعث شد فشار به پرسنل برای حضور بیشتر شود. روحانیون عقیدتی سیاسی حتا شب در پادگان‌ها می‌مانند، به سربازانی که نگاهبان بودند سر می‌زدند و با آنها خوش و بش می‌کردند.»

مرحله دوم رأی‌گیری انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری اسلامی در ایران که اکثریت مردم از آن به عنوان «سیرک انتخابات» یاد می‌کنند روز جمعه ۱۵ تیرماه برگزار شد.

حکومت برای کشاندن مردم پای صندوق‌ها رأی تمام توان خود را به کار گرفت به این امید که آبروریزی دور اول جبران شود. بر همین اساس بیشترین فشار برای حضور افراد در انتخابات روی یگان‌های ارتش بود جایی که سربازان وظیفه، درجه‌داران و افسران با اجبار برای رأی دادن به خط می‌شوند. طی هفته‌های اخیر بدون استثناء در تمام پادگان‌های ارتش شامل نیروی زمینی، هوایی، دریایی و پدافند و همچنین پادگان‌های ستادی جلسات «بصیرت‌افزایی» برگزار شد تا پرسنل وظیفه و رسمی برای مشارکت در نمایش انتخابات توجیه شوند.

بر اساس گزارش‌های دریاقتی مرخصی سربازان در روز ۱۵ تیرماه لغو شد چنانکه هشتم تیرماه (مرحله اول انتخابات) نیز همین رویه تکرار شده بود.

یک منبع آگاه به کیهان لندن می‌گوید فرماندهان پادگان‌ها

جلیلی هراسی: نقشه‌ی لورفته رژیم در سیرک انتخابات



سعید جلیلی و محمدجواد ظریف در جلسه مجمع
تشخیص مصلحت نظام / بهمن ۹۷

● مشروعیت‌زدایی از رژیم با تحریم سیرک انتخابات
تأثیر بسزایی در روحیه و امید و باور مردم به سرنگونی
رژیم اسلامی دارد و همین امر نیز وابستگان دور و نزدیک
حکومت را به این تکاپو انداخته که گویا بیرون آمدن سعید
جلیلی از صندوق نظام، فاجعه‌ای بی‌همتا را رقم خواهد
زد! انگار پیش از او چه خردمندانی بر کرسی ریاست
جمهوری اسلامی تکیه زده بودند که حال باید نگران رسیدن
این کرسی به جلیلی بود!

● جلیلی هیچ موجود عجیب‌تری نسبت به پزشک‌های
نیست. جلیلی همان رئیس است؛ چنانکه رئیس همان
احمدی نژاد. در مورد نه سیاست خارجی و نه سیاست
داخلی هیچ رئیس جمهوری اسلامی اختیاری ندارد که کسی
نگران تأثیرات مثبت یا منفی او باشد و از قضا عریان بودن
شَر و وجود کسانی در رأس دولت که با حماقت مکنونات
واقعی رژیم را در مقابل جامعه جهانی بیان می‌کنند بسیار
بیشتر به نفع مردم ایران است تا آنکه ماله‌کش خوبی برای
جنايات رژیم باشد و با باندهای رسانه‌ای و تبلیغاتی که با
پول نفت ملت ایران و با اسامی مختلف در اروپا و آمریکا
طی سالها ساخته شده‌اند جلوی رسیدن صدای مردم ایران
به جهان را بگیرد یا آن را دشوار کند.

● استمرارطلبان ورشکسته در فضای سیاسی ایران چنان
مردم را از عدم توانایی جلیلی برای گفتگو با جهان ←

شرکت حقوقی کرول اند مورینگ (Crowell & Moring)
وکالت قربانیان را بر عهده دارد.
جانانان گرینبلات مدیر اجرایی «اتحادیه ضد افترا»
در بیانیه‌ای اعلام کرد، «جمهوری اسلامی حامی اصلی
یهودستیزی و تروریسم در جهان است. این کشور همراه
با سوریه و کره شمالی، باید مسئولیت خود را در بزرگترین
حمله یهودستیزانه پس از هولوکاست بپذیرند.»
طبق گزارش سی‌ان‌ان، موارد اتهامی عبارت از «پشتیبانی از
قتل، گروگانگیری و ارباب» است.
ایالات متحده پیش از این رژیم ایران، سوریه و کره شمالی
و همچنین حماس را در فهرست حامیان تروریسم قرار داده
است. از آنجا که چنین حکومت‌هایی به ندرت از احکام
دادگاه علیه خود در ایالات متحده تبعیت می‌کنند، در
صورت موفقیت شاکیان، آنها می‌توانند از «صندوق قربانیان
تروریسم» تحت حمایت آمریکا استفاده کنند.
این صندوق را کنگره ایالات متحده در سال ۲۰۱۵ برای

قربانیان عملیات تروریستی «هفت اکتبر» از جمهوری اسلامی، سوریه و کره شمالی چهار میلیارد دلار غرامت خواستند



پرداخت غرامت به افرادی که علیه دولت‌های حامی
تروریسم شکایت کرده و دادگاه به نفع آنان رأی داده، ایجاد
کرد. بخشی از منابع این صندوق از محل دارایی‌های بلوکه
شده کشورهای متخاصم تأمین می‌شود.
جمهوری اسلامی دخالت در حمله تروریستی و مرگبار
حماس به اسرائیل را رد می‌کند اما مقامات ارشد سیاسی و
نظامی از جمله علی خامنه‌ای بارها این عملیات را تحسین
کرده‌اند. طی سال‌های اخیر درگیری‌ها میان جمهوری
اسلامی و اسرائیل موسوم به «جنگ سایه» شدت بیشتری
گرفته اما بعد از عملیات «هفت اکتبر» رویارویی آنها وارد
مرحله‌ای تازه شده است.
سوریه و کره شمالی نیز حمایت از حماس را انکار می‌کنند اما
برخی منابع می‌گویند تروریست‌های حماس در جریان حمله از
سلاح‌هایی استفاده کردند که ساخت کره شمالی بوده است.
در این میان، خبرگزاری رویترز گزارش داد موجودی
«صندوق قربانیان تروریسم» رو به اتمام است. در همین
ارتباط چند عضو کنگره در ماه مه قانونی را ارائه کردند
که بر اساس آن بودجه این صندوق افزایش یابد و پرداخت
سالانه به قربانیان را تضمین کند. شکایت روز دوشنبه
خواستار پرداخت دست‌کم یک میلیارد دلار خسارت جبرانی
و سه میلیارد دلار خسارت کیفری به قربانیان و خانواده
قربانیان هفتم اکتبر است.

● قربانیان عملیات تروریستی حماس علیه اسرائیل در
«هفت اکتبر» از رژیم‌های ایران، سوریه و کره شمالی
شکایت کرده‌اند. آنها در دادخواست خود اعلام می‌کنند که
این حکومت‌ها پول، سلاح و اطلاعات لازم برای انجام این
حمله را در اختیار نیروهای شبه‌نظامی قرار دادند.
● طبق گزارش سی‌ان‌ان، موارد اتهامی عبارت از
«پشتیبانی از قتل، گروگانگیری و ارباب» است.
● ایالات متحده پیش از این رژیم ایران، سوریه و کره
شمالی و همچنین حماس را در فهرست حامیان تروریسم
قرار داده است. از آنجا که چنین حکومت‌هایی به ندرت از
احکام دادگاه علیه خود در ایالات متحده تبعیت می‌کنند،
در صورت موفقیت شاکیان، آنها می‌توانند از «صندوق
قربانیان تروریسم» تحت حمایت آمریکا استفاده کنند.
قربانیان عملیات تروریستی حماس علیه اسرائیل در
«هفت اکتبر» از رژیم‌های ایران، سوریه و کره شمالی
شکایت کرده‌اند. آنها در دادخواست خود اعلام می‌کنند که
این حکومت‌ها پول، سلاح و اطلاعات لازم برای انجام این
حمله را در اختیار نیروهای شبه‌نظامی قرار دادند.
این شکایت که از حمایت سازمان یهودی «اتحادیه ضد
افترا» برخوردار است دوشنبه اول ژوئیه (۱۱ تیرماه) به
دادگاه فدرال نیویورک ارائه شده است. شاکیان خواستار
دریافت دست‌کم چهار میلیارد دلار غرامت هستند.

آغاز روند اخراج «پنج مقام جمهوری اسلامی» از کانادا



جاستین ترودو

کانادا ۳۰ خردادماه ۱۴۰۳ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داد.

پیش از این سلمان سامانی قائم‌مقام سابق وزیر کشور جمهوری اسلامی و مجید ابراهیمش مشاور فناوری معاون رئیس جمهوری از این کشور اخراج شده بودند. آذرماه سال ۱۴۰۲ نیز روح‌الله فیروزنام شهروند ایرانی ساکن تورنتو به اتهام «مشارکت در جنایت علیه بشریت» از طریق تأمین دوربین‌های نظارتی برای نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی در آستانه اخراج از کانادا قرار گرفت.

مارک میلر وزیر مهاجرت کانادا در اسفندماه ۱۴۰۲ اعلام کرده بود که درخواست اقامت دائم اسحاق قالیباف فرزند محمدباقر قالیباف رئیس مجلس جمهوری اسلامی نیز رد شده است. پرونده پنج مقام ارشد اخیر جمهوری اسلامی در چارچوب تحریم‌های تصویب شده در سال ۲۰۲۲ از کانادا بررسی خواهد شد.

پس از خیزش ملی در سال ۱۴۰۱ و سرکوب اعتراضات در ایران دولت کانادا، جمهوری اسلامی را به عنوان رژیم ذریه «تروریسم و نقض سیستماتیک و فاحش حقوق بشر» معرفی کرد. با فشار جامعه ایرانی مقیم کانادا و با فشارهای سیاسی حزب محافظه‌کار (حزب رقیب دولت لیبرال جاستین ترودو) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چندی پیش سرانجام در فهرست سازمان‌های تروریستی کانادا قرار گرفت.

را فقط حضوری نمایشی می‌خواست از میان اصلاح‌طلبان یک قوم‌گرا را که فارغ از تحریم انتخابات پایگاه رای قومی مشخصی داشته باشد، تأیید صلاحیت نمی‌کرد و حتی اجازه ورود او را به دور دوم انتخابات خود نمی‌داد. این کار را کرد تا با مشروعیت و مشارکتی بیشتر، پزشک‌ها را و در عمل همه باند‌های ماله‌کش ظریف را در موقعیت مقابله با تهدیداتی قرار دهد که با تغییر نظم سیاسی در غرب به آن دچار خواهد شد.

*سیاوش پندار استاد علوم سیاسی

● **وبسایت «گلوبال‌نیوز» چهارشنبه سوم ژوئن گزارش داد اداره مهاجرت کانادا، نام پنج نفر از وابستگان حکومت ایران را در فهرست افرادی که باید اخراج شوند، قرار داده و به زودی این حکم اجرا خواهد شد.**

● **هنوز نام یا منصب این افراد مشخص نیست اما اعلام شد جلسات رسیدگی به پرونده این پنج نفر نیز قرار است به صورت غیرعلنی برگزار شود. آژانس خدمات مرزی کانادا می‌گوید این افراد «پست‌های بلندپایه» در حکومت جمهوری اسلامی داشته‌اند.**

دولت کانادا اعلام کرد، روند اخراج چند مقام دیگر جمهوری اسلامی از این کشور را آغاز کرده است. گفته می‌شود در فهرست اولیه نام پنج نفر قرار گرفته است.

وبسایت «گلوبال‌نیوز» چهارشنبه سوم ژوئن (۱۳ تیرماه) گزارش داد اداره مهاجرت کانادا نام پنج نفر از وابستگان حکومت ایران را در فهرست افرادی که باید اخراج شوند، قرار داده و به زودی این حکم اجرا خواهد شد.

هنوز نام یا منصب این افراد مشخص نیست اما اعلام شد جلسات رسیدگی به پرونده این پنج نفر نیز قرار است به صورت غیرعلنی برگزار شود. آژانس خدمات مرزی کانادا می‌گوید این افراد «پست‌های بلندپایه» در حکومت جمهوری اسلامی داشته‌اند.

روند اخراج این افراد در حالی رسانه‌ای شده که دولت

انگار رییس دولت تدارکاتچی و بی‌اختیار رکن رییس سیاست‌گذاری در کشور است.

آنکسی که باید بیش از همه از روی کار آمدن بی‌عرضه‌ای چون جلیلی بترسد و طرفدار روی کار آمدن پزشک‌ها و ظریف باشد، علی‌خامنه‌ای است و نه ملت ایران. چرا که او به ماله‌کشی کاربرد برای جنایات و فساد رژیم‌اش نیاز دارد و آنهم با جدی شدن روی کار آمدن ترامپ و احزاب راستگرا در اروپا که وحشت به تن رژیم انداخته است. رژیم اگر قصد روی کار آوردن پزشک‌ها را نداشت و حضور او

می‌ترساند که گویی گفتگوهای ظریف در راستای رهایی ملت ایران بوده و موفق هم شده است! کسی که تا دیروز نقش خود در سیاست خارجی را صفر ارزیابی می‌کرد و سخن از مدیریت «میدان» بر «دیپلماسی» می‌گفت امروز به گونه‌ای حرارت انتخاباتی به خرج می‌دهد که انگار رییس دولت تدارکاتچی و بی‌اختیار رکن رییس سیاست‌گذاری در کشور است.

سیاوش پندار - با افتتاح «سیزده ضربدر سه» رژیم در انتخابات ۸ تیرماه که شاهد تحریم گسترده‌ی سیرک انتخابات از سوی مردم آگاه ایران بودیم، اندک آبروی رژیم نزد آن معدود حامیان و نیروهایش نیز رفت و در دست و پا زدن خنده‌دار در حال هراس‌افکنی از جلیلی است تا با طالبانی و تندرو خواندن او و ایجاد جوّ وحشت در مردم آنان را به پای صندوق‌های رای بکشاند. نه آنکه جلیلی طالبانی نمی‌اندیشد بلکه آنچه همه می‌دانند آن است که نه رئیس قوه مجریه، بلکه که خود نظام وحشتناک است و با افکار طالبانی بیش از چهار دهه بر کشور حکومت می‌کند و تغییر یک چرخ‌دنده که کل تأسیسات نظام بر آن بنا شده تأثیر منفی یا مثبتی نخواهد داشت.

سعید جلیلی و محمود جواد ظریف در جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام / بهمن ۹۷

این در حالیست که مشروعیت‌زدایی از رژیم با تحریم سیرک انتخابات تأثیر بسزایی در روحیه و امید و باور مردم به سرنگونی رژیم اسلامی دارد و همین امر نیز وابستگان دور و نزدیک حکومت را به این تکاپو انداخته که گویا بیرون آمدن سعید جلیلی از صندوق نظام، فاجعه‌ای بی‌همتا را رقم خواهد زد! انگار پیش از او چه خردمندانی بر کرسی ریاست جمهوری اسلامی تکیه زده بودند که حال باید نگران رسیدن این کرسی به جلیلی بود!

در این میان، تبلیغاتچی‌های اصلاح‌طلب مسعود پزشک‌ها گمان می‌کنند مردم گشت‌های ارشاد و سرکوب و کشتارهای دی ۹۶ و آبان ۹۸ و ساقط کردن هواپیمای اوکراینی و فلاکت‌های اقتصادی و اجتماعی را در دولت کسانی که امروز پزشک‌ها را جلو انداخته‌اند فراموش کرده‌اند. آن اصلاح‌طلبانی که به خیال خود سخنان مثلاً تند می‌گفتند و ژست مخالفت با رهبری رژیم را می‌گرفتند ولی در عمل از هم برای اجرای دستورات او با هم رقابت می‌کردند حالا جای خود را به پزشک‌هایی داده‌اند که حتی در ظاهر نیز وعده‌ای جز اجرای فرامین خامنه‌ای ندارند.

جلیلی هیچ موجود عجیب‌تری نسبت به پزشک‌ها نیست. جلیلی همان رئیسی است؛ چنانکه رئیسی همان احمدی نژاد. در مورد نه سیاست خارجی و نه سیاست داخلی هیچ رئیس جمهوری اسلامی اختیاری ندارد که کسی نگران تأثیرات مثبت یا منفی او باشد و از قضا عریان بودن شرّ و وجود کسانی در رأس دولت که با حماقت مکتونات واقعی رژیم را در مقابل جامعه جهانی بیان می‌کنند بسیار بیشتر به نفع مردم ایران است تا آنکه ماله‌کش خوبی برای جنایات رژیم باشد و با باند‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی که با پول نفت ملت ایران و با اسامی مختلف در اروپا و آمریکا طی سال‌ها ساخته شده‌اند جلوی رسیدن صدای مردم ایران به جهان را بگیرد یا آن را دشوار کند.

استمرار طلبان ورشکسته در فضای سیاسی ایران چنان مردم را از عدم توانایی جلیلی برای گفتگو با جهان می‌ترساند که گویی گفتگوهای ظریف در راستای رهایی ملت ایران بوده و موفق هم شده است! کسی که تا دیروز نقش خود در سیاست خارجی را صفر ارزیابی می‌کرد و سخن از مدیریت «میدان» بر «دیپلماسی» می‌گفت امروز به گونه‌ای حرارت انتخاباتی به خرج می‌دهد که

انجمن تجارت الکترونیک ایران

جایگاه ایران در دسترسی آزاد به اینترنت «انتهای جدول» است!

لینک‌های ارتباطی در برخی از اپراتورها قطع و در نتیجه آن ارتباط کاربران با اینترنت دچار اختلال شده است.

انجمن تجارت الکترونیک ایران همچنین کندی سرعت اینترنت را یکی از نگرانی‌های مردم ایران معرفی کرده و نوشته «کندی و محدودیت دسترسی آزاد به اینترنت در ایران از معدود گزاره‌های نگران‌کننده‌ای است که مردم و مسوولان در اصل وجود آن اتفاق نظر دارند. طبق بررسی‌های گزارش «اینترنت در ایران» و به نقل از نظرسنجی انجام شده‌ی ایسپا در اسفند ۱۴۰۲، بیش از ۴۶ درصد از مردم ایران کندی اینترنت را یکی از نگرانی‌های خود در حوزه‌ی اینترنت می‌دانستند.»

انجمن تجارت الکترونیک ایران پیشتر در تیرماه و دی‌ماه ۱۴۰۲ دو گزارش دیگر درباره وضعیت اینترنت در ایران منتشر کرده بود. در نخستین گزارش این انجمن آمده بود ۳۳ درصد از ۱۰۰ وبسایت برتر جهان در ایران فیلتر هستی و از بین ۱۰۰ وبسایت برتر دولتی، ۵۷ وبسایت از خارج کشور در دسترس نیستند.

این گزارش با اشاره به زیان گسترده فیلترینگ به جیب مردم نوشته که «مردم ایران بطور ماهیانه در حال پرداخت هزاران میلیارد تومان پول برای اختلالی هستند که به آنها در شبکه اینترنت تحمیل شده و موجب شده بسته‌های اینترنتی مشترکین خیلی زودتر از موعد خود تمام شوند.»

انجمن تجارت الکترونیک ایران تأکید کرده بود دو شرکت «ایرانسل» و «همراه اول» هر دو با نصب تجهیزات فیلترینگ در داخل شبکه خود باعث شدت یافتن اختلالات اینترنتی شده‌اند.

در گزارش دوم انجمن تجارت الکترونیک ایران که دی‌ماه گذشته منتشر شد نیز جزئیات دیگری مطرح شده و آمده بود ایران با میانگین حدود ۴۸ درصد وبسایت دارای اختلال، پس از چین با میانگین حدودی ۴۷ درصد به عنوان اولین کشور با بیشترین اختلال اینترنت در ۹ ماه اخیر است.

یکی از نکات مهم این گزارش درباره سازمانیافته بودن اختلالات اینترنت در ایران بود و تأکید شده بود که وضعیت فعلی اینترنت در ایران اگر چه به وضعیت کشورهای توسعه نیافته و فقیر مشابهت دارد، اما این شرایط یک امر جبری نیست و بخشی از آن ناشی از تلاش خودخواسته حکومت برای محدودیت فعالیت کاربران و ایجاد اختلال در اینترنت است.

در بخش دیگری از این گزارش آمده بود که ایران در سال ۲۰۲۳ بیشترین قطع کنترل شده اینترنت در جهان را طی سال گذشته به نام خود ثبت کرده است. این قطع‌های کنترل شده و محدودیت شبکه‌های اجتماعی، از میانه سال گذشته افزایش چشمگیری یافت که هنوز هم ادامه دارد و تنها منجر به فروش حداکثری فیلترشکن و اضافه شدن این ابزار به سفره خانوار شده است.

گزارش انجمن تجارت الکترونیک تهران از قیمت بالای پهنای باند انحصاری شرکت ارتباطات زیرساخت نیز انتقاد کرده بود. در این گزارش آمده بود که انحصار تأمین و فروش پهنای باند در ایران در اختیار این شرکت است و اگرچه اینترنتی ارزان‌تر از برخی کشورهای همسایه (مثل امارات) می‌فروشد، اما آن را چندین برابر قیمت کشورهای توسعه‌یافته به دست شرکت‌ها می‌رساند.



فیلترینگ Resolve می‌شود. بسیاری از وبسایت‌ها که از از طریق فیلتر شدن آی‌پی، زیردامنه‌ها، CDNها و ... مسدود شده‌اند را نیز باید به این فهرست اضافه کرد.

شبکه‌های اجتماعی توئیتر، اینستاگرام، تلگرام، واتساپ، فیس‌بوک، یوتیوب، توئیچ و پینتست در ایران فیلتر است و از این نظر ایران همراه چین و ترکمنستان در صدر کشورهای با محدودیت حداکثری در شبکه‌های اجتماعی قرار دارد.

بخش دیگری از این گزارش تأکید کرده که کاربران ایرانی برای استفاده از اینترنت، بیش از همیشه از فیلترشکن استفاده می‌کنند؛ این ادعا بر اساس آخرین گزارش ایسپاست که نشان می‌دهد ۸۳.۶ درصد از کاربران اینترنتی از فیلترشکن استفاده می‌کنند. در گزارش مشابهی «دیتاک» نشان می‌دهد که پس از کاهش مقطعی استفاده از اینستاگرام در شهریور ۱۴۰۱، تا اسفند ۱۴۰۲، بیش از ۹۰ درصد کاربران به این شبکه‌ی اجتماعی بازگشتند.

انجمن تجارت الکترونیک تأکید کرده که در چنین شرایطی بطور خلاصه می‌توان دو بُعد از آسیب کلی به اینترنت کشور را پررنگ کرد. نخست، تحریم‌های فناوری گسترده، پرهزینه و به شدت علیه مردم ایران است و در عمل استفاده از سامانه‌های «تحریم‌شکن» راهکارهای موثری نیستند.

دومین بُعد نیز اینست که مسدود کردن فیلترشکن‌ها نه تنها از نظر فنی ممکن نیست و موجب تغییر رفتار مردم نمی‌شود، بلکه باعث ایجاد کندی گسترده و تحمیل هزینه‌های سنگین و جبران‌ناپذیر به کشور می‌شود. راهکار آن اصلاح سیاست‌ها، کاهش تقاضا و نزدیک‌تر کردن آمار مصرف فیلترشکن به میانگین جهانی است.

همچنین بر اساس این گزارش مهم‌ترین اختلالات مقطعی در ۶ ماه گذشته مربوط به حمله‌های گسترده‌ی DDoS به شبکه‌ی اپراتورها و دیتاسنترهای کشور و در نتیجه آن قطع لینک‌ها، اشباع ارتباطات و Iran-Access شدن است. در نتیجه دسترسی به برخی از وبسایت‌های داخلی از برای کاربران خارج از کشور با قطعی مواجه شده است. این گزارش افزوده که در مقاطع کوتاه بین ۵ تا ۱۰ دقیقه‌ای،

● ایران در میان ۱۰۰ کشور مورد بررسی در این گزارش در شاخص دسترسی آزاد به اینترنت در انتهای جدول قرار گرفته و تنها وضعیتی بهتر از کشورهای ترکمنستان، کنگو، سودان و کوبا دارد.

● انجمن تجارت الکترونیک ایران نوشته مسدود کردن فیلترشکن‌ها نه تنها از نظر فنی ممکن نیست و موجب تغییر رفتار مردم نمی‌شود، بلکه باعث ایجاد کندی گسترده و تحمیل هزینه‌های سنگین و جبران‌ناپذیر به کشور می‌شود. ● این گزارش تأکید کرده وضعیت کیفیت اینترنت آزاد در ایران نسبت به گزارش قبلی در زمستان ۱۴۰۲، تفاوت چشمگیری نداشته است و همچنان باید اینترنت کشور را با سه گزاره‌ی پر اختلال، محدود و کند توصیف کرد.

انجمن تجارت الکترونیک تهران در گزارش جدیدی اعلام کرده سیستم فیلترینگ به بزرگترین عامل ایجاد کندی مستمر و مانع بزرگی برای افزایش سرعت اینترنت بدل شده است. انجمن تجارت الکترونیک تهران سومین گزارش درباره وضعیت اینترنت ایران را منتشر کرده است. در این گزارش در سه شاخص اختلال، محدودیت و سرعت دسترسی آزاد به اینترنت، آخرین اطلاعات پایگاه‌های داده OONI و گوگل CrUX را بررسی و برای اطمینان اطلاعات با سایر پایگاه‌ها از جمله رادار کلادفلر مقایسه شده است.

● ایران در میان ۱۰۰ کشور مورد بررسی در این گزارش در شاخص دسترسی آزاد به اینترنت در انتهای جدول قرار گرفته است.

انجمن تجارت الکترونیک ایران تأکید کرده که ایران پس از ترکمنستان، کنگو، سودان و کوبا در جایگاه پنجمین کشور در عدم دسترسی آزاد به اینترنت قرار دارد و اگر کشورهای بدون اطلاعات کافی در رابطه با محدودیت را حذف کنیم، اینترنت ایران در صدر کشورهای دارای محدودیت در دسترسی آزاد به اینترنت قرار می‌گیرد.

این گزارش تأکید کرده وضعیت کیفیت اینترنت آزاد در ایران نسبت به گزارش قبلی در زمستان ۱۴۰۲، تفاوت چشمگیری نداشته است و همچنان باید اینترنت کشور را با سه گزاره‌ی پر اختلال، محدود و کند توصیف کرد.

از سوی دیگر ایران و چین وضعیت مشابهی در رده‌بندی‌های محدودترین کشورهای دنیا در زمینه آزادی اینترنت را دارند، اما در شاخص‌های مرتبط با سرعت و اختلال، چین با رتبه‌ی ۶۱ از ۱۰۰ در گزارش «کلادفلر» و ۸۷ از ۱۰۰ در گزارش «CrUX»، در کل وضعیتی بهتر از ایران دارد. ایران در گزارش «کلادفلر» در رتبه ۹۷ و در گزارش «CrUX» در رتبه ۹۰ از ۱۰۰ قرار گرفته است.

در این گزارش برای سنجش دقیق‌تر وضعیت فیلترینگ از دی ۱۴۰۲ تا ابتدای خرداد ۱۴۰۳، ۳۰۰ دامنه‌ی اینترنتی (انتخاب شده براساس SimilarWeb) را از پایگاه داده‌ی ooni.com بررسی شده است. طبق این بررسی مشخص شد که اینترنت ایران در دی ۱۴۰۲، به‌طور میانگین ۱۳۷ دامنه‌ی دارای محدودیت (بالای ۵۰ درصد اختلال) داشته است. از این نظر تغییر معناداری نسبت به مدت مشابه سال گذشته در اینترنت کشور رخ نداده است.

همچنین در بررسی ۵۰۰۰ وبسایت پربازدید کاربران ایرانی در CrUX مشخص شد که حداقل ۷۳۰ وبسایت به‌طور مستقیم فیلتر شده و دامنه اصلی آن‌ها به آی‌پی‌های

تهدید ایرانیان خارج کشور از سوی قوه قضاییه اخلالگران در برگزاری انتخابات تحت تعقیب قرار می‌گیرند!



ایران در شهر سیدنی برای برنامه رأی‌گیری در این شهر منتفی شود. در نتیجه سفارت جمهوری اسلامی ناچار شد در مرکز اسلامی «السجاد» در اوپرن رأی‌گیری کند. در استرالیا همچنین محل برگزاری انتخابات در شهر بریزبن تغییر کرد و به مکانی واقع در حومه شهر بریزبن منتقل شد.

همچنین در جنوب کالیفرنیا و در شهر لس آنجلس، رأی‌گیری لغو شد و در روز انتخابات حوزه معرفی شده، با نصب یک تابلو از لغو انتخابات در این محل خبر داد. از سوی دیگر مشارکت ایرانیان خارج از کشور در انتخابات بسیار ناچیز بوده است. بر اساس اعلام محسن اسلامی سخنگوی ستاد انتخابات فقط ۹۷ هزار و ۹۶۷ نفر از ایرانیان خارج کشور در این انتخابات شرکت کردند که از این تعداد سه هزار و ۶۶ نفر رای باطله به صندوق‌ها انداختند! جمهوری اسلامی سه سال پیش شمار ایرانیان خارج کشور را که واجد شرایط رأی دادن هستند حدود ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر اعلام کرده بود. در سه سال گذشته موج مهاجرت ایرانیان با فراز تندی افزایش یافته و در نتیجه این تعداد خیلی بیش از رقم اعلام شده در سال ۱۴۰۰ است. با اینهمه حتی اگر رقم سه سال پیش به عنوان جمعیت واجد شرکت در انتخابات ساکن خارج از کشور در نظر گرفته شود باز هم مشارکت ایرانیان خارج کشور حدود ۲/۵ درصد بوده است!

جمهوری اسلامی در ۱۳۶ فایندهای جمهوری اسلامی در خارج کشور شامل سفارتخانه‌ها و دفاتر کنسولی اقدام به رأی‌گیری می‌کند. به نظر می‌رسد تجمعات گسترده ایرانیان مخالف حکومت مقابل سفارتخانه‌ها در انتخابات هشتم تیرماه سبب واکنش قوه قضاییه شده و مقامات با تهدید و هراس‌آفرینی به دنبال جلوگیری از تجمع ایرانیان در دور دوم این انتخابات نمایشی هستند که قرار است روز جمعه پانزدهم تیرماه برابر با پنجم ژوئیه برگزار شود.

به حضور در آن می‌کردند، افرادی که خود را فعال سیاسی، فعال حقوق بشر و تحلیلگر رسانه‌ها و روزنامه‌نگار معرفی می‌کنند نیز وجود دارد.

مسعود بهنود، الهه شریف‌پور (هیکس)، پیمان عارف، داریوش سجادی، عطاءالله مهاجرانی، آرش عزیزی، مجید تفرشی، فرید طلائی، محمد منظرپور از جمله این افراد



هستند. در برخی رسانه‌های خارج کشور همچنان برای این افراد ظرفیت‌هایی فراهم می‌شود تا به ترویج و حمایت از سیاست‌های جمهوری اسلامی از جمله «سیرک انتخابات» بپردازند.

یکی از مهمترین نتایج این اعتراضات، لغو برنامه رأی‌گیری جمهوری اسلامی در چند شهر یا تغییر محل آن از سوی کشور میزبان بود. برای نمونه اعتراض ایرانیان مقیم استرالیا باعث شد سالن محل برگزاری انتخابات ریاست جمهوری

● معاون امور بین‌الملل قوه قضاییه: «برای هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از کشور با توهین و تهدید و ضرب و شتم هموطنان و ایجاد رعب و وحشت بین آنان، مانع حضور ایرانیانی شوند که می‌خواهند در انتخابات ریاست جمهوری در خارج از کشور شرکت کنند پرونده کیفری تشکیل و تحت تعقیب قرار می‌گیرند.»

● در انتخابات نمایشی هفته گذشته شمار زیادی از ایرانیان با برگزاری تجمع مقابل سفارتخانه‌ها به «انتخابات نمایشی» و به کسانی که با وجود زندگی در کشورهای آزاد، با شرکت در انتخابات به تداوم و مشروعیت جمهوری اسلامی رأی می‌دادند اعتراض کردند.

● یکی از مهمترین نتایج این اعتراضات، لغو برنامه رأی‌گیری جمهوری اسلامی در چند شهر یا تغییر محل آن از سوی کشور میزبان بود.

● در میان ایرانیانی که برای رأی دادن به سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی مراجعه کرده یا بطور کلی با حمایت مستقیم و غیرمستقیم از نمایش انتخابات مردم را تشویق به حضور در آن می‌کردند، افرادی که خود را فعال سیاسی، فعال حقوق بشر و تحلیلگر رسانه‌ها و روزنامه‌نگار معرفی می‌کنند نیز وجود دارد.

معاون امور بین‌الملل قوه قضاییه از تشکیل پرونده کیفری برای اخلالگران در برگزاری انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در خارج کشور خبر داده است. منظور او از «اخلالگران» ایرانیانی هستند که روز انتخابات نمایشی در مقابل سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی و حوزه‌هایی که برای رأی‌گیری در کشورهای مختلف تعیین شده بود، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

کاظم غریب‌آبادی معاون امور بین‌الملل قوه قضاییه گفته «برای هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از کشور با توهین و تهدید و ضرب و شتم هموطنان و ایجاد رعب و وحشت بین آنان، مانع حضور ایرانیانی شوند که می‌خواهند در انتخابات ریاست جمهوری در خارج از کشور شرکت کنند پرونده کیفری تشکیل و تحت تعقیب قرار می‌گیرند.»

معاون امور بین‌الملل قوه قضاییه ادعا کرده است که این پرونده «حسب گزارشات مردمی، وزارت امور خارجه، شاکیان خصوصی و اقدام مدعی العموم» تشکیل خواهد شد.

جمعه گذشته در هشتم تیرماه دور نخست چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در ایران برگزار شد. اتباع ایرانی ساکن خارج کشور امکان حضور در سفارت و شرکت در انتخابات را داشتند. با وجود تحریم گسترده انتخابات در درون ایران از سوی اصناف و اقشار مختلف، و در حالی که شعبه‌های اخذ رأی در داخل کشور خالی بودند، یک‌دهه از ایرانیان ساکن خارج برای ریختن رأی به صندوق جمهوری اسلامی به سفارتخانه‌ها رفتند.

شمار زیادی از ایرانیان با برگزاری تجمع مقابل سفارتخانه‌ها به «انتخابات نمایشی» و به کسانی که با وجود زندگی در کشورهای آزاد، با شرکت در انتخابات به تداوم و مشروعیت جمهوری اسلامی رأی می‌دادند اعتراض کردند.

در میان ایرانیانی که برای رأی دادن به سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی مراجعه کرده یا بطور کلی با حمایت مستقیم و غیرمستقیم از نمایش انتخابات مردم را تشویق

مسعود پزشکیان مولوی عبدالحمید را نمی‌شناسد نامزد اصلاح‌طلبان از سیستان و بلوچستان و رنج‌هایش خبر ندارد!



می‌باشد، عبدالحمید خطاب کرد.»
به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان پیش از دور نخست انتخابات تلاش زیادی برای راضی کردن مولوی عبدالحمید برای حمایت از مسعود پزشکیان انجام داده بودند و این تلاش‌ها ناکام ماند. پیش از دور نخست انتخابات نمایشی نیز جلال جلال‌زاده فعال اصلاح‌طلب و از اعضای ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان با انتشار مطلبی در شبکه «ایکس»، مولوی عبدالحمید را «عالم بزرگ بلوچستان» خطاب کرده و مدعی شده بود او و دیگر تحصیلکردگان و فرهیختگان اهل سنت از مسعود پزشکیان حمایت می‌کنند.

این ادعا به سرعت از سوی نزدیکان مولوی عبدالحمید تکذیب شد. «حالوش» هم گزارش داد که «آقای جلالی زاده در تاریخ یک تیرماه در سفر به زاهدان و دیدار با مولوی عبدالحمید با هدف تشویق و ترغیب روحانیون مردمی و برجسته اهل سنت جهت شرکت در انتخابات ۸ تیر ماه ۱۴۰۳ تلاش کرده بود که با مواضع قاطع و محکم روحانیون از جمله مولوی عبدالحمید که همان عدم شرکت در انتخابات است، روبرو شده است.»

این گزارش افزوده بود که «پیشتر در تاریخ ۳۱ خردادماه کانال رسمی دفتر امام جمعه زاهدان در پاسخ به شایعات دروغین منتشره در فضای مجازی در خصوص حمایت وی از کاندیداهای ریاست جمهوری در بیانیه رسمی اعلام کرد: «شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید تا کنون در مورد هیچ‌کدام از کاندیداهای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اظهار نظر نکرده‌اند. در پایان این بیانیه از کاربران و عموم مردم خواسته شده اخبار و مطالب مربوط به مولانا عبدالحمید را از سایت رسمی ایشان و شبکه‌های اجتماعی وابسته به آن دنبال کنند.»

اکنون در پی ادعایی که مسعود پزشکیان برای تکذیب پیام از سوی پسرش درباره پرداخت پول به وبسایت «رجا نیوز» مطرح کرده، آنهم در حالی که تصویر آن منتشر شده، مسئولان این رسانه از شکایت از پزشکیان خبر داده‌اند.

● همزمان با برگزاری دور اول انتخابات چهاردهم ریاست جمهوری در هشتم تیرماه ۱۴۰۳ تصویری از کانال تلگرامی مسعود پزشکیان منتشر شد که در آن پسر او عباراتی حاوی توهین درباره مولوی عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت زاهدان به کار برده است.

● مسعود پزشکیان وقتی در حال انکار پیامی از سوی پسرش حاوی توهین به مولوی عبدالحمید بود، وانمود کرد نام مولوی عبدالحمید را نمی‌داند و در لابلای کاغذهایش دنبال نام او گشت و وی را «عبدالحمید» خطاب کرد.

● اینکه مسعود پزشکیان مولوی عبدالحمید را نشناسد نشان می‌دهد نامزد اصلاح‌طلبان با همه تلاشی که در «مردمی» نشان دادن چهره او می‌شود، از رنج‌های مردم این سرزمین مطلع نیست و حتی دنبال نکرده که در سال‌های اخیر چه اتفاقاتی برای مردم در جای جای کشور افتاده است.

شب گذشته در جریان نخستین مناظره تلویزیونی دومین دور «سیرک انتخابات» مسعود پزشکیان ضمن اتهام زدن به سعید جلیلی و رسانه‌های حامی او، وانمود کرد مولوی عبدالحمید را نمی‌شناسد.

مسعود پزشکیان شامگاه گذشته، یازدهم تیرماه ۱۴۰۳، در اولین مناظره تلویزیونی دور دوم انتخابات مدعی شده بود که از سوی ستاد سعید جلیلی «۲۱۰ میلیون پول به رسانه‌ها از جمله رجانیوز داده شد تا علیه ستاد او دروغ منتشر کنند.»

او تصویری از پیام تلگرامی منتسب به پسر او که مولوی عبدالحمید را «فلان فلان شده» خطاب کرده و گفته بود بعد از پیروزی در انتخابات «دهن‌شان را سرویس می‌کنیم» را دروغ خواند.

مسعود پزشکیان وقتی در حال انکار پیامی از سوی پسرش حاوی توهین به مولوی عبدالحمید بود، وانمود کرد نام مولوی عبدالحمید را نمی‌داند و در لابه‌لای کاغذهایش دنبال نام او گشت و وی را «عبدالحمید» خطاب کرد.



ادعای بی‌اساس تیم اقتصادی رئیسی درباره کاهش تورم

هزینه سبد مصرفی خانوار در شش سال بیش از ۷ برابر شد



نرخ تورم همگانی در ایران در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ که دولت قبل بوده، به ترتیب ۳۴/۸ درصد ک ۳۴/۸ درصد بوده است.

این اقتصاددانان افزوده که در سال ۱۴۰۰ که از تابستان آن دولت سیزدهم بر سر کار آمد، نرخ تورم به ۴۰/۲ درصد افزایش و در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ نیز به ۴۵/۹ درصد و ۴۰/۷ درصد رسیده است.

به گفته مرتضی عزتی این داده‌های رسمی نشان می‌دهد تورم در ۳ سال حاکمیت دولت سیزدهم نسبت به سال‌های پیش از آن، افزایش یافته و در هر سه سال، بالای ۴۰ درصد بوده است؛ این عدد در ۸۰ سال گذشته سابقه نداشته است. این در شرایطی است که همزمان رشد اقتصادی نیز کاهش داشته است.

مرتضی عزتی تأکید کرده که «متأسفانه در ایران دولت‌ها در بسیاری از مواقع، برای توجیه عملکرد ضعیف خود، در بیان و ارائه آمار عملکرد خود سفسطه می‌کنند.»

تیم اقتصادی دولت رئیسی به ویژه احسان خاندوزی بارها مدعی کاهش تورم در طول فعالیت دولت سیزدهم از سال ۱۴۰۰ تا کنون شده‌اند. این در حالیست که آمارهای ارائه شده از سوی دولت همواره با تردید کارشناسان روبرو بوده است.

روند افزایش قیمت‌ها در بازارهای مختلف ایران و همچنین فشارهای معیشتی بر خانوارها نیز روندی خلاف جهت ادعاهای تیم اقتصادی دولت سیزدهم را نشان می‌دهد.

نه تنها در دولت رئیسی بلکه از پیشتر روند افزایش قیمت‌ها در بازارهای ایران رکوردهای بی‌سابقه‌ای را بر جای گذاشته است. برای نمونه هزینه سبد مصرفی خانوار

● هزینه سبد مصرفی خانوار در اردیبهشت‌ماه سال جاری نسبت به فروردین سال ۹۷ بیش از ۷ برابر شده است.

● در طول هفت سال قیمت هر کیلو گرم گوشت گوسفند ۱۳۶۵ درصد، گوشت گوساله ۱۳۰۴ درصد، شیر پاستوریزه ۱۰۷۲ درصد، روغن مایع ۱۰۷۲ درصد، چای ۱۰۲۵ درصد، رب گوجه فرنگی ۹۹۴ درصد برنج ۷۵۷ درصد و مرغ ۹۰۳ درصد افزایش قیمت داشته است!

● مرتضی عزتی اقتصاددانان گفته داده‌های رسمی نشان می‌دهد تورم در ۳ سال حاکمیت دولت سیزدهم نسبت به سال‌های پیش از آن، افزایش یافته و در هر سه سال، بالای ۴۰ درصد بوده است.

● مواردی مانند کاهش تورم، افزایش دستمزدها، رونق بخشیدن به بورس و ایجاد رشد اقتصادی ۸ درصد از سوی نامزدهای انتخابات مطرح شده اما آنها برای این وعده‌ها ساز و کار مشخصی ارائه نکرده و مشخص نیست بر چه پایه‌ای و بر اساس کدام منابع یا برنامه، این وعده‌ها را مطرح کرده‌اند.

یک اقتصاددان با رد ادعای تیم اقتصادی دولت رئیسی درباره کاهش نرخ تورم در مدت فعالیت دولت سیزدهم اعلام کرده نرخ تورم دو سال پیش از روی کار آمدن دولت رئیسی ۳۴/۸ درصد و ۳۴/۸ درصد بوده و این نرخ در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ به ۴۵/۹ درصد و ۴۰/۷ درصد رسید.

مرتضی عزتی اقتصاددان ادعاهای تیم اقتصادی دولت سیزدهم درباره کاهش تورم در طول فعالیت این دولت را با ارائه آمارهای رسمی رد کرده است. مرتضی عزتی گفته آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد

وبسایت «رجا نیوز» نزدیک به «جبهه پایداری» و از حامیان سعید جلیلی است که از سوی پزشک‌ها به دریافت ۲۱۰ میلیارد تومان برای تخریب پزشک‌ها متهم شده است. علیرضا سلیمانی مدیرمسئول وبسایت «رجا نیوز» در شبکه «ایکس» نوشته «رجانیوز بابت اتهام دروغ آقای پزشک‌ها از ایشان شکایت می‌کند.»

«کیهان لندن» پیشتر در ۲۹ خرداد ۱۴۰۳ از سوء استفاده نامزدها از سیستان و بلوچستان برای تبلیغات انتخاباتی گزارش داده و نوشته بود نام این استان در حالی در لابلای وعده‌های نخبه‌های انتخاباتی شش نامزد مورد تأیید علی خامنه‌ای قرار گرفته که هیچک از آنان به مشکلات اصلی که زندگی شهروندان را مختل کرده نمی‌پردازند.

این گزارش تأکید کرده بود که در جریان کارزار تبلیغاتی انتخابات، مسعود پزشک‌ها نامزد مورد حمایت اصلاح‌طلبان که رگه‌هایی قوی از قومگرایی دارد نیز بدون اشاره به مشکلات مردم و حتی بدون در نظر گرفتن آمارها درباره استان‌های محروم کشور، صرفاً سیستان و بلوچستان را به «اقلیت» و «مرزی» بودن پیوند زده و گفته «باید کاری کنیم بر اساس عدالت، با حقوق مناطق مختلف کردستان، لرستان، سیستان و بلوچستان، خوزستان برخورد شود.»

این سخنان از سوی پزشک‌ها در حالی مطرح شده که استان غیرمرزی کهگیلویه و بویر احمد در کنار سیستان و بلوچستان از محروم‌ترین استان‌های ایران است و استان یزد در «مرکز» ایران نیز بیشتری میزان شاخص فلاکت را دارد! کیهان لندن به بخشی از مشکلات مردم در سیستان و بلوچستان اشاره کرده و نوشته بود فقر، بیکاری، نبود امکاناتی چون جاده‌های ایمن، آب آشامیدنی، گاز و برق در بخش قابل توجهی از استان و حتی در دسترس نبودن مدرسه برای بسیاری از دانش‌آموزان در روستای محل زندگی، تنها بخشی از مشکلات شهروندان در این استان است.

گزارش‌ها حاکی از اینست که نیمی از جمعیت استان دچار «فقر قطعی» هستند. سیستان و بلوچستان بیشترین نرخ بیکاری و فقر را در میان ۳۱ استان ایران دارد و تعداد زیادی از شهروندان در ازای دستمزدی ناچیز برای تأمین حداقل نیازهای زندگی به سوختری مشغول‌اند.

مشکلات زیست محیطی نیز در این استان بیداد می‌کند و سیاست‌های نادرست جمهوری اسلامی در مدیریت آب و دیپلماسی شکست خورده جمهوری اسلامی با افغانستان برای دریافت حقایق هیرمند، دست به دست هم داده تا این استان را به عنوان کانون بحران‌های اقلیمی تبدیل کند. جمهوری اسلامی حتی در مدیریت بحران پس از وقوع چند نوبت سیل در این استان در ماه‌های گذشته نیز ناتوان بوده و همچنان شمار زیادی از شهروندان با مشکلات ناشی از سیل اسفند و فروردین گذشته درگیرند.

از سوی دیگر مردم سیستان و بلوچستان در اعتراضات جنبش ملی حضوری فعال داشته و در برگزاری اعتراضات پایداری کردند. «جمعه خونین زاهدان» در هشتم مهرماه ۱۴۰۱ و بر اثر حمله نیروهای حکومتی به نمازگزاران سنی‌مذهب در زاهدان ده‌ها کشته و زخمی بر جای گذاشت.

در همه این مدت مولوی عبدالحمید تلاش کرد در کنار مردم باشد و از حقوق مردم در این استان و همه ایران سخن بگوید. اظهارات مولوی عبدالحمید در نقد سیاست‌های جمهوری اسلامی بارها برجسته شد. در چنین شرایطی اینکه مسعود پزشک‌ها مولوی عبدالحمید را نشانسان نشان می‌دهد نامزد اصلاح‌طلبان با همه تلاشی که در «مردمی» نشان دادن چهره او می‌شود، از رنج‌های مردم این سرزمین مطلع نیست و حتی دنبال نکرده که در سال‌های اخیر چه اتفاقاتی برای مردم در جای جای کشور افتاده است.

از فقدان مشروعیت درونی تا دشمنی استراتژیک با غرب

● جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب با اقدامات سرکوبگرانه‌ی بی‌امان توانست قدرت خود را تثبیت کند و بر هر نوع آزادیخواهی چیره شود. جمهوری اسلامی با سرکوب عریان می‌تواند با یک سوم واجدین شرایط انتخابات نیز حکومت کند، با خشونت توتالیتری.

● کشورهای غربی به این حقیقت واقف هستند که مشکلی که جلوی سیاست‌های صلح‌آمیز را در خاور میانه می‌گیرد اسلامگرایی جمهوری اسلامی در ایران است. بخش نظامی حزب‌الله لبنان و حماس نه فقط در تضاد آشتی‌ناپذیر با اسرائیل قرار دارند بلکه خطرهایی برای اروپا به شمار می‌روند.

● ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا ثابت نموده‌اند که خواستار کمک به فلسطینی‌ها و حل مشکل همزیستی یهودیان اسرائیل با مسلمانان در منطقه هستند. در درجه اول این سیاست اشتباه و خطرناک اسلامگرایان است که خواهان نابودی اسرائیل هستند و هر راه حل سیاسی در منطقه را غیرممکن می‌سازند.

● جمهوری اسلامی ایران در یک خصومت استراتژیک نسبت به غرب قرار دارد و اصلاح‌طلبهای اسلامگرا هم نه می‌توانند و نه می‌خواهند سیاستی را دنبال کنند که والاتر بودن موازین دموکراتیک و حقوق بشری را قبول داشته باشد. این بیناگر واقعیت راهبردی جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب اسلامی است و همین نیز نقطه‌ی عطف در رابطه رژیم ایران با غرب است که هر روز بیشتر نمایان می‌شود.

● سؤال اصلی البته این است که چنانچه مناقشات روسیه با غرب حل بشود آیا روسیه و چین جمهوری اسلامی را از سنگرهای خود بیرون خواهند انداخت یا نه؛ زیرا هم چین و هم روسیه در کشورهای خود مشکلات جدی با اسلامگرایی دارند.

وحید وحدت حق - تظاهرات و ناآرامی‌های گسترده در سال‌های اخیر نشانه‌های آشکار از فقدان مشروعیت حاکمیت جمهوری اسلامی است. البته این نظام دیگر نیازی به شخصی کاریزماتیک نظیر خمینی ندارد که به نام خدا و مردم بتواند با سیاست‌های دروغین مردم را بسیج کند. امروز جمهوری اسلامی ایران هم از درون و هم از خارج در بحران مشروعیت بسر می‌برد. چهاردهمین نمایش انتخابات بی رونق ریاست جمهوری اسلامی نشان داد که حتا بنا با آمارسازی رسمی و دولتی حداکثر ۴۰ صد واجدین شرایط در انتخابات شرکت کردند و دموکراسی‌های غربی نیز دیگر امیدی به اصلاح و دموکراتیزه شدن سیستم حاکم

سال گذشته است.

در ادامه گزارش «ایرنا» آمده در دولت سیزدهم تاکنون ۱۶ واحد درصد از نرخ تورم نسبت به شهریور ۱۴۰۰ کاسته شده و در اردیبهشت امسال به حدود ۴۳ درصد رسیده است. بنابراین همچنان بالاترین رکورد تورم ۸۰ سال اخیر مربوط به دولت روحانی است.

بانک مرکزی هم گزارش داده که روند صعودی رشد نقدینگی و ثبت ارقام بی‌سابقه این متغیر در پایان سال ۱۳۹۹ و نیمه اول سال ۱۴۰۰ مسأله‌ای بس نگران کننده بود که تداوم آن می‌توانست اقتصاد کشور را با معضلات و مخاطرات گوناگونی مواجه سازد و ضمن افزایش نااطمینانی‌ها در تصمیمات خرد فعالان اقتصادی کشور، آثار مخربی بر متغیرهای کلان اقتصادی به وجود آورد.

آمارها حاکی از آن است که رشد نقدینگی که در ابتدای دولت سیزدهم (پایان شهریورماه ۱۴۰۰) به رقم ۴۰/۵ درصد رسیده بود، در دوران فعالیت دولت سیزدهم روند نزولی قابل توجهی را طی نموده است؛ بطوری که این متغیر در پایان سال ۱۴۰۱ به رقم ۳۱/۱ درصد و در پایان سال ۱۴۰۲ به رقم ۲۴/۳ درصد رسیده است.

رجوع به ارقام رشد نقدینگی طی سال‌های ۱۳۹۸ الی ۱۴۰۰ و مقایسه آن با ارقام رشد نقدینگی طی سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ می‌تواند معیار مناسبی برای قضاوت در خصوص مدیریت کل‌های پولی در دولت سیزدهم باشد.

مقایسه متوسط قیمت کالاهای خوراکی و شاخص قیمت مصرف‌کننده در مناطق شهری از فروردین ۹۷ تا اردیبهشت ۱۴۰۳ (منبع: مرکز آمار ایران)		
محصولات خوراکی	واحد	رشد
گوشت گوسفند	یک کیلوگرم	۱۳۶۵٪
گوشت گاو یا گوساله	یک کیلوگرم	۱۳۰۴٪
شیر پاستوریزه	یک لیتر	۱۰۷۲٪
روغن مایع	۹۰۰ گرم	۱۰۷۰٪
چای خارجی بسته ای	۵۰۰ گرم	۱۰۲۵٪
رب گوجه فرنگی	یک کیلوگرم	۹۹۴٪
مرغ ماشینی	یک کیلوگرم	۹۰۳٪
برنج ایرانی درجه یک	یک کیلوگرم	۷۵۷٪
برنج خارجی درجه یک	یک کیلوگرم	۷۲۳٪
تخم مرغ ماشینی	یک کیلوگرم	۶۷۵٪
شاخص قیمت مصرف‌کننده	سبد مصرفی خانوار	۶۵۱٪

بانک مرکزی همچنین مدعی شده بررسی نرخ رشد پایه پولی نیز نشان می‌دهد که نرخ رشد این متغیر مهم نیز با بازگشت به محدوده مقادیر بلند مدت، از ۴۲/۳ درصد به ۲۸/۱ درصد کاهش یافته است.

اتهام‌زنی، فرافکنی و توجیه از سوی جناحین درگیر در چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری و دولت‌مردان رئیسی در حالست کهنه دولت ابراهیم رئیسی به وعده‌های اقتصادی خود عمل کرده و نه در آنسو نامزدهای انتخابات توانسته‌اند برنامه‌های اقتصادی روشن ارائه دهند.

اگرچه مواردی مانند کاهش تورم، افزایش دستمزدها، رونق بخشیدن به بورس و ایجاد رشد اقتصادی ۸ درصد از سوی مسعود پزشکیان و سعید جلیلی، نامزدهای انتخابات، مطرح شده اما هیچیک از آنها برای این وعده‌ها ساز و کار مشخصی ارائه نکرده و مشخص نیست بر چه پایه‌ای و بر اساس کدام منابع یا برنامه، این وعده‌ها را مطرح کرده‌اند.

→ در اردیبهشت‌ماه سال جاری نسبت به فروردین سال ۹۷ بیش از ۷ برابر شده است. این در حالی است که قیمت گوشت در این مدت رشد ۱۴ برابری را تجربه کرده است. در طول هفت سال قیمت هر کیلو گرم گوشت گوسفند ۱۳۶۵ درصد، گوشت گوساله ۱۳۰۴ درصد، شیر پاستوریزه ۱۰۷۲ درصد، روغن مایع ۱۰۷۲ درصد، چای ۱۰۲۵ درصد، رب گوجه فرنگی ۹۹۴ درصد برنج ۷۵۷ درصد و مرغ ۹۰۳ درصد افزایش قیمت داشته است!

اینهمه در حالیست که در روزهای گذشته و در کارزار تبلیغات «سیرک انتخابات» اظهارات نامزدها و مشاورانشان درباره وضعیت اقتصاد ایران که غالباً با ارائه آمارهای اقتصادی مرتبط با فعالیت دولت رئیسی مطرح شده، واکنش‌هایی را در پی داشته است.

حامیان مسعود پزشکیان که به عنوان نامزد اصلاح‌طلبان در این انتخابات حضور دارد، انتقادهای زیادی را درباره عملکرد دولت رئیسی مطرح کرده‌اند و ادعا می‌کنند دولت پزشکیان در صورت پیروزی او در انتخابات، مسیری متفاوت و همراه با رشد و گشایش را پیش خواهد رفت!

حمید حسینی، فعال اقتصادی حوزه نفت و انرژی و از حامیان مسعود پزشکیان این پرسش را مطرح کرده که در سه سال گذشته که که قرار بود اولویت به کشورهای همسایه داده شود، چند درصد از این بازارهای میلیارد دلاری را به دست آوردیم؟

در شرایطی که بسیاری از تصمیمات کلان کشوری از جمله پذیرش لوائح مرتبط با FATF در اختیار دولت نیست و سران نظام و شخص علی خامنه‌ای در اینباره تصمیم‌گیری می‌کنند، حمید حسینی در سخنانی قرار داشتن ایران در فهرست سیاه FATF را مرتبط با عملکرد یا کم‌کاری دولت رئیسی دانسته و گفته «وقتی نظام بانکداری جهانی با این ابزار کار می‌کند و شما این ابزار را در دست نداری، نمی‌توانی معامله کنی. نمی‌شود یک کشور بزرگ ۸۰ میلیونی را با تهاجر گوسفند با انبه اداره کرد.»

این در حالیست که در ماه‌های گذشته دولت رئیسی برای خروج ایران از فهرست سیاه FATF تلاش کرده بود و البته در درون کشور همچنان مقاومت‌های حکومت برای عدم تصویب لوائح مرتبط با FATF پابرجاست.

از سوی دیگر پس از ناکامی پزشکیان در رسیدن به کرسی ریاست جمهوری در دور اول انتخابات علی طیب‌نیا اقتصاددان به تیم انتخاباتی او پیوست. علی طیب‌نیا که از او به عنوان «فرمانده اقتصادی پزشکیان» نام برده شده وزیر اقتصاد دولت نخست حسن روحانی بود. وزارت او همزمان شد با برجام و آزاد شدن خامفروشی نفت در پی برداشته شدن تحریم‌ها؛ بر اساس ادعاهای مرکز آمار ایران در دوران پسابرجام و وزارت علی طیب‌نیا تورم اقتصاد ایران از کانال ۳۰ درصد به کانال ۹ درصد کاهش یافت.

علی طیب‌نیا در اظهارنظری گفته نرخ تورم در دولت رئیسی به بالاترین رقم ۸۰ سال اخیر رسیده است. خبرگزاری دولت «ایرنا» در واکنش به این ادعای طیب‌نیا نوشته او تورم سال ۱۳۹۹ (آخرین سال عملکرد دولت روحانی) را طبق آمار بانک مرکزی ۴۶/۱ درصد عنوان می‌کند در حالی که این رقم هم اشتباه است. رقم درست تورم سال ۱۳۹۹ که در سایت بانک مرکزی هم قابل مشاهده است ۴۷/۱ درصد اعلام شده، نه ۴۶/۱ درصد.

«ایرنا» افزوده ادعای طیب‌نیا درباره اینکه نرخ تورم در دولت رئیسی بالاترین سطح ۸۰ سال اخیر بوده هم خلاف واقع است. بر اساس آمار بانک مرکزی، نرخ تورم در شهریورماه ۱۴۰۰ به ۵۹/۲ درصد رسید که بالاترین تورم ۸۰

ندارند. →

جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب با اقدامات سرکوبگرانه‌ی بی‌امان علیه اقوام ایرانی، سازمان‌های چپ، سلطنت‌طلبان، ملیون، زنان و اقلیت‌های مذهبی به ویژه بهائیان و البته سرکوب جنبش‌های جامعه مدنی توانست قدرت خود را به تثبیت کند و بر هر نوع آزادیخواهی چیره شود. جمهوری اسلامی با سرکوب عریان می‌تواند با یک سوم واجدین شرایط انتخابات نیز حکومت کند، با خشونت توتالیتری.

مگرراً مقامات جمهوری اسلامی ادعا کرده‌اند که معترضین نظام که برای حقوق انسانی خود مبارزه می‌کنند تحت تاثیر عوامل خارجی قرار گرفته‌اند. حکومت اسلامی ایران در حقیقت منشور حقوق بشر سازمان ملل را رد و نفی می‌کند زیرا مطابقتی با قوانین شرع اسلام ندارد. حاکمان جمهوری اسلامی حتا می‌خواهند موازین بین‌المللی را نیز عوض کنند یعنی نه فقط ایران را با احکام اسلامی به قهقرا بردند بلکه

سرکوب اراده‌ی آزادیخواهانه‌ی اکثریت مردم ادامه دهند. امری محتوم است که تاریخ جمهوری توتالیتر اسلامی نیز ابدی نیست.

عبور از استراتژی مشارکت به استراتژی دشمنی‌برانگیز

اروپا در نوسازی اقتصاد ایران تا چند سال پیش نقش مهمی بازی می‌کرد ولی طبق آمار رسمی منتشر شده سرمایه‌گذاری آلمان در سال ۲۰۲۳ نسبت به سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۷ تقریباً به نسبت دو سوم کمتر شده و از ۳,۰۸ میلیارد در سال ۲۰۱۱ و ۲,۹۷ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۷ به ۱,۲ میلیارد یورو در سال ۲۰۲۳ رسیده است. از سوی دیگر بودجه نظامی جمهوری اسلامی ایران طبق آمار بانک جهانی در سال ۲۰۲۲ به ۶,۸۴ میلیارد دلار رسید که نسبت به سال ۲۰۲۱ به مقدار ۲۶,۹۸ درصد افزایش یافته بود و سپاه پاسداران ۳۴ درصد کل هزینه نظامی را به خود اختصاص داده است.

زمانی می‌تواند افزایش یابد، که یک دولت غیردموکراتیک بخواهد تعادل قدرت منطقه‌ای و یا حتا تعادل نظم بین‌المللی را بطور اساسی تضعیف کند یا حتا تغییر دهد. برای مثال سیاست صدور انقلاب اسلامی از سیاست صداوسیما جمهوری اسلامی گرفته تا حمله‌های سایبری به کشورهای اتحادیه اروپا و همکاری نزدیک رژیم ایران با روسیه موجب شده است که اتحادیه اروپا استراتژی خصومت‌آمیز جمهوری اسلامی ایران را جدی‌تر بگیرد.

جمهوری اسلامی ایران نسبت به اتحادیه اروپا استراتژی خصومت چندگانه اتخاذ نموده است. صدور انقلاب اسلامی توسط گروه‌های تروریستی اسلامی، جنگ سایبری سپاه پاسداران، حمایت نظامی از روسیه که عملاً در جنگ غیرمستقیم با اروپا بسر می‌برد، نمونه‌هایی از این استراتژی هستند. افزون بر این، تحرکات جاسوسی حکومت ایران در اروپا دیگر به واقعیتی خطرناک برای اتحادیه اروپا تبدیل



KAFANLONDON

می‌خواهند مانع اجرا و پیشرفت حقوق بین‌الملل شوند که تنها پایه‌ی صلح جهانی است.

نگرانی‌های حاکمان حکومت اسلامی ایران را سال‌ها پیش حجت‌الاسلام محمد خاتمی در کتاب خود «بیم‌موج» توضیح داد که مبدا روزی موج مردمی سد حکومت را که شکاف خورده است بشکنند. پس بی‌دلیل هم نیست که ۳۴ درصد هزینه نظامی کشور خرج سپاه پاسداران می‌شود که وظیفه دارد از انقلاب اسلامی دفاع کند. به نظر می‌رسد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به هر قیمتی نیز حاضر به سرکوب نیروهای آزادیخواه است. اما سیاست‌های خشونت‌آمیز در سد زندان بزرگ جمهوری اسلامی شدیداً ترک خورده و خودش نیز شکاف برداشته است.

حاکمان جمهوری اسلامی ایران ادعا می‌کنند که آزادی‌های غربی ریشه‌های مسیحی و غربی دارد و از دید مذهب اسلام بی‌اعتبار هستند. این ادعا تنها انحطاط سیاسی و فرهنگی حاکمان جمهوری اسلامی ایران و استفاده ابزاری از دین به عنوان ایدئولوژی حکومتی را نشان می‌دهد. نه نازی‌ها و نه استالین و حامیانشان توانستند تا ابد به

مدت زیادی طول کشید تا کشورهای اروپایی به این شناخت رسیدند که سیاست خشن جمهوری اسلامی را دیگر نمی‌شود دست‌کم گرفت و انواع و اقسام دیالوگ‌ها، دیالوگ انتقادی و سازنده و حتی تحریم‌های متعدد موجب تغییر جدی رفتار جمهوری اسلامی نشده است. برعکس، رژیم ایران با توسعه برنامه موشکی و اتمی خود و سیاست صدور انقلاب اسلامی یعنی تروریسم نشان داده که موازین حقوق بشری را نمی‌خواهد و نمی‌تواند رعایت نماید.

ایدئولوژی توتالیتر جمهوری اقتدارگرا و خودکامه اسلامی ایران این اجازه را به رهبران رژیم ایران می‌دهد که خود را از دموکراسی‌های غربی برتر بدانند آنهم در حالی که جمهوری اسلامی به هیچ وجه در رقابت جدی ساختاری با دموکراسی‌های غربی قرار ندارد. البته جمهوری اسلامی خود را یک پارادایم یا الگوواره جهانی در تقابل با دموکراسی‌های غربی می‌داند، هر چه این احساس برتری اسلام‌گرایان ۴۵ سال است که پی در پی شکست خورده است.

اما خصومت‌های استراتژیک را به چه نحوی می‌شود تعریف و تحلیل نمود؟ خطر جنگ سرد و درگیری‌های نظامی

شده است.

سیاست صدور انقلاب اسلامی که همان تروریسم اسلامی محسوب می‌شود البته عواقب شدیدی به دنبال دارد: برای مثال کشورهای عضو گروه ویژه اقدام مالی که به اف‌ای‌تی‌اف معروف است، ایران را بار دیگر در کنار کره شمالی در فهرست سپاه باقی گذاشته است.

جمهوری اسلامی ایران با محاسبه اشتباه خود در سیاست صدور انقلاب اسلامی، اگرچه این هدف در قانون اساسی آن نیز ثبت شده، مردم ایران و منطقه را به خطر انداخته است زیرا اروپا هیچوقت اجازه نخواهد داد که گروه‌های تروریستی اسلامگرا که تحت کنترل رژیم ایران هستند به خطر جدی برای نابودی اسرائیل تبدیل شوند. این البته به هیچ وجه به این معنی نیست که اروپا و آمریکا موافق نقض حقوق بین‌الملل و یا موافق گرسنگی مردم غزه باشند.

کشورهای غربی به این حقیقت واقف هستند که مشکلی که جلوی سیاست‌های صلح‌آمیز را در خاور میانه می‌گیرد اسلامگرایی جمهوری اسلامی در ایران است. ← بخش

کمبود ۲۴۸ هزار آموزگار در سال جدید تحصیلی؛ ۱۰۴ هزار کلاس درس نیازمند تخریب و بازسازی!

● رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، از کمبود ۱۷۶ هزار معلم در مدارس ایران برای سال تحصیلی آینده خبر داده و گفته تا شهریور امسال ۷۲ هزار معلم دیگر نیز در ایران بازنشسته خواهند شد.

● با اینکه قانون اجازه استفاده از آموزگاران بازنشسته را داده اما «تأخیر چندماهه در پرداخت حق الزحمه و سطح پایین دستمزد» باعث عدم تمایل آموزگاران بازنشسته به بازگشت به کار در کلاس‌های درس شده است.

● به دلایل مختلف اقتصادی همچون بالا بودن هزینه مسکن در کلانشهرها از جمله تهران، مشاغل معلمی برای مردان به شدت با کاهش استقبال مواجه شده است.

● رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گفته کردستان با ۳۸/۷ درصد، آذربایجان شرقی با ۳۸/۶ درصد و تهران با ۲۸/۱ درصد سه استانی هستند که بیشترین کلاس‌های ناامن را دارند.

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از کمبود دست کم ۲۴۸ هزار آموزگار برای سال تحصیلی آینده خبر داده است.

بابک نگاهداری رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از کمبود ۱۷۶ هزار معلم در مدارس ایران برای سال تحصیلی آینده خبر داده و گفته تا شهریور امسال ۷۲ هزار معلم دیگر نیز در ایران بازنشسته خواهند شد.

بر اساس اعلام رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی کمبود آموزگار برای سال جدید تحصیلی در مجموع به ۲۴۸ آموزگار خواهد رسید.

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «در دو دهه گذشته جذب و استخدام معلمان وضعیت به سامانی نداشته» گفته «بی‌توجهی به توسعه ظرفیت‌های دانشگاه فرهنگیان و تقریباً تضعیف و انحلال مراکز تربیت معلم و مجموعه قوانین تعیین تکلیف استخدامی معلمان از سال ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰ سبب بحرانی شدن نیروی انسانی در وزارت آموزش و پرورش شد.»

او افزوده این وضعیت همراه با افزایش روند بازنشستگی معلمان و افزایش جمعیت دانش‌آموزی، اثرات نامطلوبی بر روند تأمین نیروی انسانی در سال‌های آینده خواهد داشت. بر اساس توضیحاتی که رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی داده با اینکه قانون اجازه استفاده از آموزگاران بازنشسته را داده اما «تأخیر چندماهه در پرداخت حق الزحمه و سطح پایین دستمزد» باعث عدم تمایل آموزگاران بازنشسته به بازگشت به کار در کلاس‌های درس شده است. در نتیجه جبران کمبود آموزگار با

نظامی و ناسیونالیست هستند و از ایران فقط استفاده‌ی اقتصادی می‌کنند، یعنی ایران را استثمار می‌کنند.

از ابتدای انقلاب ارتجاعی اسلامی، نظام جمهوری اسلامی برای تأکید بر مشروعیت و برتری دینی خود تلاش‌های تبلیغاتی و دروغینی جهت تحقیر و مخالفت با نظام‌های رقیب خود نموده است. البته حاکمان نظام توتالیتر در هیچ زمانی کوششی برای روشن نمودن جنایات دولتی خود ننمودند بلکه برعکس با توسل به پروپاگاندا دروغین، دشمنان غربی خود را مسئول فاجعه‌هایی معرفی می‌کنند که در جمهوری اسلامی و در خاورمیانه حاکم است. یادآوری می‌شود که محمد خاتمی نیز از خروج نیروهای غربی و آمریکایی در خاورمیانه صحبت می‌کرد، رویایی که به واقعیات نظم بین‌الملل ربطی ندارد.

البته مقامات جمهوری اسلامی توسط شبکه‌ها و رسانه‌های دولتی و حتا کادرهای آکادمیک در دانشگاه‌های غربی مشغول به جنگ اطلاعاتی خود هستند. دیپلمات‌های غیررسمی دانشگاهی جمهوری اسلامی در غرب مشغول به توجیه عملکردهای جمهوری اسلامی هستند و تا حدی هم می‌توانند تأثیرات تبلیغاتی بسیار منفی بر حتا رسانه‌های آزاد و سیاست‌دولت‌های غربی بگذارند. آنها می‌دانند که به چه نحوی می‌توان از آزادی در غرب سوء استفاده کرد و به چه نحوی آزادی‌ها را می‌توان در کشور خود در نقطه نابود و خفه نمود.

غرب در رهبری جهان خواهد ماند

همکاری استراتژیک صلح‌آمیز بین دولت‌ها در حقیقت فقط بین کشورهای دموکراتیک غربی ممکن است، یعنی در نظم بین‌المللی دموکراتیک لیبرال، زیرا آنها فراتر از رقابت‌های اقتصادی منافع مشترک و ارزش‌ها و منافع درازمدت سیاسی و فرهنگی دارند.

یادآوری می‌شود که نظم بین‌المللی لیبرال دموکراتیک که بین کشورهای غربی حاکم است، انعطاف‌پذیر و دارای ظرفیت برای تحولات دموکراتیک حتا در روابط اقتصادی خود با جهان است. این نظام‌ها تاریخ مبارزات طبقاتی و اجتماعی و عدالت‌خواهی دارند.

جمهوری اسلامی ایران اما در یک خصوصیت استراتژیک نسبت به غرب قرار دارد و اصلاح‌طلبی‌های اسلامگرا هم نه می‌توانند و نه می‌خواهند سیاستی را دنبال کنند که والاتر بودن موازین دموکراتیک و حقوق بشری را قبول داشته باشد. این بیانگر واقعیت راهبردی جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب اسلامی است و همین نیز نقطه‌ی عطف در رابطه رژیم ایران با غرب است که هر روز بیشتر نمایان می‌شود.

اروپا با وجود رقابت‌های اقتصادی با ایالات متحده آمریکا بعد از سقوط شوروی حوزه‌های نفوذ خود را در اروپای شرقی گسترش داده و در آینده شاید اوکراین را هم ادغام و به اتحادیه اروپا الحاق نماید. البته ناتو در سال ۱۹۹۵ تصمیم گرفته بود که کشورهای اروپای شرقی را به عنوان اعضاء جدید ائتلاف نظامی در ناتو قبول کند. اروپا در آینده نسبت به هفتاد سال گذشته نقش بزرگتری را هم در خاورمیانه بازی خواهد نمود. سؤال اصلی البته این است که چنانچه مناقشات روسیه با غرب حل بشود آیا روسیه و چین جمهوری اسلامی را از سنگرهای خود بیرون خواهند انداخت یا نه؛ زیرا هم چین و هم روسیه در کشورهای خود مشکلات جدی با اسلامگرایی دارند.

*وحدت وحدت حق کارشناس و پژوهشگر علوم سیاسی و روابط بین‌الملل ساکن برلین است.

→ نظامی حزب‌الله لبنان و حماس نه فقط در تضاد آشتی‌ناپذیر با اسرائیل قرار دارند بلکه خطرهایی برای اروپا به شمار می‌روند.

ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا ثابت نموده‌اند که خواستار کمک به فلسطینی‌ها و حل مشکل همزیستی یهودیان اسرائیل با مسلمانان در منطقه هستند. در درجه اول این سیاست اشتباه و خطرناک اسلامگرایان است که خواهان نابودی اسرائیل هستند و هر راه حل سیاسی در منطقه را غیرممکن می‌سازند.

ائتلاف ضد موکراتیک با روسیه و چین

جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر در چارچوب قدرت روسیه و کره شمالی و چین قرار گرفته است. قابل انکار نیست که تاریخ بشری باز است و دوران صلح و جنگ را همیشه نمی‌شود از قبل پیشگویی کرد به ویژه در برهه‌های تاریخی که دیکتاتوری‌ها در سیاست بین‌المللی تأثیرات مخرب خود را می‌گذارند. خصوصیت چندگانه جمهوری اسلامی ایران با کشورهای غربی می‌تواند منجر به جنگ منطقه‌ای بشود، یعنی جنگ در خاورمیانه. احتمال اینکه شرایط بحرانی از کنترل خارج شود و به یک درگیری در خاورمیانه تبدیل شود و این منطقه را در حالت شوک قرار دهد، غیرقابل انکار است. استراتژی اتمی رژیم ایران نیز برای غرب دیگر قابل محاسبه نیست و زمامداران این کشور با صدور سیگنال‌های گوناگون وارد یک بازی مبهم با آتش شده است که آیا مهب اتمی خواهد ساخت یا نه.

برنامه موشکی ایران نیز از دید اتحادیه اروپا دیگر به هیچ وجه یک برنامه دفاعی نیست زیرا موشک اسلحه‌ای دفاعی نیست. امری که دیگر حتی مورد انتقاد شدید دولت آلمان قرار گرفته است.

منافع مشترکی که روسیه با جمهوری اسلامی ایران دارد جلوگیری از دموکراتیزه شدن کشورهای اسلامی است. هم روسیه زیر سلطه پوتین و هم ایران کنونی وحشت از جنبش‌های آزادیخواهانه و انقلاب‌های رنگی دارند زیرا می‌دانند که چنانچه این نوع جنبش‌ها موفق شوند در چارچوب نظم بین‌المللی لیبرال یعنی غرب قرار خواهند گرفت. روسیه و ایران در اپوزیسیون مشترک و سیستماتیک با غرب هستند و از این رو منافع مشترک در اپوزیسیون ژئوپلیتیک در خاورمیانه دارند، اپوزیسیونی که جنبه‌های ایدئولوژیک دارد و روابط روسیه، جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران را در خاورمیانه هویدا می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران با چرخشی ضد غربی در بلوک شرقی با روسیه و چین و کره شمالی قرار گرفته است. دست کم می‌شود گفت پناهجویانی که به دنبال آزادی هستند مایل به زندگی در این کشورها نیستند.

مشارکت استراتژیک رژیم ایران با روسیه و چین در تضاد کامل با مشارکت استراتژیک با اروپا و ایالات متحده آمریکا و نظم بین‌المللی لیبرال و دموکراتیک قرار دارد و علائم خصوصیت‌برانگیز خود را هر روز بیشتر نشان می‌دهد. این در حالیست که در همکاری‌های خود «شرق» ارزش‌های مشترک مشاهده نمی‌شود. نه چین ارزش‌های مشترک با روسیه دارد و نه روسیه با رژیم ایران. روسیه هنوز اصل انقلابی «حمله بهترین دفاع است» را دنبال می‌کند و چین منافع اقتصادی خود را پی‌گیرد. مخرج مشترک سیاست آنها در دشمنی مشترک با غرب است که سیاستی پایدار نمی‌تواند باشد.

روسیه و چین هر دو دیکتاتوری‌هایی هستند که جوامع خود را با زور و خشونت کنترل می‌کنند؛ دولت‌هایی کاملاً

آذرماه سال گذشته از حضور «سرباز طلبه‌ها» در مدارس خبر داد و گفت: «حضور زنان طلبه به عنوان معلم ابتدایی در راستای تحول اسلامی آموزش است». وی همچنین ادعا کرد که بیش از ۹۵ درصد خانواده‌ها از حضور روحانیون در مدرسه رضایت دارند.

استاندارد سازی سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی هستند». پیشتر و در خردادماه امسال مدیرکل نوسازی مدارس استان تهران با ارائه آمار جدیدی از وضعیت مدارس پایتخت گفت ۳۶ درصد مدارس تهران یا «باید تخریب شوند» یا «نیازمند مقاوم‌سازی» هستند. او گفته وضعیت کمبود

استفاده از نیروهای بازنشسته نیز امکان‌پذیر نخواهد بود.

از سوی دیگر به دلایل مختلف اقتصادی همچون بالا بودن هزینه مسکن در کلانشهرها از جمله تهران، مشاغل معلمی برای مردان به شدت با کاهش استقبال مواجه شده به نحوی



دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش با بیان اینکه طلبه‌ها آمار بزهکاری در مدارس را کاهش داده‌اند تأکید کرده بود «چرا ما نباید از طلاب متخصص بدون هزینه در آموزش و پرورش استفاده کنیم؟!» همچنین در راستای تبلیغ و ترویج نماز و نمازخوانی در مدارس، رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش نماز را «مهمترین رکن آموزش و پرورش» دانسته و گفته بود «۲۰ هزار دانش آموز اذان گو تربیت و بیش از ۱ میلیون مترمربع سجاده تولید کرده‌ایم!»

در همین حال رضامراد صحرایی دی‌ماه گذشته در گفتگو با وبسایت خبری «جماران» گفته بود: «تأمین بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار مترمربع سجاده، گسترش طرح ایجاد ۹ هزار مسجد و نیز طرح ساخت هفت هزار و ۲۸۰ نمازخانه در سطح مدارس و مراکز آموزشی از مهم‌ترین اقدامات آموزش و پرورش در سال تحصیلی جاری است.» او همچنین بر لزوم حضور «روحانیت» در مدارس تأکید کرده و گفته بود که «خوشبختانه پردیس معلم در قم آغاز به کار کرده است و جذب مربیان پرورشی در دستور کار است.»

وزیر آموزش و پرورش در سفر خود به قم و در دیدار با آیت‌الله نوری همدانی از مراجع تقلید این شهر در ارتباط با جذب طلاب در مدارس، اعلام کرده بود که ۲۵ هزار نفر از طلاب جذب آموزش و پرورش شدند.

وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی در سال تحصیلی ۱۴۰۲ با معرفی طرحی با عنوان «امین» اعلام کرد که قرار است «طلاب داوطلب» از «حوزه علمیه» و «جامعه الزهرا» پس از استخدام در آموزش و پرورش در مدارس حاضر شوند و به آموزش «معارف اسلامی» و پاسخ به «شبهات دینی» دانش‌آموزان بپردازند.

مدرسه در چهار منطقه تهران «حاد» است. بر اساس توضیحات عباس زارع «در استان تهران ۵۶۲۹ مدرسه دولتی و ۵۹۴۰۰ کلاس درس داریم که ۱۳/۸ درصد کلاس‌های موجود نیازمند تخریب و بازسازی هستند و عمدتاً در شهر تهران در مناطق ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۹، ۶، ۸ و ۹ و در شهرستان‌های تهران در شهریار، شهرری، دماوند و پاکدشت قرار دارند.»

مدیرکل نوسازی مدارس استان تهران افزوده که «۱۳۵۸۵ کلاس درس در استان تهران نیازمند مقاوم‌سازی هستند یعنی در مجموع ۲۲/۸ درصد کلاس‌های موجود نیازمند مقاوم‌سازی هستند.»

او همچنین درباره کمبود کلاس درس در این استان گفته «سرانه فضای آموزشی در استان تهران ۴/۷۴ مترمربع است و در ۴ منطقه ۱۵، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ سرانه از این مقدار هم پایین‌تر است، ۱۳۴ مدرسه ۱۵ کلاسه در شهر تهران و ۶۹۵ مدرسه ۱۵ کلاسه در شهرستان‌های استان تهران نیاز داریم و در مجموع به ۸۲۹ مدرسه ۱۵ کلاسه برای رسیدن به سرانه متوسط ۴/۷۴ متر مربع با اعتبار ۲۴ هزار و ۸۷۰ میلیارد تومان نیاز داریم.»

به گفته عباس زارع، برای بازسازی ۸ هزار کلاس و احداث ۵۵۰ مدرسه، هر یک با ۱۵ کلاس، رقمی معادل ۵۰ هزار میلیارد تومان بودجه نیاز است.

نایمن بودن کلاس‌های درس، کمبود سرانه آموزشی در سطح کشور و کمبود آموزگار طی سال‌های گذشته به بحران‌های مهم آموزش و پرورش تبدیل شده اما وزارت آموزش و پرورش بجای تمرکز بر حل این مشکلات به دنبال تدوین و اجرای طرح‌هایی برای شستشوی مغزی دانش‌آموزان و پیشبرد اهداف ایدئولوژیک حکومت است. دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش

که در آزمون استخدامی سال ۱۴۰۲ در تهران ظرفیت پذیرش مردان ۱۵۷۸ نفر بوده که به دلیل عدم استقبال، تعداد ۱۳۵۴ نفر، یعنی معادل ۸۶ درصد از این تعداد، حتی در مرحله تکمیل ظرفیت هم پر نشده است. در کل کشور نیز در سال ۱۴۰۲ از بیش از ۵۷ هزار مجوز، بیش از ۱۰ هزار مجوز خالی باقی مانده است.

بابک نگاهداری در بخش دیگری از سخنانش به کمبود فضای آموزشی و وجود هزاران کلاس درس نایمن اشاره کرده و گفته «یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و کمبودهای آموزش و پرورش که در واقع بستری برای تمامی فرایندهای آموزشی و پرورشی است، فضاهای فیزیکی آموزشی است. در موارد متعددی نظام آموزش و پرورش با کمبود شدید در این حوزه مواجه است که تأثیر مستقیمی بر کیفیت و عدالت آموزشی خواهد گذاشت.»

به گفته رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی سرانه متوسط فضای آموزشی کل کشور ۵/۲۸ متر مربع است این در حالیست که سرانه استاندارد فضای آموزشی ۸/۵ متر مربع است و یازده استان یعنی ۳۳ درصد مناطق آموزشی نیز زیر متوسط سرانه فضای آموزشی قرار دارند.

او مسئله دیگر را استحکام فضای‌های آموزشی برشمرد و عنوان کرده است: «حدود ۱۰۴ هزار کلاس درس در کشور، معادل ۱۹/۲ درصد از کل کلاس‌های نظام آموزش و پرورش، نیازمند تخریب و بازسازی یا مقاوم‌سازی هستند. کردستان با ۲۸/۷ درصد، آذربایجان شرقی با ۳۸/۶ درصد و تهران با ۲۸/۱ درصد سه استانی هستند که بیشترین کلاس‌های نامن را دارند.» بابک نگاهداری در زمینه چالش سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی مدارس، توضیح داده که «بر اساس آمارهای سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور بر اساس پیمایش‌های انجام شده در سال ۱۴۰۲، ۷۹ هزار کلاس نیازمند

اخراج عامل جمهوری اسلامی از فرانسه؛ استقبال حمید نوری از بشیر بی آزار در فرودگاه «خمینی»



استقبال کم از بی آزار مورد انتقاد شماری از اکانت‌های ارزشی قرار گرفته است

اخراج باقر اردشیر لاریجانی از کانادا

وی در اوج خیزش ضدحکومتی ۱۴۰۱ از ایران به کانادا بازگشته بود!



باقر اردشیر لاریجانی

● طبق بیانیه دولت کانادا که پنجشنبه چهارم ژوئیه صادر شد، باقر اردشیر لاریجانی ۶۲ ساله که در شهریور ۱۳۹۶ به همراه همسر (فاطمه حسن‌زاده آملی) و پسرش (ادریس) وارد کانادا شد و اقامات دائم دریافت کرده بود، باید خاک کانادا را ترک کند. او به عنوان یک «نیروی متخصص» از کانادا اقامت دائم گرفته بود اما اغلب اوقات در ایران زندگی می‌کرد.

● بر اساس گزارش منابع کانادایی، با اینکه باقر لاریجانی اقامت آن کشور را داشت اما بیشتر اوقات را در ایران زندگی کرده و تا مهرماه ۱۴۰۱ تنها ۲۵۸ روز در کانادا اقامت داشته است.

● مقامات اداره مهاجرت کانادا، در پی آخرین مراجعت او به کانادا در ۲۳ مهرماه ۱۴۰۱ (همزمان با اوج اعتراضات ضدحکومتی سال ۱۴۰۱) تنها ۱۲ روز پیش از انقضای کارت اقامت دائم وی، به او اعلام کردند به دلیل اینکه در مدت ۵ سال پیش از آن، دست کم ۷۳۰ روز در کانادا اقامت نداشته، اجازه اقامت او لغو شده و باید کانادا را ترک کند.

● به گفته اداره مهاجرت کانادا، لاریجانی همچنین ادعا کرده پسر او قادر به سفر به ایران نیست زیرا در صورت بازگشت به ایران باید به «خدمت سربازی» برود!

دولت کانادا حکم باقر اردشیر لاریجانی مقام پیشین وزارت بهداشت جمهوری اسلامی و برادر علی و صادق لاریجانی را صادر کرد.

طبق بیانیه دولت کانادا که پنجشنبه چهارم ژوئیه (۱۴ تیرماه) صادر شد، باقر اردشیر لاریجانی، ۶۲ ساله که در شهریور ۱۳۹۶ به همراه همسر (فاطمه حسن‌زاده) ←

خبرگزاری «ایسنا» در تیتري غيرواقعي «اخراج» را «آزادی» قلمداد کرده و در واکنش به اخراج عامل جمهوری اسلامی از فرانسه نوشت «بشیر بی آزار آزاد شد».

خبرگزاری «تسنیم» روز ۱۸ خرداد گزارش داد، «بشیر بی آزار به دلیل فعالیت‌های ضدصهیونیستی که در شبکه‌های اجتماعی دارد بازداشت شده است. این فعال رسانه‌ای با انتشار مطالب مختلفی بر افشاکاری علیه رسانه‌های صهیونیستی فارسی‌زبان نیز اقدامات مؤثری کرده است.»

بی آزار مدتی در لندن نیز زندگی کرده است. او در همان دوران با رسانه‌های حکومتی از جمله خبرگزاری «تسنیم» به عنوان دبیر وقت انجمن اسلامی دانشجویان مقیم لندن مصاحبه کرده بود که از تشکلهای مورد حمایت جمهوری اسلامی به شمار می‌رود.

بی آزار در یکی از مصاحبه‌های خود با «تسنیم» گفته بود، «پس از گرفتن مدرک کارشناسی علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبایی و کارشناسی ارشد در رشته روابط بین‌الملل از دانشگاه حیدرآباد هند به لندن رفتم. آنجا در دانشگاه کینگستون، رشته فیلم‌سازی شروع به تحصیل کردم و بعد از انتخابات سال ۸۸ وارد انجمن اسلامی شدم.»

مرتضی سیمپاری که از وی به عنوان «کارشناس مسائل حقوق بشر» نام برده می‌شود در دفاع از بی آزار به «شبکه خبر» گفته بود، «بشیر بی آزار یک فعال رسانه‌ای ساده است که با کمترین میزان امکانات، با یک گوشی تلفن همراه ساده به مسئله جنایت اعتراض می‌کند. اما در طرف دیگر امانوئل ماکرون قرار گرفته که به صورت علنی اعلام می‌کند به رژیم صهیونیستی ارادت دارد. ماکرون همین چند وقت قبل که به مناطق اشغالی سفر کرده بود به مسئولان صهیونیستی اعلام می‌کند که ما اجازه نمی‌دهیم که شما تنها بمانید.»

همچنین بی آزار در «ایکس» چندین مطلب با مضامین ضدیهودی و ضداسرائیلی پست کرده است. وی به ایرانی‌هایی که از مرگ ابراهیم رئیسی شادمانی کرده بودند توهین و یا مطالب کسانی را که علیه اسرائیل و یا مخالفان جمهوری اسلامی موضع گرفته‌اند باز نشر می‌کرد.

بی آزار در همین دوره‌ای که ظاهراً در زندان بود به نفع سعید جلیلی در «سیرک انتخابات» تبلیغ می‌کرده است.

● بشیر بی آزار از مدیران پیشین صداوسیما جمهوری اسلامی که حکم اخراج از فرانسه گرفته بود بامداد پنجشنبه ۱۴ تیرماه به تهران بازگشت.

● بی آزار مدیر پیشین اداره موسیقی و سرود صداوسیما جمهوری اسلامی با «اتهامات امنیتی» ۱۴ خردادماه در شهر دیژون فرانسه بازداشت شد. وی تا روز اخراج در بازداشت بود و مراحل اداری اخراج وی طی می‌شد.

● محمد مهدی رحیمی مدیر روابط عمومی دفتر ریاست جمهوری با اعلام این موضوع در شبکه ایکس، توئیتر سابق، نوشت آقای بی آزار در راه ایران است.

● بی آزار در همین دوره‌ای که ظاهراً در زندان بود به نفع سعید جلیلی در «سیرک انتخابات» تبلیغ می‌کرد.

بشیر بی آزار از مدیران پیشین صداوسیما جمهوری اسلامی که حکم اخراج از فرانسه گرفته بود، بامداد پنجشنبه چهارم ژوئیه (۱۴ تیرماه) به تهران بازگشت.

بی آزار مدیر پیشین اداره موسیقی و سرود صداوسیما جمهوری اسلامی با «اتهامات امنیتی» ۱۴ خردادماه در شهر دیژون فرانسه بازداشت شد. وی تا روز اخراج در بازداشت بود و مراحل اداری اخراج وی طی می‌شد.

محمد مهدی رحیمی مدیر روابط عمومی دفتر ریاست جمهوری با اعلام این موضوع در شبکه ایکس نوشت «آقای بی آزار در راه ایران است.»

این در حالیست که سازمان حقوق بشری «عدالت برای ایران» از تنظیم شکایت در دادگستری فرانسه علیه بشیر بی آزار به اتهام شکنجه و نقض حقوق بشر خبر داده بود.

شیرین اردکانی وکیل دادگستری به خبرگزاری فرانسه گفته بود که «نشانه‌های جدی» مبنی بر اینکه بی آزار شخصاً در ضبط مصاحبه‌های اعترافات اجباری با زندانیان ایرانی و خارجی دست داشته، وجود دارد. در مقابل اما وکیل بشیر بی آزار بازداشت و اخراج برنامه‌ریزی شده او را سیاسی خوانده بود.

یکی از کسانی که در فرودگاه تهران به استقبال بی آزار رفت حمید نوری بود. وی ۲۶ خرداد با دو شهروند سوئدی که توسط جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده بودند مبادله شد.

پیام سفارت لهستان در تهران به پناهجویان: سرویس‌های امنیتی بلاروس و روسیه از شما سوء استفاده می‌کنند



تجمع پناهجویان در مرز بلاروس با لهستان

مرزبانی و نهادهای اطلاعاتی اروپایی، کشورهای روسیه، بلاروس و جمهوری اسلامی را متهم می‌کنند که به صورت سازماندهی شده ده‌ها پناهجو را از راه‌های مختلف به مرزهای اروپا گسیل می‌کنند تا از آن به عنوان ابزار فشار علیه اروپا استفاده کنند.

تعداد زیادی از پناهجویانی که برای رسیدن به اروپا مسیر بلاروس به لهستان و سپس آلمان را انتخاب می‌کنند ایرانی هستند. قاچاقچیان در ازای دریافت مبالغ هنگفت از بلاروس پناهجویان را به سمت مرزهای اروپای لهستان و آلمان می‌رسانند هرچند در طول مسیر در موارد متعدد آنها پول را به جیب زدن و پناهجویان را در عمق جنگل یا یک دهکده دورافتاده به حال خود رها کردند.

سازمان «Egala» که به پناهجویان کمک می‌کند، روز جمعه ۲۱ ژوئن (اول تیرماه) گزارش داد یک زن ۳۵ ساله ایرانی در مرز لهستان با بلاروس هدف گلوله قرار گرفته است. این زن به بیمارستان منتقل شد و زنده ماند.

اتحادیه اروپا برنامه‌های گسترده‌ای برای مقابله با موج‌های سازماندهی شده پناهجویان دارد که به نظر می‌رسد با قدرت گرفتن احزاب راستگرا بطور جدی اجرا شوند.

لهستان و اتحادیه اروپا دولت الکساندر لوکاشنکو رئیس جمهور دیکتاتور بلاروس را متهم به سازماندهی این موج مهاجرت برای انتقام از تحریم‌های اروپا علیه آن کشور می‌کنند.

موراویتسکی نخست‌وزیر لهستان پیش از این گفته بود «ما با یک بحران سیاسی روبرو هستیم که هدف ایجادکنندگان آن، همزمان بی‌ثبات کردن لهستان و لیتوانی و همچنین کشورهای اروپای غربی و کل اتحادیه اروپا است. به این ترتیب ما با تروریسم دولتی از سوی بلاروس مواجهیم.»

● موج پناهجویان در اروپای شرقی به ویژه در مرز لهستان و آلمان، هر دو کشور را مجبور به اجرای تمهیدات جدید برای مقابله با ورود غیرقانونی پناهجویانی کرده که قاچاقی با چراغ سبز دولتی‌هایی مثل روسیه، بلاروس و جمهوری اسلامی به اروپا گسیل شده‌اند.

● سفارت لهستان در تهران روز پنجشنبه چهارم ژوئیه (۱۴ تیرماه) در پیامی خطاب به آنهاپی که قصد ورود غیرقانونی به اروپا دارند، اعلام کرد «اجازه ندهید که سرویس‌های امنیتی بلاروس و روسیه از شما سوء استفاده کنند.»

● در این پیام تأکید شده، «افرادی که می‌گویند عبور از مرز لهستان و بلاروس آسان است، شما را فریب می‌دهند. کسانی که می‌گویند با دریافت پول شما را از مرز لهستان و بلاروس به اروپا می‌برند، دارند پول‌تان را می‌دزدند.»

موج پناهجویان در اروپای شرقی به ویژه در مرز لهستان و آلمان، هر دو کشور را مجبور به اجرای تمهیدات جدید برای مقابله با ورود غیرقانونی پناهجویانی کرده که قاچاقی با چراغ سبز دولتی‌هایی مثل روسیه، بلاروس و جمهوری اسلامی به اروپا گسیل شده‌اند.

سفارت لهستان در تهران روز پنجشنبه چهارم ژوئیه (۱۴ تیرماه) در پیامی خطاب به آنهاپی که قصد ورود غیرقانونی به اروپا دارند، اعلام کرد «اجازه ندهید که سرویس‌های امنیتی بلاروس و روسیه از شما سوء استفاده کنند.»

در این پیام تأکید شده، «افرادی که می‌گویند عبور از مرز لهستان و بلاروس آسان است، شما را فریب می‌دهند. کسانی که می‌گویند با دریافت پول شما را از مرز لهستان و بلاروس به اروپا می‌برند، دارند پول‌تان را می‌دزدند.»

➔ (آملی) و پسرش (ادریس) وارد کانادا شد و اقامت دائم دریافت کرده بود، باید خاک کانادا را ترک کند. او به عنوان یک «نیروی متخصص» از کانادا اقامت دائم گرفته بود اما اغلب اوقات در ایران زندگی می‌کرد. بر اساس گزارش منابع کانادایی، با اینکه باقر لاریجانی اقامت آن کشور را داشت اما بیشتر اوقات را در ایران زندگی کرده و تا مهرماه ۱۴۰۱ تنها ۲۵۸ روز در کانادا اقامت داشته است.

مقامات اداره مهاجرت کانادا، در پی آخرین مراجعت او به کانادا در ۲۳ مهرماه ۱۴۰۱ (همزمان با اوج اعتراضات ضدحکومتی سال ۱۴۰۱) تنها ۱۲ روز پیش از انقضای کارت اقامت دائم وی، به او اعلام کردند به دلیل اینکه در مدت ۵ سال پیش از آن، دست‌کم ۷۳۰ روز در کانادا اقامت نداشته، اجازه اقامت او لغو شده و باید کانادا را ترک کند.

لاریجانی در دایره تجدید نظر اداره مهاجرت کانادا ثبت شکایت کرد. وی مدعی شد به دلیل پرستاری از مادر پیرش در ایران نمی‌توانست در کانادا اقامت کند و خواستار تجدید نظر در حکم لغو اقامت و اخراج از این کشور شده است. این معاون پیشین وزارت بهداشت جمهوری اسلامی ایران در ادامه گفته لغو اقامت او موجب شده او از پسرش دور شده و سختی دوری از عزیزانش بر او سخت خواهد گذشت.

باقر لاریجانی که دو برادرش در مقاطع طولانی رئیس انتصابی قوه قضائیه و رئیس مجلس شورای اسلامی بوده‌اند در درخواست خود همچنین مدعی شده به خاطر شغل دولتی که در دانشگاه تهران داشته، جرات نکرده داشتن اقامت دائم کانادا را به دانشگاه تهران یا دولت جمهوری اسلامی اعلام کند.

باقر لاریجانی در سوابق خود به عنوان معاون فرهنگی و حقوقی، آموزشی، درمان و دارو فعالیت داشته و مدتی نیز رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد لاریجانی دی‌ماه ۱۳۹۸ از سمت معاونت وزارت بهداشت استعفا داده است.

اداره مهاجرت کانادا همچنین اعلام کرد، هرچند لاریجانی از طریق معاملات مستغلات در کانادا کسب درآمد می‌کند اما منبع اولیه درآمد او در ایران است و از این طریق به تکمیل تحصیلات پسر خود در رشته داروسازی در کانادا کمک کرده است.

لاریجانی صاحب دو ملک در کانادا، از جمله یک ملک مسکونی است که اعضای خانواده او در آن زندگی می‌کنند. این سند افزوده لاریجانی «به نفع پسرش و احتمالاً برای استقرار خود و همسرش در کانادا سرمایه‌گذاری کرده است». بر اساس مدرک اداره مهاجرت کانادا، پسر باقر لاریجانی اکنون شهروند این کشور است و همسر او نیز تقاضای خود برای اخذ شهروندی این کشور را ارائه داده است. دختر او هم از اقامت دائم کانادا برخوردار است اما هم‌اکنون در آمریکا زندگی می‌کند.

به گفته اداره مهاجرت کانادا، لاریجانی همچنین ادعا کرده پسر او قادر به سفر به ایران نیست زیرا در صورت بازگشت به ایران باید به «خدمت سربازی» برود!

گفتنی است که هرچند اخراج باقر لاریجانی از کانادا، به دلیل نقض قوانین مهاجرتی این کشور از سوی او صورت گرفته است اما دولت کانادا اخیراً روند برخورد با آندسته از مقامات و عوامل جمهوری اسلامی را که در این کشور حضور دارند، شدت بخشیده است.

در همین چارچوب، رسانه‌های کانادایی تأیید کردند دولت کانادا از ۱۳ تیر روند اخراج پنج نفر از عوامل جمهوری اسلامی را آغاز کرده است.

ادامه اعتصاب سراسری هزاران کارگر پیمانی صنعت نفت سکوت معنادار مقامات درباره حقوق صنفی کارگران



ساختمان اداری بانک ملی در تهران جمع کردند. این کارگران که حدود ۴ ماه است اخراج شده‌اند، می‌گویند: یک ماه است که در تهران پیگیر کارمان هستیم، اما پاسخ درستی به ما نداده و علت اخراج را هم نگفته‌اند. آنها می‌گویند: «با اینکه ۴ ماه حقوق دریافت نکرده‌ایم، بیمه تأمین اجتماعی و خدمات درمانی‌مان متوقف شده است و برای تأمین معیشت خانواده مشکل داریم. ضمن اینکه مجبوریم برای پیگیری وضعیت‌مان در تهران بمانیم.» در این گزارش آمده است، «حدود ۲۸ کارگر گروه ملی فولاد اهواز در پی تجمع بابت مطالبه‌ی اجرای درست طرح طبقه‌بندی مشاغل، از محل کار خود اخراج شده‌اند.»

کارگران کارخانه «سدیم کاوه» فیروزآباد نیز روز گذشته دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. دستمزدهای ناچیز و عقب افتادن پرداخت حقوق‌ها از دلایل اعتصاب این کارگران است. آنها در هفته‌های گذشته نیز چند بار اعتصاب کردند.

مالباختگان شرکت «ریگان‌خودرو» نیز امروز سه‌شنبه ۱۲ تیرماه مقابل مجتمع ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

امروز همچنین ده‌ها تن از بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی به همراه شماری از آموزگاران بازنشسته و بازنشستگان دولت در مقابل فرمانداری کرمانشاه تجمع کردند.

در روزهای گذشته نامزدهای انتخابات چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی وعده‌هایی کلی و شعارگونه در حوزه اقتصاد دادند. نه تنها مردم به ویژه اقشار کم‌درآمد خام هیچیک از این وعده‌ها نشدند بلکه بازارهای طلا و ارز و بورس نیز پس از اعلام نتایج دور نخست تمایز انتخابات واکنش نشان دادند. قیمت‌ها در بازار طلا و ارز افزایش یافت و بازار بورس نیز با ریزش روبرو شد.

است. به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت یکی از مشکلات مهم این کارگران تغییر عنوان کاری آنها از کارگر حرفه‌ای به کارگر ساده هنگام پرداخت حق بیمه از سوی پیمانکاران است.

همچنین در اغلب شرکت‌های پیمانکاری طرح طبقه‌بندی مشاغل اجرا نمی‌شود و رتبه یا گروهی در سلسله مراتب کاری برای آنان در نظر گرفته نمی‌شود. پیمانکاران برای پرداخت حداقل بیمه کارگران متخصص را هم کارگر ساده معرفی می‌کنند این مسئله باعث شده است که کارگران در دوران بازنشستگی حداقل حقوق و رقم مستمری پایینی دریافت کنند.

در روزهای گذشته با وجود جوّ تمایز انتخاباتی در ایران، شمار زیادی تجمعات صنفی نیز برگزار شده است. جمهوری اسلامی حتی توان ساماندهی حقوق صنفی را در حدی نداشته که در روزهای انتخابات ریاست جمهوری اسلامی شهرهای مختلف کشور صحنه تجمعات اعتراضی نباشد!

روز گذشته، دوشنبه یازدهم تیرماه، بازنشستگان مخابرات به اعتراضات هفتگی خود که بیش از یکسال است هر دوشنبه برگزار می‌کنند ادامه دادند. بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف از جمله بیجار، مریوان، سنندج، تبریز، ارومیه و بندرعباس در مقابل ساختمان شرکت مخابرات تجمع اعتراضی برگزار کردند.

اجرای آئین‌نامه ۸۹/۲۴، اجرای عادلانه‌ی همسان‌سازی حقوق، اجرای تبصره یک ماده ۲۱ قانون خدمات کشوری و تبصره ۲ ماده ۳۳ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، پرداخت رفاهیات و رفع مشکلات مربوط به بیمه تکمیلی و کاهش سهم بازنشستگان از مبلغ بیمه تکمیلی، از خواست‌های این بازنشستگان عنوان شده است.

همزمان در روز دوشنبه تعدادی از کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به حکم اخراج خود در مقابل

● در روزهای گذشته با وجود جوّ فحاشی انتخاباتی در ایران، شمار زیادی تجمعات صنفی نیز برگزار شده است. جمهوری اسلامی حتی توان ساماندهی حقوق صنفی را در حدی نداشته که در روزهای انتخابات ریاست جمهوری اسلامی شهرهای مختلف کشور صحنه تجمعات اعتراضی نباشد!

● اعتصاب بیش از ۲۲ هزار کارگر پیمانی صنعت نفت و پتروشیمی امروز سه‌شنبه ۱۲ تیر وارد سیزدهمین روز شده و در ۱۱۸ شرکت پیمانکاری در استان‌های مختلف ادامه یافته است.

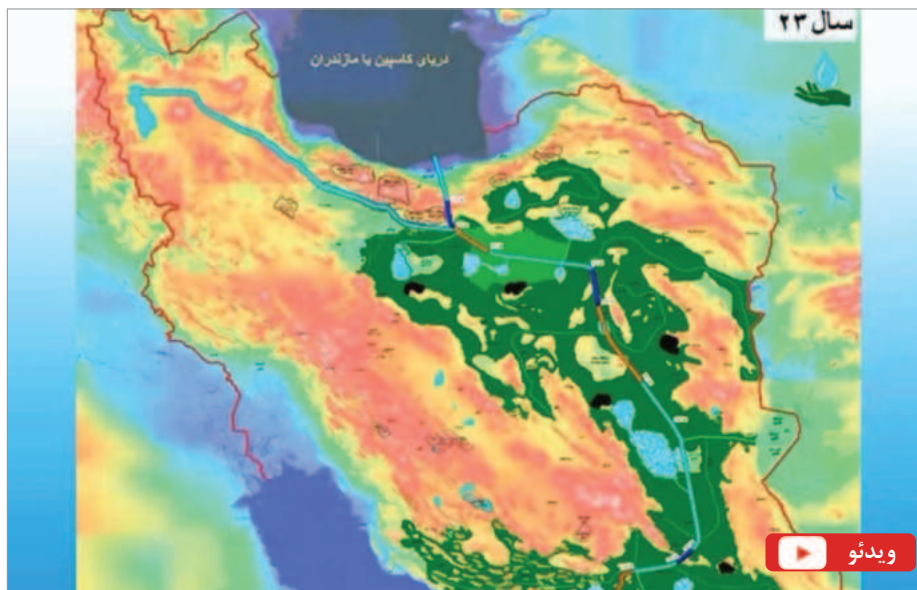
● روز گذشته بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف از جمله بیجار، مریوان، سنندج، تبریز، ارومیه و بندرعباس در مقابل ساختمان شرکت مخابرات تجمع اعتراضی برگزار کردند.

● تعدادی از کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به حکم اخراج خود در مقابل ساختمان اداری بانک ملی در تهران تجمع کردند.

فعالان کارگری صنعت نفت از تداوم اعتصاب سراسری بیش از ۲۲ هزار کارگر شاغل در شرکت‌های پیمانکاری صنعت نفت خبر داده و گفته‌اند اعتصابات به ۱۱۸ شرکت گسترش یافته است.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت گزارش داده که اعتصاب کارگران پیمانی صنعت نفت و پتروشیمی امروز سه‌شنبه ۱۲ تیر وارد سیزدهمین روز شده و در ۱۱۸ شرکت پیمانکاری در استان‌های مختلف ادامه یافته است. شمار کارگران اعتصاب‌کننده نیز به بیش از ۲۲ هزار تن رسیده است.

افزایش ۳۵ درصدی دستمزدها با توجه به نرخ تورم ۴۵ درصدی، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت، رعایت موارد ایمنی‌زا و حذف پیمانکاران عمده‌ترین خواسته این کارگران



سمینار بحران آب در ایران و راهکارهای برون رفت در لندن برگزار شد

دومین سمینار «پروژه امید ایران» با موضوع بحران آب در ایران دوم تیر در یکی از سال‌های دانشگاه وست‌مینستر لندن با شرکت کارشناسانی از چندین کشور که برخی به صورت مجازی حضور پیدا کردند، برگزار شد. این کارشناسان تلاش کردند به هفت پرسشی که شاهزاده رضا پهلوی چندی پیش در رابطه با بحران آب در ایران و راهکارهای برون رفت از این بحران با توجه به محیط زیست و تامین غذا و آب برای شهروندان مطرح کرده بود پاسخ دهند. احمد رأفت در در گزارشی از این سمینار با دو تن از سخنرانان، شروین محبی و مرداویج زبیری که هر دو کارشناس عمران هستند، گفتگو کرده است.



اتحاد سرخ؛ اعلان جنگ به جهان؟

کره شمالی یا جمهوری دموکراتیک خلق کره را می‌توان یکی از چند کشور متخاصم جهان برشمرد. کشوری که زرادخانه بزرگ هسته‌ای دارد و همواره در حال تهدید همسایگان خود است و علاوه بر آن تهدیدی بالقوه برای جهان غرب نیز محسوب می‌شود. «جمهوری دموکراتیک» خلق کره برخلاف نامش نمونه یک دیکتاتوری تمام‌عیار است.

در ۱۹۴۵ پس از آنکه ژاپن به عنوان متحد شرقی ارتش نازی تسلیم متفقین شد و جنگ جهانی دوم پایان یافت، شبه‌جزیره کره که یکی از الحاقات امپراتوری ژاپن بود به دو منطقه تقسیم شد. بخش جنوبی به اشغال نیروهای آمریکا در آمد. بخش شمالی اما توسط اتحاد جماهیر شوروی اشغال شد.



معمای ناپدید شدن چینی‌ها در اکوادور

مقامات اکوادور متوجه شده‌اند حدود ۵۰ درصد اتباع چین که در ماه‌های اخیر به آن کشور سفر کرده‌اند، اکوادور را ترک نکرده‌اند. سی‌ان‌ان می‌گوید بر اساس داده‌های مؤسسه ملی آمار ۴۸۳۸۱ نفر با ملیت چینی در ۲۰۲۳ وارد اکوادور شده‌اند که از این تعداد تنها ۲۴۲۴۰ نفر از آن کشور خارج شده‌اند.

چین و اکوادور از اوت ۲۰۱۶ توافقنامه معافیت ویزا برای اتباع دو کشور را اجرایی کرده‌اند، اما حالا به نظر می‌رسد این توافق به عامل ناپدید شدن چینی‌ها در اکوادور تبدیل شده است. معمایی که ریشه‌های آن را باید در چین جستجو کرد. جمعیت چین در ژانویه ۲۰۲۴ حدود ۱ میلیارد و ۴۳۰ میلیون نفر تخمین زده شده که داده‌ها نشان می‌دهد تعداد چینی‌ها بین اوایل ۲۰۲۳ تا آغاز ۲۰۲۴ حدود ۳۵۶ هزار نفر کاهش یافته است. چین کشوری تک حزبی است و توسط حزب کمونیست اداره می‌شود.

هشدارها درباره افزایش ابتلا به تب دنگی در ایران احتمال همه‌گیری در شهریور و مهر امسال



بیماری دنگی در تهران وجود ندارد.

دکتر حسین فرشیدی معاون بهداشت وزارت بهداشت نیز روز سه‌شنبه ۱۲ تیرماه درباره اقدامات این وزارتخانه درباره شیوع تب دنگی در کشور گفته بود تمام معاونت‌های وزارت بهداشت برای مبارزه با پشه آندس درگیر هستند.

او در همین حال تأکید کرده بود که سهم وزارت بهداشت برای مبارزه با پشه آندس حدود ۲۰ درصد است و تمام ارگان‌ها و سازمان‌ها باید وزارت بهداشت را در این زمینه یاری کنند. پشه آندس منتقل‌کننده ویروس عفونی دنگی (دانگ)، زیکا و چیکونگونیاست و آب زیر گلدان‌ها، نخاله‌های ساختمانی، سطل‌های زباله خالی نشده، هر گونه آب راکد، لاستیک‌های بلا استفاده و... مهمترین محل رشد او به شمار می‌رود.

حسین فرشیدی معاون بهداشت وزارت بهداشت گفته «این احتمال وجود دارد که برخی بیماران دارای علائم نباشند. من بر این باور هستم بخشی از افرادی که به کشورهای خارجی سفر می‌کنند احتمال دارد به بیماری تب دنگ مبتلا شوند در حالی که هیچ علائمی ندارند.»

به گفته این مقام مسئول در وزارت بهداشت، این پشه برای اولین بار در سال ۹۸ در شهرستان بندرلنگه استان هرمزگان شناسایی شد و اقدامات برای جلوگیری از گسترش زیست‌بوم این پشه در کشور از همان زمان آغاز شد.

توضیحات مقامات وزارت بهداشت نشان می‌دهد منشاء این بیماری صرفاً کشور دوبی نیست و در شهرهای جنوبی ایران از جمله بندرلنگه نیز پشه آندس وجود دارد.

گزارش‌هایی نیز از مشاهده پشه ناقل بیماری (پشه آندس) در شش استان ایران شامل هرمزگان، بوشهر، سیستان و بلوچستان، مازندران، گیلان و گلستان وجود دارد.

عدم اطلاع‌رسانی کامل و تناقض در آمارهای ابتلا این نگرانی را ایجاد می‌کنند که جمهوری اسلامی در روندی مشابه شیوع کرونا در کشور، آمار واقعی ابتلا را پنهان و مردم را در جریان وجود پشه آندس در شهرهای مختلف قرار نمی‌دهد. چنین موضوعی می‌تواند خطر اپیدمی این بیماری را افزایش دهد.

مرگ آن از کووید کمتر است. این بیماری می‌تواند بیمار را برای چند ماه خانه‌نشین کند. سه مورد مرگ ناشی از تب دنگ در کشور به ثبت رسیده است.»

صداوسیما جمهوری اسلامی نیز در یک برنامه تلویزیونی هشدار داده که شیب تند افزایش آمار ابتلا به این بیماری نشان می‌دهد در صورتیکه وضعیت به همین شکل پیش برود، در ماه‌های شهریور و مهر امسال تب دنگی به یک بیماری همه‌گیر تبدیل شود. همچنین در شرایطی که بیشتر اعلام شده بود موارد ابتلا فقط در استان‌های جنوبی ایران هستند، اما اکنون این بیماری به استان‌های مرکزی کشور رسیده است. پژوهشگران عفونی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان اعلام کرده که سه فرد غیر بومی مبتلا به تب دنگی در استان اصفهان شناسایی شدند و درمان شدند. او افزوده که سه فرد مبتلا به این بیماری امارات و پاکستان و استان‌های جنوبی کشور بودند. پیام طبرسی عضو هیأت علمی دانشگاه «بهشتی» و متخصص بیماری‌های عفونی دو روز پیش اعلام کرده بود که در حال حاضر درمانی برای تب دنگی وجود ندارد و داروها تنها برای تسکین درد تجویز می‌شوند.

او با اشاره به اینکه تب دنگی یک بیماری ویروسی است که از طریق گزش پشه‌های آلوده به ویروس دنگی به انسان منتقل می‌شود، گفته بود «علائم آن شامل تب بالا، دردهای شدید عضلانی و مفصلی، سردرد، راش پوستی، و در برخی موارد حالت تهوع و استفراغ است.»

عضو هیئت علمی دانشگاه «بهشتی» با اشاره به اینکه این بیماری معمولاً در کشورهای شرق آسیا شیوع پیدا می‌کند، توضیح داده که «بارندگی‌های شدیدی که اخیراً در دوبی اتفاق افتاد و ماندن آب در سطح محلات این منطقه، سبب انتشار پشه آندس و بیماری تب دنگی در آن کشور شد و به دنبال این موضوع تعداد زیادی از مسافران ایرانی که در دوبی بسر می‌برند نیز به این بیماری دچار شدند.»

پیام طبرسی گفته تا کنون گزارش‌های در مناطق گرمسیری و نیمه گرمسیری شمال و جنوب کشور همچون بندرعباس، بوشهر، هرمزگان ثبت شده است اما گزارشی از شیوع

● آمارهای مبهم وزارت بهداشت از ابتلای دست‌کم ۱۳۸ نفر به این بیماری و همچنین درگذشت حداقل سه بیمار بر اثر ابتلا به این بیماری حکایت دارد.

● در شرایطی که بیشتر اعلام شده بود موارد ابتلا فقط در استان‌های جنوبی ایران هستند، اما اکنون این بیماری به استان‌های مرکزی کشور رسیده است.

● توضیحات مقامات وزارت بهداشت نشان می‌دهد منشاء این بیماری صرفاً کشور دوبی نیست و در شهرهای جنوبی ایران از جمله بندرلنگه نیز پشه آندس وجود دارد.

● عدم اطلاع‌رسانی کامل و تناقض در آمارهای ابتلا این نگرانی را ایجاد می‌کنند که جمهوری اسلامی در روندی مشابه شیوع کرونا، آمار واقعی ابتلا را پنهان و مردم را در جریان وجود پشه آندس در شهرهای مختلف قرار نمی‌دهد.

در روزهای گذشته تب دنگی در چند استان ایران گسترش یافته و آمارهای رسمی از ابتلای صدها نفر به این بیماری خبر می‌دهند. صداوسیما جمهوری اسلامی در یک برنامه با اشاره به فراز تند افزایش آمار ابتلا به این بیماری از احتمال همه‌گیری آن در شهریور و مهر امسال خبر داده است.

در حالی که از نیمه دوم بهار امسال موارد محدودی ابتلا به تب دنگی در ایران گزارش شده بود اما اکنون آمار ابتلا به این بیماری افزایش یافته و هشدارهایی را در پی داشته است. آمارهای ارائه شده از سوی مقامات وزارت بهداشت درباره

ابتلا و مرگ ناشی از این بیماری متناقض است. در آخرین گزارش درباره آمار رسمی ابتلا به این بیماری اعلام شده ۱۲۲ مبتلا در شهرهای مختلف شناسایی شده‌اند. هر چند اکثر موارد ابتلا در استان‌های جنوبی ایران بوده اما موارد ابتلا به استان‌های مرکزی کشور از جمله اصفهان نیز رسیده است.

بهنام عرشی رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت از شناسایی ۱۲۲ بیمار مبتلا به تب دنگی در کشور خبر داده که اکثر آنها سابقه سفر به کشور امارات را داشته‌اند و ۳ مورد از بیماران هم سابقه سفر به کشورهای پاکستان، عمان و بنین (غرب آفریقا) را داشته‌اند.

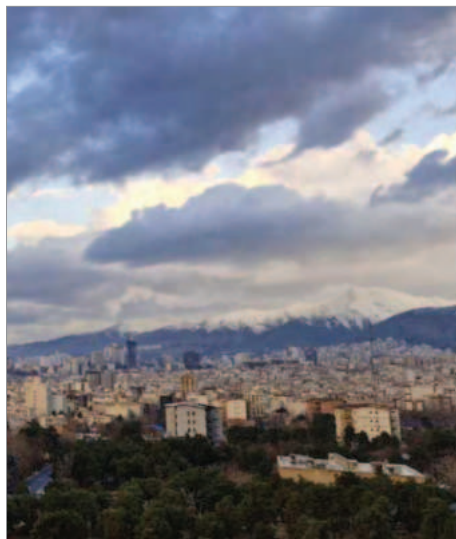
موارد مثبت وارده از خارج کشور هم عمدتاً در استان فارس از سوی دانشگاه‌های علوم پزشکی گراش، لار، جهرم و شیراز و باقی موارد در دانشگاه‌های هرمزگان، خراسان رضوی، بوشهر، چابهار، زاهدان، تهران، گیلان، قم، قزوین تشخیص داده شده‌اند. بیشتر و در خردادماه امسال وزارت بهداشت از ابتدای سال ۱۴۰۳ تا کنون بالغ بر ۹۰ مورد مثبت تب دنگی تا تاریخ ۲۶ خردادماه تشخیص داده شده است و بیشتر موارد تشخیص داده شده در خارج کشور به این بیماری مبتلا شده‌اند. همچنین در این بازه زمانی سه گزارش فوت بیماران مبتلا به این بیماری نیز گزارش شده بود.

حسین فرشیدی معاون بهداشت وزارت بهداشت نیز گفته از ۲۶ اردیبهشت تا به امروز، ۱۳۸ نفر به تب دنگی مبتلا شده‌اند که از این تعداد فقط ۷ نفر در داخل مبتلا و مابقی وارداتی هستند. از پاکستان چهار مورد و بنین و عمان هرکدام یک مورد و امارات نیز ۱۲۵ مورد ابتلا به کشور وارد شده‌اند.

حسین فرشیدی گفته تا اوایل خرداد ماه، هیچ مورد انتقال داخلی نداشته‌ایم. در این بازه زمانی نیز یک نفر به دلیل ابتلا به تب دنگی فوت کرده است.

دکتر حسین فرشیدی درباره میزان مرگ و میر این بیماری گفت: «مرگ و میر ناشی از ابتلا به تب دنگ کم است و

قطع سریالی درختان پایتخت به محدوده یک پادگان رسید گودبرداری در محلی که قرار بود با حفظ درختان فضای سبز شود!



تصویری از دیروز و امروز پایگاه ۰۶ تهران!



فنس‌ها جمع آوری و نسبت به احیای درختان اقدام شده، اما قاعدتا این درختان دیگر قابل رشد نخواهند بود.»

آبان‌ماه ۱۴۰۲ نیز وبسایت سلامت‌نیوز از قطع شدن تعدادی از درختان مجموعه سعدآباد تهران خبر داد و نوشت که این درختان به‌نظر زنده و سرسبز بودند.

مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران نیز امرداد ۱۴۰۲ به قطع درختان در بوستان منطقه یک تهران اعتراض کرده و گفته بود: «قدرت پول، درختان بوستان را قلع و قمع کرد و پلیس هم نتوانست کاری بکند.»

نقی عزیزی معاون فنی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان تهران اردیبهشت امسال قطع ۱۶ هزار درخت را تأیید اما ادعا کرده بود که خشکی و آفت‌زدگی را عامل قطع درختان بوده است.

نقی عزیزی افزوده بود که «درختان با چالش‌هایی مانند کاهش بارش و آب‌چاه‌ها، افزایش گرما و آلودگی هوا مواجه بوده‌اند. این درختان زمانی کاشته شدند که همه چاه‌ها و رودخانه‌های تهران پر آب بودند. پایتخت به این وسعت نبود و مشکل آب آشامیدنی وجود نداشت.»

معاون فنی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان تهران با بیان اینکه درختان این پارک‌ها در حال حاضر حدود ۵۰ سال سن دارند، گفت: «دیرزیستی» عامل مهمی در ضعیف شدن درخت است و زمانی که با کم‌آبی، افزایش گرما و آلودگی هوا همراه شود، مستعد آفت‌زدگی می‌شود.

آنچه از گزارش‌ها مشخص است از شهریور ۱۴۰۰ که علیرضا زاکانی به عنوان شهردار تهران آغاز به کار کرده، قطع درختان در پایتخت برای تغییر کاربری بوستان‌ها و فضای سبزها و ساخت و ساز مجتمع‌های تجاری، جاده، رستوران، گالری، پارکینگ به عنوان امتیازی برای «خودی»‌ها در نظر گرفته شده است.

از جمله ظرفیت گردشگری، به زودی اتفاق خواهد افتاد.»

همچنین شورای اسلامی شهر تهران نیز اعلام کرده «در مورد این پادگان در دوره قبل توافق شد، اما به دلایلی این توافق متوقف شد و ما در خصوص آخرین وضعیت و تصمیمات این پادگان اطلاعی نداریم و باید تعیین تکلیف شود.»

سال‌هاست گزارش‌هایی از قطع درختان پایتخت منتشر می‌شود اما در ماه‌های گذشته قطع سریالی درختان در مناطق مختلف پایتخت رو به افزایش بوده است.

دو سال پیش و در امرداد ۱۴۰۱ ناصر امانی عضو شورای اسلامی شهر تهران درباره «اپیدمی شدن» قطع درختان پایتخت هشدار داده و گفته بود که باید برای جلوگیری از آن کاری صورت گیرد.

ناصر امانی بدون نام بردن از دانشگاه «الزهر» (مدرسه عالی دختران) که چندی پیش بدون کسب اجازه از شهرداری تهران اقدام به قطع درختان محوطه «ده ونک» کرد، نسبت به خشکاندن درختان توسط «یک نهاد دانشگاهی» اعتراض و آن را «غیرقابل پذیرش» توصیف کرد.

محمدعلی مختاری مدیر عامل سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران پیش از این هرگونه «سریالی‌بودن» قطع یا خشکاندن عمدی درختان در پایتخت را رد کرده بود.

قطع درختان در تهران یکی از کانال‌های کسب درآمد شهرداری تهران است. شهرداری به جای اقدامات پیشگیرانه در مورد قطع درختان، پس از قطع آنها وارد عمل شده و با صدور جریمه کسب درآمد می‌کند. این روند از سال‌ها پیش درباره ساخت ساختمان‌های بلند گزارش شده بود. در ماه‌های گذشته اما قطع درختان سرعت گرفته بطوریکه ناصر امانی بهمن‌ماه سال گذشته خبر داد مدیر یکی از مجموعه‌های وابسته به ستاد اجرایی فرمان امام هفته گذشته ۶۰ درخت را در بوستان افاقای تهران را قطع کرده است.

به گفته ناصر امانی بخشی از بوستان در مالکیت ستاد اجرایی فرمان امام است و با کشیدن فنس اقدام به قطع یا از ریشه درآوردن این درختان شده بود.

او افزوده بود: «هرچند پس از اطلاع شهرداری منطقه،

هر چند مسئولان شهرداری در ابتدا آفت و خشک شدن درختان را علت قطع آنها عنوان کرده بودند اما تعداد بالای درختان قطع شده در مناطق مختلف پایتخت این ادعا را زیر سوال می‌برد.

از شهریور ۱۴۰۰ که علیرضا زاکانی به عنوان شهردار تهران آغاز به کار کرده، قطع درختان در پایتخت برای تغییر کاربری بوستان‌ها و فضای سبزها و ساخت و ساز مجتمع‌های تجاری، جاده، رستوران، گالری، پارکینگ به عنوان امتیازی برای «خودی»‌ها در نظر گرفته شده است.

در آخرین مورد از قطع سریالی درختان در شهر تهران، درختان پادگان ۰۶ به صورت شبانه قطع شده و در محلی که قرار بود تبدیل به فضای سبز شود، دیگر تک و توک درختی دیده می‌شود و گودبرداری نیز آغاز شده است.

در ماه‌های گذشته گزارش‌های مختلفی از قطع سازمانیافته درختان پایتخت منتشر شده است. هرچند مسئولان شهرداری در ابتدا آفت و خشک شدن درختان را علت قطع آنها عنوان کرده بودند اما تعداد بالای درختان قطع شده در مناطق مختلف پایتخت این ادعا را زیر سوال می‌برد.

در آخرین نمونه وبسایت «خبرآنلاین» از «درخت‌کشی» در محدوده یکی از پادگان‌های تهران خبر داده است. بر اساس این گزارش درختان پادگان ۰۶ تهران را شبانه قطع کرده و در دو محوطه نیز گودبرداری شده است.

«خبرآنلاین» نوشته یکی از همسایگان پادگان ۰۶، با ارسال تصویری از این منطقه گفته «درختان پادگان را شبانه قطع کرده‌اند و همچنین بدون اینکه کامیونی خاک از پادگان خارج کنند، در دو محوطه گودبرداری کرده‌اند. قطع شدن درختان کم بود، حالا باید گرد و خاکی را که در منطقه ایجاد کرده‌اند هم تحمل کنیم.»

او گفته از خاک محدوده گودبرداری شده، تپه بزرگی درست کرده‌اند که با هر وزش باد، به کانون گرد و غبار تبدیل می‌شود. هیچ اطلاع‌رسانی و توضیحی هم در اینباره به ساکنان و همسایگان این محدوده ارائه نشده است.

پادگان مرکز آموزش ۰۶ در شمال شرق شهر تهران در نزدیکی خیابان «پاسداران» (سلطنت‌آباد) و بزرگراه «صیاد شیرازی» (اتوبان نیاوران) قرار داشت و در سال ۱۳۹۳ به همراه ستاد و تمامی امکانات موجود به ابتدای شهر لوسان منتقل شد.

معاون شهرسازی و معماری شهرداری منطقه ۴ در سال ۱۳۹۹ اعلام کرد که بر اساس مصوبات «شورای عالی شهرسازی و معماری» محل سابق این پادگان، با مساحت بیش از ۵۰ هزار هکتار و درختان صدساله‌ی نسبتاً بلند، در قالب یک بوستان در اختیار مردم قرار خواهد گرفت و فضای سبز این منطقه حفظ خواهد شد.

اکنون وبسایت «خبرآنلاین» با انتشار خبر قطع درختان این منطقه نوشته با وجود توافقات صورت‌گرفته و تصمیمات اتخاذشده در خصوص جغرافیای پادگان ۰۶ تهران، سرنوشت این منطقه همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

علیرضا زاکانی شهردار تهران در آخرین بازدید خود از این پادگان، با بیان اینکه تعیین زمان عملیاتی‌شدن این تفاهم دشوار است، گفته بود: «نگاه کلی به پادگان ۰۶ این است که با توجه به ارزش‌های میراثی آن، کل واحد به صورت یکپارچه حفظ و صیانت شود. اجرا و عملیاتی‌کردن این تفاهم در جهت رفاه و آسایش و بالا بردن ظرفیت‌های شهر،

وضعیت بحرانی آبخوان‌های ایران سرنوشت دریاچه ارومیه در انتظار تالاب انزلی!



حمیدرضا فتح‌شیرین قایقران و مدیرعامل اتحادیه قایقرانان شهرستان انزلی گفته در ساختارهای مدیریتی، بدون تجربه تصمیمات نادرستی می‌گیرند و تمام فاضلاب را بدون مدیریت وارد تالاب انزلی می‌کنند: «قرار بود پلهایی در مسیر کمربندی انزلی در عرض سه سال ساخته شود، اما خیری از آن نیست. سفره قشر بزرگی از قایقرانان و کسانی که صیادی و شکار می‌کنند و از این تالاب روزی می‌گیرند، خالی شده است.»

او می‌گوید، تمام فاضلاب استان راهی تالاب شده است و بخش زیادی از مشکلات آن مربوط به تصمیماتی است که در سطح استان گرفته می‌شود و برای حل آن از مردم محلی کمک نمی‌گیرند: «بعضی از مسئولان عالی‌رتبه استانی در روزهای اول کاری تصمیم به کمک می‌گیرند، اما واقعیت را از زبان مردم نمی‌شنوند. همین رویه باعث کندشدن روند احیای تالاب شده است. درخواست ما این است که اجازه دهند خود مردم و ذی‌نفعان تالاب انزلی، آن را احیا کنند. ما همین زباله‌ها و گل‌ولای را برمی‌داریم، فقط آنها دخالتی نکنند؛ چون ورودشان به این موضوع باعث شده محیط زیست، آبزیان، ماهیان و پرندگان تالاب از بین برود و کسب‌وکار محلی‌های اطراف تالاب آسیب ببیند.»

در حال حاضر تالاب انزلی از ۹۹ مجرا شاهد ورود فاضلاب است و با رسوبات لایروبی‌نشده هم تهدید می‌شود. این تالاب بیش از ۲۴ هزار هکتار مساحت دارد که قسمتی از آن به پیربازار و زرجوب می‌خورد و بخشی از فاضلاب آن از مرکز استان وارد آن می‌شود. فتح‌شیرین می‌گوید، این قسمت آلوده است و ماهی و جاندار دیگری در آن وجود ندارد و هر زمانی که باران می‌بارد، فاضلاب به سمت دریا حرکت می‌کند: «کشاورزان از همین آب که فاضلاب وارد آن شده، برای آبیاری محصولاتشان استفاده می‌کنند و همین محصول توسط مردم مصرف می‌شود. نتیجه آن را در بیمارستان‌ها می‌بینید که سرطان‌ها روزبه‌روز بیشتر می‌شود. فاضلاب به

واقع شده‌اند.» طرح‌هایی از جمله پروژه تغذیه مصنوعی در حالی از سوی مسئولان مطرح هستند و غالباً هنوز اجرایی نشده یا به اهداف خود دست نیافته که در مجموع وضعیت ذخایر آب‌های زیرزمینی ایران به شدت بحرانی است. یکی از عوارض این بحران را می‌توان در خشک شدن رودخانه‌ها، تالاب‌ها و دریاچه‌ها مشاهده کرد. در همین رابطه کارشناسان می‌گویند با توجه به اینکه عمق تالاب هامون کم و تبخیر آن زیاد است، باید سالانه یک تا سه میلیارد مترمکعب آب وارد این تالاب شود تا حجم آن ثابت بماند.

غلامعلی شهرکی نماینده زابل در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» با اشاره عدم اختصاص حقایق هامون از سوی افغانستان گفته «حدود سه تا چهار میلیارد مترمکعب آب وارد شوره‌زار «گودزره» در افغانستان می‌شود اما بیشترین حجم آبی که از افغانستان وارد ایران شده حدود ۳۰۰ میلیون مترمکعب است.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده که «ظرفیت آبی که در ماه از سد کمال خان خارج می‌شود اصلاً قابل قبول نیست و حتی اگر تمام دریاچه‌های این سد باز باشند، بیش از ۸۰ متر مکعب در ثانیه» آب به ایران نمی‌رسد.»

بحران کمبود آب فقط مختص جنوب کشور نیست و در شمال ایران نیز تالاب انزلی با وضعیت بحرانی روبروست. روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی به کاهش سطح آب در تالاب انزلی پرداخته و نوشته این تالاب سال‌هاست به عنوان یکی از منحصر به فردترین پهنه‌های آبی ایران مورد هجوم فاضلاب، رسوبات و تهدید کاهش سطح آب دریا قرار گرفته است. این گزارش به نقل از یکی از صیادان این تالاب نوشته «ما دیگر در کل تالاب عمقی به اندازه دو متر نداریم. اگر به سرعت دستور لایروبی را صادر نکنند، تالاب از بین می‌رود و مردم حاشیه آن را درگیر می‌کنند؛ چون ریزگردهایی که بعد به دلیل خشکی تالاب ایجاد می‌شود در نهایت باعث کوچ آنها می‌شود.»

● مدیرکل دفتر کنترل سیلاب و آبخوان‌داری سازمان منابع طبیعی گفته در حال حاضر حدود ۱۴۰ میلیارد مترمکعب کسری آبخوان‌های کشور است.

● کارشناسان می‌گویند با توجه به اینکه عمق تالاب هامون کم و تبخیر آن زیاد است، باید سالانه یک تا سه میلیارد مترمکعب آب وارد این تالاب شود تا حجم آن ثابت بماند.

● یکی از صیادان تالاب انزلی: دیگر در کل تالاب عمقی به اندازه دو متر نداریم. اگر به سرعت دستور لایروبی را صادر نکنند، تالاب از بین می‌رود و مردم حاشیه آن را درگیر می‌کنند؛ چون ریزگردهایی که بعد به دلیل خشکی تالاب ایجاد می‌شود در نهایت باعث کوچ آنها می‌شود.

مدیرکل دفتر کنترل سیلاب و آبخوان‌داری سازمان منابع طبیعی از کسری ۱۴۰ میلیارد مترمکعبی آبخوان‌های کشور خبر داده است. محمد فرامرزی مدیرکل دفتر کنترل سیلاب و آبخوان‌داری سازمان منابع طبیعی گفته در حال حاضر حدود ۱۴۰ میلیارد مترمکعب کسری آبخوان‌های کشور است و افزوده که «هر هکتار اجرای پروژه‌های تغذیه مصنوعی، هزار مترمکعب رواناب را به منابع آب زیرزمینی تزریق می‌کند، هر چقدر سطح عملیات بیشتر باشد، میزان تغذیه منابع آب زیرزمینی افزایش می‌یابد.»

مدیرکل دفتر کنترل سیلاب و آبخوان‌داری سازمان منابع طبیعی توضیح داده که «رواناب در کشور بیشتر سیلابی است و به دریا می‌ریزد یا وارد کویر می‌شود و بدین ترتیب از دسترس خارج می‌شود، اما اگر بتوانیم بخشی از رواناب را کنترل و به زیرزمین منتقل کنیم، به تغذیه منابع آب زیرزمینی کمک کرده‌ایم.»

او با اشاره به اینکه سطح عرصه‌های مناسب پخش سیلاب حدود چهار میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار تعیین شده است، افزوده که «این عرصه‌ها بیشتر در مناطق کویری جنوب و جنوب شرق و در استان‌های کرمان، خوزستان، یزد، اصفهان، فارس، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان مستعد

پایگاه‌های نظامی آمریکا در اروپا به حالت «آماده باش» در آمدند؛ «وقوع حملات تروریستی محتمل است»

سطح بالاتر افزایش یافته است. سی‌ان‌ان روز یکشنبه ۳۱ ژوئن (دهم تیرماه) با اعلام این خبر به نقل از یک مقام آمریکایی نوشت، «این سطح تهدید حداقل در ۱۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است.» بر اساس این گزارش، پایگاه‌ها و پادگان‌های ارتش آمریکا در اشتوتگارت آلمان جایی که ستاد فرماندهی اروپایی آمریکا در آن مستقر است، روز یکشنبه سطح هشدار خود را به وضعیت «چارلی» رساندند. این در حالیست که مسابقات جام ملت‌های اروپا در شهرهای مختلف آلمان در حال برگزاری است و اشتوتگارت در جنوب آلمان یکی از شهرهای میزبان این رقابت‌هاست.

طبق اعلام ارتش ایالات متحده، وضعیت «چارلی» زمانی اعمال می‌شود که حادثه‌ای رخ می‌دهد یا اطلاعاتی دریافت می‌شود که نشان می‌دهد نوعی اقدام تروریستی یا هدف قرار دادن پرسنل یا تأسیسات محتمل است.

مشخص نیست که چه اطلاعاتی باعث افزایش امنیت شده، اما مقامات اروپایی نسبت به یک تهدید تروریستی بالقوه در این قاره هشدار داده‌اند، به ویژه قبل از المپیک پاریس در ماه ژوئیه و در جریان مسابقات فعلی فوتبال جام اروپا در آلمان. دولت آلمان ۵۸۰ افسر پلیس بین‌المللی را برای کمک به امنیت در کنار افسران آلمانی به کار گرفته است.

بیانیه سنتکام

در همین ارتباط، وزارت دفاع ایالات متحده (پنتاگون) با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد، «به دلیل احتمال وقوع حمله

● به گفته دو مقام آمریکایی، در پی نگرانی‌های ناشی از تهدیدات تروریستی چندین پایگاه نظامی آمریکا در اروپا در حالت آماده‌باش بالا قرار گرفتند. به گفته آنها، سطح حفاظت از نیروها به دلیل نگرانی از اقدامات تروریستی به سطح بالاتر افزایش یافته است.

● سی‌ان‌ان با اعلام این خبر به نقل از یک مقام آمریکایی نوشت، «این سطح تهدید حداقل در ۱۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است.»

● پنتاگون در بیانیه‌ای اعلام کرد، «بنا به دلایل امنیتی،



پایگاه‌های آمریکایی در اروپا اصلی‌ترین مقرهای ناتو در سراسر دنیا هستند / عکس: رویترز

تروریستی، برای اطمینان از ایمنی اعضای نظامیان مان، سطح آماده‌باش چند پایگاه نظامی آمریکا در اروپا را افزایش دادیم.» در این بیانیه تأکید شده است: «فرماندهی اروپایی ایالات متحده آمریکا (USEUCOM) همیشه عوامل مختلفی را که بر امنیت نظامیان آمریکایی در خارج کشور تأثیر می‌گذارد بررسی می‌کند و به عنوان بخشی از این تلاش، چنین تدابیری اتخاذ شده است.»

پنتاگون توضیح داد، «بنا به دلایل امنیتی، اقدامات خاصی انجام نخواهیم داد، اما محتاط خواهیم بود. فرماندهی اروپایی ایالات متحده آمریکا به کادر خود توصیه می‌کند همیشه هوشیار باشند.»

گفته می‌شود علاوه بر آلمان، پایگاه‌های نظامی آمریکا در بلغارستان، ایتالیا و رومانی در حالت آماده‌باش «چارلی» هستند.

اقدامات خاصی انجام نخواهیم داد، اما محتاط خواهیم بود. فرماندهی اروپایی ایالات متحده آمریکا به کادر خود توصیه می‌کند همیشه هوشیار باشند.»

● گفته می‌شود پایگاه‌های نظامی آمریکا در بلغارستان، ایتالیا، رومانی و آلمان در حالت آماده‌باش «چارلی» هستند.

● طبق اعلام ارتش ایالات متحده، وضعیت «چارلی» زمانی اعمال می‌شود که حادثه‌ای رخ می‌دهد یا اطلاعاتی دریافت می‌شود که نشان می‌دهد نوعی اقدام تروریستی یا هدف قرار دادن پرسنل یا تأسیسات محتمل است.

به گفته دو مقام آمریکایی، در پی نگرانی‌های ناشی از تهدیدات تروریستی چندین پایگاه نظامی آمریکا در اروپا در حالت آماده‌باش بالا قرار گرفتند. به گفته آنها، سطح حفاظت از نیروها به دلیل نگرانی از اقدامات تروریستی به

بخش دیگری از تالاب کمتر وارد می‌شود، اما مشکل دیگر سازه‌های مهندسی نشده است که باعث شده رسوبات بالادست که از کوه‌ها می‌آیند، به تالاب برمی‌گردد و حالا عمق آن به یک تا یک‌ونیم متر رسیده است.»

علیرضا میرزاجانی عضو پژوهشکده آبروی پروری آب‌های داخلی کشور درباره آخرین وضعیت اکوسیستم تالاب انزلی به «هم‌میهن» می‌گوید: «در حال حاضر بخش زیادی از دگرگونی‌های منفی مشاهده شده در تالاب انزلی با کاهش گستره آبی آن مرتبط است که در نهایت کارکردهای مورد انتظار از مناطق تالابی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. جدای از نامشخص بودن حقایق تالاب، گستره تالاب انزلی بیشتر تحت‌تأثیر نوسانات تراز آبی دریای کاسپین قرار دارد. کاهش وسعت آبی تالاب و عمق آن بر اثر کاهش مداوم سطح آب دریای کاسپین از سال ۱۳۰۸ تا سال ۱۳۵۶ مشهود بوده است. تراز آب دریا در این دوره حدود سه‌متر پایین رفت و وسعت آبی تالاب از حدود ۴۰۰ کیلومتر مربع به کمتر از ۱۰۰ کیلومتر مربع و عمق آن از حدود ۸ تا ۱۱ متر به میزان دو متر کاهش یافت.» پژوهشی که از سوی محققان ایرانی دانشگاه‌های «تهران» و «علم و صنعت» درباره آینده این تالاب انجام شده و وضعیت آن را در سال‌های آینده با دو سناریوی خوش‌بینانه و بدبینانه بررسی کرده است. یکی از این سناریوها، ثابت ماندن سطح آب دریای خزر است که با حساب تغییرات اقلیمی و دخالت‌های انسانی، پیش‌بینی کرده است که این تالاب با وجود این شرایط تا پایان قرن حاضر میلادی به یک تالاب فصلی تبدیل خواهد شد. پژوهشگران این مقاله می‌گویند، این شرایط غیرواقعی است و کاهش سطح آب دریای خزر همچنان اتفاق می‌افتد و به‌همین دلیل خوش‌بینانه مطرح می‌شود. در سناریوی دوم نیز تغییرات تراز آب دریای خزر در نظر گرفته شده و به این ترتیب پیش‌بینی می‌شود بین سال‌های ۲۰۵۰ تا ۲۰۶۰ تالاب، فصلی خواهد شد و خشک می‌شود.

نتایج این پژوهش که در وبسایت «ای‌اواس» وابسته به اتحادیه ژئوفیزیک آمریکا منتشر شده نشان می‌دهد با گسترش تغییرات اقلیمی در جهان، تالاب‌ها در برخی از کشورها با سرعت بیشتری در حال خشک شدن هستند. در فهرست ارائه شده در وبسایت «ای‌اواس» ایران پس از یونان، با از دست دادن ۱۴ درصد از مساحت تالاب‌های خود بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸، در رتبه دوم قرار دارد. کارشناسان این پژوهش، تالاب انزلی را «گوهر اکولوژیک ایران» خوانده و نوشته‌اند با در نظر گرفتن شاخص‌های مختلفی از جمله تغییرات آب و هوایی، یا عوامل طبیعی و انسانی، آینده تالاب انزلی را در دهه‌های آینده ترسیم کردند. در این پژوهش پیش‌بینی می‌شود که سطح آب دریای خزر ۴ تا ۱۰ متر کاهش یابد.

این گزارش از احتمال خشکی کامل و نابودی تالاب انزلی طی ۳۵ سال و تا سال ۲۰۶۰ (۱۴۳۸) خبر داده و نوشته این تالاب دست‌کم تا پایان قرن حاضر به یک بستر آب فصلی تبدیل خواهد شد.

در بخشی از این گزارش با تأکید بر اینکه «نابودی این تالاب علاوه بر فاجعه محیط زیستی، بر اکولوژی و اقتصاد منطقه نیز تأثیر منفی خواهد داشت» آمده که حفظ تالاب انزلی، برنامه‌ریزی و اقدامات جدی در حوزه مدیریت آب و کشاورزی نیاز دارد تا رسوبات و آلاینده‌های کمتری ایجاد شود و این «گوهر اکولوژیک ایران» به حیات خود ادامه دهد.

در این گزارش تأکید شده که تالاب انزلی در شمال ایران، مکانی است که ۹ رودخانه اصلی به دریای خزر می‌رسند. این تالاب، از بزرگترین تالاب‌های آب شیرین جهان محسوب می‌شود که دارای دست‌کم ۱۵۰ گونه از پرندگان ساکن و مهاجر است.

احسان حدادی مدال آور ولایتمدار رئیس فدراسیون دوومیدانی شد

احسان حدادی قهرمان پیشین پرتاب دیسک ایران و آسیا که در صف ورزشکاران «ولایتمدار» طرفدار نظام قرارداد، روز دوشنبه ۱۱ تیرماه با ۴۰ رأی در مجمع انتخاباتی فدراسیون دو و میدانی، برای چهار سال به عنوان رئیس این فدراسیون انتخاب شد. حدادی آذرماه ۱۴۰۲ در دیدار با علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، از او خواسته بود که مسئولان به جوانان بها بدهند. این ورزشکار بهمین ۱۳۹۳ مدال مسابقات آسیایی خود را تقدیم حسن روحانی کرده بود.

حضور اجباری ارتشی‌ها و خانواده‌های آنان در «سیرک انتخابات» هشتم تیرماه

منابع رسانه‌ای ارتش جمهوری اسلامی درباره «سیرک انتخابات» هشتم تیرماه گزارشی منتشر کرده‌اند که تأیید می‌کند حضور پرسنل نظامی و خانواده‌های آنها در انتخابات اجباری بوده است.

در این ویدیو که صبح انتخابات در حین رأی‌گیری ضبط شده، سرهنگ سیدعلی نباتی از تیپ ۴۰ متحرک هجومی سراب و اردبیل می‌گوید، «کلیه کارکنان پایور به همراه خانواده‌هایشان و سربازان وظیفه به صورت صد درصدی در این انتخابات شرکت خواهند کرد!»

اینکه فرمانده در حین برگزاری انتخابات از کجا می‌داند که «صد درصد پرسنل و خانواده‌هایشان» پای صندوق رأی می‌آیند فقط گوشه‌ای از «سیرک انتخابات» جمهوری اسلامی است.

جلوگیری از تدفین شهروند بهایی اهل کاشان در آرامستان بهائیان تهران!

به گزارش خبرگزاری «هرانا»، با وجود داشتن مجوز دفن، از دفن نصرت‌الله احسانی شهروند بهایی اهل کاشان در



آرامستان بهائیان تهران (گلستان جاوید) جلوگیری شده و پیکر وی به سردخانه منتقل شده است!
جمهوری اسلامی نه تنها ایرانیان بهائی را مجبور می‌کند که خود را مسلمان معرفی کنند و از اعتقادات خود دست بکشند و مانع تحصیل و کار و کسب آنها می‌شود بلکه حتا از به خاک سپردن درگذشتگان آنان در آرامستان‌های خودشان جلوگیری می‌کند.

بازداشت یک رپر ایرانی به دلیل اجرایی درباره دختر محمداقرا قالیباف

وحید نعمتی رپر ایرانی که روزهای گذشته اجرایی درباره مصاحبه اخیر دختر قالیباف منتشر کرده بود بازداشت تمام مطالب صفحه اینستاگرام این خواننده رپ حذف و تنها یک مطلب در دسترس است که در آن نوشته شده: «حسب دستور مقام محترم قضایی این صفحه به علت انتشار محتوای مجرمانه مسدود شد.»

سر به دار می‌دهیم، تن به ذلت می‌دهیم

اردوان مفید هنرمند و شاهنامه‌خوان ساکن آمریکا در یک پیام ویدیویی که ۱۱ تیرماه در واکنش به «نه» مردم به «سیرک انتخابات» منتشر شد، با شرح روایتی از مبارزات سربداران علیه حمله مغول‌ها به ایران گفت: «درود به ملت ایران که با یک «نه» بزرگ، پشت این حکومت مغول‌صفت، تازی‌منش و جاهل را به خاک آوردید؛ همانگونه که سربداران مغول‌ها را از ایران بیرون کردند. باشد که دست در دست آزادیخواهان ایران، این قوم ایران‌ستیز را از خاک خود بیرون کنیم.»

آذری جهرمی حامی پزشک‌ها:

نخواهیم گذاشت ایران به دست طالبان بیفتد!

محمدجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات در دولت روحانی و کارمند سابق وزارت اطلاعات که در ستاد تبلیغاتی مسعود پزشک‌ها از وی حمایت می‌کند در انتقاد به سعید جلیلی (رقیب پزشک‌ها در دور دوم سیرک انتخابات) روز نهم تیرماه در «ایکس» نوشت، «نخواهیم گذاشت ایران به دست طالبان بیفتد!» به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان درباره «حافظه تاریخی مردم» دچار کج‌فهمی هستند زیرا پای طالبان به ایران به صورت رسمی در دولت حسن روحانی باز شد و هیأت طالبان به سرپرستی ملا عبدالغنی برادر هفتم بهمین ۹۹ به دعوت رسمی جمهوری اسلامی به تهران سفر کرد و محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی از آنها



خواهر مجاهد کورکور: صدای برادرم باشید!

نگار کورکور خواهر مجاهد کورکور که با اتهامات واهی زندانی و به اعدام محکوم شده، در اینستاگرام از ممنوعیت ملاقات و تماس تلفنی برادرش خبر داده و نوشته است که چند هفته است از او خبری ندارند. وی از مخاطبان خواسته تا صدای او باشند.

بیش از هفتاد روز محرومیت از تماس تلفنی با خانواده خالد (کوشان) پیرزاده

خالد پیرزاده زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین بیش از هفتاد روز است که از تماس تلفنی با خانواده خود محروم شده است. این در حالیست که او دوران محکومیت خود را در این زندان سپری می‌کند. پیرزاده پیش از این نیز سابقه محرومیت از تماس تلفنی را داشته است. او در سال ۱۳۹۸ به دلیل ساختن یک تابلونوشته برای جمعی از خانواده‌های دادخواه، از این حق محروم شده بود.

نرگس موسوی: پدر و مادرم موضعی در مورد حمایت از هیچ نامزدی نداشته‌اند

در شرایطی که برای گرم شدن «سیرک انتخابات» از سوی ستادهای انتخاباتی مسعود پزشک‌ها شایعه شد میرحسین موسوی و زهرا رهنورد از رهبران «جنبش سبز» در مرحله دوم رأی خواهند داد، نرگس موسوی روز چهارشنبه ۱۳ تیرماه اعلام کرد خانواده وی چنین تصمیمی ندارند. موسوی و رهنورد در دور اول انتخابات هم از رای دادن امتناع کردند.

استوری پدر آیلار حقی:

برای اینکه شرمنده چشمان دخترم نباشم از هیچ کاندیدایی حمایت نمی‌کنم

پدر آیلار حقی از جانب‌اختگان جنبش ملی روز چهارشنبه ۱۳ تیرماه در یک استوری اعلام کرد، «اینجانب پدر جاویدنام



دکتر آیلار حقی برای اینکه شرمنده چشمان دخترم نباشم از هیچ کاندیدایی حمایت نکرده و نخواهم کرد.»
آیلار دانشجوی پزشکی اهل تبریز بود که ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در شهر تبریز توسط نیروهای جمهوری اسلامی کشته شد. تعدادی از اعضای ستاد مسعود پزشک‌ها در تبریز تلاش کردند از نام خانواده حقی برای تبلیغ حضور در «سیرک انتخابات» سوء استفاده کنند که پدر آیلار به آن واکنش نشان داد.

توماچ به ایتالیایی می خواند!

گروه ایتالیایی راک اِجِنیو (Eugenio) شنبه ۹ تیر ۱۴۰۳ در صفحه اینستاگرام خود اعلام کرد که ترانه‌ای به زبان ایتالیایی در حمایت از توماچ صالحی خوانده که در آن صدای خود را با هوش مصنوعی به صدای توماچ تبدیل کرده‌اند. آنها همراه با انتشار این «ترانه جدید توماچ» نوشتند: «جمهوری اسلامی مانع آواز خواندن توماچ شد اما می‌تواند طنین ایده‌های او را در سراسر جهان متوقف کند.»

در بخشی از این ترانه که به نظر می‌رسد خطاب به شهروندان جوامع باز و از زبان توماچ و جوانانی مانند او خوانده شده آمده است:

حالا چی مونده؟

میتونی به چشم‌ام نگاه کنی؟

دیگه چه اتفاقی باید بیفته؟

واقعا برات مهمه؟

اینهمه تحصیل و دانش و تئوری‌های سیاسی و انتقاد چه فایده‌ای داره وقتی آدم بی‌خطر جلوی [اخبار] تلویزیون لم داده. این برای آرامش وجدان کافی نیست.

برای من گریه نکن بلکه برای عدم حضور خودت اشک بریز! وقتی چراغ‌ها در خیابان خاموش شده‌اند حالا موسیقی را روشن کن.

اکونومیست:

رهبر جمهوری اسلامی از قدرت مردم ایران وحشت‌زده شده!

هفته‌نامه «اکونومیست» در گزارشی با عنوان «رهبر جمهوری اسلامی از قدرت مردم ایران وحشت‌زده شده»، نوشت: «علی‌خامنه‌ای در آستانه دور اول انتخابات ریاست جمهوری، هر رأی در انتخابات را رأی به جمهوری اسلامی دانسته بود اما انتخابات تبدیل به یک آزمون شد و مشارکت پایین مردم، پرسش‌های عمیقی در مورد مشروعیت رو به زوال رژیم ایجاد کرده است.» در بخشی از این گزارش آمده، از ۶۱ میلیون نفر



دگرباشان جنسی حامی «آرمان‌های فلسطین» در رژه «افتخار» تورنتو

در تورنتو ده‌هائفر از دگرباشان جنسی یکشنبه ۳۰ ژوئن (دهم تیرماه) رژه «روز افتخار» را برگزار کردند. در میان آنها شماری عریان، چفیه به سر به دفاع از «آرمان‌های فلسطین» پرداختند.

علیه فراموشی

ریشه‌ها و عملکرد و هدف هر دو نامزد

یک‌یست!

مسعود پزشکیان در سال ۱۳۹۳: حجاب را در

بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها اجباری کردم

مسعود پزشکیان ۶ آذر ۹۳ با افتخار به کارنامه‌ی خود در محدود کردن آزادی‌های اجتماعی و همچنین پاکسازی‌های سیاسی و ایدئولوژیک پرداخته و می‌گوید: «اول انقلاب مسئول پاکسازی بودم؛ هنوز بحث حجاب نشده بود. حجاب را در بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها اجباری کردم. به دادگاه انقلاب گفتم بخشنامه کردم که همه باید روسری و مانتو و لباس آستین‌بلند بپوشید؛ دانشگاه را ما بستیم. انقلاب فرهنگی و بستن دانشگاه‌ها را ما شروع کردیم.»

پایگاه‌های نظامی آمریکا در اروپا به

حالت «آماده‌باش» در آمدند

«وقوع حملات تروریستی محتمل است»

به گفته دو مقام آمریکایی، در پی نگرانی‌های ناشی از تهدیدات تروریستی چندین پایگاه نظامی آمریکا در اروپا در حالت آماده‌باش بالا قرار گرفتند. به گفته آنها، سطح حفاظت از نیروها به دلیل نگرانی از اقدامات تروریستی به سطح بالاتر افزایش یافته است. سی‌ان‌ان با اعلام این خبر به نقل از یک مقام آمریکایی نوشت، «این سطح تهدید حداقل در ۱۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است.» پنتاگون در بیانیه‌ای اعلام کرد، «بنا به دلایل امنیتی، اقدامات خاصی انجام نخواهیم داد، اما محتاط خواهیم بود. فرماندهی اروپایی ایالات متحده آمریکا



یک مرد ایرانی پس از حمله به پلیس در آلمان کشته شد

یک مرد ایرانی که روز یکشنبه با چاقو به سه مأمور پلیس در شهر کوچکی نزدیک نورنبرگ حمله کرده بود، در پی تیراندازی پلیس کشته شد.

اطلاعات بیشتری از هویت این مرد ۳۴ ساله‌ی تبعه‌ی ایران و همچنین علت و انگیزه‌ی وی از این حمله منتشر نشده است. وی ابتدا در ایستگاه قطار به یک ماشین گشت پلیس حمله کرد. وقتی مأموران از ماشین پیاده شدند، او با چاقو به سمت آنان حمله‌ور شد که نیروهای پلیس مجبور به شلیک شدند. در این حمله هیچکدام از مأموران پلیس و شهروندان آسیب ندیدند. در حاشیه مسابقات فوتبال جام ملت‌های اروپا که در آلمان برگزار می‌شود دست‌کم سه مورد حمله با چاقو به مردم و نیروهای پلیس این کشور گزارش شده است.

درگذشت امین همتی، بازیکن جوان

ملوان، بر اثر برق‌گرفتگی

امین همتی، بازیکن جوان و آینده‌دار تیم زیر ۲۱ سال ملوان، بر اثر برق‌گرفتگی جان خود را از دست داد.

باشگاه ملوان شب گذشته با انتشار خبری، درگذشت این بازیکن جوان را تأیید کرد.

کاوه چلمبری فیلمساز اهل انزلی هم با انتشار این خبر نوشت: امین همتی امروز در پادگان حسن رود بندر انزلی به علت برق‌گرفتگی جانش را از دست داد. هنوز اطلاعات بیشتری درباره جزئیات حادثه در دست نیست.

غرق شدن کودک ۵ ساله بلوچ در پی

سقوط به رودخانه

به گزارش «حال‌وش»، روز شنبه ۹ تیرماه ۱۴۰۳ یک کودک ۵ ساله بلوچ به نام سدنا بلوچی (اربابیان) در پی سقوط به قسمت عمیق رودخانه در روستای کروپ واقع در نکهچ از



توابع نیکشهر جان خود را از دست داد. سدنا بلوچی فرزند فاضل و اهل روستای کروپ حوالی ساعت ۸ صبح در حال بازی با تعدادی از کودکان در اطراف رودخانه نزدیک منزلشان بود که ناگهان به درون قسمت عمیق رودخانه سقوط کرد. پس از این حادثه، پیکر بی‌جان او توسط اهالی روستا از عمق رودخانه بیرون کشیده شد.

به کادر خود توصیه می‌کند همیشه هوشیار باشند.» گفته می‌شود پایگاه‌های نظامی آمریکا در بلغارستان، ایتالیا، رومانی و آلمان در حالت آماده‌باش «چارلی» هستند. طبق اعلام ارتش ایالات متحده، وضعیت «چارلی» زمانی اعمال می‌شود که حادثه‌ای رخ می‌دهد یا اطلاعاتی دریافت می‌شود که نشان می‌دهد نوعی اقدام تروریستی یا هدف قرار دادن پرسنل یا تأسیسات محتمل است.



عکس هفته | سیرک انتخابات با انتصاب رئیس دولت حکومت اقلیت به پایان رسید

مسعود پزشکیان همانطور که پس از سقوط مشکوک هلی کوپتر سیدابراهیم رئیسی و وزیر خارجه اش، حسین امیرعبداللہیان، پیش بینی می شد به عنوان رئیس جمهوری اسلامی اقلیتی ناچیز، تازه آنهم با آمارسازی و آرای دروغین از صندوق رژیم بیرون آمد. محمدجواد ظریف وزیر خارجه دو دولت حسن روحانی برای جا انداختن پزشکیان در افکار عمومی داخل و خارج خیلی حرص و جوش خورد و لودگی نیز کرد از جمله گذاشتن دو گوش دراز برای رئیس جمهوری اسلامی پس از شرکت در دومین دور سیرک انتخابات که جمعه ۱۵ تیرماه ۱۴۰۳ برگزار شد. آنهم در حالی که اکثریت قاطع ملت ایران هر دو دور سیرک انتخابات را تحریم کردند.